

# انجیل لوقا

شروع سلطنت  
هیروودیس کبیر  
۳۷ ق.م

تولد عیسی  
۵/۶ ق.م

فرار به مصر  
۴/۵ ق.م

مرگ هیروودیس بازگشت به  
کبیر  
۴ ق.م

عیسای کوچک به  
خانه خدا می رود  
۷/۶ م

عیسای کوچک به  
خانه خدا می رود  
۷/۶ م

## مشخصات انجیل لوقا :

### هدف :

ارائه گزارش دقیقی از زندگی مسیح و معرفی او بعنوان انسان کامل و نجات‌دهنده

### نویسنده :

لوقا، پزشک یونانی (کولسیان ۴:۱۴) و مسیحی غیریهودی بود. او را تنها نویسنده غیریهودی در بین نویسندگان کتب عهدجدید می‌دانند. او دوست نزدیک و همکار پولس بود. او کتاب اعمال را نیز نوشت. لذا این دو کتاب به هم مربوطند.

### گیرندگان :

تئوفیلوس («دوستدار خدا»); غیریهودیان؛ و مردم در همه جا

### تاریخ نگارش :

در حدود ۶۰ م.

### زمینه تاریخی :

لوقا انجیلش را از قیصریه یا روم نوشت.

### آیه مهم :

«عیسی به او فرمود: «این نشان می‌دهد که امروز نجات به اهل این خانه روی آورده است. این مرد، یکی از فرزندان ابراهیم است که گمراه شده بود. من آمده‌ام تا چنین اشخاص را بیابم و نجات بخشم!» (لوقا ۱۹:۱۰ و ۱۱).

### افراد مهم :

عیسی، الیزابت، زکریا، یحیای تعمیددهنده، هیروودیس کبیر، پیلاطوس، مریم مجدلیه



هر تولدی یک معجزه است، و هر طفلی هدیه‌ای است از جانب خدا. اما تقریباً ۲۰ قرن پیش، تولدی فی‌الواقع معجزه‌آسا صورت گرفت؛ پسر خدا بصورت انسان متولد شد. عیسی بواسطه پدر الهی و مادر انسانی وارد تاریخ شد، یعنی خدا در جسم ظاهر گردید.

لوقا الوهیت مسیح را ثابت می‌کند، اما تأکید اصلی کتابش بر نشان دادن انسانیت اوست. او می‌خواهد نشان دهد که عیسی، پسر خدا، پسر انسان نیز هست. او در مقام یک پزشک، اهل علم بود و بعنوان فردی یونانی علاقمند به جزئیات. به این ترتیب، تعجبی ندارد که او کتابش را با اشاره به تحقیقات دقیق خود شروع کرده و توضیح داده باشد که کتابش چیزی جز ذکر واقعیت‌ها نیست (لوقا ۱:۱-۴). بعلاوه، لوقا دوست نزدیک و همسفر پولس بود؛ بنابراین او می‌توانست با سایر شاگردان مصاحبت داشته باشد، به سایر اسناد تاریخی دست پیدا کند، و شاهد عینی بر تأسیس و رشد کلیسای اولیه باشد. انجیل او و کتاب اعمال رسولان، اسناد معتبر و تاریخی هستند.

ماجرای کتاب لوقا با ظاهر شدن فرشته به زکریا و بعد به مریم شروع می‌شود. فرشته خبر تولد پسران ایشان را به آنان می‌دهد. یحیای تعمیددهنده فرزند زکریا و الیزابت بود که می‌بایست راه را برای مسیح آماده کند. مریم نیز بقدرت روح‌القدس آبتن گردید و عیسی، پسر خدا، را بدنیا می‌آورد. مدتی بعد از تولد یحیی، او گوستوس امپراطور فرمان سرشماری را داد و به همین دلیل مریم و یوسف به بیت‌لحم، شهر داود که نیای آنان می‌شد، رفتند. طفل آنجا بدنیا آمد. فرشتگان واقعه مسرت‌بخش تولد عیسی را به چوپانان اعلام کردند و آنها با شتاب بسوی آخوری که عیسی در آن خوابیده بود، رفتند. هشت روز بعد، عیسی ختنه شد و بعد در خانه خدا به خدا تقدیم گشت. در آنجا شمعون و حنا بر نجات‌دهنده بودن عیسی صحه گذاشتند و دریافتند که او مسیح موعودشان می‌باشد.

لوقا بطور مختصر اشاره می‌کند که عیسی ۱۲ ساله در خانه خدا با معلمین شریعت در مورد مسائل دینی گفتگو می‌کند (لوقا ۴۱:۲-۵۲). ماجرای بعدی ۱۸ سال بعد روی می‌دهد، آنجا که می‌خوانیم یحیای تعمیددهنده در بیابان موعظه می‌کند. عیسی قبل از شروع خدمت عمومی‌اش، نزد یحیی رفت تا تعمید بگیرد (لوقا ۳:۱-۳۸). در اینجا، لوقا نسب‌نامه عیسی را از طرف ناپدری‌اش یوسف دنبال می‌کند، و او را از طریق داود و ابراهیم به آدم می‌رساند، و به این ترتیب جای تردید باقی نمی‌گذارد که او پسر انسان است.

عیسی بعد از وسوسه در بیابانهای یهودیه (لوقا ۴:۱-۱۳)، به جلیل بازگشت و شروع به موعظه، تعلیم، و شفا دادن کرد (لوقا ۴:۴ - ۳۸:۲۱) در این مدت، او گروه ۱۲ نفری شاگردان را متشکل ساخت و پطرس، یعقوب، یوحنا (۱۰-۱)، و متی را (۵:۲۷-۲۹)

شروع خدمت	آغاز خدمت	انتخاب	عیسی به	تیبوریوس امپراتور
یحیی	عیسی	۱۲ شاگرد	۵۰۰۰ نفر	می شود
م ۲۶	م ۲۷/۲۶	م ۲۸	خوراک می دهد	م ۱۴
			عیسی	
			م ۳۰	
			م ۲۹	

دعوت کرد. بعد عیسی به شاگردان مأموریت داد و ایشان را فرستاد تا ملکوت خدا را اعلام کنند. وقتی ایشان باز گشتند، او رسالت و هویت واقعی اش را بر آنها آشکار نمود، و معنای شاگردی را برای آنان تشریح کرد (۹: ۱۸-۶۲). رسالت او که نجات جهان بود، او را بطرف اورشلیم می کشاند (۹: ۵۱-۵۳)، که در آنجا او را بازداشت، محاکمه، و مصلوب کردند.

وقتی عیسی صلیبش را بطرف جل جتا حمل می کرد، بعضی از زنان اورشلیم برای او گریه می کردند؛ لیکن عیسی به آنان گفت که برای خود و فرزندانشان گریه کنند (۲۳: ۲۸). اما انجیل لوقا با حزن و غم تمام نمی شود، بلکه با ثبت رویداد هیجان انگیز رستاخیز عیسی از میان مردگان، ظهور او به شاگردان، و وعده او مبنی بر فرستادن روح القدس خاتمه می پذیرد (۲۴: ۱-۵۳). گزارش دقیق زندگی عیسی، پسر انسان و پسر خدا را به قلم زیبای لوقا بخوانید. بعد خدا را بخاطر فرستادن نجات دهنده همه انسانها یعنی خداوند قیام کرده و پیروزمان تمجید کنید.

### محل‌های مهم :

بیت لحم، جلیل، یهودیه، اورشلیم  
جنبه‌های خاص :

این انجیل، جامع ترین انجیل است. کلماتی که در آن بکار گرفته شده، نشان می دهد که نویسنده آن تحصیل کرده بوده است. او اشارات فراوانی به بیماریها و تشخیص بیماریها می کند. لوقا بر روابط عیسی با مردم تکیه می کند؛ بر دعا، معجزات، فرشتگان تأکید می نماید؛ سرودهای الهام شده راثبت می کند؛ و مقام برجسته‌ای به زنان می دهد. اکثر مطالب ۹: ۵۱ تا ۳۵: ۱۸ در سایر انجیل یافت نمی شود.

### تقسیم بندی کلی

الف - تولد و آماده شدن عیسی منجی  
(۱: ۱ - ۱۳: ۴)

عیسی از حالت یک نوزاد که بطور مستقل نمی توانست کاری بکند، درآمد و رشد کرد تا زمانی که کاملاً قادر شد رسالتش را در این جهان به انجام برساند. او انسان کاملی شد، و از هر لحاظ بشکل ما درآمد. با وجود این، همچنان خدای کامل باقی ماند. او برای رسیدن به هدف خود، از هیچ راه میان بری استفاده نکرد و از فشارها و وسوسه های زندگی بر کنار نبود. اگر آماده باشیم که زندگی مان در مسیر خدمت به خدا قرار بگیرد، راه میان بری وجود نخواهد داشت.

عیسی گروههای بزرگی از مردم را تعلیم می داد، بخصوص به کمک حکایات یعنی داستانهایی که در آنها حقایق بزرگی نهفته است. اما این حکایات را فقط کسانی درک می کنند که گوش شنوا دارند. ما باید دعا کنیم که روح خدا به ما کمک کند تا معانی ضمنی این حقایق را برای زندگی خودمان درک کنیم تا به این ترتیب، بتوانیم بیشتر و بیشتر شبیه عیسی شویم.

ب - پیغام و خدمت عیسی منجی  
(۴: ۱۴ - ۲۱: ۳۸)

- ۱- خدمت عیسی در جلیل
- ۲- خدمت عیسی در حین سفر به اورشلیم
- ۳- خدمت عیسی در اورشلیم

ج - مرگ و قیام عیسی منجی  
(۲۲: ۱ تا ۲۴: ۵۳)

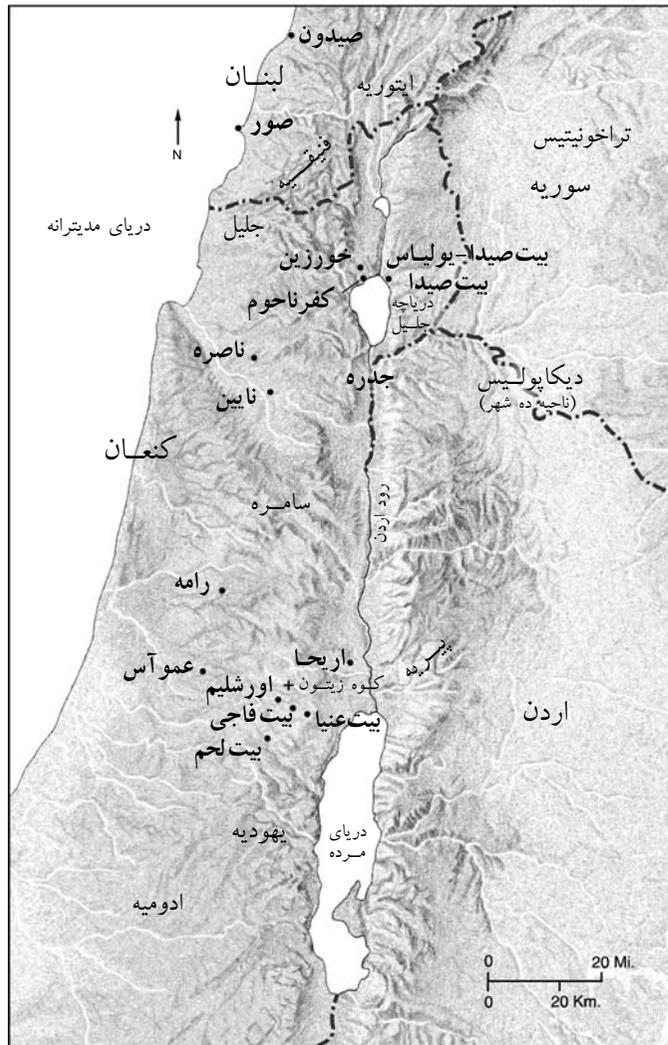
منجی جهان دستگیر و اعدام شد. اما مرگ نتوانست او را نابود کند، و عیسی دوباره زنده شد و به آسمان صعود کرد. در انجیل دقیق و تاریخی لوقا، حقایق درباره قیام عیسی بدست می آوریم. ما نه تنها باید باور کنیم که این اطلاعات صحت دارند، بلکه باید به مسیح بعنوان نجات دهنده خود اعتماد کنیم. نادیده گرفتن حقایق، ناشی از کوتاه نظری است، اما نپذیرفتن حقایق و نادیده گرفتن بخششی که عیسی به هر یک از ما عطا می کند، چقدر غم انگیز است.

## موضوعات مهم

موضوع	توضیحات	اهمیت
عیسی مسیح، نجات‌دهنده	لوقا شرح می‌دهد که پسر خدا چگونه وارد تاریخ بشر شد. عیسی بصورت نمونه کاملی از یک انسان زندگی کرد. بعد از خدمت کاملی که کرد، قربانی کاملی برای گناهان ما مهیا کرد، از این رو ما می‌توانیم نجات بیابیم.	عیسی رهبر و نجات‌دهنده کامل ماست. او به تمام کسانی که او را بعنوان خداوند زندگی خود می‌پذیرند و تمامی گفته‌های او را باور می‌کنند، آمرزش گناهان را عطا می‌فرماید.
تاریخ	لوقا پزشک و تاریخ‌نویس بود. او تأکید زیادی بر تاریخ‌ها و جزئیات داشت، و عیسی را به وقایع و مردم در تاریخ ربط داد.	لوقا جزئیات را ارائه می‌دهد. از اینرو ما می‌توانیم به اعتبار تاریخی زندگی عیسی ایمان داشته باشیم. مهم‌تر از این، ما می‌توانیم با اطمینان باور کنیم که عیسی خداست.
انسانها	عیسی عمیقاً به انسانها و به ارتباط با آنها علاقمند بود. او توجه صمیمانه‌ای به پیروان و دوستانش، چه مرد، چه زن و چه بچه نشان می‌داد.	محبت عیسی به مردم خبرخوشی است برای همه. پیغام او برای همه مردم از هر ملتی است. هر یک از ما فرصت داریم از روی ایمان به او پاسخ دهیم.
دلسوزی	عیسی بعنوان انسانی کامل، همدردی محبت‌آمیزی نسبت به فقرا، منقرین و مطرودین، آسیب‌دیدگان، و گناهکاران نشان می‌داد. او هیچ کس را رد نکرد یا به کسی بی‌توجهی ننمود.	عیسی بالاتر از یک عقیده یا یک معلم است؛ او به فکر شماسست. تنها این نوع محبت عمیق می‌تواند نیاز شما را برآورده سازد.
روح‌القدس	روح‌القدس در تولد، تعمید، خدمت، و قیام عیسی حضور داشت. عیسی بعنوان نمونه کاملی برای ما، در تبعیت از روح‌القدس زندگی کرد.	خدا روح‌القدس را بعنوان تأییدی بر اقتدار عیسی فرستاد. روح‌القدس داده می‌شود تا مردم قادر باشند برای مسیح زندگی کنند. ما با ایمان می‌توانیم حضور و قدرت روح‌القدس را برای شهادت دادن و خدمت داشته باشیم.

## محل‌های مهم در انجیل لوقا

لوقا ماجراهای انجیل خود را از معبد بزرگ اورشلیم آغاز می‌کند و مقدمه‌ای برای تولد یحیی تعمیددهنده ارائه می‌دهد. سپس به شهر ناصره می‌رود و ماجرای مریم را که انتخاب شده بود تا مادر عیسی باشد، شرح می‌دهد (۱:۲۶). بدنبال فرمان امپراطور روم جهت انجام سرشماری، مریم و یوسف می‌بایست به بیت‌لحم بروند. در این شهر بود که عیسی بدنیا آمد و پیشگویی‌هایی را که در این مورد شده بود، تحقق بخشید (۱:۲). عیسی در ناصره بزرگ شد و بعد از دریافت تعمید از یحیی (۳:۲۱ و ۲۲) و آزمایش شدن بدست شیطان (۴:۱)، رسالت خود را آغاز کرد. خدمات او بیشتر در جلیل صورت گرفت. او در کفرناحوم اقامت گزید (۴:۳۱) و از آنجا در تمام آن منطقه سفر کرد و تعلیم داد (۸:۱). بعدها به سرزمین جدریها رفت و در آنجا یک دیوزده را شفا بخشید (۸:۳۶-۳۷) او با یک وعده غذا، بیش از ۵۰۰۰ نفر را در کناره دریای جلیل در نزدیکی بیت‌صیدا خوراک داد (۹:۱۰). عیسی همیشه به هنگام اعیاد مهم، به اورشلیم سفر می‌کرد و در چنین موقعیت‌هایی، به دیدار دوستانش در بیت‌عنیا، در نزدیکی اورشلیم می‌رفت (۱۰:۳۸). او ده جذامی را در حوالی مرز جلیل و سامره شفا داد (۱۷:۱۱)، و یک مأمور باج و خراج را که به نادرستی شهرت داشت، به راه راست هدایت کرد (۱۹:۱). دهکده‌های کوچک بیت‌فاجی و بیت‌عنیا بر دامنه کوه زیتون، محل استراحت عیسی در طول آخرین روزهای زندگی‌اش بر روی زمین بود. او بیرون از دیوارهای شهر اورشلیم به صلیب کشیده شد. اما دوباره زنده شد. دو مرد در راه عموآس، جزو اولین کسانی بودند که مسیح زنده‌شده را ملاقات کردند (۲۴:۱۳).



## الف- تولد و آماده شدن عیسی منجی (۱:۱ تا ۱۳:۴)

درباره تولد عیسی، لوقا مفصل‌ترین گزارش را به ما می‌دهد. لوقا به هنگام شرح تولد، کودکی، و رشد جنبه انسانی عیسی، انسانیت او را برجسته می‌سازد. منجی ما انسانی ایده‌آل بود. این انسان ایده‌آل، وقتی دوران آمادگی را پشت سر گذاشت، آماده بود الگویی برای زندگی کامل ارائه دهد.

### هدف لوقا از نگارش

(۱)

بسیاری کوشیده‌اند شرح زندگی عیسی مسیح را به نگارش در آورند؛ و برای انجام این کار، از مطالبی استفاده کرده‌اند که از طریق شاگردان او و شاهدان عینی وقایع، در دسترس ما قرار گرفته است. اما از آنجا که من خود، این مطالب را از آغاز تا پایان، با دقت بررسی و مطالعه کرده‌ام، چنین صلاح دیدم که ماجرا را بطور کامل و به ترتیب برایتان بنویسم،<sup>۴</sup> تا از درستی تعلیمی که یافته‌اید، اطمینان حاصل کنید.

### وعده ولادت یحیی از سوی فرشته

(۴)

<sup>۵</sup>ماجرا را از کهنی یهودی آغاز می‌کنم، با نام زکریا، که در زمان هیروودیس،

۲او:۱  
یو ۲۷:۱۵  
اعما ۱:۲۱و۲۲  
۱۶:۳ اتیمو  
عبر ۳:۲  
۱۶:۱ پطر  
۱ یو ۱:۱-۴  
۳:۱  
اعما ۱:۱ : ۴:۱۱

۵:۱  
۱ اتوا ۱۰:۲۴و۱۹  
نح ۴:۱۲  
مئی ۱:۲

ادعاهای موجود در آن را بدقت مورد تحقیق قرار دهید (یوحنا ۱:۴۶، ۲۴:۲۱، اعمال ۱۷:۱۱و۱۲)، چون نتایجی که درباره عیسی می‌گیرید، به مرگ و زندگی ابدی شما مربوط می‌شود.

**۳:۱** لوقا در مقام پزشک، اهمیت معاینه دقیق را می‌دانست. او از مهارت‌های خود در امر مشاهده و تجزیه و تحلیل، برای بررسی و مطالعه دقیق ماجراهایی که درباره عیسی نوشته شده بود، استفاده کرد. نتیجه بررسی‌های او چه بود؟ انجیل عیسی مسیح درست است! شما می‌توانید گزارش لوقا از زندگی عیسی را با این اطمینان بخوانید، گزارشی که بدست متفکری دقیق و محقق‌فکرنور نوشته شده است. از آنجا که انجیل مبتنی بر حقیقتی تاریخی است، رشد روحانی باید مستلزم بررسی و مطالعه دقیق، منظم و کاملی از کلام خدا باشد. اگر این نوع مطالعه جزئی از زندگی شما نیست، پس شبان، معلم، یا کتبی را بیابید که به شما کمک کند این کار را شروع کنید تا شما را در این بخش مهم از رشد مسیحی راهنمایی کند.

**۵:۱** کاهن یهودی خادمی بود که در خانه خدا خدمت می‌کرد. وظیفه او نگاه‌داری از خانه خدا، تعلیم کلام خدا به

**۱:۱** تنویلوس به معنی «دوستدار خدا» است. این کتاب برای او نوشته یا به او تقدیم شده است. کتاب اعمال رسولان را نیز لوقا نوشته که باز به همین ترتیب شروع می‌شود. **۱:۱** مسیح که یکی از القاب عیسی است، شکل عربی کلمه عبری *ماشیاخا* به معنای «مسح شده خدا» می‌باشد. این کتاب شرح زندگی عیسی معروف به مسیح است. برای خوانندگان یونانی کتاب که به کاملیت ارجح می‌نهادند، لوقا عیسی را بعنوان انسانی کامل تصویر می‌کند. او عیسی را کاملاً انسان و در عین حال کاملاً خدا نشان می‌دهد. لوقا تنها نویسنده غیر یهودی عهدجدید است.

**۱:۱-۴** بسیاری عیسی را دوست داشتند و تجربیاتی را که با او داشتند، به نگارش در آورده بودند. لوقا بر آن شد که با استفاده از همه منابع موجود، این گزارش را به صورت تاریخی، جامع، و کامل در آورد. واقعیت رویدادها برای لوقا مهم بود، بنابراین بیشتر بر گزارش‌های شاهدان عینی تکیه کرد. مسیحیت نمی‌گوید: «چشمانت را ببند و ایمان بیاور»، بلکه می‌گوید: «خودت آن را بررسی کن.» کتاب مقدس شما را تشویق می‌کند تا

زکریا پیش از هر کس دیگری آگاه شد که خدا بزودی خودش به این جهان خواهد آمد. زکریا و همسرش الیزابت بخاطر تقوا و پاکدامنی‌شان معروف بودند. آنها برای انجام رسالت خاص الهی کاملاً مناسب بودند. اما از نداشتن فرزند رنج می‌بردند. یهودیان از دیرباز نداشتن فرزند را دلیلی بر لعنت الهی می‌دانستند. زکریا و الیزابت هر دو پیر بودند، و دیگر برای بچه‌دار شدن دعا نمی‌کردند.

این سفر کوتاه زکریا به اورشلیم که برای انجام وظیفه در خانه خدا برحسب نوبتش صورت گرفت، برکت غیرمنتظره‌ای در بر داشت. از بین کاهنان، این بار زکریا انتخاب شد تا برای تقدیم بخور به خدا از جانب مردم وارد مقدس‌ترین جایگاه شود. ناگهان با تعجب و ترس زیاد، خود را در مقابل یک فرشته یافت. پیغام فرشته بقدری عالی بود که نمی‌شد آن را باور کرد! واکنش زکریا بیشتر ابراز شک و تردید در مقابل وعده فرشته درخصوص بچه‌دار شدن او بود ولی هیچ واکنشی در مقابل وعده آمدن نجات‌دهنده نشان نداد. در نتیجه، خدا زکریا را تا زمان تحقق وعده، از سخن گفتن باز داشت.

دعای زکریا که در انجیل لوقا فصل اول ثبت شده، آخرین تصویری است که ما از او داریم. زکریا مانند بسیاری از وفادارترین خادمین خدا، زمانی که نوبت ایفای نقشش تمام شد، آرام آرام صحنه امتحان را با سرفرازی ترک کرد. در اوقاتی که در مورد امور الهی دچار شک می‌شویم، ولی در عین حال مایلیم از او اطاعت کنیم، زکریا را قهرمان خود سازیم. با نگرستن به زکریا، امیدوار می‌شویم که خدا از طریق هر کسی که خود را در اختیار او بگذارد، می‌تواند کارهای بزرگی بکند.

#### نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- \* به درستکاری معروف بود.
- \* کاهن خدا بود.
- \* یکی از معدود افرادی بود که فرشته‌ای مستقیماً او را مخاطب قرار داد.
- \* پدر یحیی‌ای تعمیددهنده بود.

#### نقاط ضعف و اشتباهات:

- \* برای یک لحظه به وعده فرشته شک کرد، چون فکر می‌کرد بخاطر سن زیادش، محال است صاحب اولاد شود.

#### درس‌هایی از زندگی او:

- \* محدودیت‌های جسمانی، خدا را محدود نمی‌کند.
- \* خدا بعضی اوقات، اراده‌اش را به طریق غیرمنتظره‌ای به انجام می‌رساند.

#### آمار حیاتی:

- \* شغل: کاهن
- \* خویشاوندان: همسر: الیزابت. فرزند: یحیی‌ای تعمید دهنده.

#### آیه کلیدی:

«زکریا و الیزابت هر دو در نظر خدا بسیار درستکار بودند و با جان و دل تمام احکام الهی را بجا می‌آوردند. اما آنها فرزندی نداشتند، زیرا الیزابت نازا بود؛ از این گذشته هر دو بسیار سالخورده بودند» (لوقا ۱:۶۷).

ماجرای زکریا در لوقا فصل ۱ نقل شده است.



پادشاه یهودیه، زندگی می کرد. او عضو دسته‌ای از خدمه خانه خدا بود که ایبا نام داشت. همسرش الیزابت نیز مانند خود او از قبیله کاهنان یهود و از نسل هارون برادر موسی بود. زکریا و الیزابت هر دو در نظر خدا بسیار درستکار بودند و با جان و دل تمام احکام الهی را بجا می آوردند.<sup>۷</sup> اما آنها فرزندی نداشتند، زیرا الیزابت نازا بود؛ از این گذشته، هر دو بسیار سالخورده بودند.

<sup>۸</sup> یکبار که دسته ایبا در خانه خدا خدمت می کرد، و زکریا نیز به انجام وظایف کاهنی خود مشغول بود، به حکم قرعه نوبت به او رسید که به جایگاه مقدس خانه خدا داخل شود و در آنجا بخور بسوزاند.<sup>۱۰</sup> به هنگام سوزاندن بخور، جمعیت انبوهی در صحن خانه خدا مشغول عبادت بودند.<sup>۱۱</sup> ناگهان فرشته‌ای بر زکریا ظاهر شد و در طرف راست قربانگاه بخور ایستاد. زکریا از دیدن فرشته مبهوت و هراسان شد.

<sup>۱۳</sup> فرشته به او گفت: «ای زکریا، نترس! چون آمده‌ام به تو خبر دهم که خدا دعایت را شنیده است، و همسرت الیزابت برایت پسری بدنیا خواهد آورد که

۶:۱  
۲ یاد ۳:۲۰  
۳:۳ قبل  
۷:۱  
۱ اسمو ۵:۱  
۸:۱  
۲ تووا ۱۴:۸  
۹:۱  
خرو ۷:۳۰

۱۳:۱  
۲۱:۲۵ پیدا  
۱۹:۱ اسمو  
۱:۱-۶۳ لو

که برخی او را «پادشاه یهودیان» می‌نامیدند، دستور قتل عام نوزادان را صادر کرد (متی ۲:۱۶-۱۸).

**۶:۱** زکریا و الیزابت فقط وانمود به پیروی از احکام خدا نمی‌کردند، بلکه تسلیم درونی آنها به خدا پشت‌بند اطاعت ظاهری‌شان بود. با جان و دل از خدا اطاعت کردن یعنی درک مقصود خدا و اطاعت از آن، نه اطاعت از احکام او فقط در حرف که در این صورت به تحریف اهداف خدا می‌انجامد.

**۱۰:۱** در خانه خدا روزی دوبار بخور سوزانده می‌شد. وقتی مردم دودی را که از سوختن بخور متصاعد می‌شد می‌دیدند، به عبادت می‌پرداختند. متصاعد شدن بخور به طرف آسمان، نشانه رسیدن دعاها به تخت خدا بود.

**۱۲ و ۱۱:۱** فرشتگان موجوداتی از جنس روح هستند که در حضور خدا زندگی می‌کنند و اراده او را بجا می‌آورند. در کتاب مقدس فقط نام دو فرشته، یعنی میکائیل و جبرائیل آمده، اما فرشته‌های بسیاری وجود دارند که پیام‌آوران خدا هستند. اینجا جبرائیل (۱۹:۱) پیغام مخصوصی را به زکریا رساند. این یک خواب یا رؤیا نبود. فرشته به شکلی قابل رؤیت ظاهر شد و با سخنانی قابل شنیدن با زکریای کاهن سخن گفت.

**۱۳:۱** زکریا درحالی که بخور را روی قربانگاه می‌گذاشت، دعا نیز می‌کرد. شاید برای داشتن فرزند یا آمدن مسیح موعود. در هر صورت، خدا به دعای او پاسخ داد. او بزودی صاحب پسری می‌شد که راه را برای

مردم، و هدایت مراسم عبادتی بود. در آن زمان، حدود بیست هزار کاهن در سرتاسر فلسطین وجود داشت که تعدادشان بیش از آن بود که همه بتوانند همزمان در خانه خدا خدمت کنند. بنابراین، مطابق دستورالعمل داود پادشاه در این مورد، کاهنان به ۲۴ دسته و هر دسته در حدود ۱۰۰۰ نفر، تقسیم شده بودند (۱ تواریخ ۲۴:۳-۱۹).

زکریا یکی از اعضای دسته ایبا بود و در این هفته استثنایی، نوبت خدمت به این دسته رسید. هر روز صبح، کاهنی وارد جایگاه مقدس خانه خدا می‌شد تا بخور بسوزاند. برای اینکه مشخص شود چه کسی باید وارد جایگاه مقدس گردد، قرعه می‌انداختند (این کار به روشی مثل تاس ریختن انجام می‌شد)، و این بار قرعه به نام زکریا افتاد. خدمت زکریا در آن روز و برای ورود او به جایگاه مقدس، اتفاقی و تصادفی نبود. خدا وقایع تاریخ را هدایت می‌کرد تا راه را برای آمدن عیسی به جهان آماده کند.

**۵:۱** هیروودیس که اینجا از او نام برده شده، هیروودیس کبیر می‌باشد که از سوی سنای روم بعنوان پادشاه یهودیان منصوب شده بود. او نیمه‌یهودی بود و دوست داشت اربابهای رومی خود را راضی نگه دارد. او خانه خدا را در اورشلیم بزرگتر و زیباتر کرد، اما نشان عقاب رومی‌ها را بالای ورودی خانه خدا نصب نمود. او هرگاه به یهودیان کمک می‌کرد، بخاطر اهداف سیاسی بود نه به این دلیل که خدای آنها را دوست می‌داشت. چند سال بعد، هیروودیس در تلاشی عبث برای کشتن عیسی نوزاد

نامش را یحیی خواهی گذارد.<sup>۱۴</sup> این پسر باعث شادی و سُرور شما خواهد شد، و بسیاری نیز از تولدش شادی خواهند نمود.<sup>۱۵</sup> زیرا او یکی از مردان بزرگ خدا خواهد شد. او هرگز نباید شراب و مشروبات سُکرآور بنوشد، چون حتی پیش از تولد، از روح القدس پر خواهد بود!<sup>۱۶</sup> بسیاری از بنی اسرائیل توسط او بسوی خداوند، خدای خود بازگشت خواهند نمود.<sup>۱۷</sup> او خدمت خود را با همان روح و قدرت الیاس، آن نبی قدیم انجام خواهد داد. او پیشاپیش مسیح خواهد آمد تا مردم را برای ظهور او آماده کند، دل‌های پدران را به پسران نزدیک سازد و به افراد سرکش بیاموزد که همچون اجداد خویش خداوند را دوست داشته و مردم خدا ترسی باشند.»

<sup>۱۸</sup> زکریا به فرشته گفت: «ولی این غیرممکن است، چون من پیر شده‌ام و همسرم نیز سالخورده است!»

۱۵:۱

اعد ۳:۶

داو ۴:۱۳

ار ۵:۱

متی ۱۱:۱۱

۱۶:۱

ملا ۶:۵، ۴

۱۷:۱

اش ۳:۴۰

ملا ۵:۴

متی ۱۴:۱۱

مر ۱۲:۹

روم ۵:۹

۱۸:۱

پیدا ۱۷:۱۷

گناه دست بکشند و بسوی خدا باز گردند. او غالباً با نبی بزرگ، الیاس، که مشهور به ایستادگی در برابر فرمانروایان شرور بود، مقایسه شده است (ملاکی ۵:۴؛ متی ۱۴:۱۱؛ ۱۷:۱۰-۱۳). مراجعه کنید به تاریخچه زندگی الیاس در ۱ پادشاهان فصل ۱۸.

**۱۷:۱** یحیی در مسیر آماده کردن مردم برای آمدن مسیح موعود، دل‌ها را با هم یکی خواهد کرد. او دل‌های سنگی افراد بالغ را تبدیل به دلی نرم و بچه‌وار، دلی انعطاف‌پذیر، ساده، و تغییرپذیر خواهد نمود (برای اینکه بیشتر درباره «یکی شدن دل‌ها» بدانید، مراجعه کنید به حزقیال ۱۱:۱۹ و ۲۰ و ۲۵:۳۶-۲۹). اگر چه بزرگسالان نباید رفتار بچه‌گانه داشته باشند، اما ایمانشان باید این ویژگی‌های «بچه‌وارانه» را دارا باشد. آیا آنطور که باید در اختیار خدا قرار دارید؟ یا آیا لازم است تغییری در دل شما صورت گیرد؟

**۱۸:۱** وقتی فرشته به زکریا گفت که صاحب پسری خواهد شد، او به سخن فرشته شک کرد. از دید انسانی او، شک و تردیدهایش منطقی بود، اما در نزد خدا همه چیز ممکن است. اگر چه از سن زکریا و الیزابت گذشته بود، اما خدا به آنها فرزندی داد. تردید نسبت به کاری که خدا می‌خواهد در زندگی ما انجام دهد، یا تعبیر غلط از آن، کار ساده‌ای است. حتی بعضی اوقات مقدسین هم این اشتباه را می‌کنند و بجای توکل به خدا به منطق یا تجربه خودشان اتکا می‌کنند. وقتی دچار این وسوسه می‌شویم که یکی از وعده‌های خدا را غیرممکن بپنداریم، باید سعی کنیم از دید خدا به موقعیت مورد نظر بنگریم. محدودیت‌های انسانی ما، خدا را در قید و بند نمی‌گذارد.

مسیح موعود آماده می‌کرد. خدا به طریق خودش و طبق برنامه زمانی خودش به دعاها پاسخ می‌دهد. در مورد دعای زکریا، خدا در وضعیتی به دعای او پاسخ داد که دعایش ناممکن بنظر می‌رسید، چون زنش نازا بود. اما خدا با عمل کردن در شرایطی که ناممکن بنظر می‌رسد، تمام پیشگویی‌هایی را که درباره مسیح موعود شده بود، به تحقق رساند. اگر ما می‌خواهیم به دعاها ایمان پاسخ داده شود، باید آماده پذیرش کاری باشیم که خدا می‌تواند در شرایط غیرممکن انجام دهد. باید منتظر باشیم تا او به طریق خود و طبق برنامه زمانی خود عمل کند.

**۱۳:۱** یحیی یعنی «خداوند فیاض است»، و عیسی یعنی «حنجی». هر دو نام را خدا تعیین کرد و نه والدین جسمانی آنها. در سراسر چهار انجیل، خدا با فیض عمل می‌کند و به قوم خود نجات را ارزانی می‌دارد.

**۱۵:۱** یحیی برای خدمتی خاص وقف خدا شد. شاید بخاطر نذر نذیره، که یکی از شرایط آن پرهیز از نوشیدن مشروبات سُکرآور بود، یحیی از نوشیدن شراب منع شد. نذر نذیره، نذری قدیمی بود که برای وقف فردی به خدا، ادا می‌شد (مراجعه کنید به اعداد ۱:۶-۴). سامسون (داوران فصل ۱۳) نذیره بود و شاید سموئیل هم بوده باشد (سموئیل ۱:۱۱).

**۱۵:۱** این اولین باری است که لوقا به شخصیت سوم تثلیث یعنی روح القدس اشاره می‌کند. اینجا نیز مانند زمان عهدعتیق، شخصی برای هدفی خاص و انجام وظیفه‌ای خاص از روح پر می‌شود. از پنطیکاست به بعد (اعمال ۲:۲-۴)، روح القدس آمد تا بطور دائم در افراد ساکن شود. **۱۷:۱** قرار بود یحیی تقریباً همان نقش الیاس، آن نبی قدیمی را ایفا کند، و مانند او مردم را تشویق کند تا از

۱۹:۱  
دان ۱۶:۸ ± ۲۱:۹-۲۳  
عبر ۱۴:۱  
۲۰:۱  
حز ۲۶:۳ ± ۲۷:۲۴

۱۹ فرشته در جواب گفت: «من جبرائیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم و اوست که مرا فرستاده تا این خبر خوش را به تو دهم.<sup>۲۰</sup> اما حال که سخنان مرا باور نکردی، قدرت تکلم را از دست خواهی داد و تا زمانی که کودک بدینا بیاید یارای سخن گفتن نخواهی داشت؛ زیرا آنچه گفتم، در زمان مقرر واقع خواهد شد.»

۲۱ در این میان، مردم در صحن خانه خدا منتظر زکریا بودند و از اینکه او در بیرون آمدن از جایگاه مقدس اینهمه تأخیر می‌کرد، در حیرت بودند.  
۲۲ سرانجام وقتی بیرون آمد و نتوانست با ایشان سخن گوید، از اشارات او پی‌بردند که در جایگاه مقدس خانه خدا رؤیایی دیده است.  
۲۳ زکریا پس از پایان دوره خدمتش، به خانه خود بازگشت.<sup>۲۴</sup> طولی نکشید که

محل آیات	روش	شخص / گروه	روشهای عجیب خدا
پیدایش ۳۲-۲۲:۳۲ لوقا ۱۰:۲ ± ۱۳:۳۰:۱	فرشته	یعقوب، زکریا، مریم، چوپانان	یکی از بهترین روشها که به وسیله آن می‌توانیم پی ببریم که خدا مشتاق است با انسانها ارتباط برقرار کند، توجه به روشهای متفاوتی است که او برای رساندن پیغامش به کار برده، روشهایی که بعضی از آنها کاملاً غیرمنتظره بوده است. ذیلاً نمونه‌ای از روشهای خدا و کسانی که او با آنها رابطه برقرار کرد، آمده است.
پیدایش ۲۲-۱۰:۲۸ ± ۸و۷:۴۱ ± ۵:۴۰ ± ۱۰:۳۷ اشعیا ۱:۱ متی ۲۰:۱ ± ۱۲:۲ و ۱۳	رؤیا	یعقوب، اشعیا، یوسف، فرعون، نانوا، ساقی، مجوسیان	
دانیال ۹-۵:۵ اعداد ۳۵-۲۱:۲۲ خروج ۲۲ و ۲۱:۱۳ یونس ۲	نوشتن روی دیوار الاع سخنگو ستون ابر و آتش بلعبده شدن بوسیله ماهی	بلشصر بلعام قوم اسرائیل یونس	
پیدایش ۴-۱:۱۲ خروج ۸:۷ متی ۱۷-۱۳:۳ اعمال ۹:۱۸	سخن گفتن	ابراهیم، موسی، عیسی به هنگام غسل تعمیدش، پولس، دیگران	
خروج ۲:۳ عبرانیان ۱:۱ و ۲	آتش پسر خدا	موسی ما	

بعضی از احتیاجاتان را رفع کند، همچنان صبور باشید. هرچقدر هم وعده‌های خدا غیرممکن بنظر برسد، مهم نیست چون هرچه که او در کلامش گفته، در زمان مناسب به حقیقت خواهد پیوست.

۲۱:۱ مردم در صحن خانه خدا منتظر بودند تا زکریا از مکان مقدس بیرون بیاید و برکت همیشگی را از خدا برای آنها بطلبد، همان برکتی که در اعداد ۲۶:۲-۲۷ آمده است.

۲۰:۱ برای زکریا باور کردنی نبود که او و همسرش، در سن پیری بتوانند صاحب فرزند شوند. خدا هر چیزی را که وعده می‌دهد، عملی می‌کند. او در وقتش عمل می‌کند! شما می‌توانید کاملاً یقین داشته باشید که خدا بر وعده‌های خود خواهد ایستاد. شاید وعده‌هایش فردا عملی نشود، اما در زمان مقرر عملی خواهد شد. اگر انتظار می‌کشید که خدا به بعضی از درخواستهایتان پاسخ دهد یا

همسرش الیزابت باردار شد. او برای مدت پنج ماه گوشه‌نشینی اختیار کرد و می‌گفت: <sup>۲۵</sup> «سرانجام خداوند بر من نظر لطف انداخت و کاری کرد که دیگر در میان مردم شرمگین نباشم!»

۲۵:۱  
پیدا ۲۳:۳۰

### وعده فرشته به مریم (۵)

<sup>۲۶</sup> در ششمین ماه بارداری الیزابت، خدا فرشته خود جبرائیل را به ناصره، یکی از شهرهای استان جلیل فرستاد، <sup>۲۷</sup> تا وحی او را به دختری به نام مریم برساند. مریم نامزدی داشت به نام یوسف، از نسل داود پادشاه.

۲۶:۱  
متی ۲۳:۲  
۲۷:۱  
اش ۱۴:۷

محل آیات	لحظه شک	شکاک	افراد شکاک در کتاب مقدس
پیدایش ۱۷:۱۷	وقتی خدا به او گفت که در سن پیری پدر خواهد شد	ابراهیم	
پیدایش ۱۲:۱۸	وقتی شنید در سن پیری مادر خواهد شد	سارا	
خروج ۱۵-۱۰:۳	وقتی خدا به او گفت که به مصر باز گردد و قوم را رهبری کند	موسی	
خروج ۳-۱:۱۶	هر وقت که در بیابان با مشکلات روبرو می‌شدند	قوم اسرائیل	
داوران ۲۳-۱۴:۶	وقتی به او گفته شد که داور خواهد شد و قوم را رهبری خواهد کرد	جدعون	
لوقا ۱۸:۱	وقتی به او گفته شد که در سن پیری پدر خواهد شد	زکریا	
یوحنا ۲۵-۲۴:۲۰	وقتی به او گفتند که عیسی زنده شده است	توما	

بسیاری از کسانی که خدا برای انجام کارهای بزرگ به کار برد، در ابتدای راه بسیار شک کردند. در مورد همه آنها خدا صبر زیادی از خود نشان داد. همین واقعیت که آنها در همان مرحله شک باقی نمی‌ماندند، شکی که از فکری درست نشأت می‌گرفت، نقطه شروع بدی نبود. شک تا چه اندازه بر اشتیاقی که شما برای اعتماد کردن به خدا دارید، اثر می‌گذارد؟

قبل از آن به دانیال نبی نیز ظاهر شد (دانیال ۱۵:۸؛ ۲۱:۹). هربار که او ظاهر می‌شد، پیغام‌های مهمی از طرف خدا می‌آورد.

**۲۶:۱** ناصره، زادگاه یوسف و مریم، از اورشلیم، مرکز فعالیت و عبادت یهودیان، بسیار دور بود. ناصره از نظر جغرافیایی در مسیر اصلی داد و ستد قرار داشت. به همین سبب، غالباً بازرگانان غیریهودی و سربازان رومی در شهر رفت و آمد می‌کردند. به همین دلیل، این شهر در بین یهودیان وجهه و اعتبار خود را از دست داده بود (یوحنا ۴:۱). عیسی در بیت‌لحم دنیا آمد اما در ناصره بزرگ شد. باینحال، مردم ناصره او را بعنوان مسیح نپذیرفتند (۲۲:۴-۳۰).

**۲۵:۱** زکریا و الیزابت هر دو انسانهای صادقی بودند، و با وجود این، از نداشتن فرزند رنج می‌بردند. در آن زمان، بعضی از یهودیان به قیامت جسمانی اعتقاد نداشتند، بنابراین امید آنها به جاودانگی، فرزندانشان بودند. بعلاوه، فرزندان از والدین خود در سن پیری مراقبت می‌کردند، و به ثروت و مقام اجتماعی خانواده می‌افزودند. فرزند برکت تلقی می‌شد، و نداشتن فرزند لعنت محسوب می‌شد. زکریا و الیزابت سالهای سال صاحب اولاد نشده بودند، و حالا دیگر از سن آنها گذشته بود که بچه‌ای داشته باشند. آنها احساس شرمساری و ناامیدی می‌کردند. اما خدا منتظر زمان مناسب بود تا آنها را برکت دهد و ننگ ایشان را بردارد.

**۲۶:۱** جبرائیل نه فقط به زکریا و مریم، بلکه حدود ۵۰۰ سال

۲۸ جبرائیل به مریم ظاهر شد و گفت: «سلام بر تو ای دختری که مورد لطف پروردگار قرار گرفته‌ای! خداوند با توست!»

۲۹ مریم سخت پریشان و متحیر شد، چون نمی‌توانست بفهمد منظور فرشته از این سخنان چیست.

۳۰ فرشته به او گفت: «ای مریم، نترس! زیرا خدا بر تو نظر لطف انداخته است!

۳۱ تو بزودی باردار شده، پسری بدنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد.

۳۱:۱

متی ۲۵:۲۱:۱

محل آیات	شخص	ترسیدن یا نترسیدن
پیدایش ۱:۱۵	ابراهیم	
اعداد ۳۴:۲۱ ؛ تثیبه ۲:۳	موسی	
یوشع ۱:۸	یوشع	
مراثی ۵۷:۳	ارمیا	
دانیال ۱۲، ۱۹:۱۰	دانیال	
لوقا ۱۳:۱	زکریا	
لوقا ۳۰:۱	مریم	
لوقا ۱۰:۲	چوپانان	
لوقا ۱۰:۵	پطرس	
اعمال ۲۴:۲۷	پولس	
مکاشفه ۱ و ۱۷:۱	یوحنا	

تمام اشخاصی که در کتاب مقدس با خدا یا فرشتگان او روبرو شدند، همه یک واکنش مشترک داشتند و آن نیز ترس بود. پاسخ خدا به هر یک از آنان همیشه یکسان بود: «نترس!» به محض اینکه حس می‌کردند خدا آنها را پذیرفته و می‌خواهد با آنان ارتباط برقرار کند، ترسشان فرو می‌ریخت. خدا به آنها آزادی داده بود تا دوستان او باشند. آیا خدا به شما همان آزادی را داده است؟

درد و رنج در پیش داشت: همسالانش او را استهزا کردند؛ نامزدش تصمیم به جدا شدن از او گرفت؛ و سرانجام پسرش را به قتل رساندند. اما تنها امید جهان از فرزندش نشأت گرفت، و به همین دلیل مریم در بین زنان مبارک خوانده می‌شود و همه نسل‌ها او را می‌ستایند. اگر برکات شما مایه اندوهتان گشته است، به مریم فکر کنید و صبورانه منتظر باشید تا خدا نقشه‌اش را به کمال برساند. **۳۱:۱-۳۳ عیسی** شکل عبری نام عبری **یوشع** می‌باشد. این نام عبری که به معنای «نجات‌دهنده» است، در بین مردم متداول بود. همان‌طور که یوشع قوم اسرائیل را تا سرزمین وعده رهبری کرد (مراجعه کنید به یوشع ۱:۲)،

**۲۸:۱** جوانی، فقیر، و زن بود مریم همه خصوصیتی بودند که از نظر مردم زمان او، مانع می‌شد که خدا برای کارهای بزرگ از او استفاده کند. اما خدا مریم را برای یکی از مهم‌ترین کارهایی که مستلزم اطاعت بود، انتخاب کرد، کاری که تا آن زمان از هیچ کس دیگری نخواستہ بود. شاید شما احساس کنید موقعیت زندگی‌تان باعث شده که برای خدمت خدا فرد مناسبی نباشید. راههای خدا را محدود نکنید. اگر به او توکل کنید، می‌تواند شما را بکار ببرد.

**۳۱ و ۳۰:۱** برکت خدا بطور خودکار موفقیت، شهرت، یا لطف آتی خدا را به همراه ندارد. برکت خدا بر مریم، یعنی افتخاری که نصیب او شد تا مادر مسیح موعود باشد،

در جوامعی مثل فلسطین آن روزگار که ارزش زن بیشتر از روی توانایی او در بچه‌دار شدن سنجیده می‌شد، پا به سن گذاشتن بدون آوردن فرزند، غالباً موجب بروز مشکلات شخصی و شرمساری در بین مردم می‌گردید. برای الیزابت رسیدن به سنین سالخوردگی بدون آنکه بچه‌ای داشته باشد، رنج و تنهایی به همراه داشت. با اینحال، او به خدا وفادار ماند.

الیزابت و زکریا هر دو از تبار کاهنان بودند. الیزابت می‌بایست هر سال به مدت دو هفته از شوهرش جدا می‌ماند تا وی بتواند به وظایف کهنات خود در خانه خدا در اورشلیم برسد. وقتی زکریا هیچان‌زده اما بدون قدرت تکلم از یکی از این سفرها به خانه بازگشت، شاید با روال عادی زندگی خانواده خود روبرو شد. اما این بار، او حامل خبرهای بسیار عجیبی بود. آنچه که رؤیایی فراموش‌شده بود، اینک به واقعیتی هیجان‌انگیز تبدیل شده بود! الیزابت آبستن شد و دانست خدا هدیه‌ای به او داده که مدت مدیدی جرأت نکرده بود به داشتن آن بیندیشد.

خبرها سریع به گوش خویشان رسید. در یکصد کیلومتری شمال اورشلیم، در شهر ناصره، مریم دختر خواهر الیزابت نیز بطور غیر منتظره‌ای باردار شد. مریم چند روز بعد از پیغام فرشته مبنی بر اینکه او مسیح موعود را بدنیا خواهد آورد، به دیدن الیزابت رفت. هدیه بی‌نظیری که خدا به الیزابت و مریم ارزانی داشته بود، آن‌ها را به یکدیگر نزدیکتر کرد. الیزابت دانست که فرزند مریم از پسر خودش بزرگتر خواهد بود، چون یحیی باید پیام‌آور پسر مریم می‌بود. وقتی طفل بدنیا آمد، الیزابت اصرار داشت که نام او همانی باشد که خدا تعیین کرده است، یعنی یحیی. وقتی زکریا با نوشتن روی تخته موافقت خود را اعلام کرد، زبانش باز شد و همه مردم شهر از خود می‌پرسیدند که این بچه استثنایی در آینده چه خواهد شد.

الیزابت برای نشان دادن توجه و علاقه‌اش به هدیه خدا، نجواکنان خدا را می‌ستود. مطلع شدن از حاملگی مریم حتماً او را در خصوص برنامه زمانی خدا مبهوت کرده بود. کارها حتی بهتر از آنچه که خودش می‌توانست تنظیم کند، به پیش رفته بود. ما در زندگی شخصی خود باید به یاد داشته باشیم که در هر شرایط خدا کنترل امور را بدست دارد. آخرین بار کی در مورد ترتیب زمان وقوع اتفاقات زندگی‌تان تعمق کردید و به برنامه زمانی خدا پی بردید؟

#### نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- \* به زنی عمیقاً روحانی معروف بود.
- \* به توانایی خدا در انجام وعده‌اش تردیدی از خود نشان نداد.
- \* مادر یحیی‌ای تعمیردهنده بود.
- \* به‌غیر از مریم، اولین زنی بود که خبر آمدن منجی را شنید.

#### درس‌هایی از زندگی او:

- \* خدا کسانی را که نسبت به او وفادار بوده‌اند، فراموش نمی‌کند.
- \* برنامه زمان‌بندی‌شده خدا و روشهای او الزاماً با انتظارات ما منطبق نیست.

#### آمار حیاتی:

- \* شغل: خانه‌دار
- \* خویشاوندان: همسر: زکریا. فرزند: یحیی‌ای تعمیردهنده. خواهرزاده: مریم

#### آیه‌های کلیدی:

«چه افتخار بزرگی است برای من که مادر خداوندم به دیدنم بیاید! وقتی وارد شدی و به من سلام کردی، به محض اینکه صدايت را شنیدم، بچه از شادی در رحم من به حرکت در آمد! خوشبحال تو، زیرا ایمان آوردی که هر چه خدا به تو گفته است، به انجام خواهد رسید» (لوقا ۱: ۴۳-۴۵).

ماجرای الیزابت در لوقا ۱: ۵-۸۰ نقل شده است.



۳۲:۱

۲ سمو ۱۱:۷

مز ۱۱:۱۳۲

اش ۷:۹ و ۷:۱۶

ار ۵:۲۳

فیل ۱۰:۲

۱ تیمو ۱۵:۶

۳۳:۱

دان ۲۷:۱۸، ۱۴:۷ و ۴۴:۲

عبر ۸:۱

۳۵:۱

متی ۳۳:۱۴ و ۶۳:۲۶

مر ۱:۱

یو ۳۴:۱ و ۳۱:۲۰

روم ۴:۱

۳۷:۱

پیدا ۱۴:۱۸

ار ۱۷:۳۲

روم ۲۱:۴

۳۲ او مردی بزرگ خواهد بود و پسر خدا نامیده خواهد شد و خداوند تخت سلطنت جدش داود را به او واگذار خواهد کرد<sup>۳۳</sup> تا برای همیشه بر قوم اسرائیل سلطنت کند. سلطنت او هرگز پایان نخواهد یافت!»

۳۴ مریم از فرشته پرسید: «اما چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ دست هیچ مردی هرگز به من نرسیده است!»

۳۵ فرشته جواب داد: «روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. از این رو آن نوزاد مقدس بوده، فرزند خدا خوانده خواهد شد.»<sup>۳۶</sup>

بدان که خویشاوند تو الیزابت نیز شش ماه پیش در سن پیری باردار شده و بزودی پسری بدنیا خواهد آورد؛ بلی، همان کسی که همه او را نازا می خواندند. زیرا برای خدا هیچ کاری محال نیست!»

۳۸ مریم گفت: «من خدمتگزار خداوند هستم و هر چه او بخواهد، با کمال میل انجام می دهم. از خدا می خواهم که هر چه گفتم، همان بشود.» آنگاه فرشته ناپدید شد.

که بدون گناه خلق شد. برعکس آدم که از خدا ناطاعتی کرد، عیسی از خدا اطاعت کرد و به همین دلیل می تواند بجای ما برای گناهان ما مجازات شود و ما را مقبول خدا سازد (رومیان ۵: ۱۴-۱۹).

۳۸:۱ اگر باکره‌ای حامله می‌شد، در واقع بدبختی را به جان می‌خورد. او احتمالاً تا آخر عمر مجرد می‌ماند مگر اینکه پدر بچه ازدواج با او را می‌پذیرفت. اگر پدر دختر او را از خود می‌رانند، او مجبور می‌گردد برای تأمین معاش زندگی، گدایی یا خودفروشی کند. مریم با ماجرای حامله شدن بوسیله روح القدس، در معرض این خطر قرار گرفت که دیگران او را دیوانه پندارند. علیرغم عواقب احتمالی، مریم گفت: «با کمال میل...». وقتی مریم این را گفت، نمی‌دانست چه برکت عظیمی را بدست خواهد آورد. او فقط می‌دانست که خدا از او می‌خواهد تا خدمتش کند، و با کمال میل اطاعت کرد. صبر نکنید تا نتایج وقف زندگی خود به خدا را ببینید، بلکه پیشاپیش زندگی‌تان را تقدیم او کنید. با کمال میل خود را تقدیم خدا کنید، حتی وقتی که نتایج این کار بنظر فاجعه‌آمیز باشد.

۳۸:۱ اعلان خبر تولد بچه در سرتاسر کتاب مقدس با عکس‌العمل‌های مختلفی همراه بوده است. سارا، همسر ابراهیم خندید (پیدایش ۹: ۱۸-۱۵). مانوچ، پدر سامسون رسید (داوران ۲۲: ۱۳). زکریا شک کرد (لوقا ۱: ۱۸). برخلاف اینها مریم اطاعت نمود. او سخن فرشته را باور کرد و حتی با وجود شرایط غیرممکن انسانی، پذیرفت که طفل را بدنیا آورد. عکس‌العمل ما نسبت به اراده خدا نباید خنده، ترس، یا شک باشد، بلکه پذیرشی مشتاقانه.

عیسی هم مقدسین را به زندگی جاودانی رهنمون خواهد شد. مردم زمان عیسی که به اسم اهمیت می‌دادند و از دید آنها اسم منبع قدرت بود، تحت تأثیر مفهوم سمبولیک نام عیسی قرار می‌گرفتند. در نام عیسی مردم شفا یافتند، دیوها اخراج شدند، و گناهان بخشیده شد.

۳۲ و ۳۳:۱ قرن‌ها پیش از آن، خدا به داود پادشاه وعده داده بود که سلطنت او پایانی نخواهد داشت (۲ سموئیل ۷: ۱۶). این وعده با آمدن عیسی که مستقیماً از نسل داود بود، و سلطنتش تا ابد ادامه خواهد داشت، به انجام رسید.

۳۴:۱ تولد عیسی از یک باکره معجزه‌ای است که باور کردن آن برای بسیاری مشکل می‌نماید. این سه حقیقت می‌تواند به ما یاری دهد تا به آن ایمان داشته باشیم: (۱) لوقا پزشک بود، و بخوبی می‌دانست طفل چگونه در رحم شکل می‌گیرد. همان طور که برای ما سخت است باور کنیم باکره‌ای صاحب فرزند شود، برای او نیز مشکل بود. با وجود این، رویداد فوق را بعنوان یک حقیقت ثبت کرده است. (۲) لوقا محقق دقیقی بود که انجیلش را بر پایه گزارشهای شاهدان عینی تنظیم کرد. طبق روایات، لوقا در مورد وقایع دو فصل اول انجیلش با مریم گفتگو کرده بوده است. و این وقایع، ماجرای است که خود مریم نقل کرده، نه اختراع تخیلی لوقا. (۳) مسیحیان و یهودیان که خدا را بعنوان خالق جهان می‌پرستند، باید ایمان داشته باشند که او قدرت دارد طفلی را در رحم یک باکره بوجود آورد.

۳۵:۱ عیسی بدون گناهی که از طریق آدم وارد جهان شد، به دنیا آمد. او مقدس به دنیا آمد، درست مانند آدم

## دیدار مریم با الیزابت

(۶)

۳۹ و ۴۰ پس از چند روز، مریم تدارک سفر دید و شتابان نزد الیزابت رفت، که با همسرش زکریا، در یکی از شهرهای واقع در منطقه کوهستان یهودیه زندگی می کرد. مریم وارد خانه شد و سلام کرد. <sup>۴۱</sup> به محض اینکه صدای سلام مریم به گوش الیزابت رسید، بچه در رحم او به حرکت درآمد. الیزابت از روح القدس پر شد <sup>۴۲</sup> و با صدای بلند به مریم گفت: «خدا تو را بیش از همه زنان دیگر مورد لطف خود قرار داده است! فرزندت نیز سرچشمه برکات برای انسانها خواهد بود. <sup>۴۳</sup> چه افتخار بزرگی است برای من، که مادر خداوندم به دیدنم بیاید! <sup>۴۴</sup> وقتی وارد شدی و به من سلام کردی، به محض اینکه صدایت را شنیدم، بچه از شادی در رحم من به حرکت درآمد! <sup>۴۵</sup> خوشبحال تو، زیرا ایمان آوردی که هر چه خدا به تو گفته است، به انجام خواهد رسید!»

۳۹:۱

یوش ۷:۲۰ ؛ ۱۱:۹، ۲۱

۴۲:۱

داو ۲۴:۵

۴۳:۱

لو ۱۱:۲

## سرود شکرگزاری مریم

۴۶ مریم گفت: «خداوند را با تمام وجود ستایش می کنم، <sup>۴۷</sup> و روح من، بسبب نجات دهنده ام خدا، شاد و مسرور می گردد! <sup>۴۸</sup> چون او من ناچیز را مورد عنایت قرار داده است. از این پس، همه نسلها مرا خوشبخت خواهند خواند، <sup>۴۹</sup> زیرا خدای قادر و قدوس در حق من کارهای بس بزرگ کرده است.

۴۶:۱

اسمو ۱:۲-۱۰

مز ۳۴:۳ و ۳

۴۷:۱

اتیمو ۱:۱ ؛ ۳:۲

تیط ۳:۱ ؛ ۱۰:۲ ؛ ۴:۳

۴۸:۱

اسمو ۱۱:۱

۴۱-۴۳-۵۵ این سرود به زبان لاتین به Magnificat (تمجید) معروف است، چون ترجمه لاتین این قسمت با این کلمه شروع می شود. این سرود غالباً مبنای سرودهای کر و سرودهای کلیسایی بوده است. مریم، مانند حنا، مادر سموئیل (۱ سموئیل ۱:۲-۱۰)، خدا را بخاطر کاری که قصد داشت از طریق او برای دنیا انجام دهد، با سرود ستایش کرد. توجه کنید که در هر دو سرود، خدا قهرمان فقرا، ستمدیدگان، و حقیرشمرده شدگان معرفی شده است. **۴۸:۱** وقتی مریم گفت: «همه نسلها مرا خوشبخت خواهند خواند»، آیا از روی غرور این حرف را زد؟ نه، در واقع او هدیه ای را که خدا به او داده بود، قبول کرد و پذیرفت. اگر مریم مقام عالی خود را انکار کرده بود، این کار او در حکم پس دادن برکت خدا به خودش تلقی می شد. غرور، نپذیرفتن هدایای خداست؛ فروتنی، پذیرفتن و بکار بردن آنها برای ستایش و خدمت خداست. منکر هدایایی که خدا به شما داده است، نشوید. خدا را بخاطر آنها شکر کنید و برای جلال او از آنها استفاده کنید.

۴۱-۴۳-۴۱:۱ ظاهراً روح القدس به الیزابت گفته بود که فرزند مریم، مسیحای موعود است، چون الیزابت به هنگام خوش آمدگویی به مریم، خواهرزاده جوانش را «مادر خداوند» خطاب کرد. وقتی مریم بطرف خاله اش دوید، حتماً حیرت کرده بود از اینکه می دید وقایع چند روز اخیر حقیقت داشته است. استقبال الیزابت ایمان او را تقویت کرد. بارداری مریم شاید غیرممکن می نمود، اما خاله دانا و سالخورده او آن را باور کرد و بخاطر آن شادی نمود.

۴۲ و ۴۳:۱ با اینکه الیزابت خودش به پسری که مدتها انتظارش را می کشید، آبتن بود، جا داشت به مریم حسادت کند که پسر او بزرگتر از پسر خودش خواهد بود. اما برعکس، او از اینکه مادر خداوندش به دیدن او رفته بود، لبریز از شادی شد. آیا تابحال به کسانی که خدا ظاهراً آنها را برای برکت خاصی تخصیص داده، حسادت کرده اید؟ راه علاج حسادت، شادی کردن با آنهاست، با این درک که خدا مقدسین را طوری به کار می برد که با نقشه او از همه متناسب تر باشد.

۵۰:۱ «لطف و رحمت او، نسل اندر نسل شامل حال آنانی می‌شود که از او می‌ترسند. ۵۱ او دست خود را با قدرت دراز کرده و متکبران را همراه نقشه‌هایشان پراکنده ساخته است. ۵۲ سلاطین را از تخت بزیر کشیده و فروتنان را سربلند کرده است. ۵۳ گرسنگان را با نعمت‌های خود سیر کرده، اما ثروتمندان را تهی دست روانه نموده است. ۵۴ او رحمت خود را که به اجداد ما وعده داده بود، به یاد آورده و به یاری قوم خود، اسرائیل، آمده است. ۵۵ بلی، او وعده ابدی خود را که به ابراهیم و فرزندان او داده بود، به یاد آورده است.» ۵۶ مریم حدود سه ماه نزد الیزابت ماند. سپس به خانه خود بازگشت.

### ولادت یحیی تعمیددهنده

(۷)

۵۷ سرانجام، انتظار الیزابت پایان یافت و زمان وضع حملش فرا رسید و پسری بدنیا آورد. ۵۸ وقتی که همسایگان و بستگان او از این خبر آگاهی یافتند و دیدند که خداوند چه لطف بزرگی در حق او نموده است، نزد او آمده، در شادی‌اش شریک شدند.

۵۹ چون نوزاد هشت روزه شد، تمام بستگان و دوستان برای مراسم ختنه گرد آمدند و قصد داشتند نام پدرش، زکریا را بر او بگذارند. ۶۰ اما الیزابت نپذیرفت و گفت: «نام او یحیی خواهد بود.»

۶۱ گفتند: «اما در خانواده تو، کسی به این نام نبوده است.»

۶۲ پس با اشاره، از پدر نوزاد پرسیدند که نام او را چه بگذارند.

۵۰:۱

پیدا ۷:۱۷

خرو ۶:۲۰

مز ۱۷:۱۰۳

۵۱:۱

مز ۱۰:۳۳ ۱:۹۸ ۴

۱۵:۱۱۸

۵۲:۱

اسمو ۶:۲

۵۳:۱

مز ۱۰:۳۴ ۹:۱۰۷ ۴

۵۴:۱

مز ۳:۹۸

ار ۲۰:۳۳۱

۵۵:۱

پیدا ۹:۱۷

۵۹:۱

پیدا ۱۲:۱۷

لاو ۳:۱۲

لو ۲۱:۲

فیل ۵:۱۳

دستور داد این رسم به‌جا آورده شود (پیدایش ۱۷:۴-۱۴) و موسی به این حکم عمل کرد (لاویان ۱۲:۳). هنوز نیز در خانواده‌های یهودی، مراسم ختنه برگزار می‌شود. در چنین روز شادی‌بخشی، دوستان و اعضای خانواده، ورود نوزاد پسر را به عهد الهی با اسرائیل جشن می‌گیرند.

۵۹:۱ تبار خانواده و نامهای ایشان برای یهودیان اهمیت داشت. مردم بطور طبیعی فکر می‌کردند اگر نام پدرش، زکریا را برنوزاد نگذارند، لااقل باید یکی از اسامی موجود در خانواده را بر او بگذارند. از اینرو، وقتی هم الیزابت و هم زکریا خواستند نام یحیی را بر او بگذارند، تعجب کردند.

۶۲:۱ بستگان زکریا با اشاره از او سؤال کردند، چون ظاهراً او علاوه بر اینکه قدرت تکلم نداشت، ناشنوا نیز شده بود و گفته همسرش در مورد استفاده از نام یحیی بر نوزاد را نشنیده بود.

۵۵و۵۴:۱ خدا به ابراهیم وعده داده بود که نسل او از رحمت ابدی برخوردار خواهد شد؛ خدا به این وعده خود عمل کرد (پیدایش ۱۶:۲۲-۱۸). تولد مسیح وعده را به انجام رساند، و مریم به این امر پی برد. روزی که پسر او اعلام کرد که مسیح موعود است، تعجب نکرد، چون او پیش از تولد وی، از رسالتش خبردار شده بود. بعضی از وعده‌های خدا به قوم اسرائیل در ۲ سموئیل ۲۲:۵۰ و ۵۱ و مزور ۲:۸۹-۴ و ۱۷:۱۰۳ و ۱۸ و میکاه ۷:۱۸-۲۰ یافت می‌شود.

۵۶:۱ چون سفر کردن آسان نبود، دیدارهای طولانی مدت متداول بود. مریم برای الیزابت که در سنین پیری سختی‌های بارداری اول را می‌کشید، حتماً کمک بزرگی بوده است.

۵۹:۱ مراسم ختنه در خانواده یهودی، رویداد مهمی بشمار می‌رفت. خدا وقتی به قوم مقدس خود تشکل می‌بخشید،

۶۳ زکریا با اشاره، تخته‌ای خواست و در برابر چشمان حیرت‌زده همه نوشت: «نامش یحیی است!»<sup>۶۴</sup> در همان لحظه زبانش باز شد و قدرت سخن گفتن را باز یافت و به شکرگزاری خدا پرداخت.<sup>۶۵</sup> همسایگان با دیدن تمام این وقایع بسیار متعجب شدند، و خبر این ماجرا در سراسر کوهستان یهودیه پخش شد.<sup>۶۶</sup> هر که این خبر را می‌شنید، به فکر فرو می‌رفت و از خود می‌پرسید: «این بچه، در آینده چه خواهد شد؟» زیرا همه می‌دیدند که او مورد توجه خداوند قرار دارد.

### نبوت زکریا

۶۷ آنگاه پدرش زکریا، از روح‌القدس پر شد و چنین نبوت کرد:  
 ۶۸ «خداوند، خدای اسرائیل را سپاس باد، زیرا به یاری قوم خود شتافته و ایشان را رهایی بخشیده است.<sup>۶۹</sup> او بزودی برای ما نجات‌دهنده‌ای قدرتمند از نسل داود خواهد فرستاد؛<sup>۷۰</sup> چنانکه از گذشته‌های دور، از زبان انبیای مقدس خود وعده می‌داد<sup>۷۱</sup> که شخصی را خواهد فرستاد تا ما را از چنگ دشمنانمان و از دست همه آنانی که از ما نفرت دارند، رهایی بخشد.  
 ۷۲ و ۷۳ «خداوند نسبت به نیاکان ما، رحیم و مهربان بوده است. بلی، او عهد و پیمان مقدسی را که با ابراهیم بست، از یاد نبرده<sup>۷۴</sup> و این افتخار را نصیب ما کرده که از دست دشمنانمان رهایی یابیم و بدون ترس و واهمه از آنان، او را عبادت نماییم<sup>۷۵</sup> و تمام روزهای عمر خود را در حضور او با پاکی و عدالت بگذرانیم.  
 ۷۶ «و تو ای فرزند، نبی خدای تعالی نامیده خواهی شد، زیرا پیشاپیش خداوند حرکت خواهی کرد تا راه او را آماده نمایی،<sup>۷۷</sup> و قوم او را آگاه سازی که با

۶۶:۱

لو ۱۹:۲

اعما ۲۱:۱۱

۶۷:۱

یول ۲۸:۲

۶۸:۱

لو ۳۸:۲

اعما ۶:۱

عبر ۱۲:۹

۶۹:۱

اسمو ۱۰:۲

مز ۲:۱۸ + ۱۷:۳۲

جز ۲۱:۲۹

۷۰:۱

ار ۵:۲۳ + ۱۰:۳۰

دان ۲۴:۹

اعما ۲۱:۳

روم ۴:۲۱

۷۱:۱

مز ۱۰:۱۰۶

۷۲ و ۷۳:۱

لاو ۴۲:۲۶

مز ۸:۱۰۵ + ۴۵:۱۰۶

میکا ۲۰:۷

عبر ۱۳:۶

۷۵:۱

ار ۳۹:۳۲

افس ۲۴:۴

۷۶:۱

اش ۳:۴۰

ملا ۱:۳

۷۷:۱

ار ۳۴:۳۱

مر ۴:۱

۶۷-۷۹ زکریا در اولین کلماتی که بعد از ماهها سکوت بر زبان آورد، خدا را پرستید. این سرود در زبانهای اروپایی، با عنوان لاتین آن، Benedictus (متبارک) خوانده می‌شود، زیرا زکریا طی آن خدا را متبارک خواند. زکریا آمدن منجی‌ای را نبوت کرد که قوم خود را رهایی خواهد داد. او پیشگویی کرد که پسرش یحیی، راه مسیح موعود را آماده خواهد کرد. تعجبی نداشت که زکریا خدا را بپرستد، زیرا پیشگویی‌های عهدعتیق می‌رفت که به حقیقت پیبوند. مسیحای موعود قرار بود در زمان حیات او ظهور کند و پسرش برگزیده شده بود تا راه را برای او هموار سازد.

۷۱:۱ یهودیان با بی‌صبری منتظر آمدن مسیح موعود بودند، اما آنها فکر می‌کردند که او خواهد آمد تا آنان را از سلطه امپراطوری قدرتمند روم نجات دهد. آنها انتظار یک نجات‌دهنده سیاسی را می‌کشیدند، نه مسیح موعود صلح‌طلب که بر گناه غالب می‌شود.  
 ۷۲:۱ و ۷۳:۱ خدا به ابراهیم وعده داد که از طریق او همه ملل جهان را برکت خواهد داد (به پیدایش ۳:۱۲ مراجعه کنید). این وعده خدا باید بوسیله مسیحای موعود که از نسل ابراهیم بود، به انجام می‌رسید.  
 ۷۶:۱ و ۸۰ در آیات قبل، زکریا کار عظیم خدا را در تاریخ و در طول قرون متمادی به یاد آورد، کاری که با ابراهیم شروع شد و تا ابد ادامه خواهد یافت. سپس، در

۷۸:۱ آرمزش گناها نشان نجات خواهند یافت. ۷۸ و ۷۹ اینها، همه به سبب رحمت و  
 افس ۱۴:۵  
 ۲ پط ۱۹:۱  
 ۷۹:۱ شفق بی پایان خدای ماست. بزودی سپیده صبح از افق آسمان بر ما طلوع  
 اش ۲:۹ خواهد کرد تا بر کسانی که در تاریکی و سایه مرگ ساکن هستند، بتابد و همه  
 ما را به سوی آرامش و صفا هدایت نماید.»  
 ۸۰:۱ آن کودک رشد کرد و صاحب روحی توانا شد. او در بیابانها بسر می برد؛ تا  
 لو ۲:۴ روزی فرا رسید که می بایست خدمت خود را در میان قوم اسرائیل آغاز کند.

## ولادت عیسی در بیت لحم

(۹)

۲ در آن زمان، او گوستوس، امپراتور روم، فرمان داد تا مردم را در تمام  
 سرزمینهای تحت سلطه امپراطوری سرشماری کنند. ۲ این سرشماری  
 زمانی صورت گرفت که کرینوس، از جانب امپراطور، فرماندار سوریه بود.  
 ۳ برای شرکت در سرشماری، هر شخص می بایست به شهر آبا و اجدادی خود

۱:۴  
 متی ۱۸:۱-۲۵

۸۰:۱ چرا یحیی در بیابانها بسر برد؟ انبیا عادت داشتند  
 در بیابانها عزلت جویند تا رشد روحانی شان را بالا ببرند و  
 بر پیغام خدا متمرکز شوند. یحیی با زندگی کردن در  
 بیابان، تمایز خود را از قدرتهای اقتصادی و سیاسی نشان  
 داد، بطوری که توانست پیغامش را خطاب به آنها ادا کند.  
 نحوه خاص زندگی او همچنین تمایز او را از رهبران  
 مذهبی ریاکار نشان می داد. پیغام او با پیام ایشان تفاوت  
 داشت، و نحوه زندگی اش گواه بر این مدعا بود.

۱:۴ از میان چهار نویسنده اناجیل، لوقا تنها نویسنده ای  
 است که وقایع مورد اشاره اش را به تاریخ جهان مرتبط  
 می سازد. او انجیلش را خطاب به یک شخص برجسته  
 یونانی نوشت که حتماً به مسائل سیاسی علاقه مند بوده و با  
 امور سیاسی آشنایی داشته است. فلسطین تحت سلطه  
 امپراطوری روم بود؛ او گوستوس قیصر اولین امپراطوری  
 بود که بر سر کار آمد. فرمانروایان رومی که مردم آنان  
 را خدایان می دانستند، کاملاً متفاوت بودند از این نوزاد  
 کوچک که در قنடைق بود، نوزادی که خدای واقعی ساکن  
 در جسم بود.

۱:۴ سرشماری رومی برای تسهیل در کار فراخواندن  
 سربازان به خدمت نظام یا جمع آوری مالیات انجام می شد.  
 یهودیان مجبور به خدمت در ارتش روم نبودند، اما  
 نمی توانستند از پرداختن مالیات سر باز زنند. فرمان  
 او گوستوس دقیقاً مطابق با برنامه زمانی خدا و نقشه کامل  
 او در فرستادن پسرش به دنیا، جاری شد.  
 ۳:۲-۶ حکومت روم یوسف را مجبور کرد که حدود

قالب تضادی ظریف، ماجرا را شخصی کرد و گفت: «تو  
 ای فرزند»، و اعلام کرد که او دارای سهمی در نقشه خدا  
 خواهد بود. فرزند او برای نقشی کلیدی در نمایشنامه ای  
 که در طول زمان ادامه داشت، انتخاب شده بود. اگرچه  
 خدا قدرت نامحدودی دارد، اما بر آن شده تا از طریق  
 انسانهای ضعیف که در ابتدا نوزادان ناتوانی هستند، عمل  
 کند.



سفر به بیت لحم  
 بدنیال فرمان قیصر برای  
 سرشماری در سرتاسر  
 امپراطوری روم،  
 یوسف و مریم ناچار  
 شدند زادگاه خود،  
 ناصره را ترک کنند  
 و به بیت لحم که یکی از  
 دهکده های استان  
 یهودیه بود و در  
 ۱۰۰ کیلومتری  
 ناصره قرار داشت،  
 سفر کنند.

می‌رفت. <sup>۴</sup> از اینرو، یوسف نیز از شهر ناصره در استان جلیل، به زادگاه داود پادشاه یعنی بیت لحم در استان یهودیه رفت زیرا او از نسل داود پادشاه بود. <sup>۵</sup> مریم نیز که در عقد یوسف بود و آخرین روزهای بارداری خود را می‌گذراند، همراه او رفت تا ثبت نام کند.

<sup>۶</sup> هنگامی که در بیت لحم بودند، وقت وضع حمل مریم فرا رسید، <sup>۷</sup> و نخستین فرزند خود را که پسر بود، بدنیا آورد و او را در قنذاقی پیچید و در آخوری خوابانید، زیرا در مسافرخانه آنجا برای ایشان جا نبود.

## دیدار چوپانان از عیسی

(۱۰)

<sup>۸</sup> در دشتهای اطراف آن شهر، چوپانانی بودند که شبانگاه از گله‌های خود

۴:۲

اسمو ۱:۱۶

میکا ۲:۵

متی ۱۶:۱

لو ۲۷:۱

یو ۲۲:۷

۷:۲

متی ۲۵:۱

غلا ۴:۴

**۷:۲** اگرچه صحنه تولد عیسی، اولین صحنه‌ای است که مردم از مسیح و مسیحیت دارند، اما آشنایی ما با مسیحیت نباید محدود به این صحنه شود. عیسی نوزاد در آخور صحنه زیبایی را برای کریسمس بوجود می‌آورد، اما ما نمی‌توانیم عیسی را همیشه در آخور رها کنیم. این نوزاد کوچک زندگی شگفت‌انگیزی داشت، برای ما مرد، به آسمان صعود کرد، و بعنوان شاه شاهان به این جهان باز خواهد گشت. او بر دنیا سلطنت خواهد کرد و همه مردم را بر اساس تصمیمی که درباره او اتخاذ کرده‌اند، داوری خواهد نمود. آیا هنوز عیسی را به صورت نوزادی در آخور تصور می‌کنید یا اینکه او را خداوند ساخته‌اید؟ به یاد داشته باشید عیسی را کمتر از آن چیزی که هست، در نظر نگیرید. بگذارید او در زندگی شما رشد یابد.

**۸:۲** خدا همچنان به آشکار ساختن پسرش ادامه داد، اما نه به کسانی که ما انتظارش را داریم. لوقا اشاره می‌کند که تولد عیسی به چوپانانی که در دشتهای بودند، اعلام شد. شاید این چوپانان بره‌ها را برای قربانی در خانه خدا پرورش می‌دادند، قربانی که به منظور بخشش گناه تقدیم می‌شد. فرشتگان حالا از این چوپانان دعوت می‌کردند تا به استقبال بره خدا بروند (یوحنا ۱:۳۶)، بره‌ای که گناه تمام جهان را برای همیشه بر خواهد داشت.

**۸:۲-۱۱** مژده تولد عیسی چقدر عالی بود! چوپانان وحشت کردند، اما وقتی فرشتگان خبر تولد مسیح موعود را اعلام نمودند، ترس آنها به شادی مبدل شد. ایشان اول با شتاب به دیدن نوزاد رفتند؛ بعد خیر تولد او را منتشر کردند. عیسی، مسیح **شما** و نجات‌دهنده **شما** است. آیا هر روز در دعا و در کلام به استقبال او می‌روید؟ آیا

یکصد کیلومتر سفر کند تا فقط مالیاتش را پردازد. نامزد عقدی که مجبور بود با او برود، هر لحظه ممکن بود وضع حمل کند. اما وقتی به بیت لحم رسیدند، حتی جایی پیدا نکردند که در آن اقامت کنند. وقتی اراده خدا را انجام می‌دهیم، تضمینی به داشتن زندگی راحت نیست؛ ما فقط این نوید را داریم که حتی سختی‌هایی که می‌کشیم، در نقشه خدا از معنا و مقصودی برخوردار است.

**۴:۲** خدا بر تمام تاریخ مسلط است. با فرمان او گوستوس قیصر، عیسی در همان شهری بدنیا آمد که پیشگویی شده بود (میخا ۲:۵)، با آنکه والدینش در آنجا زندگی نمی‌کردند.

**۴:۲** یوسف و مریم هر دو از نسل داود پادشاه بودند. عهدعتیق پر است از پیشگویی‌هایی مبنی بر اینکه مسیح موعود از تبار داود پادشاه بدنیا خواهد آمد (برای مثال به اشعیا ۱:۱۱؛ ارمیا ۳۳:۱۵؛ حزقیال ۳۷:۲۴ و هوشع ۳:۵ مراجعه کنید).

**۷:۲** اعتقاد سنتی مبنی بر اینکه عیسی در اصطبل بدنیا آمد، ریشه در همین اشاره دارد که در اینجا به آخور شده است. طویله‌ها غالباً غارهایی بودند با آخورهایی برای تغذیه دام که درون دیوارهای سنگی کنده شده بود. علیرغم کارت‌پستالهای مشهور کریسمس، دوروبر آخور تاریک و کثیف بود. و چنین جایی با این حال و هوا، آن مکانی نبود که یهودیان انتظار داشتند مسیح پادشاه بدنیا آید. آنها فکر می‌کردند مسیح موعودشان در مکانی سلطنتی بدنیا خواهد آمد. ما نباید خدا را با انتظاراتمان محدود کنیم. او هر جا که لازم باشد در دنیای کثیف ما و دنیایی که بخاطر وجود گناه تاریک شده، کار خود را تحقق می‌بخشد.

مراقبت می کردند.<sup>۹</sup> آن شب، ناگهان فرشته‌ای در میان ایشان ظاهر شد و نور جلال خداوند در اطرافشان تابید و ترس همه را فرا گرفت.<sup>۱۰</sup> اما فرشته به ایشان اطمینان خاطر داد و گفت: «ترسید! من حامل مژده‌ای برای شما هستم، مژده‌ای مسرت‌بخش برای همه مردم!»<sup>۱۱</sup> و آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات‌دهنده شما، در شهر داود چشم به جهان گشود.<sup>۱۲</sup> علامت درستی سخن من اینست که نوزادی را خواهید دید که در قنذاق پیچیده و در آخور خوابانیده‌اند.»

<sup>۱۳</sup> ناگهان گروه بیشماری از فرشتگان آسمانی به آن فرشته پیوستند. آنان در ستایش خدا، می‌سرائیدند و می‌گفتند:

<sup>۱۴</sup> «خدا را در آسمانها جلال باد و بر زمین، در میان مردمی که خدا را خشنود می‌سازند، آرامش و صفا برقرار باد!»

<sup>۱۵</sup> چون فرشتگان به آسمان بازگشتند، چوپانان به یکدیگر گفتند: «بیایید به بیت‌لحم برویم و این واقعه عجیب را که خداوند خبرش را به ما داده است، به چشم ببینیم.»

<sup>۱۶</sup> پس با شتاب به بیت‌لحم رفتند و مریم و یوسف را پیدا کردند. آنگاه نوزاد را دیدند که در آخوری خوابیده است.<sup>۱۷</sup> چوپانان بی‌درنگ ماجرا را به گوش همه رساندند و سخنانی را که فرشته درباره نوزاد گفته بود، بازگو کردند.<sup>۱۸</sup> هر که گفته‌های آنان را می‌شنید، حیرت‌زده می‌شد.<sup>۱۹</sup> اما مریم، تمام این رویدادها را در دل خود نگاه می‌داشت و اغلب درباره آنها به فکر فرو می‌رفت.

۹:۲  
لو ۱:۱۱ : ۴:۲۴  
اعما ۱۹:۵ : ۷:۱۲  
۱۰:۲  
متی ۱۹:۲۸  
اعما ۴۷:۱۳  
کول ۲۳:۱  
۱۱:۲  
اش ۶:۹  
متی ۲۱:۱۶ : ۲۰:۱۶  
یو ۴:۴۲ : ۲۱:۱۱ : ۳۱:۲۰  
اعما ۳۶:۲ : ۳۶:۱۰  
فیل ۱۱:۲  
۱۳:۲  
پیدا ۱۲:۲۸  
مز ۲۰:۱۰۳  
مکا ۱۱:۵  
۱۴:۲  
اش ۱۹:۵۷  
افس ۱۸و۱۴:۲  
کول ۲۰:۱  
تسا ۱۶:۲

ملکوتی روحانی برقرار می‌کرد، آنان را از گناه رهایی می‌داد. او فوق از تمام انتظارات آنها بود. انتظار مردم از مسیح، غالباً محدود به مسائل خاص خودشان می‌باشد، از اینرو انتظار ندارند که او بیش از آن کاری انجام دهد. کار او وسیع‌تر از آن است که کسی بتواند تصورش را بکند. او جریمه گناه را پرداخته و راه را بسوی خدا باز کرده است. چیزی که او به ما ارزانی می‌دارد بیش از تغییرات سطحی سیاسی یا جسمانی است؛ او دلی تازه به ما می‌دهد که تا ابد از آن ما خواهد بود.

<sup>۱۴:۲</sup> خبر تولد عیسی همراه با سرود فرشتگان طنین افکند. این سرود به مدت دو هزار سال، الهام‌بخش آهنگسازان بوده است. سرود فرشتگان بیش از هر سرود دیگری مورد علاقه مردم بوده است. این سرود، که بخاطر شروع آن با «جلال دادن خدا»، تحت عنوان Gloria (یعنی جلال، به لاتین) معروف شده است، اساس سرودهای کر جدید، سرودهای کریسمس سنتی، و سرودنامه‌های قدیمی است.

رابطه شما با خداوند آنقدر عالی است که نتوانید از سهم کردن دوستانتان در شادی‌تان خودداری کنید؟

<sup>۱۰و۹:۲</sup> بزرگترین واقعه تاریخ بوقوع پیوسته بود! مسیح موعود دنیا آمده بود! سالهای متمادی یهودیان انتظار چنین روزی را می‌کشیدند و وقتی بالاخره آن روز فرا رسید، خبر تولد مسیح به گوش چوپانان فقیر رسید. خیرخوش درباره عیسی این است که او برای همه، از جمله افراد معمولی و عادی می‌آید. او برای هر کسی که برای پذیرفتن او دلی افتاده دارد، می‌آید. شما هر که هستید، هر کاری که می‌کنید، می‌توانید عیسی را در زندگی‌تان داشته باشید. او شما را همان‌طور که هستید می‌پذیرد؛ فکر نکنید برای اینکه او شما را بپذیرد، باید شرایط خاصی داشته باشید.

<sup>۱۴-۱۱:۲</sup> بعضی از یهودیان منتظر مسیح بودند تا ایشان را از سلطه رومی‌ها رهایی بخشد؛ بعضی دیگر امیدوار بودند که او آنها را از امراض جسمی نجات دهد. اما عیسی، در ضمن اینکه امراض ایشان را شفا می‌داد و

مادر بودن امتیاز پرزحمتی است. مریم جوان از اهالی ناصره، این امتیاز منحصر بفرد را داشت که مادر پسر خدا باشد. با وجود این امتیاز منحصر بفرد، شادیهها و دردهای مادر بودن او را همه مادران درک می کنند. از میان کسانی که در تولد عیسی حضور داشتند، تنها مریم شاهد مرگ او بود. مریم و رود عیسی را به این دنیا بعنوان پسر کوچک خود به چشم دید، و مردن او را بعنوان نجات دهنده خود نظاره کرد. زندگی مریم تا قبل از ملاقات غیرمنتظره با جبرائیل، طبق دلخواه پیش می رفت. او بتازگی به عقد یوسف، نجاری از اهالی ناصره، در آمده بود و خود را برای زندگی مشترک آماده می کرد. اما زندگی مریم می رفت تا برای همیشه تغییر کند.

فرشتگان معمولاً برای ملاقات با کسی، قرار قبلی نمی گذارند. فرشته طوری به او سلام کرد که گویی مریم برنده مسابقه ای بزرگ شده است، مسابقه ای که هرگز در آن شرکت نکرده بود. مریم از نحوه سلام فرشته گیج شد و از حضور او ترسید. چیزی که مریم متعاقب سلام فرشته از او شنید، خبرهایی بود که تقریباً هر زنی در اسرائیل آرزوی شنیدن آن را داشت، مبنی بر اینکه فرزند او مسیح و منجی موعود خدا خواهد بود. مریم به پیغام فرشته شک نکرد، اما در عوض پرسید، چگونه ممکن است باردار شود. جبرائیل به او گفت که فرزندش پسر خدا خواهد بود. پاسخ مریم همان بود که خدا مدتها انتظار شنیدن آن را از بسیاری دیگر داشت، انتظاری که فقط مریم برآورده ساخت: «من خدمتگزار خداوند هستم و هرچه او بخواهد با کمال میل انجام می دهم» (لوقا ۱: ۳۸). سرود شادی او که بعد برای الیزابت سرایید، به ما نشان می دهد که او چقدر خوب خدا را می شناخت، چون افکار او پر از سخنانی بود که از عهدعتیق در سرود به زبان آورد.

عیسی را چند روز بعد از تولدش، برای وقف به خدا به خانه خدا بردند. در آنجا یوسف و مریم با شمعون و حنا که نبی بودند، مواجه شدند؛ شمعون و حنا دانستند که آن طفل، مسیح موعود است و خدا را بخاطر آن ستودند. شمعون سخنانی هم خطاب به مریم گفت، حرفهایی که باید بارها و بارها در سالهای آتی از خاطر مریم گذشته باشد: «اندوه، همچون شمشری قلب تو را خواهد شکافت» (لوقا ۲: ۳۴). قسمت بزرگی از امتیاز پرزحمت مادری او این بود که شاهد رنج و مصلوب شدن پسرش از سوی مردمی باشد که برای نجات آنها آمده بود.

ما می توانیم تصور کنیم که حتی اگر مریم از تمام رنجهایی که باید بخاطر مادر عیسی بودن تحمل کند، اطلاع می داشت، باز همان پاسخ را به خدا می داد. آیا شما هم همانطور که مریم آماده بود تا خدا از او استفاده کند، در اختیار خدا قرار دارید؟

#### نقاط قوت و موفقیت ها:

- \* مادر عیسی، مسیح موعود، بود.
- \* تنها انسانی که از تولد تا مرگ عیسی با او بود.
- \* حاضر بود خود را در اختیار خدا قرار دهد.
- \* کلام خدا را می دانست و به آن عمل می کرد.

#### درس هایی از زندگی او:

- \* بهترین خدمتگزاران خدا غالباً افراد ساده ای هستند که خود را در اختیار خدا قرار می دهند.
- \* نقشه های خدا دربرگیرنده وقایع خارق العاده در زندگی افراد معمولی است.
- \* شخصیت هر فرد با واکنش در مقابل وقایع غیرمنتظره آشکار می شود.

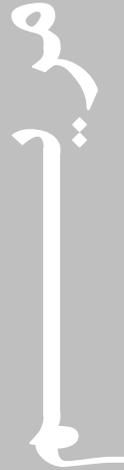
#### آمار حیاتی:

- \* اهل: بیت لحم از توابع ناصره
- \* شغل: خانه دار
- \* خویشاوندان: همسر: یوسف. شوهر خاله و خاله: زکریا و الیزابت. فرزندان: عیسی، یعقوب، یوسف، یهودا، و شمعون، به اضافه دخترانش

#### آیه کلیدی:

«من خدمتگزار خداوند هستم و هرچه او بخواهد، با کمال میل انجام می دهم. از خدا می خواهم که هرچه گفتی، همان بشود» (لوقا ۱: ۳۸).

ماجرای مریم در سرتاسر انجیل نقل شده است. در اعمال ۱: ۱۴ هم از او نام برده شده است.



۲۰ پس چوپانان به صحرا نزد گله‌های خود باز گشتند و خدا را سپاس می‌گفتند بسبب آنچه مطابق گفته فرشتگان دیده و شنیده بودند.

### مریم و یوسف عیسی را به خانه خدا می‌برند

(۱۱)

۲۱ در روز هشتم تولد نوزاد، در مراسم ختنه او، نامش را عیسی گذاشتند، یعنی همان نامی که فرشته پیش از باردار شدن مریم، برای او تعیین کرده بود.  
 ۲۲ روزی که قرار بود والدین عیسی به اورشلیم، به خانه خدا بروند و مطابق شریعت موسی، مراسم طهارت خود را بجا آورند، عیسی را نیز به آنجا بردند تا به خداوند وقف کنند؛<sup>۲۳</sup> زیرا در شریعت آمده بود که پسر ارشد هر خانواده باید وقف خداوند گردد.<sup>۲۴</sup> پس والدین عیسی برای طهارت خود، قربانی لازم را تقدیم کردند، که مطابق شریعت می‌بایست دو قمری یا دو جوجه کبوتر باشد.

### نبوت شمعون

۲۵ در آن زمان مردی در اورشلیم زندگی می‌کرد، به نام شمعون، او شخصی صالح، خداترس و پر از روح القدس بود، و ظهور مسیح را انتظار می‌کشید.<sup>۲۶</sup> روح القدس نیز بر او آشکار ساخته بود که تا مسیح موعود را نبیند، چشم از جهان فرو نخواهد بست.<sup>۲۷</sup> آن روز، روح القدس او را هدایت کرد که به خانه خدا برود؛ و هنگامی که یوسف و مریم، عیسی کوچک را آوردند تا مطابق شریعت، به خدا وقف کنند،<sup>۲۸</sup> شمعون، او را در آغوش کشید و خدا را ستایش کرد و گفت:  
 ۲۹ و ۳۰ «خداوندا، اکنون دیگر می‌توانم با خیالی آسوده چشم از جهان فرو

۲۱:۲ پیدا  
۱۲:۱۷ لآو  
۳:۱۲ متی  
۲۱:۱  
۲۲:۲ لآو  
۶-۲:۱۲  
۲۳:۲ خرو  
۱۲:۲-۱۳  
۲۴:۲ لآو  
۸:۱۲

۲۵:۲ اش  
۱:۴۰  
۴۳:۱۵  
۲۶:۲ مز  
۴۸:۸۹  
یو ۵:۱۸  
عبیر ۵:۱۱  
۲۷:۲ مکا  
۱۰:۱  
۳۰:۲ اش  
۱۰:۵۲  
اعما ۱۲:۴

ناپاک بود و نمی‌توانست وارد خانه خدا شود. بعد از اتمام دوره انزوای مادر، والدین موظف بودند بره‌ای جهت قربانی سوختنی و یک قمری جهت نگاه تقدیم کنند. کاهن این حیوانات را قربانی می‌کرد و مادر نوزاد را پاک اعلام می‌نمود. اگر خریدن بره خارج از استطاعت والدین نوزاد می‌بود، آنها می‌توانستند بجای آن یک جفت قمری بیاورند. و این کاری بود که مریم و یوسف کردند. عیسی پسر خدا بود و خانواده‌اش مطابق شریعت خدا این مراسم را بجا آوردند. او از احکام شریعت تجاوز نکرد، بلکه بطور کامل آن را بجا آورد.

۲۸-۲۷ وقتی مریم و یوسف، عیسی را برای وقف کردن به خدا به خانه خدا بردند، پیرمردی را ملاقات کردند که به آنها گفت فرزندشان در آینده چه مقامی خواهد داشت. سرود شمعون غالباً Nunc Dimittis

۲۱-۲۳ خانواده‌های یهودی بلافاصله بعد از تولد نوزاد، مراسم مختلفی انجام می‌دادند: (۱) ختنه. همه نوزادان پسر در روز هشتم تولد ختنه و نامگذاری می‌شدند (لاویان ۳:۱۲؛ لوقا ۵۹:۱ و ۶۰). ختنه مظهر تمایز یهودیان از غیریهودیان و نشانه رابطه منحصر بفرود آنها با خدا بود (به توضیحات مربوط به ۵۹:۱ مراجعه کنید). (۲) فله‌یه فرزنه/ارشلمه. پسر ارشد یک ماه بعد از تولد به خدا تقدیم می‌شد (خروج ۱۳:۱۱-۲؛ اعداد ۱۵:۱۸ و ۱۶). این رسم شامل بازپس گرفتن یا عبارتی دیگر، «باز خرید کردن» بچه از خدا بوسیله گذراندن قربانی، می‌شد. به این ترتیب، والدین طفل اعلام می‌کردند که فرزندشان به خدا تعلق دارد، یعنی به کسی که قدرت اعطای زندگی را دارد. (۳) طهارت مادر. مطابق شریعت، مادر فرزند پسر تا ۴۰ روز و مادر فرزند دختر تا ۸۰ روز بعد از تولد نوزاد،

بندم، زیرا طبق وعده‌ات، او را دیدم! بلی، نجات‌دهنده‌ای را که به جهان بخشیدی، با چشمان خود دیدم! <sup>۳۲</sup> او همچون نوری بر قومها خواهد تابید و ذهنشان را متور خواهد ساخت و مایه سربلندی قوم تو، بنی اسرائیل، خواهد شد! <sup>۳۳</sup> یوسف و مریم مات و مبهوت ایستاده بودند و از آنچه درباره عیسی گفته می‌شد، به شگفت آمده بودند. <sup>۳۴ و ۳۵</sup> اما شمعون برای ایشان دعای خیر کرد. سپس به مریم گفت: «اندوه، همچون شمشیری قلب تو را خواهد شکافت، زیرا بسیاری از قوم اسرائیل این کودک را نخواهند پذیرفت و با این کار، باعث هلاکت خود خواهند شد. اما او موجب شادی و برکت بسیاری دیگر خواهد گردید؛ و افکار پنهانی عده زیادی فاش خواهد شد!»

۳۲:۲  
اش ۲:۹؛ ۷:۶؛ ۶:۴۹  
اعما ۲۳:۲۶؛ ۴۷:۱۳

۳۵ و ۳۴:۲  
اش ۱۴:۸  
هو ۹:۱۴  
اعما ۱۴:۵؛ ۲۴:۲۸  
اقرن ۲۳:۱  
۱ پط ۱۲:۸، ۱۷:۲  
۳۵:۲  
مز ۱۰:۴۲  
اقرن ۱۹:۱۱

### نبوت آنا

<sup>۳۶ و ۳۷</sup> در خانه خدا زنی بود بسیار سالخورده به نام آنا، دختر فنوئیل از قبیله اشیر که همواره صدای خدا را می‌شنید. او پس از هفت سال شوهرداری، هشتاد و چهار سال بیوه مانده بود. آنا هرگز خانه خدا را ترک نمی‌کرد، بلکه شب و روز به دعا می‌پرداخت و اغلب نیز روزه‌دار بود.

۳۷:۲  
اعما ۷:۲۶؛ ۹:۲۱  
اتیمو ۵:۹

هیچ کس نسبت به او بی‌طرف نخواهد بود: مردم یا با شادی او را خواهند پذیرفت یا کلاً او را رد خواهند کرد. مریم در مقام مادر عیسی غصه‌دار خواهد شد زیرا بسیاری از مردم فرزند او را رد خواهند کرد. در انجیل لوقا این اولین اشاره‌ای است که به غم و غصه می‌شود.

**۳۶:۲** با آنکه شمعون و حنا بسیار پیر بودند، اما هنوز امید داشتند مسیح موعود را ببینند. آنان با هدایت روح‌القدس این افتخار را پیدا کردند که در زمره اولین کسانی باشند که به چشم خود مسیح را می‌بینند. در فرهنگ یهود، افراد پیر مورد احترام بودند، به همین دلیل نیز پیشگویی‌های شمعون و حنا ارزش فوق‌العاده‌ای داشت. اما جامعه ما به جوانی بیش از عقل و خرد بها می‌دهد، و کمک‌های بالقوه افراد پیر نادیده گرفته می‌شود. ما باید تا جایی که می‌توانیم، این اصول اخلاقی را تغییر بدهیم. افراد پیرتر را تشویق کنید تا دانش و تجربه خود را با دیگران قسمت کنند. وقتی آنها صحبت می‌کنند، بدقت به سخنانشان گوش فرادهید. با مسن‌ترها دوستی کنید و در یافتن راههایی برای ادامه خدمت به خدا به آنها یاری دهید.

**۳۶:۲ و ۳۷** حنا نبیه خوانده می‌شد؛ این امر بیانگر نزدیکی چشمگیر او به خدا بود. کار نبی‌ها و نبیه‌ها لزوماً پیشگویی وقایع آینده نبود. وظیفه اصلی آنها سخن گفتن از جانب خدا و اعلام حقایق الهی بود.

نامیده می‌شود، که این اسم از کلمات ابتدای ترجمه لاتین این قسمت گرفته شده است («اکنون ای خداوند»). شمعون حالا دیگر می‌توانست در آرامش دیده از جهان فرو بندد، چون مسیح موعود را دیده بود.

**۳۷:۲** یهودیان با پیشگویی‌های عهدعتیق درباره برکات مسیح موعود برای قوم خودشان، کاملاً آشنا بودند. اما پیشگویی‌های دیگری هم بود که وعده می‌داد مسیح برای سایر ملل دنیا نیز حامل برکات خواهد بود. اما یهودیان معمولاً به این دسته از پیشگوییها به اندازه کافی توجه نمی‌کردند (برای مثال به اشعیا ۶:۴۹ مراجعه کنید). بسیاری فکر می‌کردند که او آمده تا فقط قوم خودش را نجات دهد. لوقا کاری کرد که مخاطب یونانی انجیلش بطور حتم بفهمد که عیسی آمد تا همه کسانی را که به او ایمان می‌آورند، نجات دهد.

**۳۳:۲** یوسف و مریم به سه دلیل به شگفت آمدند: اولاً شمعون گفت که عیسی هدیه‌ای از طرف خداست، ثانیاً او دانست که طفل همان مسیح موعود است، و ثالثاً او گفت که عیسی نوری برای همه جهان خواهد بود. این حداقل دومین باری بود که مریم پیشگویی‌ای درباره پسرش می‌شنید؛ بار اول وقتی بود که الیزابت از او بعنوان مادر خداوند خود استقبال کرد (۱:۴۲-۴۵).

**۳۵ و ۳۴:۲** شمعون درباره عیسی پیشگویی کرد که

۳۸ هنگامی که شمعون با یوسف و مریم سخن می گفت، آنا نیز وارد شده، خدا را شکر نمود و به تمام کسانی که در اورشلیم چشم‌براه ظهور نجات‌دهنده بودند، خبر داد که مسیح موعود تولد یافته است.

۳۹ یوسف و مریم، پس از اجرای مراسم دینی، به شهر خود ناصره در استان جلیل، بازگشتند. ۴۰ در آنجا، عیسی رشد کرد و بزرگ شد. او سرشار از حکمت بود و فیض خدا بر او قرار داشت.

### گفتگوی عیسی با علمای دین

(۱۵)

۴۱ والدین عیسی هر سال برای شرکت در مراسم عید پسخ به اورشلیم می‌رفتند. ۴۲ وقتی عیسی دوازده ساله شد، طبق رسم یهود، او را نیز همراه خود بردند. ۴۳ پس از پایان ایام عید، عازم ناصره شدند. اما عیسی بدون اطلاع یوسف و مادرش، در اورشلیم ماند. ۴۴ آنان روز اول متوجه غیبت او نشدند، چون فکر می‌کردند که او در میان همسفرانشان است. اما وقتی شب شد و دیدند که عیسی هنوز نزد ایشان نیامده، در میان بستگان و دوستان خود بدنبال او گشتند، ۴۵ اما او را نیافتند. پس مجبور شدند به اورشلیم بازگردند و او را جستجو کنند. ۴۶ و ۴۷ سرانجام، پس از سه روز جستجو او را یافتند. عیسی در خانه خدا و در میان

۳۸:۲

مراثی ۲۵:۳ و ۲۶

مر ۴۳:۱۵

لو ۲۱:۲۴

۳۹:۲

متی ۲۳:۲

۴۱:۲

تث ۱۰:۱۶-۶

۴۶:۲

اش ۱:۱۱-۴

۴۷:۲

متی ۲۸:۷

مر ۲۲:۱

یو ۱۵:۷

کنید). عید پسخ از میان سه عیدی که هر سال برگزار می‌شد، مهم‌ترین آنها بود.

۴۳:۲-۴۵ عیسی در سن ۱۲ سالگی فرد بالغی محسوب می‌شد، از اینرو وقت زیادی را طی مراسم عید با والدینش نگذراند. کسانی که در این اعیاد شرکت می‌کردند، بخاطر محفوظ ماندن از خطر راهزنان در جاده‌های فلسطین، غالباً با کاروان سفر می‌کردند. رسم بر این بود که زنان و بچه‌ها در جلو کاروان حرکت می‌کردند و مردان در عقب، آنان را همراهی می‌نمودند. یک پسر ۱۲ ساله می‌توانست در هر دو گروه باشد، و مریم و یوسف تصور می‌کردند که عیسی در میان سایر مسافران است. اما وقتی کاروان اورشلیم را ترک کرد، عیسی آنجا ماند، و با گفتگو با علمای دین، آنان را مجذوب خود نمود.

۴۶:۲ و ۴۷ مدرسه خانه خدا، که یک نوع آموزشگاه مذهبی بود، در سرتاسر یهودیه شهرت داشت. پولس رسول آنجا در محضر غملائیل، یکی از سرشناس‌ترین معلمین مدرسه خانه خدا تحصیل کرده بود (اعمال ۳:۲۲). موقع عید پسخ، بزرگترین معملین (رتبی‌های) کشور جهت تعلیم و گفتگو درباره حقایق مهم با یکدیگر در

۳۹:۲ آیا مریم و یوسف فوراً به ناصره بازگشتند، یا مدتی در بیت‌لحم ماندند (همان‌طور که در متی فصل ۲ به آن اشاره شده است)؟ ظاهراً بین آیه ۳۸ تا ۴۰ فاصله‌ای به مدت چند سال وجود دارد، یعنی وقت لازم برای یافتن خانه در بیت‌لحم، فرار به مصر به منظور در امان ماندن از خشم هیروдіس، و بازگشت به ناصره زمانی که خطر رفع شد.

۴۰:۲ عیسی نشان داد که فهم و حکمتش بیش از سنش می‌باشد. این جای تعجبی ندارد چون او همیشه در ارتباط نزدیک با پدر آسمانی‌اش بود. یعقوب در رساله خود ۵:۱ می‌گوید خدا «خرد و حکمت را به هر که از او درخواست کند، سخاوتمندانه عطا می‌فرماید.» ما هم مانند عیسی با راه رفتن با خدا می‌توانیم در فهم و حکمت رشد کنیم.

۴۱:۲ و ۴۲ مطابق شریعت خدا، هر ذکوری باید سالی سه مرتبه برای اعیاد بزرگ به اورشلیم می‌رفت (تثنیه ۱۶:۱۶). عید پسخ در بهار برگزار می‌شد، و بلافاصله بعد از آن، عیدنان فطیر بود. به این ترتیب، جشن و سرور یک هفته ادامه پیدا می‌کرد. عید پسخ یادآور شب فرار یهودیان از مصر بود، شبی که فرشته خداوند فرزند ارشد مصری‌ها را هلاک کرد، اما از خانه‌های اسرائیلی‌ها گذشت (به خروج ۱۲:۲۱-۳۶ مراجعه

علمای دینی نشسته بود و درباره مسایل عمیق با ایشان گفتگو می کرد و همه از فهم و جوابهای او در حیرت بودند.

<sup>۴۸</sup> یوسف و مریم نمی دانستند چه کنند! مادرش به او گفت: «پسرم، چرا با ما چنین کردی؟ من و پدرت، دلواپس بودیم و همه جا را بدنالت گشتیم!»

<sup>۴۹</sup> عیسی پاسخ داد: «چه لزومی داشت برای پیدا کردنم، به اینسو و آنسو بروید؟ مگر نمی دانستید که من باید در خانه پدرم باشم؟»<sup>۵۰</sup> اما آنان منظور عیسی را درک نکردند.

<sup>۵۱</sup> آنگاه عیسی به همراه یوسف و مریم به ناصره بازگشت و همواره مطیع ایشان بود. مادرش نیز تمام این امور را در خاطر خود نگاه می داشت.<sup>۵۲</sup> اما عیسی در حکمت و قامت رشد می کرد و مورد پسند خدا و مردم بود.

۴۸:۲

متی ۲۶:۱۲

لو ۲۲:۴

۴۹:۲

یو ۱۶:۲ + ۳۴:۴

۳۸:۶ + ۲۹:۸

۵۰:۲

لو ۴۵:۹ + ۳۴:۱۸

۵۱:۲

دان ۲۸:۷

۵۲:۲

اسمو ۲۶:۲

خانوادگی رویگردان باشند. اگر پسر خدا از والدین انسانی خود اطاعت کرد، چقدر بیشتر ما باید به اعضای خانواده مان احترام بگذاریم!

<sup>۵۰:۲</sup> پدر و مادر عیسی منظور او را از «خانه پدر» نفهمیدند. آنها تشخیص ندادند که او می خواهد برتری پدر آسمانی اش را بر پدر زمینی خود نشان دهد. اگرچه آنها می دانستند او پسر خداست، اما نفهمیده بودند رسالت او چه خواهد بود. بعلاوه، آنها می بایست او را مثل یک بچه معمولی با برادران و خواهرانش بزرگ می کردند (متی ۱۳:۵۵ و ۵۶). آنها می دانستند او منحصر بفرد است، اما نمی دانستند چه چیزی در فکرش می گذرد.

<sup>۵۲:۲</sup> در کتاب مقدس درباره بقیه ۱۸ سال زندگی عیسی بجز آموختن و رشد او به واقعه دیگری اشاره نشده است. او که بزرگترین فرزند خانواده بود، در کار نجاری به یوسف کمک می کرد. یوسف احتمالاً در این فاصله چشم از جهان فرو می بندد، و تأمین معاش خانواده بر دوش عیسی قرار می گیرد. جریان عادی زندگی روزانه، به عیسی کمک کرد تا وضعیت مردم یهودیه را بدرستی درک کند.

<sup>۵۲:۲</sup> فصل دوم انجیل لوقا به ما نشان می دهد که عیسی گرچه منحصر بفرد بود، اما دوران کودکی و جوانی اش بصورت عادی گذشت. او در زمینه رشد، مانند ما بود. او از نظر جسمی و روانی رشد کرد، با سایر مردم ارتباط داشت و مورد پسند خدا بود. زندگی کامل انسانی امری نامتعادل نیست. برای عیسی مهم بود و برای همه ایمانداران هم باید مهم باشد که بطور موزون در هر یک از زمینه های مهم زندگی رشد کنیم، یعنی از لحاظ جسمی، روانی، اجتماعی، و روحانی.

خانه خدا جمع می شدند. بی شک صحبت درباره مسیح موعود که قرار بود بزودی ظهور کند، موضوع اصلی گفتگوی آنها بوده است، چون «در آن روزها، امید مردم به ظهور مسیح موعود قوت گرفته بود» (۱۵:۳). عیسی حتماً اشتیاق شدید برای شنیدن و پرسیدن سؤالاتی در این زمینه داشته است. چیزی که معلمین را حیرت زده کرد، صرفاً جوانی او نبود، بلکه عمق افکار او بود.

<sup>۴۸:۲</sup> مریم می بایست فرزندش را آزاد می گذاشت و اجازه می داد تا او تبدیل گردد به یک مرد، پسر خدا، و مسیح موعود. مریم که بخاطر عدم مواظبت کافی از این فرزند خدادادی وحشت کرده بود، با دلواپسی بدنال او می گشت. اما او بدنال یک پسر بچه بود، نه نوجوانی که در خانه خدا، علمای دین را با سؤالات خود به حیرت انداخته بود. بحال خود گذاشتن افرادی که خودمان تربیت کرده ایم، یا رها کردن برنامه هایی که خودمان ترتیب داده ایم، کار آسانی نیست. فرزندانمان را بعنوان افراد بالغ، شاگردانمان را بعنوان معلم، مرئوسانمان را بعنوان رئیس، مریدانمان را بعنوان مرشد دیدن، هم شیرین است و هم دردناک. اما وقتی زمان آن می رسد که خود را کنار بکشیم و آنها را آزاد بگذاریم، علیرغم درد آور بودن آن، باید این کار را بکنیم. آن وقت دست پرورده هایمان می توانند بالهای خود را باز کنند و تا جایی اوج بگیرند که خدا برایشان در نظر گرفته است.

<sup>۴۹:۲</sup> این نخستین باری است که اشاره شده عیسی خود را پسر خدا معرفی می کند. اما با آنکه او پدر واقعی اش را می شناخت، پدر و مادر زمینی خود را رد نکرد. او با آنها به ناصره بازگشت و ۱۸ سال دیگر تحت مسؤولیت آنها زندگی کرد. مقدمین نباید از روابط انسانی یا مسؤولیتهای

## یحیای تعمیددهنده راه را برای عیسی آماده می کند

(۱۶/ متی ۱:۱۲-۱۲؛ مرقس ۱:۱-۸)

۳ در سال پانزدهم فرمانروایی تیبیریوس، امپراتور روم، کلام خدا در بیابان بر یحیی، پسر زکریا، نازل شد. (در آن زمان، پنطیوس پیلاتوس فرماندار یهودیه؛ هیروودیس حاکم جلیل؛ فیلیپ برادر هیروودیس، حاکم ایالات ایتوریه و تراخونیتس؛ و لیسانیوس حاکم آبلیه بود. حنا و قیافا نیز کاهنان اعظم بودند.)<sup>۳</sup> یحیی پس از دریافت پیغام خدا، رسالت خود را آغاز کرد. او در مناطق اطراف رود اردن می گشت و مردم را ارشاد می نمود و می گفت که توبه کنند و تعمید بگیرند تا خدا گناهانشان را بیاورد.

۴ یحیی همان کسی است که اشعیا درباره اش پیشگویی کرده و گفته بود: «کسی در بیابان صدا می زند و می گوید که راهی برای آمدن خداوند بسازید! راهی راست در صحرا برایش آماده کنید!»<sup>۵</sup> کوهها و تپهها را هموار سازید؛

۱:۳

متی ۱۲-۱:۳

مر ۱:۱-۸

۲:۳

یو ۱۳:۱۸؛ ۴۹:۱۱

۳:۳

ملا ۶:۴

متی ۱:۳

لو ۷:۱

اعما ۲۴:۱۳؛ ۴:۱۹

۴:۳

اش ۳:۴۰

متی ۳:۳

مر ۳:۱

یو ۲۳:۱

۵:۳

اش ۴:۴۰

می ماند. اما در این زمان، نظام مذهبی مختل شده بود و حکومت روم برای حفظ کنترل بیشتر بر یهودیان، رهبران مذهبی منتخب خود را به این مقام می گمارد. حکام رومی از قرار معلوم حنا را که منتخب یهودیان بود، از مقام کهنات عزل کرده و دامادش، قیافا را بجای او گماشته بودند. با وجود این، حنا عنوانش را حفظ کرد (به اعمال ۶:۴ مراجعه کنید) و احتمالاً بخش عمده قدرت آن مقام را نیز دارا بود. از آنجا که یهودیان اعتقاد داشتند که مقام کاهن اعظم سمتی است مادامالعمر، بعد از عزل حنا از سمتش به دست رومی ها، باز هم او را کاهن اعظم می دانستند.

۳:۳ توبه دو جنبه دارد: رو برگرداندن از گناهان، و رو کردن به خدا. برای بخشایش گناهانمان، ما باید هر دو جنبه توبه را بجا آوریم. ما نمی توانیم فقط بگوییم که ایمان داریم و بعد هر طور که دوست داریم زندگی کنیم (به ۷:۳ و ۸ مراجعه کنید)؛ در ضمن، نمی توانیم صرفاً یک زندگی درست اخلاقی بدون توسل به خدا داشته باشیم، چون هیچیک از این دو شق بتنهایی نمی تواند آموزش گناهان را برای ما به ارمغان آورد. تصمیم بگیرید زندگی خود را از هر گناهی که خدا به شما نشان می دهد، پاک سازید، و برای نجات از عواقب گناهانتان تنها به خدا توکل کنید.

۳:۴ و ۵ در زمان یحیی، قبل از آنکه پادشاهی به سفر برود، پیام آوران به کسانی که قرار بود پادشاه به دیدنشان برود اطلاع می دادند تا راه را برای او آماده کنند. به همان شکل، یحیی به شنوندگان موعظه هایش می گفت که زندگی خود را آماده کنند تا خداوند بتواند نزد آنها بیاید. شما برای آماده کردن راه جهت آمدن عیسی نزد خود، چه کار کرده اید؟

۱:۳ تیبیریوس، امپراتور روم، از سال ۱۴ تا ۳۷ م. حکومت کرد. پیلاتوس فرماندار رومی استان یهودیه بود؛ هیروودیس آنتیپاس و فیلیپ، برادر ناتنی یکدیگر و پسران هیروودیس کبیر ظالم بودند، که بیش از ۲۰ سال از مرگ او می گذشت. آنتیپاس، فیلیپ، پیلاتوس، و لیسانیوس ظاهراً در امر حکمرانی بر قلمروهای جداگانه، از قدرت یکسانی برخوردار بودند. همه آنها تابع حکومت روم و مسؤول حفظ صلح در سرزمین مربوط به خودشان بودند.

۱:۳ این یحیی همان یحیای تعمیددهنده می باشد که ماجرای تولد او در فصل ۱ نقل شده است.

۱:۳ پیلاتوس، هیروودیس، و قیافا قدرتمندترین رهبران در فلسطین بودند، اما یک نبی بیابانی از دهات یهودیه با جلب توجه مردم به خود، شهرتی بیش از آنان بدست آورد. خدا بر آن شد از زبان یحیی، مردی تنها، سخن بگوید، کسی که از او در تاریخ بعنوان فردی بزرگتر از حکام زمان خود نام برده شده است. جقدر ما مردم را با معیارهای فرهنگ خود یعنی با معیار قدرت، ثروت و زیبایی، مورد قضاوت قرار داده ایم و افرادی را که واقعاً بزرگند و خدا از طریق آنها عمل می کند از نظر دور کرده ایم! بزرگی با آنچه که برای خدا انجام می دهید سنجیده می شود، نه با آنچه که دارید. مانند یحیی، خود را تمام و کمال در اختیار خدا قرار دهید تا قدرت او از طریق شما عمل کند.

۲:۳ و ۱:۳ بنا بر شریعت یهود، فقط یک کاهن اعظم وجود داشت. خدا کاهن اعظم را از خاندان هارون بر می گزید، و کسی که کاهن اعظم می شد، تا آخر عمر در این سمت باقی

دره‌ها را پر کنید! راه‌های کج را راست و جاده‌های ناهموار را صاف نمایید!  
 ۶ آنگاه همه مردم نجات خدا را خواهند دید!»

۷ بسیاری از مردم، برای غسل تعمید نزد یحیی می‌آمدند. یکبار او به عده‌ای از ایشان گفت: «ای مارهای خوش خط و خال، فکر کردید می‌توانید بدون توبه واقعی، از عذاب جهنم بگریزید؟<sup>۸</sup> رفتار تان نشان می‌دهد که واقعاً توبه کرده‌اید یا نه. این فکر را نیز از سرتان بیرون کنید که چون جدتان ابراهیم است، از غضب خدا در امان خواهید ماند، زیرا خدا می‌تواند از این سنگهای بیابان برای ابراهیم فرزندان بوجود آورد! اکنون تیشه داوری خدا بر ریشه درخت زندگی شما گذاشته شده است. هر درختی که میوه خوب ندهد، بریده و در آتش انداخته خواهد شد!»

۱۰ از او پرسیدند: «چه باید بکنیم؟»

۱۱ جواب داد: «اگر دو پیراهن دارید، یکی را بدهید به کسی که ندارد. اگر خوراک اضافی نیز دارید، اینچنین کنید.»

۱۲ مأمورین جمع‌آوری باج و خراج که به بدنامی معروف بودند، نیز برای

۶:۳

مز ۲:۹۸

اش ۵:۴۰ ؛ ۱۰:۵۲

یو ۱:۱۴

۷:۳۳

متی ۷:۳

یو ۸:۴۴

۸:۳۳

اعما ۲۰:۲۶

۹:۳

متی ۱۰:۳۳ ؛ ۱۹:۷

یو ۱۵:۲۶

۱۱:۳

یعقو ۲:۱۵

ایو ۳:۱۷

۱۲:۳

متی ۲۲:۲۱

نکنید. ایمان شخصی خودتان را بر عیسی قرار دهید، و بعد هر روز ایمان خود را در عمل نشان دهید.

۳:۹۰۸ ایمان و عمل از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. ایمان بدون عمل، ایمانی مرده است. شدیدالحن‌ترین سخنان عیسی خطاب به علمای مذهبی محترمی بود که فاقد ایمان واقعی بودند. توبه باید با عمل توأم باشد، در غیراینصورت، واقعی نیست. آیا ایمان شما در ضمن رشد، میوه می‌آورد، یا در اثر قصور در انجام کارهایی که خدا به شما نشان می‌دهد، تحلیل می‌رود؟

۳:۱۲ مأمورین جمع‌آوری باج و خراج، به نادرستی معروف بودند. رومیها امتیاز جمع‌آوری مالیات را به کسی واگذار می‌کردند که قول می‌داد بیشترین پول را از منطقه تعیین‌شده، جمع‌آوری کند. این مأمور مالیات معاش زندگی خود را از طریق اضافه کردن مبلغ قابل توجهی به کل مبلغ مالیات، تأمین می‌کرد، یعنی تا جایی که می‌توانست بر مالیات می‌افزود و مازاد آن را برای خودش نگه می‌داشت. مردم می‌بایست مبلغ تعیین‌شده را بپردازند، مگر اینکه شورش می‌کردند و عواقب خشم رومیها را نیز متحمل می‌شدند. معلوم بود که یهودیان از مأمورین جمع‌آوری باج و خراج که اشخاص نادرست و طماعی بودند، نفرت داشتند. اشخاصی که حاضر می‌شدند بخاطر اندک پولی به هموطنان خود خیانت کنند. با وجود این، یحیی گفت که خدا حتی این اشخاص را هم می‌پذیرد، در صورتی که توبه کنند و حقیقتاً روش زندگی‌شان را تغییر بدهند.

۳:۱۱-۱۴ در مقابل پیغام یحیی، لاقل دو واکنش

۳:۶ این کتاب خطاب به یک غیریهودی نوشته شده است. لوقا از اشعیا نقل قول می‌کند تا نشان دهد نجات برای همه مردم است، نه فقط برای یهودیان (اشعیا ۴۰:۳۵ ؛ ۵۲:۱۰). یحیی همه انسانها را دعوت کرد تا خود را برای ملاقات با عیسی آماده کنند. این دعوت شامل شما هم می‌شود، صرفنظر از اینکه ارتباط شما با تشکیلات و مراجع مذهبی چگونه است. نگذارید احساس بیگانگی، شما را از پاسخگویی به این دعوت باز دارد. هر کسی که می‌خواهد عیسی را پیروی کند، در ملکوت خدا بیگانه نیست.

۳:۷ انگیزه شما از ایمان آوردن چیست؟ ترس از آینده، یا میل به اینکه در دنیایی بهتر، فرد بهتری باشید. بعضی از مردم می‌خواستند یحیی آنان را تعمید دهد تا بتوانند از مجازات ابدی رهایی پیدا کنند، اما بخاطر نجات بسوی خدا نمی‌آمدند. یحیی حرفهای شدیدالحنی به اینگونه افراد می‌زد. او می‌دانست که خدا به اصلاح زندگی، بیشتر از تشریفات بها می‌دهد. آیا ریشه ایمان شما اینست که میل دارید زندگی تازه و تغییر یافته‌ای داشته باشید، یا تدبیری است در جهت ایجاد مصونیت یا بیمه شدن علیه بلاهای احتمالی؟

۳:۸ بسیاری از شنوندگان یحیی وقتی از یحیی شنیدند که وابستگی به نسل ابراهیم برای خدا کافی نیست، شدیداً تعجب کردند. علمای مذهبی در خصوص ارتباطشان با خدا، بیشتر به تبار خانوادگی‌شان متکی بودند تا به ایمانشان. از نظر آنها مذهب امری بود موروثی. اما رابطه با خدا از والدین به فرزندان به ارث نمی‌رسد. هرکس باید خودش به آن برسد. برای نجات خود به کسی دیگر اتکا

غسل تعمید نزد او آمدند و پرسیدند: «استاد، چگونه نشان دهیم که از گناهانمان دست کشیده ایم؟»

۱۳:۳

میکا ۸:۶  
لو ۸:۱۹

۱۳ پاسخ داد: «با درستکاری تان! بیش از آنچه دولت روم تعیین کرده است، از کسی باج و خراج نگیرید.»

۱۴:۳

خرو ۱:۲۳  
لاو ۱۱:۱۹

۱۴ عده‌ای از نظامیان رومی نیز از او پرسیدند: «ما چه کنیم؟»  
یحیی جواب داد: «با زور و تهدید از مردم پول نگیرید. تهمت ناروا به کسی نزنید و به حقوقی که می‌گیرید، قانع باشید.»

۱۵:۳

یو ۱:۱۹ و ۲۰

۱۵ در آن روزها، امید مردم به ظهور مسیح موعود قوت گرفته بود و همه از خود

۱۶:۳

متی ۱۱:۳  
مر ۷:۱ و ۸

می‌پرسیدند که آیا یحیی همان مسیح است یا نه؟<sup>۱۶</sup> یحیی در این باره به مردم گفت: «من شما را با آب تعمید می‌دهم. اما بزودی شخصی خواهد آمد که شما

۱۷:۳

یو ۳۳:۲۶-۱  
اقرن ۱۳:۱۲

را با روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد. مقام او بالاتر از من است و من حتی لایق نیستم که بند کفشهایش را بگشایم.<sup>۱۷</sup> او گاه را از گندم جدا کرده، آن را

میکا ۱۲:۴  
متی ۲۰:۱۳

مسیح موعود ظهور کند، نبوت دوباره نمودار خواهد شد (یوئیل ۲:۲۸ و ۲۹؛ ملاکی ۳:۱، ۴:۵). وقتی یحیی ناگهان روی صحنه آمد، مردم ذوق‌زده شدند چون او ظاهراً نبی بزرگی بود، و مردم اطمینان داشتند که زمان ظهور مسیح فرارسیده است، عصری که با بی‌صبری انتظارش را می‌کشیدند. یحیی همچون انبیای قدیم سخن می‌گفت. او مردم را ارشاد می‌کرد که برای فرار از مجازات، از گناهانشان روی برگردانند، و بسوی خدا باز گردند تا برکات الهی نصیبشان شود. پیغام او برای همه دوران‌ها و همه مکان‌ها است، اما یحیی آن را با فوریت خاصی اعلام می‌کرد، چون می‌خواست مردم را برای آمدن مسیح آماده سازد.

۱۶:۳ تعمیدی که یحیی با آب می‌داد، مظهر زدوده شدن از گناه بود که با پیغام او در باب توبه و تهذیب و اصلاح هماهنگی داشت. تعمید با آتش که عیسی وعده داد، در بردارنده قدرت لازم برای انجام اراده خدا نیز هست. تعمید با روح‌القدس و آتش در روز پنتیکاست شروع شد (اعمال فصل ۲)، وقتی که روح‌القدس به شکل زبانه‌های آتش بر ایمانداران قرار گرفت، و به ایشان قدرت داد تا قیام عیسی را به زبانه‌های مختلف اعلام کنند. تعمید با آتش همچنین مظهر کار روح‌القدس در داوری خدا بر کسانی است که از توبه کردن امتناع می‌ورزند.

۱۷:۳ یحیی کسانی را که از زندگی کردن برای خدا امتناع می‌ورزند، به گاه یعنی پوسته خارجی و بی‌مصرف گندم تشبیه می‌کند تا آنان را از داوری قریب‌الوقوع خدا مطلع سازد. در مقابل، کسانی را که توبه می‌کنند و زندگی‌شان را تغییر می‌دهند، به خود دانه گندم تشبیه می‌کند. اشخاصی که

مشخص می‌توانیم نشان دهیم: (۱) آنچه را که داریم با نیازمندان قسمت کنیم، و (۲) هر شغلی که داریم، آن را خوب انجام دهیم. یحیی دوست نداشت وقت خود را صرف دادن پیغامهای تسلی‌دهنده به کسانی بکند که بی‌خیال بودند یا زندگی خودخواهانه‌ای داشتند؛ او مردم را به زندگی درست دعوت می‌کرد. در زمینه قسمت کردن دارایی‌تان با دیگران و انجام درست و صادقانه کارتان، چه تغییراتی می‌توانید بدهید؟

۱۲:۳ پیغام یحیی در جاهایی که نمی‌شد حدس زد ریشه دوانده بود، در بین فقرا، مجرمین، و حتی در میان سپاهیان منفور. اینان کسانی بودند که بطور دردناکی از نیازهایشان آگاهی داشتند. ما غالباً حسن شهرت را با زندگی درست اشتباه می‌گیریم، حال آنکه این دو باهم یکی نیستند. اگر حسن شهرت، ما را از پی بردن به نیازمان به خدا باز دارد، حتی می‌تواند مانع داشتن زندگی درست شود. اگر مجبور به انتخاب یکی از این دو بودید، آیا در صدد اصلاح زندگی و سیرتان برمی‌آمدید، ولو اینکه این انتخاب باعث لطمه به شهرتتان شود؟

۱۴:۳ این نظامی‌ها، سربازان رومی بودند که جهت حفظ صلح در این ایالت دوردست فرستاده شده بودند. آنها به فقرا ستم می‌کردند و از قدرت خود برای بهره‌کشی از همه مردم استفاده می‌کردند. یحیی از آنها دعوت کرد تا توبه کنند و روش زندگی‌شان را تغییر دهند تا دیگران نیز ایمان آنها را به چشم ببینند.

۱۵:۳ بیش از ۴۰۰ سال بود که نبی‌ای در اسرائیل ظهور نکرده بود. اعتقاد اکثریت مردم بر این بود که وقتی

در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید و گندم را در انبار ذخیره خواهد نمود.»<sup>۱۸</sup> بدینسان یحیی با چنین نصیحتی، کلام خدا را به مردم اعلام می‌کرد و مژده می‌داد که ملکوت خدا نزدیک است.

### محبوس شدن یحیی به دست هیروдіس

(۲۶)

<sup>۱۹</sup> و <sup>۲۰</sup> (اما پس از اینکه یحیی آشکارا هیروдіس را بسبب ازدواج با هیرودیا، زن برادر خود فیلیپ، و خطاهای فراوان دیگرش سرزنش کرد، هیروдіس او را به زندان انداخت و گناه دیگری به گناهان بشمار خود افزود.)

۲۰ و ۱۹:۳

متی ۳:۱۴

مر ۱۷:۶

یو ۲۴:۳

### تعمید عیسی به دست یحیی

(۱۷ / متی ۳:۱۳-۱۷؛ مرقس ۱:۹-۱۱)

<sup>۲۱</sup> یک روز، پس از آنکه همه تعمید گرفته بودند، عیسی نیز نزد یحیی آمد و تعمید گرفت و مشغول دعا گردید. در آن حال، آسمان گشوده شد،<sup>۲۲</sup> و روح القدس به شکل کبوتری نازل شد و بر او قرار گرفت؛ و ندایی نیز از آسمان در رسید که: «تو فرزند عزیز من هستی! از تو بسیار خوشنودم!»

۲۱:۳

متی ۱۷-۱۳:۳

مر ۱۱-۹:۱

یو ۳۲:۱

عمومی خدمت او بود. عیسی بجای رفتن به اورشلیم و همردیف شدن با رهبران مذهبی که مقامشان برای همه محرز بود، به رودخانه‌ای رفت و با کسانی همسان شد که توبه می‌کردند. وقتی عیسی در سن ۱۲ سالگی به خانه خدا رفت، می‌دانست چه رسالتی بر عهده دارد (۴:۲). او هجده سال بعد، به هنگام تعمید، رسالت خود را آغاز کرد. و وقتی در حین تعمید دعا کرد، خدا با او سخن گفت و مهر تأییدی بر رسالت او زد. خدا از طریق عیسی مسیح وارد تاریخ بشریت شد. **۲۱:۳ و ۲۲** اگر تعمید نشانه توبه از گناه بود، چرا عیسی از یحیی خواست او را تعمید دهد؟ رسالت عیسی این بود که مشابه انسانیت و گناه ما شود؛ بنابراین او با تعمید خود، مرگ و رستاخیزش را که برای نجات ما در آینده نزدیک در شرف وقوع بود، به تصویر کشید. او همچنین، با تأیید عمل تعمید، به ما نمونه‌ای داد تا مطابق آن عمل کنیم. تعمید عیسی، شروع خدمت علنی او بود و چون آمده بود تا گناه مردم را بردارد، شاید در حین تعمید، گناهان قوم را اعتراف می‌کرد. ظاهر شدن روح القدس به شکل کبوتر، نشان داد که خدا از کاری که عیسی می‌کرد، خوشنود است. عیسی انسان کامل بود که نیازی به تعمید برای رفع گناه نداشت؛ اما با وجود این، تعمید گرفت تا نشان دهد که گناهان ما را بر خواهد داشت. **۲۱:۳ و ۲۲** در جاهای مختلف از کتاب مقدس، از هر سه شخصیت تثلیث یعنی پدر، پسر، و روح القدس نام برده شده که

نمی‌خواهند خدا به کارشان ببرد، دور انداخته خواهند شد چون فایده‌ای در پیشرفت کار خدا ندارند. اما کسانی که توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند، در نظر خدا ارزش زیادی خواهند داشت، چون این قبیل اشخاص زندگی تازه و خدمت ثمربخشی را برای او شروع می‌کنند.

**۲۰ و ۱۹:۳** این دو آیه در پراکنش قرار گرفته تا خواننده بفهمد که لوقا در ادامه شرح خود درباره یحیی تعمیددهنده شتاب دارد. در خصوص ترتیب تاریخی وقایع به جدول هماهنگی اناجیل در این زمینه توجه کنید.

**۲۰ و ۱۹:۳** هیروдіس که در اینجا از او نام برده شده، هیروдіس آنتیپاس است (برای آگاهی از شرح حال او به مرقس فصل ۶ مراجعه کنید). هیرودیا، هم خواهرزاده هیروдіس بود و هم زن برادرش. این زن با زیرکی توطئه قتل یحیی تعمیددهنده را ریخت (متی ۱۴:۱-۱۲). اعضای خاندان هیروдіس بی‌رحم و فریبکار بودند، و مرتکب زنا با محارم می‌شدند. انتقاد از پادشاه ظالم و دست‌نشانده روم که می‌توانست یحیی را زندانی و اعدام کند، بسیار خطرناک بود، اما یحیی این کار را کرد. ظاهراً برگ برنده در دست هیروдіس بود، اما داستان به اینجا ختم نمی‌شود. در داوری نهایی هیروдіس در خطر خواهد بود و نه یحیی.

**۲۱:۳** لوقا بر جنبه انسانی عیسی تأکید می‌کند. او در خانواده حقیری بدینا آمد و ورود او به این جهان بجز به چوپانان و بیگانگان به کس دیگری اعلام نشد. تعمید او اولین اعلام

## نیاکان عیسی

(۳/ متی ۱:۱-۱۷)

۳۳ عیسی تقریباً سی ساله بود که خدمت خود را آغاز کرد. مردم او را پسر یوسف می‌دانستند. پدر یوسف، هالی بود.

۲۴ پدر هالی، متات بود. پدر متات، لاوی بود. پدر لاوی، ملکی بود. پدر ملکی، ینا بود. پدر ینا، یوسف بود.

۲۵ پدر یوسف، متاتیا بود. پدر متاتیا، آموس بود. پدر آموس، ناحوم بود. پدر ناحوم، حسلی بود. پدر حسلی، نجی بود.

۲۶ پدر نجی، مائت بود. پدر مائت، متاتیا بود. پدر متاتیا، شمعی بود. پدر شمعی، یوسف بود. پدر یوسف، یهودا بود. پدر یهودا، یوحنا بود.

۲۷ پدر یوحنا، ریسا بود. پدر ریسا، زروبابل بود. پدر زروبابل، سائلتی ئیل بود. پدر سائلتی ئیل، نیری بود.

۲۸ پدر نیری، ملکی بود. پدر ملکی، ادی بود. پدر ادی، قوسام بود. پدر قوسام، ایلمودام بود. پدر ایلمودام، غیر بود.

۲۹ پدر غیر، یوسی بود. پدر یوسی، ایلعاذر بود. پدر ایلعاذر، یوریم بود. پدر یوریم، متات بود. پدر متات، لاوی بود.

۳۰ پدر لاوی، شمعون بود. پدر شمعون، یهودا بود. پدر یهودا، یوسف بود. پدر یوسف، یونان بود. پدر یونان، ایلایقیم بود.

۲۳:۳

اعداد ۳:۴، ۳۵:۳، ۳۹:۴۷

متی ۱:۱-۱۷؛ ۱۳:۵۵

یوحنا ۶:۴۲

کنیم و باید در برابر وسوسه شتابزدگی پیش از دریافت هدایت روح القدس، مقاومت نماییم. آیا شما نگران این هستید که قدم بعدی تان چه باید باشد؟ عجله نکنید، بلکه به برنامه زمانی خدا اطمینان داشته باشید.

۳۸-۲۳:۳ در اینجا نسب‌نامه عیسی از طریق خاندان مریم دنبال شده است. نسب‌نامه‌ای که در متی ۱:۱-۱۷ ثبت شده، از طریق تبار یوسف دنبال شده که قانوناً پدر عیسی بود اما پدر واقعی‌اش نبود. نسب‌نامه متی به ابراهیم می‌رسد و نشان می‌دهد که عیسی با همه یهودیان خویشاوندی دارد. نسب‌نامه لوقا به آدم می‌رسد و مبین این است که عیسی با تمام بشریت خویشاوند است. این نسب‌نامه با تصویری که لوقا از عیسی بعنوان منجی تمامی جهان بدست می‌دهد، منطبق است.

۲۳:۳ هالی در واقع پدرزن یوسف بود. بنابراین، این نسب‌نامه در واقع نسب‌نامه مریم می‌باشد که لوقا احتمالاً شخصاً از مریم گرفته است. بخاطر اهمیتی که لوقا در انجیلش به زنان می‌دهد، بجاست که او نسب‌نامه مریم را ارائه دهد.

یکی از آن جاها همین قسمت است. از ابتدا کلیسا بر این اعتقاد بوده که یک خدا در سه شخصیت وجود دارد، اما هر سه آنها ذاتی ابدی و برابر دارند. هر اندازه توضیح قادر به توصیف قدرت و پیچیدگی این رابطه منحصر بفرد نخواهد بود. در طبیعت هیچ قیاس کاملی از تثلیث وجود ندارد، چون رابطه دیگری مثل آن وجود ندارد.

۲۳:۳ تصور کنید، منجی جهان تا ۳۰ سالگی در شهر کوچکی در یک دکان به کار نجاری مشغول بوده است! باور کردنی نیست که عیسی در تمام این مدت از ماندن در ناصره راضی بوده باشد، اما او صبورانه به برنامه زمانی خدای پدر برای زندگی و خدمتش اعتقاد داشت. سی‌سالگی سن تعیین شده برای شروع خدمت کاهنان بود (اعداد ۳:۴). یوسف سی‌ساله بود که خدمت به پادشاه مصر را آغاز کرد (پیدایش ۴۱:۴۶)، و داود سی‌ساله بود که پادشاه یهودا شد (۲ سموئیل ۵:۴). سی‌سالگی در فرهنگ یهود سن مناسبی برای شروع کارهای مهم بود. ما نیز مانند عیسی باید در چارچوب برنامه زمانی خدا عمل

- ۳۱ پدر ایلیا قیم، ملیا بود. پدر ملیا، مینان بود. پدر مینان، متاتا بود. پدر متاتا، ناتان بود. پدر ناتان، داود بود.
- ۳۲ پدر داود، یسی بود. پدر یسی، عوبید بود. پدر عوبید، بو عز بود. پدر بو عز، شلمون بود. پدر شلمون، نحشون بود.
- ۳۳ پدر نحشون، عمیناداب بود. پدر عمیناداب، ارام بود. پدر ارام، حصرون بود. پدر حصرون، فارص بود. پدر فارص، یهودا بود.
- ۳۴ پدر یهودا، یعقوب بود. پدر یعقوب، اسحاق بود. پدر اسحاق، ابراهیم بود. پدر ابراهیم، تارح بود. پدر تارح، ناحور بود.
- ۳۵ پدر ناحور، سروج بود. پدر سروج، رعو بود. پدر رعو، فالج بود. پدر فالج، عابر بود. پدر عابر، صالح بود.
- ۳۶ پدر صالح، قینان بود. پدر قینان، ارفک شاد بود. پدر ارفک شاد، سام بود. پدر سام، نوح بود. پدر نوح، لمک بود.
- ۳۷ پدر لمک، متوشالچ بود. پدر متوشالچ، خنوخ بود. پدر خنوخ، یارد بود. پدر یارد، مهلل ئیل بود. پدر مهلل ئیل، قینان بود.
- ۳۸ پدر قینان، انوش بود. پدر انوش، شیث بود. پدر شیث، آدم بود. پدر آدم، خدا خالق او بود.

۳۱:۳  
۲ سمو ۱۴:۵  
اتوا ۳:۵  
زکر ۱۲:۱۲  
۳۲:۳  
روت ۱۸:۴  
اتوا ۱۰:۲

۳۴:۳  
پیدا ۱۱:۲۴ و ۲۶

۳۶:۳  
پیدا ۱۱:۱۰ و ۱۲

۳۸:۳  
پیدا ۱:۲۶ و ۲۷ : ۷:۲ ؛  
۲ او ۵  
اش ۸:۶۴

### آزمایش عیسی از سوی شیطان

(۱۸ / متی ۴:۱-۱۱ : مرقس ۱:۱۲ و ۱۳)

۴ عیسی که پر از روح القدس شده بود، با هدایت همان روح، از رود اردن به بیابانهای یهودیه رفت.<sup>۲</sup> در آنجا شیطان برای مدت چهل روز او را وسوسه می کرد. در تمام این مدت، عیسی چیزی نخورد؛ از اینرو در پایان، بسیار گرسنه شد.

۱:۴  
اش ۲:۱۱ ؛ ۱:۶  
متی ۴:۱-۱۱  
یو ۱:۳۳ ؛ ۳:۴  
۲:۴  
خرو ۲۸:۳۴  
۱ پاد ۸:۱۹  
عبر ۱۸:۲ ؛ ۱۵:۴

انجام خدمات عالی به سراغ انسان می آید (در این خصوص به پادشاهان فصل های ۱۸ و ۱۹، ماجرای پیروزی بزرگ ایلیا و ناامیدی متعاقب آن مراجعه کنید). به خاطر داشته باشید که شیطان اوقات مناسبی را برای حمله به ما انتخاب می کند. ما باید به همان اندازه که در اوقات ناامیدی مواظب حمله شیطان هستیم، در وقت پیروزی هم مراقب باشیم. برای اینکه بدانید شیطان چگونه ما را در مواقعی که آسیب پذیریم وسوسه می کند، به توضیحات مربوط به متی ۱:۴ مراجعه کنید.

۲ او ۴ شیطان حوا را در باغ وسوسه کرد و عیسی را نیز در بیابان. شیطان وجود واقعی دارد، و یک نماد یا یک تصور نیست. او همواره با خدا و کسانی که خدا را پیروی

۱:۴ بعضی اوقات احساس می کنیم که اگر روح القدس ما را هدایت کند، همیشه ما را به «کنار آبهای آرام» هدایت خواهد کرد. اما این نتیجه گیری الزاماً درست نیست. روح القدس عیسی را برای آزمایشی سخت و طولانی هدایت کرد، و ممکن است ما را هم به موقعیت های دشوار هدایت کند. وقتی با آزمایشها روبرو می شوید، اول یقین حاصل کنید که در اثر گناه یا انتخاب های نابخردانه خودتان موجب افتادن در آزمایش نشده اید. اگر هیچ گناهی برای اعتراف یا رفتار نابخردانه ای برای تغییر نیافتید، از خدا بخواهید تا شمارا در آزمایش وسوسه تقویت کند. و بالاخره دقت کنید تا هر جا که روح القدس شمارا هدایت می کند، صادقانه از او پیروی نمایید.

۱:۴ وسوسه غالباً بعد از یک اوج در زندگی روحانی و

۴:۴  
تث ۳۸  
افس ۱۷:۶

<sup>۳</sup>شیطان به عیسی گفت: «اگر تو فرزند خدا هستی، به این سنگ بگو تا نان شود!»  
<sup>۴</sup>عیسی در جواب فرمود: «در کتاب آسمانی نوشته شده است که نیاز انسان در زندگی، فقط نان نیست.»

**۳:۴** شیطان اغلب سؤالاتی درباره چیزهایی که خدا گفته، مطرح می‌کند. او می‌داند که وقتی ما شروع می‌کنیم به طرح سؤال از خدا، بسیار راحت‌تر می‌تواند ما را وادار تا کاری را انجام دهیم که او می‌خواهد. اینگونه طرح سؤالات می‌تواند به ما کمک کند تا اعتقاداتمان را دسته‌بندی و ایمانمان را تقویت کنیم، اما از طرفی می‌تواند خطرناک هم باشد. اگر شک و تردید در زندگی‌تان هست، بدانید که نسبت به وسوسه بسیار آسیب‌پذیرید. حتی اگر هم سؤالاتی دارید و در پی پاسخ هستید، با تعمق کردن در حقایق تغییرناپذیر کلام خدا، از خود در مقابل حملات شیطان محافظت کنید.

**۳:۴** بعضی اوقات، کاری که وسوسه می‌شویم انجام دهیم، بخودی خود اشتباه نیست. تبدیل کردن سنگ به نان لزوماً بد نبود. عمل تبدیل سنگ به نان گناه نبود بلکه دلیل انجام آن گناه بود. شیطان سعی می‌کرد عیسی را وادار تا برای رفع فوری مشکل، به قیمت از دست دادن اهداف درازمدتش، راه حل آسانتر را انتخاب کند. شیطان غالباً به این طریق عمل می‌کند، یعنی ما را متقاعد می‌نماید تا کارهای حتی خوب را انجام دهیم، اما با انگیزه و دلیلی نادرست. این حقیقت که کاری بخودی خود غلط نیست، بدان معنا نمی‌باشد که انجام آن در زمان مشخصی برای شما خوب است. برای حصول اطمینان از درست یا غلط بودن کاری، اول از خود بپرسید: «آیا روح‌القدس مرا به انجام این کار هدایت می‌کند؟ یا شیطان مرا وادار می‌دارد تا این کار را انجام دهم تا مرا از مسیر اصلی منحرف کند؟»

**۳:۴** غالباً شیطان ما را نه از طریق ضعف‌هایمان، بلکه از طریق نقاط قوتمان وسوسه می‌کند. شیطان از نقطه قوت عیسی، او را وسوسه کرد. عیسی بر سنگها، کشورهای جهان، و حتی بر فرشتگان قدرت داشت، و شیطان از او خواست تا بدون در نظر گرفتن رسالتش، قدرتی را که بر آنها داشت به کار گیرد. وقتی تسلیم شیطان می‌شویم و به طرز اشتباهی از توان و قدرت خود استفاده می‌کنیم، مغرور و متکی به خود می‌شویم. اتکا به قدرت شخصی، موجب می‌شود نسبت به خدا احساس بی‌نیازی بکنیم. برای فرار از این دام، باید بدانیم که تمام توانایی‌های ما هدیه‌ای است از جانب خدا، و باید آنها را وقف خدمت به او کنیم. شیطان در مواقعی نیز که آسیب‌پذیریم ما را وسوسه می‌کند. برای اینکه بدانید چگونه در این مواقع شیطان ما را به وسوسه می‌اندازد، به توضیحات مربوط به متی ۱:۴ مراجعه کنید.

و اطاعت می‌کنند، می‌جنگد. عیسی برای وسوسه‌های شیطان هدفی عالی بود. شیطان در مورد حوا موفق شد، و امیدوار بود در مورد عیسی نیز موفق شود.  
**۱:۴-۱۳** دانستن و اطاعت از کلام خدا اسلحه مؤثری است در مقابل وسوسه، و در بین سایر «سلاح‌های» فرد مسیحی، تنها اسلحه‌ای است که برای حمله در نظر گرفته شده (افسیان ۱۷:۶). عیسی برای مقابله با حملات شیطان از آیات کتاب آسمانی استفاده کرد؛ شما نیز می‌توانید همین کار را بکنید. اما برای استفاده مؤثر از آن، باید به وعده‌های خدا ایمان داشته باشید، چون شیطان هم کلام خدا را می‌داند. او در تحریف کلام به منظور مناسب کردن آن برای مقاصد خودش استاد است. اطاعت از کلام مهم‌تر است از اینکه فقط آیه‌ای نقل قول شود، بنابراین آیات کلام را هر روز بخوانید و آنها را در زندگی خود به کار بگیرید. به این ترتیب، «شمشیر» شما همیشه تیز خواهد بود.

**۳:۴** چه لزومی داشت که عیسی وسوسه شود؟ اولاً، وسوسه قسمتی از تجربه بشری است؛ برای آنکه عیسی انسان کامل باشد، برای آنکه ما را کاملاً درک کند، می‌بایست وسوسه شود (به عبرانیان ۱۵:۴ مراجعه کنید). ثانیاً، عیسی می‌بایست کار آدم را باطل می‌کرد. اگر چه آدم کامل خلق شد، اما تسلیم وسوسه گردید و گناه را به تمام نسل بشری منتقل کرد. برخلاف او، عیسی در برابر شیطان مقاومت نمود. پیروزی او نجات را به تمام نسل آدم ارزانی می‌دارد (به رومیان ۵:۱۲-۱۹ مراجعه کنید).



وسوسه عیسی و بازگشت به جلیل  
شیطان عیسی را قبل از بازگشت به ناصره، شهری که در آن بزرگ شده بود، در بیابانهای ناهموار یهودیه وسوسه کرد. قبل از آنکه عیسی بطرف کفرناحوم برود تا قسمت اعظم فعالیت‌های خود را در آنجا متمرکز کند (به متی ۱۳:۱۲ و ۱۳:۱۴ مراجعه کنید)، انجیل لوقا سفرهای او به جلیل، ناصره، و یهودیه را نقل می‌کند (به یوحنا فصل‌های ۱-۴ مراجعه کنید).

<sup>۵</sup> سپس شیطان او را به قله کوهی برد و در یک آن، تمام ممالک جهان را به او نشان داد، <sup>۶</sup> و گفت: «اگر فقط زانو بزنی و مرا سجده کنی، تمام این مملکتها را با شکوه و جلالشان، به تو خواهم بخشید؛ چون همه آنها از آن من است و به هر که بخوامم واگذار می‌کنم.»

<sup>۸</sup> عیسی جواب داد: «در کتاب آسمانی آمده که انسان باید فقط و فقط خدا را پرستد!»  
<sup>۹</sup> آنگاه شیطان از آنجا او را به اورشلیم برد و بر مرتفع‌ترین نقطه خانه خدا قرار داد و گفت: «اگر فرزند خدا هستی، خود را از اینجا به زیر بینداز، <sup>۱۰</sup> چون در کتاب آسمانی آمده که خدا فرشته‌های خود را خواهد فرستاد تا تو را محافظت کنند و در دستهای خود نگاه دارند که پایت به سنگی نخورد!»

<sup>۱۲</sup> عیسی در جواب فرمود: «کتاب آسمانی این را نیز می‌فرماید که خداوند خود را آزمایش مکن!»

<sup>۱۳</sup> وقتی شیطان تمام وسوسه‌های خود را به پایان رسانید، تا مدتی عیسی را رها کرد.

۶:۴  
یو ۳۱:۱۲ ؛ ۳۰:۱۴  
ایو ۱۹:۵  
مکا ۷:۲، ۱۳

۸:۴  
تث ۱۳:۶ ؛ ۲۰:۱۰  
۹:۴  
متی ۵:۴  
۱ پط ۸:۵  
۱۱:۴  
مز ۱۱:۹۱

۱۲:۴  
تث ۱۶:۶

۱۳:۴  
یو ۳۰:۱۴

## ب- پیغام و خدمت عیسی منجی (۴:۱۴ - ۲۱:۳۸)

لوقا بدقت اعمال و تعالیم مسیح را ثبت می‌کند و ما را درک طریق نجات یاری می‌دهد. موضوعات منحصر بفرزندی، بخصوص تمثیل‌های عیسی در انجیل لوقا وجود دارد. عیسی آمد تا به ما تعلیم دهد چگونه زندگی کنیم و چگونه نجات را بیابیم. پس به این ترتیب، ما چقدر باید سخنان و زندگی منجی‌مان را دقیق بخوانیم.

### ۱- خدمت عیسی در جلیل

#### موعظه عیسی در جلیل

(۳۰/ متی ۱۲:۴-۱۷ ؛ مرقس ۱:۱۵ و ۱۴:۴-۴۵)

<sup>۱۴</sup> آنگاه عیسی، پر از قدرت روح القدس، به ایالت جلیل بازگشت. همه جا

۱۴:۴  
متی ۱۲:۴-۱۷  
مر ۱:۱۵ و ۱۴:۴  
یو ۴:۴-۴۵

نکرد، بلکه تعبیر نادرستی از آن بدست داد. مقصود از مزمر ۹۱ نشان دادن محافظت خدا از مقدسین است، نه برانگیختن آنها برای استفاده از قدرت خدا در نمایشهای مهیج یا احماقانه.  
<sup>۱۳:۴</sup> غلبه مسیح بر شیطان قطعی بود اما پیروزی نهایی‌اش نبود. عیسی در طی خدمت خود، به شکل‌های مختلف با شیطان روبرو شد. غالباً ما فکر می‌کنیم وسوسه فقط یک بار صورت می‌گیرد. در واقع ما همیشه باید در مقابل حملات شریر که بدون وقفه صورت می‌پذیرد، از خود مواظبت کنیم. همین حالا در چه جنبه‌ای نسبت به وسوسه بیشتر آسیب‌پذیر هستید؟ خود را چگونه برای مقاومت کردن در مقابل آن آماده می‌کنید؟

<sup>۷</sup> و <sup>۶</sup> شیطان با تکبر امیدوار بود که با منحرف کردن عیسی از رسالتش و متقاعد کردن او برای سجده نمودن در مقابل خود، در طغیان علیه خدا موفق شود. او می‌گفت: «این جهان مال من است نه مال خدا، و اگر می‌خواهی کار مفیدی در این جهان بکنی، بهتر است این حقیقت را بدانی.» عیسی با شیطان در این زمینه که جهان از آن چه کسی است بحث نکرد، اما ادعای او را با امتناع از تعظیم کردن در مقابلش، بی‌اعتبار ساخت. عیسی می‌دانست که جهان را با فدا کردن جانش روی صلیب رهایی خواهد داد، نه از طریق اتحاد با فرشته‌ای سقوط کرده.  
<sup>۹-۱۱</sup> اینجا شیطان از کتاب آسمانی به غلط نقل قول

گفتگو درباره او بود،<sup>۱۵</sup> و برای موعظه‌هایش در عبادتگاه‌های یهود، همه از او تعریف می‌کردند.

### عیسی را در ناصره نمی‌پذیرند

(۳۲)

<sup>۱۶</sup> وقتی به ناصره، شهری که در آن بزرگ شده بود آمد، طبق عادت همیشگی‌اش، روز شنبه به عبادتگاه شهر رفت. در حین مراسم، او برخاست تا قسمتی از کلام خدا را برای جماعت بخواند.<sup>۱۷</sup> آنگاه طومار اشعای نبی را به او دادند. او طومار را باز کرد و آن قسمت را خواند که می‌فرماید:

<sup>۱۸</sup> «روح خداوند بر من است! خداوند مرا برگزیده تا مؤدهٔ رحمت او را به بینویان برسانم. او مرا فرستاده است تا رنج‌دیدگان را تسلی بخشم و رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام نمایم و مظلومان را آزاد سازم؛<sup>۱۹</sup> و بشارت دهم که زمان آن فرا رسیده که خداوند انسان را مورد لطف خود قرار دهد.»<sup>۲۰</sup> سپس طومار را پیچید و به خادم عبادتگاه سپرد و رو به جمعیت نشست. در حالیکه همه حصار در عبادتگاه، به او چشم دوخته بودند،<sup>۲۱</sup> به ایشان فرمود:

«امروز، این نوشته به انجام رسید!»

<sup>۲۲</sup> همه کسانی که در آنجا بودند او را تحسین نمودند. آنها تحت تأثیر سخنان فیض‌بخش او قرار گرفته، از یکدیگر می‌پرسیدند: «چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ مگر این شخص، همان پسر یوسف نیست؟»

۱۶:۴

متی ۲۳:۲ ؛ ۵۴:۱۳-۵۸

مر ۱:۶-۶

اعما ۱۴:۱۳

۱۸:۴

اش ۱:۶۱-۲

دان ۲۴:۹

۱۹:۴

لاو ۸:۲۵-۱۰

قرن ۲:۶

۲۲:۴

مز ۲:۴۵

لو ۷:۲

یو ۱:۱۶ ؛ ۴:۲۶

تنبلی است. عبادت مرتب در کلیسا را قسمتی از برنامه زندگی‌تان قرار دهید.

**۱۸:۴ و ۱۹** عیسی این آیه را از اشعیا ۶۱:۶ و ۲ نقل قول کرد، اما در وسط آیه دوم، درست قبل از عبارت «روز غضب او برای دشمنانش فرارسیده است» از خواندن باز ایستاد. او این کار را کرد زیرا اخدای خواست در این زمان که پسرش جسم پوشیده بود، بر کاتش رارزانی دارد؛ اما هنگامی که عیسی به این جهان باز گردد، آن زمان، زمان انتقام خواهد بود. شنوندگان درست برعکس این را از مسیح موعود انتظار داشتند. آنها فکر می‌کردند او اول دشمنان را سرکوب خواهد کرد، و بعد برکات خدا را به همراه خواهد آورد.

**۲۲:۴** شناخت مسیح شناخت حقیقت است، و شناخت حقیقت آن چیزی است که این دنیا نیاز دارد. مردم امروز سردرگم و سرگشته‌اند. اگر ما می‌خواهیم مردم بسوی خدا باز گردند، باید اجازه بدهیم حقیقتی را که در ماست، ببینند. آیا زندگی شما آنقدر پر از محبت عیسی هست که دیگران آن را از طریق سخنان و اعمال‌تان تشخیص دهند؟

**۱۶:۴** عبادتگاهها در زندگی مذهبی یهودیان اهمیت زیادی داشتند. طی تبعید یا اسارت در بابل، زمانی که یهودیان معبد بزرگ را از دست داده بودند، عبادتگاهها بنا شدند تا در روزهای شنبه در آنها عبادت کنند و روزهای دیگر هفته از آنها بعنوان مدرسه برای پسران جوان استفاده کنند. پس از مرمت معبد بزرگ، باز هم از عبادتگاهها استفاده می‌شد. در هر شهری که حداقل ده خانواده یهودی وجود داشت، می‌توانستند عبادتگاه بر پا کنند. عبادتگاه را یک رهبر و دستیار او اداره می‌کرد. رهبر عبادتگاه غالباً رّبی یا استاد مهمان را دعوت می‌کرد تا از کتاب آسمانی قرائت کند و تعلیم دهد.

**۱۶:۴** عیسی «مطابق عادت همیشگی‌اش» به عبادتگاه رفت. با آنکه او پسر کامل خدا بود، و عبادتگاه شهر او چیزی نبود که ظاهراً در شأن او باشد، اما او هر هفته در جلسه عبادتی حاضر می‌شد. با نمونه‌ای که عیسی در این مورد برای ما گذاشت، مشخص می‌شود که بیشتر بهانه‌ها برای حضور نیافتن در کلیسا، دلایلی بی‌اساس و ناشی از

<sup>۲۳</sup> عیسی به ایشان فرمود: «شاید می‌خواهید این ضرب‌المثل را در حق من بیاورید که ای طیب، خود را شفا بده! و به من بگوئید: معجزاتی را که شنیده‌ایم در کفرناحوم کرده‌ای، در اینجا، در زادگاه خود نیز انجام بده!»<sup>۲۴</sup> اما بدانید که هیچ نبی، در شهر خود مورد احترام نیست!<sup>۲۵</sup> در زمان الیاس نبی، در اسرائیل سه سال و نیم باران نبارید و قحطی سختی پدید آمد. با اینکه در آن زمان، بیوه زنان بسیاری در اسرائیل بودند که نیاز به کمک داشتند،<sup>۲۶</sup> خدا الیاس را به یاری هیچیک از آنان نفرستاد، بلکه او را نزد بیوه زنی غیریهودی از اهالی صرفة صیدون فرستاد.<sup>۲۷</sup> یا الیشع نبی را در نظر بگیرید که نعمان سوری را از جذام شفا داد، در صورتی که در اسرائیل جذامی‌های بسیاری بودند که احتیاج به شفا داشتند.»

<sup>۲۸</sup> حضار از این سخنان به خشم آمدند<sup>۲۹</sup> و برخاسته، او را از شهر بیرون کردند و به سرایشی تپه‌ای که شهرشان بر آن قرار داشت، بردند تا او را از آنجا بزیر بیندازند.<sup>۳۰</sup> اما عیسی از میان ایشان گذشت و رفت.

### عیسی با اقتدار بسیار تعلیم می‌دهد

(مرقس ۱: ۲۱-۲۸)

<sup>۳۱</sup> پس از آن، عیسی به کفرناحوم، یکی از شهرهای ایالت جلیل رفت و در روزهای سبت در عبادتگاه یهود، کلام خدا را برای مردم شرح می‌داد.<sup>۳۲</sup> در آنجا نیز، مردم از سخنان و تعالیم او شگفت‌زده شدند، زیرا با قدرت و اقتدار سخن می‌گفت.

<sup>۳۳</sup> یکبار، وقتی در عبادتگاه کلام خدا را تعلیم می‌داد، مردی که روح پلید داشت

۲۳:۴  
متی ۱۳:۴ + ۲۳:۱۱  
مر ۱:۲۱-۲۸ + ۲۸-۲۹  
یو ۴:۴-۵۴  
۲۴:۴  
متی ۵۷:۱۳  
مر ۴:۶  
یو ۴:۴  
۲۵:۴ و ۲۶  
۱:۱۸ + ۹:۱۷  
یعقو ۵:۱۷  
۲۷:۴  
۱۴:۵ + ۱۴:۲

۲۹:۴  
اعد ۳۵:۱۵  
اعما ۵۸:۷  
عبر ۱۲:۱۳  
۳۰:۴  
یو ۵۹:۸ + ۳۹:۱۰

۳۱:۴  
متی ۱۳:۴-۱۶ + ۱۴:۸-۱۷  
مر ۱:۲۱-۲۴  
۳۲:۴  
متی ۲۹:۲۸ و ۲۹  
تیط ۱۵:۲

بت‌پرستی از تمامی نقاط امپراطوری روم در آن مشهود بود.  
<sup>۳۱:۴</sup> اگر علمای مذهبی تا این حد با عیسی مخالف بودند، چرا اجازه دادند در عبادتگاهها موعظه کند؟ عیسی از رسمی که آنها داشتند و اجازه می‌دادند مهمانان در عبادتگاه تعلیم دهند، به نفع خود استفاده می‌کرد. واعظین سیار همیشه مجاز بودند برای کسانی که هر شنبه در عبادتگاه جمع می‌شدند، صحبت کنند. پولس رسول هم از این رسم استفاده می‌کرد (به اعمال ۱۳:۵ + ۱۴:۱۶ مراجعه کنید).

<sup>۳۳:۴</sup> در عبادتگاهی که عیسی کلام خدا را تعلیم می‌داد، مردی بود که روح پلید داشت. آن مرد خود را به عبادتگاه رساند و عملاً به عیسی توهین کرد. ساده‌لوحانه است اگر فکر کنیم در داخل کلیسا از شریب در امانیم. شیطان خوشحال است که می‌تواند هر وقت و در هر جا که حضور داریم، ما را مورد هجوم قرار دهد. اما اقتدار عیسی بسیار بیش از او است، و هر جا که عیسی حضور دارد، ارواح ناپاک نمی‌توانند مدت زیادی در آنجا بمانند.

<sup>۲۴:۴</sup> حتی عیسی هم در شهر خود بعنوان یک نبی مورد احترام قرار نگرفت. ما هم در وضع مشابهی هستیم. اهالی هر شهر کسی را متخصص می‌دانند که چمدان به دست از جای دیگری به فاصله بیش از چند صد کیلومتر دورتر به شهرشان بیاید. تعجب نکنید که کسانی که شما را خیلی خوب می‌شناسند، به سادگی زندگی و ایمان مسیحی شما را درک نکنند.

<sup>۲۸:۴</sup> مردم ناصره از این سخنان به خشم آمدند چون عیسی می‌گفت که غیریهودیان بیش از یهودیان به پیغام خدا علاقه‌مند خواهند بود. عیسی آنان را متهم کرد که به اندازه مردم شهرهای حکومت شمالی اسرائیل بی‌ایمانند، یعنی مردم دوره ایلیا و الیشع، دوره‌ای که بخاطر شرارت زیادش معروف بود.  
<sup>۳۱:۴</sup> عیسی بتنازگی از ناصره به طرف کفرناحوم حرکت کرده بود (متی ۴:۲ و ۱۳). کفرناحوم با ثروت زیاد و نیز گناه و فساد فراوانش، شهر پررونقی بود. از آنجا که این شهر مقر فرماندهی چند لشکر رومی بود، نفوذ مذاهب

شروع به فریاد زدن کرد و گفت: <sup>۳۴</sup> «آه، ای عیسای ناصری، با ما چه کار داری؟ آیا آمده‌ای ما را هلاک کنی؟ من تو را خوب می‌شناسم، ای فرستاده مقدس خدا!»  
<sup>۳۵</sup> عیسی اجازه نداد آن روح پلید بیش از این چیزی بگوید و به او دستور داده، گفت: «ساکت باش! از این مرد بیرون بیا!» روح پلید در برابر چشمان بهت‌زده همه، آن مرد را بر زمین انداخت و بی‌آنکه آسیب بیشتری برساند، از جسم او خارج شد. <sup>۳۶</sup> مردم حیرت‌زده، از یکدیگر می‌پرسیدند: «مگر چه قدرتی در سخنان این مرد هست که حتی ارواح پلید نیز از او اطاعت می‌کنند؟»  
<sup>۳۷</sup> بلافاصله خبر این واقعه در سراسر آن ناحیه پیچید.

۳۴:۴  
اش ۷:۴۹  
دان ۲۴:۹  
لو ۳۵:۱  
۳۵:۴  
لو ۳۹:۴ و ۴۱

۳۷:۴  
میکا ۵:۴

### شفای مادرزن پطرس و بسیاری دیگر

(متی ۱۴:۸-۱۷؛ مرقس ۱:۲۹-۳۴)

<sup>۳۸</sup> سپس عیسی از عبادتگاه بیرون آمد و به خانه شمعون رفت. در آنجا مادر زن شمعون، دچار تب شدیدی شده بود؛ آنها به عیسی التماس کردند که او را شفا بخشد. <sup>۳۹</sup> عیسی بر بالین او آمد و به تب دستور داد که قطع شود. همان لحظه، تب او قطع شد و برخاست و مشغول پذیرایی از ایشان گردید.  
<sup>۴۰</sup> غروب آن روز، مردم تمام بیماران خود را نزد عیسی آوردند. او نیز بر یک‌یک ایشان دست گذاشت و آنان را شفا بخشید. <sup>۴۱</sup> روح‌های پلید نیز به فرمان عیسی، فریادکنان از جسم دیوانگان خارج می‌شدند و می‌گفتند: «تو فرزند خدا هستی!» اما او ارواح پلید را ساکت می‌کرد و نمی‌گذاشت چیزی بگویند، چون می‌دانستند که او مسیح موعود است.

۳۸:۴  
متی ۱۷-۱۴:۸  
مر ۳۴-۲۹:۱  
۳۹:۴  
مز ۳:۱-۳

۴۰:۴  
متی ۱۷ و ۱۶:۸  
مر ۳۴-۳۲:۱  
۴۱:۴  
مر ۱۱:۳

<sup>۳۹:۴</sup> عیسی بطور کامل مادرزن پطرس را شفا داد، طوری که نه تنها تب قطع شد، بلکه حالش به حالت اولیه بازگشت و فوراً برخاست و به آنها شام داد. روحیه خدمتی که او نشان داد، چه زیبا بود. خدا به ما تندرستی می‌دهد تا دیگران را خدمت کنیم.

<sup>۴۰:۴</sup> مردم وقت «غروب» نزد عیسی آمدند چون آن روز، شنبه بود (۳۱:۴) و می‌بایست در آن به استراحت بپردازند. شنبه از غروب جمعه تا غروب شنبه طول می‌کشد. مردم نخواستند حکم شریعت را که سفر در روز شنبه را منع می‌کرد زیر پا بگذارند، بنابراین قبل از آمدن نزد عیسی، صبر کردند تا شنبه تمام شود. بعد، همان طور که لوقای طبیب ذکر می‌کند، آنان همه بیماران خود را با هر مرضی که داشتند، نزد عیسی آوردند و عیسی تک‌تک ایشان را شفا داد.

<sup>۴۱:۴</sup> چرا عیسی نمی‌خواست ارواح پلید، مسیح بودن او را فاش کنند؟ (۱) او به ارواح پلید دستور می‌داد که

<sup>۳۵ و ۳۴:۴</sup> مردم از قدرت عیسی در اخراج ارواح پلید حیرت کردند. ارواح پلید، ارواح ناپاکی هستند که شیطان آنها را تحت کنترل دارد و برای وسوسه کردن مردم و انداختن آنها به گناه به جهان می‌فرستد. این ارواح مانند رهبرشان، احتمالاً فرشتگان سقوط کرده‌ای هستند که در طغیان علیه خدا به شیطان پیوستند. ارواح پلید می‌توانند باعث لالی، کوری، کوری، یا دیوانگی شوند. عیسی طی مدتی که بر روی زمین بود، با ارواح پلید بسیاری روبرو شد، و همیشه قدرت و اختیار خود را علیه آنها به کار می‌گرفت. لوقا اشاره می‌کند که نه تنها روح پلید از جسم او بیرون رفت، بلکه آسیبی هم به آن مرد وارد نشد.

<sup>۳۶:۴</sup> شرارت دنیای ما را فراگرفته است، و تعجبی هم ندارد که مردم غالباً ترسان باشند. اما قدرت عیسی به مراتب بیشتر از قدرت شیطان است. قدم اول برای غلبه بر ترس از شیطان، تشخیص اقتدار عیسی است. او بر تمام شرارت از جمله خود شیطان غالب آمده است.

### موعظه عیسی در سراسر جلیل

(۳۶) متی ۲۳:۴-۲۵؛ مرقس ۱:۳۵-۳۹

۴۲ فردای آن روز، صبح زود، عیسی برای دعا، به محل دور افتاده‌ای رفت. اما مردم در جستجوی او بودند، و وقتی او را یافتند، به او بسیار التماس کردند که همانجا در کفرناحوم بماند و از نزد ایشان نرود. ۴۳ عیسی به آنان گفت: «لازم است که به شهرهای دیگر نیز بروم و مژده فرا رسیدن ملکوت خدا را به مردم اعلام کنم، زیرا برای همین منظور فرستاده شده‌ام.» ۴۴ پس در سراسر آن سرزمین، در عبادتگاه‌ها، پیغام خدا را به مردم می‌رسانید.

۴۲:۴  
متی ۲۳:۴  
مر ۳۹-۳۵:۱

۴۳:۴  
مر ۱۵:۱۴ و ۱۵  
اعما ۲۸:۱۰  
روم ۸:۱۵

### صید معجزه‌آسای ماهی

(۳۷)

روزی عیسی در کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود و عده بسیاری برای شنیدن کلام خدا نزد او گرد آمده بودند. ۲ آنگاه عیسی دو قایق خالی در ساحل دریاچه دید که ماهیگیرها از آنها بیرون آمده بودند و تورهای خود را

۱:۵  
متی ۲۲-۱۸:۴  
مر ۲۰-۱۶:۱

ملکوت خدا اینجا و همین حالا برقرار است، چون روح‌القدس در دل‌های ایمانداران سکونت دارد. با وجود این، در آینده نیز برقرار خواهد شد، چون عیسی باز خواهد گشت تا بر دنیای کاملی که گناه و شرارت در آن وجود نخواهد داشت، سلطنت کند.

۴۴:۴ متی و مرقس اشاره می‌کنند که عیسی پیغام خود را در سراسر جلیل اعلام کرد، نه در یهودیه. اما در متن یونانی انجیل لوقا آمده که عیسی این پیغام را در سراسر یهودیه اعلام کرد. لوقا که انجیلش را خطاب به فردی غیریهودی می‌نوشت کلمه «یهودیه» را بکار برده، شاید چون یهودیه به کل سرزمین فلسطین اطلاق می‌شد (به اعمال ۳۷:۱۰؛ ۲۰:۲۶؛ مراجعه کنید). شاید هم لوقا به خدمت قبلی عیسی در یهودیه که در یوحنا ۱۳:۲؛ ۳:۴ ثبت شده، اشاره داشته است.

۱:۵ دریاچه جنیسارت به دریای جلیل یا دریای طبریه نیز معروف بود.

۲:۵ ماهیگیران دریای جلیل از تورهایی به شکل ناقوس استفاده می‌کردند که وزنه‌های سربی دورتادور لبه آن وصل بود. تور را به شکل مسطح روی آب می‌انداختند، و وزنه‌های سربی باعث می‌شد تور در آب فرو رود و ماهی‌ها را احاطه کند. بعد ماهیگیرها تور را که محیط بر ماهیها بود، بوسیله طنابی متصل به آن به طرف قایق می‌کشیدند. تور ماهیگیری باید خوب نگهداری می‌شد، از اینرو آنها را از علفهای هرز پاک و بعد تعمیر می‌کردند.

ساکت باشند تا قدرت و اختیار خود را بر آنها نشان دهد. (۲) او می‌خواست شنوندگانش در اثر سخنانش ایمان بیاورند که او مسیح موعود است، نه در اثر گفته ارواح پلید. (۳) او قصد داشت هویت خود را مطابق با برنامه زمانی خدا آشکار سازد، و تحت فشار نقشه‌های کثیف شیطان قرار نمی‌گرفت. ارواح پلید عیسی را «پسر خدا»، یا «مسیح» خواندند. اما عیسی در نظر داشت قبل از آنکه پادشاه بزرگی بشود، در مقام خدمتگزاری رنج‌بر مردم را خدمت کند. اگر خیلی زودتر از زمان تعیین شده، هویت پادشاهی‌اش را فاش می‌ساخت، مردم از او انتظارات نادرستی پیدا می‌کردند و این باعث بروز اغتشاش می‌شد. ۴۲:۴ عیسی می‌بایست خیلی زود از خواب بیدار می‌شد تا بتواند مدتی تنها باشد. اگر عیسی احتیاج داشت خلوت گزیند تا دعا کند و نیرو بگیرد، این امر چقدر بیشتر در مورد ما صدق می‌کند. آنقدر سر خود را شلوغ نکنید که زندگی تبدیل به توفانی از کار و فعالیت شود، طوری که هیچ جایی برای داشتن رابطه با خدا در تنهایی و سکوت نماند. فرقی نمی‌کند چقدر کار برای انجام دادن دارید، در هر صورت باید وقت دعا کردن داشته باشید. ۴۳:۴ چرا ملکوت خدا «خبر خوش» است؟ یهودیان از زمان اسارت در بابل، منتظر آمدن مسیح موعود بودند. ملکوت خدا برای آنها خبرخوش بود، چون به معنای پایان انتظار بود. ملکوت خدا برای ما هم خبرخوش است، چون به معنای آزادی از اسارت گناه و خودمحوری می‌باشد.

پاک می کردند.<sup>۳</sup> پس سوار یکی از آن قایقها شد و به شمعون که صاحب قایق بود، فرمود که آن را اندکی از ساحل دور نماید تا در آن نشسته، از آنجا مردم را تعلیم دهد.

۴:۵ پس از آنکه سخنان خود را به پایان رسانید، به شمعون فرمود: «اکنون قایق را به جای عمیق دریاچه ببر، و تورهایتان را به آب بیندازید تا ماهی فراوان صید کنید!»  
یو ۶:۲۱

۵:۵ شمعون در جواب گفت: «استاد، دیشب زیاد زحمت کشیدیم ولی چیزی صید نکردیم. اما اکنون بدستور تو، یکبار دیگر تورها را خواهیم انداخت!»  
یو ۳:۲۱

۶ این بار آنقدر ماهی گرفتند که نزدیک بود تورها پاره شوند!<sup>۷</sup> بنابراین از همکاران خود در قایق دیگر کمک خواستند. طولی نکشید که هر دو قایق از ماهی پر شد، بطوری که نزدیک بود غرق شوند!

۸ وقتی شمعون پطرس بخود آمد و پی برد که چه معجزه‌ای رخ داده است، در مقابل عیسی زانو زد و گفت: «سَرور من، نزدیک من نیا، چون من ناپاکتر از آنم که در حضور تو بایستم.»<sup>۹</sup> در اثر صید آن مقدار ماهی، او و همکارانش وحشت زده شده بودند.<sup>۱۰</sup> همکاران او، یعقوب و یوحنا، پسران زبدي نیز همان حال را داشتند. عیسی به پطرس فرمود: «تترس! از این پس، مردم را برای خدا صید خواهی کرد!»  
۸:۵  
۲ سمو ۹:۶  
ایو ۵:۴۲ و ۵:۶  
دان ۱۷:۸

۱۱ وقتی به خشکی رسیدند، بی‌درنگ هر چه داشتند، رها کردند و بدنبال عیسی راه افتادند.  
۱۰:۵  
حز ۹:۴۷ و ۱۰

۱۱:۵  
متی ۲۷:۱۹  
لو ۲۸:۱۸  
قیل ۸ و ۷:۳

۱۱:۵ این دومین باری است که عیسی شاگردان را به پیروی خود می‌خواند. بار اول که از آنها دعوت کرد (متی ۱۸:۴-۲۲؛ مرقس ۱:۱۶-۲۰)، پطرس، اندریاس، یعقوب، و یوحنا باز به کار ماهیگیری مشغول شدند. اما وقتی عیسی اقتدار خود را در عبادتگاه به اثبات رساند، مریضان را شفا داد، و ارواح پلید را از دیوانگان بیرون کرد، آنها اعمال او را زیر نظر داشتند. حالا هم قدرت و اختیارش را در زندگی آنها به اثبات می‌رساند، بدین ترتیب که برای ملاقات آنها هم‌سطح ایشان شد و در کارشان کمکشان کرد. از این لحظه به بعد تورهایشان را رها کردند و در کنار عیسی ماندند. برای ما پیروی عیسی چیزی بیش از قبول او بعنوان منجی است، و به معنای پشت سر گذاشتن زندگی گذشته‌مان و وقف کردن آینده‌مان به او می‌باشد.

۸:۵ پطرس از این معجزه متحیر شد، و اولین واکنش او نسبت به آن، احساس ناچیز بودن در مقابل بزرگی این مرد بود. پطرس می‌دانست عیسی بیماران را شفا می‌دهد و ارواح پلید را از جسم دیوانگان بیرون می‌کند، اما او از این حیرت کرد که عیسی به فکر امور روزمره زندگی او نیز بود و احتیاجات او را درک می‌کرد. خدا نه تنها به نجات ما علاقمند است، بلکه دوست دارد در زندگی روزانه هم به ما کمک کند.

۱۱:۵ پیروی عیسی دو شرط لازم دارد. ما باید به طبیعت گناه‌آلود انسانی خود واقف باشیم، چون نمی‌توانیم خود را نجات دهیم و فقط خدا می‌تواند ما را نجات دهد. و باید بدانیم که تلاشهای انسانی بی‌فایده است، چنانکه این مردان تمام شب را ماهیگیری کرده بودند بدون اینکه حتی یک ماهی صید کنند.

## شفای یک جذامی

(۳۸ / متی ۸: ۱-۴ ؛ مرقس ۱: ۴۰-۴۵)

۱۲ روزی عیسی در یکی از شهرها بود که ناگاه یک جذامی او را دید و پیش پایهاش بخاک افتاد و گفت: «سرور من، اگر بخواهی، می‌توانی مرا از جذام پاک سازی!»

۱۳ عیسی دست خود را دراز کرد و آن جذامی را لمس نمود و گفت: «البته که می‌خواهم. پاک شو!» همان لحظه، جذام او برطرف گردید.

۱۴ عیسی به او فرمود: «در این باره با کسی سخن نگو، بلکه نزد کاهن برو تا تو را معاینه کند. سپس طبق شریعت موسی، قربانی مخصوص شفا از جذام را تقدیم کن تا به این ترتیب نشان دهی که شفا یافته‌ای.»

۱۵ کارهای عیسی روزبروز بیشتر زبانزد مردم می‌شد و همه دسته دسته می‌آمدند تا پیغام او را بشنوند و از امراض خود شفا یابند.

۱۶ ولی عیسی بیشتر اوقات برای دعا به نقاط دور افتاده در خارج شهر می‌رفت.

۱۴:۵

لاو ۱۳: ۱۴؛ ۱۴: ۱۰، ۲۱، ۲۲

۱۵:۵

متی ۲۵: ۴

مر ۷: ۳

یو ۲: ۶

۱۶:۵

متی ۲۳: ۱۴

مر ۴۶: ۶

## شفای مردی افلیج

(۳۹ / متی ۹: ۱-۸ ؛ مرقس ۲: ۱-۱۲)

۱۷ روزی عیسی در خانه‌ای مشغول تعلیم مردم بود. عده‌ای از علمای دین یهود و فریسی‌ها نیز از اورشلیم و سایر شهرهای جلیل و یهودیه در آنجا حضور داشتند. در همانحال، عیسی با قدرت خداوند، بیماران را شفا می‌بخشید.

۱۷:۵

متی ۸-۹

مر ۱۲-۱: ۲

مشمزکننده بحساب آوریم. اما نباید از دست دراز کردن بسوی آنها و لمس ایشان با محبت خدا بترسیم. چه کسی را می‌شناسید که به لمس محبت خدا در زندگی اش نیاز دارد؟  
۱۶:۵ مردم برای شنیدن موعظه عیسی و شفا یافتن از بیماری‌ها ازدحام می‌کردند، اما عیسی به یاد داشت که باید بیشتر اوقات برای دعا به جاهای ساکت و دورافتاده برود. سروصدهای زیادی توجه ما را به خود جلب می‌کند، و بیشتر اوقات در حین دعا حواسمان جسته و گریخته متوجه آنها می‌شود. اما مانند عیسی باید برای رفتن به جایی ساکت به منظور دعا، وقتی را اختصاص دهیم. قدرت از خدا صادر می‌شود، و فقط با صرف وقت در حضور خدا می‌توانیم آن را از او بگیریم.

۱۷:۵ علمای مذهبی وقت زیادی را صرف تشریح مجموعه بزرگ سنن مذهبی و مباحثه درباره آنها می‌کردند، سنی که از بیش از ۴۰۰ سال پیش، از زمان مراجعت یهودیان از تبعید به بعد، روی هم انباشته شده بود. در حقیقت، آنان بقدری با این سنن انسانی مشغول

۱۲:۵ جذام مرض رعب‌آوری بود چون شدیداً مسری و علاج‌ناپذیر بود. این مرض انتهای اعصاب را نابود می‌کند و باعث می‌شود شخص جذامی ندانسته به انگشتان دست و پا، و بینی‌اش آسیب برساند. در حالات پیشرفته، معمولاً قسمت اعظم بافت‌های بدن مبتلایان به این بیماری از بین می‌رود. گرچه امروز جذام نسبتاً نادر است، اما تأثیری که این بیماری بر جوامع قدیمی داشت، مشابه تأثیری است که دیگر امراض امروزی مثل ایدز دارند. از آنجا که در حال حاضر معالجه مشخصی برای بیماری ایدز وجود ندارد، ترس از ایدز باعث شده مردم با مبتلایان به این بیماری با نفرت رفتار کنند، و با خشونت تمام به چشم مطرودین جامعه به آنها بنگرند. بدنامی و ترس ناشی از ایدز، شبیه بدنامی‌ای است که این جذامی‌ها با آن روبرو بودند.

۱۳:۵ جذامی‌ها ناپاک و غیرقابل لمس محسوب می‌شدند چون مردم می‌ترسیدند بیماری به آنها سرایت کند. با وجود این، عیسی دستش را دراز کرد و جذامی را لمس نمود تا او را شفا دهد. ما شاید بعضی از مردم را غیرقابل لمس یا

۱۹ و ۱۸ در آن میان، چند نفر آمدند و مرد فلجی را بر روی بستری به همراه آوردند. آنها کوشیدند که خود را از میان انبوه جمعیت نزد عیسی برسانند، اما نتوانستند. پس به پشت بام رفتند و سفالهای سقف بالای سر عیسی را برداشتند و بیمار را با بسترش پایین فرستادند و مقابل عیسی گذاشتند.

۲۰:۵  
اعما ۳۱:۵

۲۰ وقتی عیسی ایمان ایشان را دید، به آن مرد فلج فرمود: «ای دوست، گناهانت آمرزیده شد!»

۲۱:۵  
خرو ۷:۳۴  
مز ۳:۱۰۳ ؛ ۵:۳۲  
اش ۱۸:۱ ؛ ۲۵:۴۳  
دان ۹:۹

۲۱ علما و فریسیانی که در آنجا نشسته بودند، با خود فکر کردند: «چه کفری! مگر این شخص خود را که می‌داند؟ غیر از خدا، چه کسی می‌تواند گناهان مردم را ببخشد؟»

۲۴:۵  
اعما ۳۱:۵  
کول ۱۳:۳

۲۲ عیسی فوراً متوجه افکار آنان شد و فرمود: «چرا سخن مرا کفر می‌پندارید؟<sup>۲۳</sup> من این قدرت و اختیار را دارم که گناه انسان را ببخشم. ولی می‌دانم که سخن گفتن آسان است؛ دیگران نیز ممکن است همین ادعا را بکنند. پس حال این مرد را شفا می‌بخشم تا بدانید که ادعای من پوچ نیست!» سپس رو به آن مرد زمین گیر کرد و فرمود: «برخیز و بستر را جمع کن و به خانه برو!»

۲۵:۵  
مز ۱:۱۰۳

۲۵ آن مرد در برابر چشمان همه، فوراً از جا برخاست، بستر خود را برداشت و در حالیکه با تمام وجود خدا را شکر می‌کرد، به خانه رفت. <sup>۲۶</sup> حیرت همه حضار را فرا گرفته بود. ایشان با ترس آمیخته به احترام خدا را شکر می‌کردند و می‌گفتند: «امروز شاهد اتفاقات عجیبی بودیم!»

فرصتی ایجاد نمایم تا او به مسیح واکنش نشان دهد، می‌توانیم از طریق سخنان، اعمال و محبتان خیلی کارها انجام دهیم. دنبال فرصتهایی بگردید که دوستانان را نزد مسیح زنده بیاورید.

۲۱:۵ وقتی عیسی به مرد فلج گفت که گناهانش آمرزیده شد، علمای دین یهود او را متهم به کفرگویی کردند، چون ادعای خدایی کردن یا انجام کاری که فقط خدا می‌تواند انجام دهد، کفر محسوب می‌شود. طبق شریعت یهود، مجازات کفر، مرگ بود (لاویان ۱۶:۲۴). وقتی عیسی گناهان آن بیمار را آمرزید، علمای مذهبی با متهم کردن عیسی به کفرگویی نفهمیدند که او براستی پسر خداست، و قدرت خدا را دارد تا هم جسم را شفا دهد و هم روح را. بخشش گناهان علامت آن بود که زمان مسیح موعود فرا رسیده است (اشعیا ۲:۴۰ ؛ یوئیل ۳:۲ ؛ مکیاه ۱۸:۷ و ۱۹ ؛ زکریا ۱:۱۳).

بودند که بیشتر اوقات توجهی به کتاب آسمانی نمی‌کردند. حالا این رهبران احساس می‌کردند که عیسی تهدیدی برای آنهاست چون او اصالت قواعدی را که ایشان وضع کرده بودند، زیر سؤال می‌برد و مردم فوج فوج دور او حلقه می‌زدند.

۱۸ و ۱۹ در زمان کتاب مقدس، خانه‌ها را از سنگ می‌ساختند و سقف مسطح خانه‌ها متشکل از مخلوط گاه و گل بود. این مردان دوستشان را از پله‌ها به پشت بام بردند، و تا جایی که برای پایین فرستادن او به نزد عیسی لازم بود، قسمتی از سقف گاه‌گلی خانه را کردند.

۱۸:۵-۲۰ ایمان مرد مریض نبود که عیسی را تحت تأثیر قرار داد، بلکه ایمان دوستانش. عیسی در پاسخ به ایمان آنها، آن مرد را شفا بخشید. ایمان ما بر دیگران اثر می‌گذارد، حال چه اثر منفی و چه مثبت. ما نمی‌توانیم کس دیگری را مسیحی کنیم، اما برای اینکه

### همنشینی با گناهکاران در خانه متی

(۴۰ / متی ۹:۹-۱۳؛ مرقس ۲:۱۳-۱۷)

۲۷ پس از آن، وقتی عیسی از شهر خارج می‌شد، یکی از مأمورین باج و خراج را دید که در محل کارش نشسته است. نام این شخص، لاوی بود. عیسی به او فرمود: «تو نیز بیا مرا پیروی کن!»

۲۸ همان لحظه، لاوی از همه چیز دست کشید و بدنبال عیسی براه افتاد.

۲۹ مدتی بعد، لاوی در خانه خود ضیافت بزرگی به افتخار عیسی ترتیب داد. جمعی از همکاران سابق او و میهمانان دیگر نیز دعوت داشتند.

۳۰ اما فریسی‌ها و علمای وابسته به ایشان نزد شاگردان عیسی رفته، لب به شکایت گشودند و گفتند: «چرا شما با این افراد گناهکار، بر سر یک سفره می‌نشینید؟»

۳۱ عیسی در جواب ایشان گفت: «بیماران نیاز به پزشک دارند، نه تندرستان! ۳۲ من آمده‌ام تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم، نه آنانی را که خود را عادل و

مقدس می‌پندارند!»

۲۹:۵  
لو ۱:۱۵

۳۲:۵  
اتیمو ۱:۱۵

### سؤال رهبران مذهبی درباره روزه

(۴۱ / متی ۹:۱۴-۱۷؛ مرقس ۲:۱۸-۲۲)

۳۳ یکبار به عیسی گفتند: «شاگردان یحیی اغلب اوقات در روزه بسر می‌برند و نماز می‌خوانند. شاگردان فریسی‌ها نیز چنین می‌کنند. اما چرا شاگردان تو، همیشه در حال خوردن و نوشیدن هستند؟»

۳۴ عیسی در جواب، از ایشان پرسید: «آیا در جشن عروسی، تا وقتی که داماد آنجاست، می‌توانید میهمانها را به روزه داشتن وادار کنید؟ ۳۵ اما زمانی می‌رسد که داماد کشته خواهد شد؛ آنگاه ایشان روزه خواهند گرفت.»

۳۳:۵

متی ۹:۱۴-۱۷

مر ۲:۱۸-۲۲

۳۴:۵

متی ۲:۲۲

لو ۱۴:۱۶-۲۳

اقرن ۲:۱۱

مکا ۷:۱۹؛ ۲:۲۱

۳۵:۵

زکر ۷:۱۳

متی ۱۷:۱۶

یو ۳۳:۷؛ ۲۰:۱۶؛ ۲۰:۲۰

اعما ۲:۱۳ و ۳

اقرن ۵:۷

۳۰-۳۲:۵ فریسیان گناهانشان را با ایجاد حسن شهرت در بین مردم، می‌پوشاندند. آنها با انجام اعمال نیک در انظار عمومی و نشان دادن گناه دیگران، خود را عادل و مقدس جلوه می‌دادند. عیسی بر آن بود تا با مردمی که گناه خود را درک می‌کردند و می‌دانستند از نظر خدا عادل نیستند، وقت صرف کند نه با این علمای مذهبی که خود را عادل می‌پنداشتند. برای اینکه نزد خدا بیایید، باید توبه کنید؛ و برای اینکه توبه کنید، باید گناه خود را تشخیص دهید. ۳۵:۵ عیسی می‌دانست رحلتش نزدیک است. بعد از رحلتش، روزه می‌بایست دوباره برقرار شود. اگر چه او انسان کاملی بود، اما می‌دانست خداست و می‌دانست برای چه کاری آمده است. او می‌دانست که آمده تا برای گناه جهان بمیرد.

۲۸:۵ برای آگاهی بیشتر درباره لاوی ملقب به متی، شاگرد عیسی و نویسنده انجیل متی، به شرح حال او در متی فصل ۹ مراجعه کنید.

۲۸:۵ و ۲۹:۵ لاوی همان واکنشی را نشان داد که عیسی از همه پیروانش انتظار دارد. او بلافاصله خداوندش را متابعت کرد و دوستانش را یکجا دعوت نمود تا آنان نیز عیسی را ملاقات کنند. لاوی برای پیروی عیسی حرفه باجگیری را رها کرد، کاری را که نامشروع بود اما درآمد زیادی داشت. بعد ضیافت بزرگی برای همکاران سابق و دیگر «گناهکاران» ترتیب داد تا آنها نیز عیسی را ملاقات کنند. لاوی که ثروت مادی را به فراموشی سپرده بود تا ثروت روحانی را بدست آورد، از همنشینی با عیسی افتخار می‌کرد.

<sup>۳۶</sup> سپس عیسی مَتلی آورد و گفت: « کسی لباس نو را پاره نمی کند تا تکه‌ای از پارچه آن را به لباس کهنه وصله بزند، چون نه فقط لباس نو از بین می‌رود، بلکه لباس کهنه نیز با وصله نو، بدتر می‌شود. <sup>۳۷</sup> همچنین کسی شراب تازه را در مَشک کهنه نمی‌ریزد، چون شراب تازه، مَشک کهنه را پاره می‌کند، آنگاه هم شراب می‌ریزد و هم مَشک از بین می‌رود. <sup>۳۸</sup> شراب تازه را باید در مَشک تازه ریخت. <sup>۳۹</sup> اما پس از نوشیدن شراب کهنه، دیگر کسی تمایلی به شراب تازه ندارد، چون می‌گوید که شراب کهنه بهتر است.»

### شاگردان در روز شنبه گندم می‌چینند

(متی ۱۲: ۱-۸؛ مرقس ۲: ۲۳-۲۸)

یک روز شنبه، عیسی و شاگردان از جاده‌ای در میان کشتزارها می‌گذشتند. در ضمن راه، شاگردان خوشه‌های گندم را می‌چیدند، به کف دست می‌مالیدند و پوستش را کنده، می‌خوردند. <sup>۲</sup> بعضی از فریسیان که این صحنه را دیدند، به عیسی گفتند: « این عمل برخلاف دستورات مذهبی است! کاری که شاگردان تو می‌کنند همانند درو کردن گندم است و این کار در روز شنبه جایز نیست!»

۱:۶  
متی ۱۲: ۱-۸  
مر ۲: ۲۳-۲۸  
۲:۶  
خرو ۲۰: ۱۰  
مر ۲: ۲۷

قانون‌گذاری تا جایی پیش رفته بودند که عمل برداشت محصول را به شیوه‌های مختلف تشریح می‌کردند. از نظر آنها یکی از طرق برداشت محصول، مالیدن خوشه‌های گندم با دست بود، یعنی همان کاری که شاگردان در آن کشتزار انجام می‌دادند. شاگردان گندم نمی‌دزدیدند، چون مطابق شریعت خدا، کشاورزان نمی‌بایست حاشیه مزرعه را درو کنند تا مسافران و فقرا بتوانند از این برکت خدا استفاده کنند (تثنیه ۲۳: ۲۵). شاگردان هر روز این کار را می‌کردند و منظورشان زیر پا گذاشتن قوانین روز شنبه نبود. آنها هیچ قانون الهی را نقض نمی‌کردند، بلکه فقط خلاف مقررات انسانی که برداشت محصول در روز شنبه را منع می‌کرد، عمل کردند.

**۲:۶** فریسیان فکر می‌کردند نظام مذهبی‌شان گره‌گشای هر چیزی است. آنها نتوانستند عیسی را بپذیرند، چون او با نظام ایشان هماهنگی نداشت. همان دلالی که فریسیان را از عیسی دور کرد، ممکن است موجب دوری ما نیز از او بشود. مواظب باشید چنین طرز فکری در شما یا در کلیسایتان رسوخ نکند که کلید هر مشکلی نزد شما یا کلیسایتان است. هیچ نظام مذهبی آنقدر عظیم نیست که بتواند مسیح را در خود بگنجاند یا بطور کامل کار او را در جهان توصیف کند.

**۳۶:۵-۳۹** مَشک معمولاً از پوست بز ساخته می‌شود. با دوختن لبه‌های پوست به یکدیگر، کیسه‌ای بوجود می‌آید که می‌توان در آن مایعات را نگهداری کرد. شراب تازه وقتی در مَشک ریخته می‌شود، با گذر زمان فضای بیشتری را اشغال می‌کند، از اینرو بعد از مدتی شراب را باید در مَشکی که انعطاف‌پذیرتر است، ریخت. اگر شراب در مَشک کهنه ریخته شود، چون این مَشک‌ها تا جا داشته‌اند باز شده‌اند، می‌ترکند و شراب ضایع می‌شود. فریسیان که گنجایش سنن یا قوانین خود را هم نداشتند، مانند مَشک‌های کهنه آن انعطاف را نداشتند که عیسی را بپذیرند. راه و روش عیسی را نمی‌توان به آسانی بر راه و روش قدیمی قرار داد. مسیحیت مستلزم روشهای تازه، سنن تازه، و ساختار تازه بود. ما هم باید مراقب باشیم دل‌های ما آنقدر سخت نشود که ما را از پذیرفتن طریق تازه فکر کردن که مسیح پیش روی ما می‌گذارد، باز دارد. دل‌های ما باید همیشه انعطاف‌پذیر باشد تا بتوانیم پیغام دگرگون‌کننده عیسی را بپذیریم.

**۲۱:۶** فریسیان در کتاب میشنا که کتاب راهنما در باب قوانین مربوط به استادان (رتبی‌ها) بود، ۳۹ دسته از کارهایی را نوشته بودند که انجام آنها در روز شنبه جایز نبود. یکی از آن کارها برداشت محصول بود. آنها در

۳ عیسی جواب داد: «مگر شما کتاب آسمانی را نخوانده‌اید؟ آیا نخوانده‌اید که داود و همراهانش وقتی گرسنه بودند، چه کردند؟<sup>۴</sup> داود وارد خانه خدا شد و نان مقدس را که فقط کاهنان اجازه داشتند بخورند، خورد و به همراهانش نیز داد.»<sup>۵</sup> سپس عیسی فرمود: «من صاحب اختیار روز شنبه نیز هستم!»

۳:۶  
اسمو ۲۱:۶  
۴:۶  
خرو ۲۳:۲۳  
لاو ۹:۲۴

### شفای مرد دست‌خشک در روز شنبه

(۴۶ / متی ۹:۱۲-۱۴ ؛ مرقس ۳:۱-۶)

۶ یک روز دیگر که باز شنبه بود، عیسی در عبادتگاه، کلام خدا را به مردم تعلیم می‌داد. از قضا، در آنجا مردی حضور داشت که دست راستش از کار افتاده بود.<sup>۷</sup> علمای دینی و فریسی‌ها مراقب عیسی بودند تا ببینند آیا در آن روز، او را شفا می‌دهد یا نه، چون دنبال بهانه‌ای بودند تا مدرکی علیه او بدست آورند.

۶:۶  
متی ۹:۱۲-۱۴  
مر ۳:۱-۶  
لو ۱۴:۱۳ ؛ ۳:۱۴  
یو ۹:۱۶

۸ عیسی که افکار ایشان را درک کرده بود، به آن مرد فرمود: «بیا اینجا بایست تا همه بتوانند تو را ببینند!» او نیز رفت و ایستاد.<sup>۹</sup> عیسی به فریسی‌ها و علمای دینی فرمود: «سؤالی از شما دارم: در روز شنبه باید نیکی کرد یا بدی؟ باید جان انسان را نجات داد یا نابود کرد؟»

۸:۶  
اسمو ۱۶:۷  
متی ۹:۴  
لو ۱۴:۵  
یو ۲۴:۲ و ۲۵:۶ ؛ ۶:۴  
۱۷:۲۱  
اعما ۱:۲۴  
مکا ۲:۲۳  
۹:۶  
یو ۲۳:۷

۱۰ سپس به یک‌یک ایشان خیره شد و به آن مرد گفت: «دستت را دراز کن!» او نیز اطاعت کرد و دستش کاملاً خوب شد!<sup>۱۱</sup> دشمنان عیسی از این کار او به خشم آمده، بر آن شدند که او را به قتل رسانند.

می‌گرفت. آنها این طور استدلال می‌کردند که شفا در حیطه پیشه طبابت قرار دارد و از اینرو قسمتی از کار پزشک را تشکیل می‌دهد؛ و کسی از هر شغلی که بود، نمی‌توانست در روز شنبه کار کند. برای رهبران مذهبی رعایت احکام و قوانینی که خود وضع کرده بودند، مهم‌تر از رهایی کسی از دردی عذاب‌آور بود.

۹:۶ وقتی عیسی گفت که صاحب‌اختیار روز شنبه است، به فریسیان نشان داد که او این قدرت و اختیار را دارد که سنن و قوانین آنها را باطل کند چون خودش خالق روز شنبه است. خالق همیشه بزرگتر از مخلوق است.

۱۱:۶ دشمنان عیسی به خشم آمدند. او نه تنها فکر ایشان را خواند، بلکه از مقررات ایشان نیز سرپیچی کرد. در نتیجه، نفرت قلبی آنان از او برای همه آشکار شد. شگفت‌انگیز است که نفرت آنها با اشتیاقشان برای اجرای قوانین مذهبی دست بدست هم داد و آنها را به چیدن توطئه قتل عیسی کشاند، عملی که درست خلاف احکام شریعت بود.

۳-۵ هر هفته ۱۲ نان به نشانه ۱۲ قبیله اسرائیل روی میزی در خانه خدا گذاشته می‌شد. این نان را نان مقدس (تقدیمه) می‌نامیدند. بعد از آنکه این نانها یک هفته در خانه خدا می‌ماندند، می‌بایست فقط توسط کاهنان خورده شود. عیسی که به شکستن شنبه متهم شده بود، برای باطل کردن این اتهام، به داستانی درباره داود متوسل شد (اسموئیل ۲۱:۱-۶). یک بار که داود از دست شائول پادشاه فرار می‌کرد، او و همراهانش از همین نان تقدیمه خوردند. نیاز آنها به خوراک مهم‌تر از مراسم بود. عیسی فریسیان را به همین اصل ارجاع داد تا نشان دهد که نیاز انسان مهم‌تر از رعایت قوانین پیش‌پاافتاده روز شنبه است. عیسی با مقایسه خود و شاگردانش با داود و همراهانش، می‌خواست بگوید که «اگر مرا محکوم کنید، باید داود پادشاه را هم محکوم کنید.»

۷ و ۶:۶ علمای مذهبی قانونی را از خود درآورده بودند که مطابق آن نمی‌بایست در روز شنبه شفایی صورت

## انتخاب دوازده حواری

(۴۸ / مرقس ۳: ۱۳-۱۹)

۱۲ در یکی از آن روزها، عیسی برای دعا به کوهستان رفت و تمام شب را به راز و نیاز با خدا پرداخت. ۱۳ صبح زود، پیروان خود را فرا خواند و از میان آنها، دوازده نفر را بعنوان شاگردان خاص خود برگزید و ایشان را رسولان خود نامید.

۱۴ و ۱۵ اینست نامهای رسولان مسیح: شمعون (معروف به پطرس)، اندریاس (برادر شمعون)، یعقوب، یوحنا، فیلیپ، برتولما، متی، توما، یعقوب (پسر حلفی)، شمعون (معروف به فدایی)، یهوذا (پسر یعقوب)، یهوذا اسخریوطی (کسی که در آخر به عیسی خیانت کرد).

## راز خوشبختی

(۴۹ / متی ۵: ۱-۱۲)

۱۷ سپس همگی از دامنه کوه پایین آمدند و به محلی وسیع و هموار رسیدند. در آنجا تمام پیروانش و گروه بسیاری از مردم، گرد او جمع شدند. این عده از سراسر ایالت یهودیه، اورشلیم و حتی سواحل شمالی صور و صیدون آمده بودند تا سخنان او را بشنوند و از امراض خود شفا یابند. ۱۸ آن کسانی نیز که از ارواح

۱۲:۶

متی ۲۳: ۱۰-۴

مر ۱۳: ۱۹-۱۳

۱۳:۶

متی ۱: ۱۰

۱۴:۶

یو ۱: ۴۲

۱۶:۶

اعما ۱: ۱۳

۱۷:۶

متی ۲۵: ۴

۱۴:۶ عیسی شاگردان (نوآموزان) زیادی داشت، اما فقط ۱۲ رسول (پیغام‌بر) انتخاب کرد. رسولان جمع خصوصی او را تشکیل می‌دادند، و عیسی به آنها تعالیم ویژه‌ای داد، و قدرت و اختیار خود را به ایشان بخشید و به میان مردم فرستاد. اینان کسانی بودند که کلیسای مسیح را بنیان گذاشتند. در انجیل معمولاً این ۱۲ نفر شاگرد نامیده می‌شوند، اما در کتاب اعمال رسولان، رسول خوانده می‌شوند.

۱۴:۶-۱۶ بین اسامی نامبرده شده در این فهرست و فهرست موجود در مرقس ۳: ۱۳-۱۹ چند اختلاف وجود دارد. عیسی به چند تن از شاگردانش اسامی جدیدی داد. برای مثال شمعون را پطرس و لایوی را متی نام گذاشت. تصور می‌رود که برتولما همان تثنائیل باشد (یوحنا ۱: ۴۵)، و یهوذا پسر یعقوب، همان تدی.

۱۷:۶ و ۱۸ این خطابه ممکن است اشاره لوقا به موعظه‌ای باشد که متی در انجیل متی فصل‌های ۵ تا ۷ ثبت کرده است، یا شاید موعظه‌ای شبیه موعظه سرکوه در انجیل متی باشد که عیسی مشابه آن را در زمانی دیگر ایراد کرده است. بسیاری بر این اعتقادند که این یک موعظه نبوده، بلکه آمیزه‌ای از تعالیم همیشگی عیسی بوده است.

۱۲:۶ نویسندگان انجیل ذکر می‌کنند که عیسی قبل از هر واقعه مهمی در زندگی‌اش، به جای دوردستی می‌رفت و در تنهایی به دعا می‌پرداخت. این بار او خود را برای انتخاب جمع مقربینش یعنی دوازده شاگرد آماده می‌کرد. فراموش نکنید که تمام تصمیمات مهمی که در زندگی می‌گیرید، براساس دعا و تعمق باشد.

۱۳:۶-۱۶ عیسی شاگردانش را از میان افراد معمولی انتخاب کرد، طوری که جمع آنها واقعاً آمیزه‌ای از شخصیت‌های مختلف با پیشینه‌های متفاوت بود. آنها افرادی «معمولی» بودند که دعوت بزرگی از آنها شده بود. امروز، خدا اشخاص «معمولی» را می‌خواند تا با هم کلیسای او را بنا کنند، پیغام نجات را تعلیم دهند، و دیگران را از روی محبت خدمت نمایند. ما به تنهایی ممکن است احساس کنیم برای خدمت مؤثر مسیح صلاحیت نداریم، اما با هم گروهی را تشکیل می‌دهیم که بقدری قوی است که می‌تواند خدا را به هر طریقی خدمت کند. از خدا بخواهید تا به شما تحمل بدهد که گونه‌های مختلف مردم را در کلیسایان بپذیرید و نیروی خود را به نیروهای مختلفی که در گروه کلیسای تان وجود دارد، بیفزایید.

پلید رنج می بردند، آمدند و شفا یافتند.<sup>۱۹</sup> مردم همه کوشش می کردند خود را به او برسانند، چون به محض اینکه به او دست می زدند، نیروی از او صادر می شد و آنان را شفا می بخشید!

۱۹:۶  
متی ۲۶:۱۴  
مر ۳۰:۵

### گفتار عیسی درباره روش زندگی

<sup>۲۰</sup> در این هنگام، عیسی رو به شاگردان خود کرد و فرمود:

«خوشابه حال شما که تهی دستید، زیرا ملکوت خدا از آن شماست!

<sup>۲۱</sup> «خوشابه حال شما که اکنون گرسنه اید، زیرا سیر و بی نیاز خواهید شد. خوشایحال شما که گریان هستید، زیرا زمانی خواهد رسید که از خوشی خواهید خندید!

<sup>۲۲</sup> «خوشابه حال شما، وقتی که مردم بخاطر من، از شما متنفر شوند و شما را در جمع خود راه ندهند و به شما ناسزا گویند و تهمت زنند!<sup>۲۳</sup> در اینگونه مواقع شادی کنید! بلی، شاد و مسرور باشید، زیرا در آسمان پاداش بزرگی در انتظارتان خواهد بود؛ بدانید که با انبیای قدیم نیز مردم همینگونه رفتار کرده اند.

۲۰:۶  
متی ۵:۵؛ ۷:۶؛ ۱۸:۱۱؛ ۲۳:۱۲  
یعقو ۵:۲  
۲۱:۶  
اش ۱:۵۵؛ ۳:۱  
اقرن ۱۱:۴  
مکا ۱۷-۱۴:۷  
۲۲:۶  
یو ۲:۹؛ ۲۲:۱۶  
۱ پتر ۱:۹؛ ۲:۱۹؛ ۳:۱۴؛ ۴:۱۴  
۲۳:۶  
اعما ۵:۴۱؛ ۷:۵۱  
کول ۱:۲۴

### پیشگویی درباره غم و اندوه

<sup>۲۴</sup> «اما وای به حال ثروتمندان، زیرا دوران خوشی ایشان فقط محدود به این جهان است.

<sup>۲۵</sup> «وای به حال آنانی که اکنون سیر هستند، زیرا دوران گرسنگی شان فرا خواهد رسید!

۲۴:۶  
عا ۱:۶  
یعقو ۱:۵  
۲۵:۶  
اش ۱۳:۵۵  
امث ۱۳:۱۴

باید انتظار چه چیزی را از دنیا داشته باشند و اینکه خدا چه چیزی به آنها خواهد داد. در این آیات، دینداری ریاکارانه با فروتنی واقعی مقایسه می شود. و بالاخره، این آیات نشان می دهد که انتظارات و التزامات عهدعتیق در ملکوت خدا برآورده خواهد شد.

<sup>۲۱:۶</sup> برخی معتقدند گرسنگی ای که عیسی از آن صحبت کرد، گرسنگی برای دینداری و عدالت است (متی ۵:۶). برخی دیگر می گویند این گرسنگی فیزیکی است که با آیاتی از عهدعتیق در باب توجه خدا به فقرا مطابقت دارد. درین ملتی که ثروت علامت لطف خدا بود، عیسی با اعلام برکات خدابر فقرا، شنوندگان را شگفت زده کرد. اما علیرغم حیرت مردم، حرفهای او با روایتی قدیمی مطابقت داشت. برای نمونه، به سموئیل ۲:۵؛ مزمو ۷:۱۴۶؛ اشعیا ۵۸:۷؛ و دعای مادر خودش در لوقا ۱:۵۳ مراجعه کنید.

<sup>۲۴:۶</sup> اگر سعی دارید از طریق ثروت به سعادت برسید، پول تنها پاداشی خواهد بود که بدست خواهید آورد، چیزی که ماندگار نیست.

<sup>۱۹:۶</sup> همین که قدرت شفابخش عیسی آشکار شد، مردم دور او تجمع کردند تا بلکه فقط به او دست بزنند. برای بسیاری، او مظهر اقبال نیک و خوش یمنی، یا یک جادوگر محلی بود. مردم بجای آنکه در طلب بخشش و محبت خدا باشند، فقط بدنبال شفای جسمانی یا یافتن فرصتی برای دیدن رویدادهای خارق العاده بودند. هنوز هم بعضی از مردم خدا را جادوگری بسیار بزرگ می دانند و دعا را راهی برای تسکین دردهایشان یا واداشتن خدا به انجام حقه های جادویی اش می پندارند. اما خدا جادوگر نیست. او ارباب است. دعا راهی نیست که بوسیله آن «او» را تحت کنترل خود درآوریم، بلکه راهی است که از آن طریق «خودمان» را تحت کنترل او در می آوریم.

<sup>۲۰:۶-۲۶</sup> این آیات که با «خوشایحال» شروع شده، عناصر خوشبختی نامیده می شوند. آنها معنای پیروی مسیح را توصیف می کنند و معیاری برای رفتار و کردار می باشند. در این آیات، ارزشهای ملکوت خدا با ارزشهای دنیوی مقایسه می شود، و معلوم می شود که پیروان مسیح

«وای به حال آنانی که امروز خندان و بی غمند، زیرا غم و اندوه انتظارشان را می کشد!»  
 ۲۶ «وای بر شما، آنگاه که مردم از شما تعریف و تمجید کنند، زیرا با انبیای  
 دروغین نیز به همینگونه رفتار می کردند!»

### تعلیم در باره محبت به دشمنان

(متی ۵: ۴۳-۴۸)

۲۷ «اما به همه شما که سخنان مرا می شنوید، می گویم که دشمنان خود را  
 دوست بدارید و به کسانی که از شما نفرت دارند، خوبی کنید. ۲۸ برای آنانی که  
 به شما ناسزا می گویند، دعای خیر کنید. برای افرادی که به شما آزار می رسانند،  
 برکت خدا را بطلبید.»

۲۹ «اگر کسی به یک طرف صورتت سیلی زد، بگذار به طرف دیگر هم بزند!  
 اگر کسی خواست ردای تو را بگیرد، پیراهنت را هم به او بده. ۳۰ هر که از تو  
 چیزی بخواهد، از او دریغ مدار، و اگر اموالت را گرفتند، در فکر پس گرفتن  
 نباش. ۳۱ با مردم آنگونه رفتار کن که انتظار داری با تو رفتار کنند.»

۳۲ «اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست می دارند، چه برتری بر  
 دیگران دارید؟ خدانشناسان نیز چنین می کنند! ۳۳ اگر فقط به کسانی خوبی کنید که  
 به شما خوبی می کنند، آیا کار بزرگی کرده اید؟ گناهکاران نیز چنین می کنند! ۳۴ و  
 اگر فقط به کسانی قرض بدهید که می توانند به شما پس بدهند، چه هنر کرده اید؟  
 حتی گناهکاران نیز اگر بدانند پولشان را پس می گیرند، به یکدیگر قرض می دهند.  
 ۳۵ «اما شما، دشمنانتان را دوست بدارید و به ایشان خوبی کنید! قرض بدهید و  
 نگران پس گرفتن نباشید. در اینصورت پاداش آسمانی شما بزرگ خواهد بود،  
 زیرا همچون فرزندان خدا رفتار کرده اید، چون خدا نیز نسبت به حق ناشناسان و  
 بدکاران مهربان است. ۳۶ پس مانند پدر آسمانی خود دلسوز باشید.»

۲۷:۶  
 خرو ۴:۲۳  
 امت ۲۱:۲۵  
 روم ۲۰:۱۲  
 ۲۸:۶  
 لو ۳۴:۲۳  
 اعما ۶۰:۷  
 ۲۹:۶  
 اقرن ۷:۶  
 ۳۰:۶  
 تث ۷:۱۵  
 امت ۲۷:۳  
 ۳۱:۶  
 فیل ۸:۴

۳۵:۶  
 لاو ۳۵:۲۵  
 مز ۲۶:۳۷  
 اعما ۱۷:۱۴  
 ایو ۱:۳  
 ۳۶:۶  
 افس ۲:۵

محبت به دشمنان سخن نمی گفت؛ او درباره عملی ارادی  
 سخن می گفت. دوست داشتنی که مسیح از آن صحبت  
 می کند، عاشق شدن نیست بلکه عملی است که نیاز به  
 سعی و تلاشی آگاهانه دارد. دوست داشتن دشمنان  
 یعنی اینکه به بهترین وجه به نفع آنها عمل کنیم. ما  
 می توانیم برای آنها دعا کنیم و می توانیم راههایی را برای  
 کمک به آنها بیابیم. با آنکه دنیا با عیسی خصومت داشت،  
 اما او تمام دنیا را محبت می کرد. او از ما می خواهد تا از او  
 الگو بگیریم و دشمنانمان را دوست بداریم.

۳۵:۶ دوست داشتن یعنی عمل کردن. یک راه برای  
 نشان دادن محبت این است که در رفع احتیاجات مشخص

۲۶:۶ در دوره عهدعتیق، انبیای دروغین بسیاری وجود  
 داشتند. آنها بخاطر پیشگویی هایی که درباره موفقیت و  
 پیروزی در جنگ می کردند، مورد ستایش پادشاهان و  
 مردم قرار داشتند. آنان بجای آنکه طالب صداقت باشند،  
 طالب شهرت بودند. اما شهرت ناپایدار است. غم و اندوه  
 در انتظار کسانی است که بجای جلب رضایت خدا در پی  
 تعریف و تمجید مردمند.

۲۷:۶ یهودیان از رومی ها متنفر بودند چون آنها به قوم  
 خدا ظلم می کردند؛ اما عیسی به ایشان گفت که  
 دشمنانشان را دوست داشته باشند. این سخنان باعث شد  
 بسیاری از مسیح روی بر گردانند. اما عیسی درباره احساس

## تعلیم درباره ایراد گرفتن از دیگران

(۶۳ / متی ۱:۷-۶)

۳۷ «ایراد نگیرید تا از شما ایراد نگیرند. دیگران را محکوم نکنید تا خدا شما را محکوم نکند. گذشت داشته باشید تا نسبت به شما با گذشت باشند. ۳۸ بدهید تا خدا هم به شما بدهد. هدیه‌ای که می‌دهید، به خودتان بر خواهد گشت، آن هم با پیمان‌های پُر، لبریز، فشرده و تکان داده شده! با هر دستی که بدهید با همان دست دریافت خواهید کرد. اگر با دست پُر بدهید، با دست پُر دریافت می‌کنید و اگر با دست خالی بدهید، با دست خالی دریافت خواهید کرد.»

۳۹ سپس عیسی این مثل‌ها را آورد: «چه فایده دارد که کور، راهنمای کور دیگر شود؟ یکی که در گودال بیفتد، دیگری را هم بدنبال خود می‌کشد. ۴۰ چگونه ممکن است که شاگرد دانتر از استاد خود باشد؟ شاگرد اگر زیاد تلاش کند، شاید مانند استاد خود شود.»

۴۱ «چرا پُر کاهی را که در چشم دیگران است، می‌بینی، اما چوب را در چشم خود نادیده می‌گیری؟ ۴۲ چگونه جرأت می‌کنی بگویی: برادر، اجازه بده پر کاه را از چشمت در آورم، در حالیکه چوب را در چشم خود نمی‌بینی؟ ای متظاهر، نخست چوب را از چشم خود در آور، آنگاه بهتر خواهی دید تا پر کاه را از چشم او بیرون بیاوری!»

۳۷:۶

یعقو ۴:۱۱

۳۸:۶

مز ۷۹:۱۲

امت ۱۷:۱۹

مر ۲۴:۴

یعقو ۲:۱۳

۳۹:۶

متی ۱۴:۱۵

۴۰:۶

متی ۲۴:۱۰

یو ۱۳:۱۶ + ۱۵:۲۰

۴۲:۶

امت ۱۷:۱۸

بگیریم، بلکه می‌خواهد بگوید که ما نباید آنقدر در اندیشه گناهان دیگران باشیم که گناهان خود را نبینیم. ما بیشتر اوقات گناهان خودمان را در دیگران تشخیص می‌دهیم و به این ترتیب، آن را منطقی جلوه می‌دهیم. از چه نوع پر کاهی در چشم دیگران راحت‌تر می‌توانید ایراد بگیرید؟ هر وقت که احساس می‌کنید از این قبیل ایرادها از دیگران می‌گیرید، کسند چشم خود را به یاد آورید. در اینصورت چیزی برای ایراد گرفتن نخواهید یافت. ۴۲:۶ ما نباید آنقدر از برچسب ریاکار واهمه داشته باشیم که در زندگی مسیحی مان را کد بمانیم، ایمان خود را پنهان کنیم و هیچ تلاشی برای رشد ایمانمان نکنیم. کسی که سعی می‌کند کار درست را انجام دهد اما اغلب ناموفق می‌ماند، ریاکار نیست. کسی نیز که اعمالش با احساساتش فرق دارد، ریاکار نیست، چون بیشتر اوقات کنار گذاشتن احساسات و عملی کردن کاری که انجامش لازم است، واجب و بجا می‌باشد. ضعیف بودن در ایمان ریاکاری نیست. پس ریاکاری چیست؟ ریاکار کسی است که برای جلب توجه، رضایت، تأیید، یا تحسین دیگران تظاهر به داشتن رفتاری مذهبی می‌کند.

پیشقدم شویم. رفع احتیاجات کسانی که ما را دوست دارند و کسانی که قابل اعتمادند، آسان است؛ اما محبت شامل این نیز هست که به نیازهای کسانی که از ما نفرت دارند یا در پی آزار رساندن به ما هستند، برسیم. پولی را که به دیگران می‌دهیم، باید هدیه بحساب آوریم، نه وسیله‌ای برای اعمال نفوذ یا مدیون کردن آنها. طوری پول به کسی بدهید مثل اینکه به خدا می‌دهید. ۳۸:۶ اگر ما بجای دلسوزی برای دیگران، از آنها ایراد بگیریم، از ما هم ایراد خواهند گرفت. اما اگر با گذشت، مهربانی و دلسوزی با دیگران رفتار کنیم، همین چیزها با پیمان‌های پر به ما بر خواهد گشت. ما موظفیم دیگران را دوست داشته باشیم، نه اینکه درباره آنها قضاوت کنیم.

۳۹:۶ و ۴۰ به یاد داشته باشید از معلمین و رهبران درستی متابعت کنید، چون شما هم در آینده مثل معلم یا رهبر خود خواهید شد. رهبرانی را پیدا کنید که ایمان‌شان نسبت به سایر رهبران بیشتر برای شما مشهود شده باشد و به هدایت و رهبری‌شان می‌توانید اعتماد کنید.

۴۱:۶ منظور عیسی این نیست که خطاها را نادیده

## تعلیم درباره میوه زندگی

(۶۶/متی ۱۵:۷-۲۰)

۴۳ «اگر درخت خوب باشد، میوه‌اش نیز خوب خواهد بود، و اگر بد باشد، میوه‌اش نیز بد خواهد بود. ۴۴ درخت را از میوه‌اش می‌شناسند. نه بوتهٔ خار انجیر می‌دهد و نه بوتهٔ تمشک، انگور! ۴۵ شخص نیک، چون خوش قلب است، اعمالش نیز نیک است. شخص بد، چون بد باطن است، اعمالش نیز بد است. آنچه در دل شخص باشد، از سخنانش آشکار می‌گردد!

۴۳:۶  
۱ تیمو ۳:۱-۹  
۴۴:۶  
متی ۱۲:۳۳  
۴۵:۶  
روم ۵:۸-۸

## تعلیم درباره ساختن خانه بر شن و سنگ

(۶۷/متی ۲۱:۷-۲۹)

۴۶ «چگونه مرا "خداوند" می‌خوانید، اما دستوراتم را اطاعت نمی‌کنید؟ ۴۷ و ۴۸ هر که نزد من آید و سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، مانند شخصی است که خانه‌اش را بر بنیاد محکم سنگی می‌سازد. وقتی سیلاب بیاید و به آن خانه فشار بیاورد، پابرجا می‌ماند، زیرا بنیادی محکم دارد. ۴۹ «اما کسی که سخنان مرا می‌شنود و اطاعت نمی‌کند، مانند کسی است که خانه‌اش را روی زمین سست بنا می‌کند. هرگاه سیل به آن خانه فشار آورد، فرو می‌ریزد و ویران می‌شود.»

۴۶:۶  
ملا ۶:۱  
متی ۲۵:۱۱  
روم ۲:۱۳  
۴۸:۶  
اقرن ۳:۱۱  
۴۹:۶  
ایو ۱۳:۸  
امت ۱:۲۹-۳۱  
۲ پط ۲:۲۰ و ۲۱

کار شاقی است شانه خالی کنند، یا شاید وقت این کار را ندارند. احتمالاً منظره کنار دریا زیباتر است، یا خانه‌های ساحلی نسبت به خانه‌هایی که لب پرتگاه بنا شده‌اند، از موقعیت بالاتری برخوردارند. کسانی که دوست دارند خانه‌شان را روی زمین سست بنا کنند، شاید می‌خواهند به دوستانشان که در مناطق شنی سکونت دارند، ملحق شوند. شاید این قبیل اشخاص درباره طوفانهای شدیدی که در این مناطق می‌آید چیزی نشنیده‌اند، یا اهمیتی به گزارشها در این زمینه نداده‌اند، یا به دلایلی فکر می‌کنند بلا بر آنها عارض نخواهد شد. کسانی که خانه‌شان را بر روی شن بنا می‌کنند، هر دلیلی که برای این کار داشته باشند، همه در این خصایص اشتراک دارند: آنها فاقد چشم بصیرتند، و از کار خود پشیمان خواهند شد. وقتی می‌بینید و می‌شنوید اما اطاعت نمی‌کنید، چه دلایلی برای این کار دارید؟

۴۵:۶ عیسی به ما یادآوری می‌کند که سخنان و اعمال ما، اعتقادات واقعی و نهفته ما را آشکار می‌نماید. اگر دل فریبکاری داشته باشیم اما سعی کنیم تأثیر خوبی هم بر دیگران بگذاریم، اثرمان زودگذر خواهد بود. هرچه که در شخص باشد، از سخنانش آشکار می‌گردد؛ و هر چه در دل هست، در سخنان و رفتار شخص متجلی خواهد شد. ۴۶-۴۹ اطاعت از خدا با ساختن خانه بر بنیادی محکم مقایسه شده که به هنگام طوفان پا برجا می‌ماند. وقتی زندگی آرام است، خطری بنیاد زندگی ما را تهدید نمی‌کند. اما وقتی بحرانها می‌آید، استحکام بنیاد زندگی‌مان مورد سنجش قرار می‌گیرد. یقین حاصل کنید که زندگی‌تان بر بنیاد محکم عیسی مسیح بنا شده باشد.

۴۹:۶ چرا مردم خانه‌هایشان را روی شن می‌سازند؟ شاید آنها می‌خواهند از تهیه کردن سنگ برای بنای خانه که

## ایمان سرباز رومی

(۶۸ / متی ۸:۵-۱۳)

۷ هنگامی که عیسی این سخنان را به پایان رسانید، به کفرناحوم باز گشت. ۲ در آن شهر، یک افسر رومی، غلامی داشت که برایش خیلی عزیز بود. از قضا آن غلام بیمار شد و به حال مرگ افتاد. ۳ وقتی افسر از آمدن عیسی باخبر شد، چند نفر از بزرگان یهود را فرستاد تا از او خواهش کنند که بیاید و غلامش را شفا بخشد. ۴ پس آنان با اصرار، به عیسی التماس کردند که همراه ایشان برود و آن غلام را شفا دهد. ایشان گفتند: «این افسر مرد بسیار نیکوکاری است. اگر کسی پیدا شود که لایق لطف تو باشد، همین شخص است. ۵ زیرا نسبت به یهودیان مهربان بوده و عبادتگاهی نیز برای ما ساخته است!»

۶ عیسی با ایشان رفت. اما پیش از آنکه به خانه برسند، آن افسر چند نفر از دوستان خود را فرستاد تا به عیسی چنین بگویند: «سرور من، به خود زحمت ندهید که به خانه من بیایید، چون من لایق چنین افتخاری نیستم. ۷ خود را نیز لایق نمی دانم که به حضورتان بیایم. از همانجا که هستید، فقط دستور بدهید تا غلام من شفا یابد! ۸ من خود، زیر دست افسران ارشد هستم و از طرف دیگر، سربازانی را تحت فرمان خود دارم. فقط کافی است به سربازی دستور بدهم "برو" تا برود. یا بگویم "بیا" تا بیاید، و به غلام خود بگویم "چنین و چنان کن" تا بکند. پس شما نیز فقط دستور بدهید تا خدمتگزار من بهبود یابد!» ۹ عیسی وقتی این را شنید، تعجب کرد و رو به جمعیتی که همراهش بودند، نمود و گفت: «در میان تمام یهودیان اسرائیل، حتی یک نفر را ندیده ام که

۱:۷

متی ۵:۸-۱۳

۸-۶:۷

مز ۹:۳۳

لو ۳۶:۴

یو ۴۳:۱۱

۹:۷

روم ۲:۱۰، ۳؛ ۴:۹

۳:۷ متی ۵:۸ می گوید که افسر رومی خودش عیسی را ملاقات کرد، درحالی که لوقا ۳:۷ می گوید که او بزرگان یهود را نزد او فرستاد تا درخواستش را به عرض او رسانند. عیسی با برآورده کردن حاجت بزرگان یهود، درواقع حاجت یوزباشی را برآورده ساخت. متی چون مخاطبینش یهودی بودند، بر ایمان آن مرد تأکید کرد. لوقا بخاطر مخاطب غیریهودی اش، رابطه خوب بزرگان یهودی و افسر رومی را برجسته کرد.

۹:۷ افسر رومی نزد عیسی نیامد، و توقع هم نداشت عیسی پیش او برود. همانطور که برای انجام اوامر افسر رومی نیازی نبود که خودش حضور داشته باشد، برای شفای غلام او نیز لازم نبود عیسی نزد غلام برود. ایمان این افسر بسیار حیرت انگیز بود چون او غیریهودی بود و طوری تربیت نشده بود که خدای محبت را شناخته باشد.

۲:۷ این افسر رومی یک یوزباشی بود و ۱۰۰ سرباز رومی را تحت فرمان داشت. او نزد عیسی آمد نه بعنوان آخرین راه چاره یا از روی علاقه وافر به سحر و جادو، بلکه چون ایمان داشت عیسی را خدا فرستاده است. ظاهراً او می دانست که یهودیان حامل پیغام خدا برای بشریتند، و از اینرو عبادتگاهی برای آنها ساخته بود. بنابراین، طبیعی بود که برای رفع مشکل خود به عیسی رو آورد.

۳:۷ چرا یوزباشی بجای آنکه خودش نزد عیسی بیاید، بزرگان یهود را نزد او فرستاد؟ شاید او که از نفرت یهودیان از سربازان رومی بخوبی آگاه بود، نخواست وارد اجتماع یهودیان شود. او در سمت خود که یوزباشی بود، هر روز وظیفی را به عده ای محول می کرد و گروههایی را به مأموریت می فرستاد، و برای رساندن پیغامش به عیسی نیز طبق روال همیشگی عمل نمود.

چنین ایمانی داشته باشد.»<sup>۱۰</sup> وقتی دوستان آن افسر به خانه بازگشتند، غلام کاملاً شفا یافته بود.

## زنده کردن پسر زنی بیوه

(۶۹)

<sup>۱۱</sup> چندی بعد، عیسی با شاگردان خود به شهری به نام نائین رفت و مانند همیشه، گروه بزرگی از مردم نیز همراه او بودند.<sup>۱۲</sup> وقتی به دروازه شهر رسیدند، دیدند که جنازه‌ای را می‌برند. جوانی که تنها پسر یک بیوه‌زن بود، مرده بود. بسیاری از اهالی آن شهر، با آن زن عزاداری می‌کردند.

<sup>۱۳</sup> وقتی عیسی خداوند، آن مادر داغ‌دیده را دید، دلش بحال او سوخت و فرمود: «گریه نکن!»<sup>۱۴</sup> سپس نزدیک تابوت رفت و دست بر آن گذارد. کسانی که تابوت را می‌بردند، ایستادند. عیسی فرمود: «ای جوان، به تو می‌گویم، برخیز!»<sup>۱۵</sup> بلافاصله، آن جوان برخاست و نشست و با کسانی که دور او را گرفته بودند، مشغول گفتگو شد! به این ترتیب، عیسی او را به مادرش بازگردانید.

۱۳:۷

مراثی ۳۲:۳

یو ۳۵:۳۳:۱۱

عبر ۱۵:۴

۱۴:۷

لو ۵:۴۸

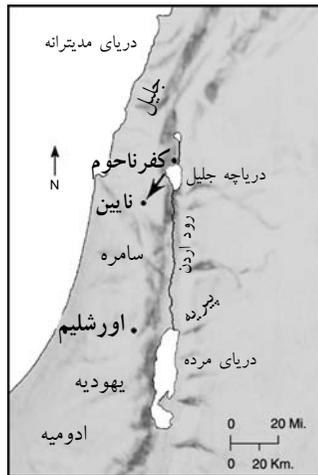
یو ۴۳:۱۱

اعما ۴۰:۹

روم ۱۷:۴

آن تمجید نماییم، و برای انجام اراده او از آن استفاده کنیم. **۱۱:۷-۱۵** وضعیت آن بیوه‌زن وخیم بود. او شوهرش را از دست داده بود، و حالا تنها پسرش، یعنی یگانه‌نان‌آور او، مرده بود. مردمی که در مراسم عزاداری شرکت داشتند، بعد از اتمام مراسم به خانه‌های خود می‌رفتند، و او بی‌پول و بی‌کس می‌ماند. احتمالاً از سن بچه‌دار شدن او گذشته بود و نمی‌توانست دوباره ازدواج کند. آینده او تیره و تار بود، مگر اینکه خوشاوندی به او کمک می‌کرد. او طعمه راحتی برای شیادان می‌شد، و احتمالاً برای بدست آوردن غذا به گدایی می‌افتاد. در حقیقت، همان‌طور که لوقا مکرراً تأکید می‌کند، او از جمله همان اشخاصی بود که عیسی برای کمک به آنها آمده بود. عیسی به این زن کمک کرد. عیسی این قدرت را دارد که در هر مصیبتی امید را پدید آورد.

**۱۲:۷** در عرف یهود، گرامی داشتن مرده از اهمیت برخوردار بود. هیأت عزاداران از وسط شهر می‌گذشت و از عابرین هم انتظار می‌رفت به آنها ملحق شوند. عزاداران خوشاوندان فرد مرده بودند و پشت سر جسد که در پارچه‌ای پیچیده شده و روی یک نوع برانکار حمل می‌شد، حرکت می‌کردند. بعلاوه، کسانی که برای نوحه‌گری استخدام شده بودند، با صدای بلند می‌گریستند و توجه دیگران را به مراسم عزاجلب می‌کردند. عزاداری خانواده شخص مرده تا ۳۰ روز ادامه پیدا می‌کرد.



### عیسی پسر مرده‌ای را زنده می‌کند

عیسی به نائین رفت و در بدو ورود به شهر، به گروهی برخورد که جنازه‌ای را به بیرون شهر می‌بردند. پسر یگانه بیوه‌زنی مرده بود و آن زن عملاً تنها وی‌کس مانده بود. اما عیسی آن پسر را زنده کرد. این معجزه که فقط در انجیل لوقا ثبت شده، دلسوزی عیسی نسبت به احتیاجات مردم را نشان می‌دهد.

**۱۱:۷-۱۷** این داستان بازگوکننده نجات است. تمام مردم دنیا مانند پسر آن بیوه‌زن در گناه مرده‌اند (افسیان ۱:۲).

اگر ما شخص مرده‌ای بودیم، نمی‌توانستیم کمکی به خود بکنیم، و حتی نمی‌توانستیم از کسی کمک بخواهیم. اما خدا «دلش به حال ما سوخت»، و عیسی را فرستاد تا ما را با او زنده کند (افسیان ۴:۲-۷). شخص مرده نمی‌تواند خودش خود را زنده کند. ما نیز نمی‌توانیم به کمک خودمان زندگی جدیدی را در مسیح کسب کنیم. اما می‌توانیم آن را بپذیریم، خدا را برای

۱۶ تمام کسانی که این معجزه را دیدند، با ترس و احترام، خدا را شکر کرده، می گفتند: «نبی بزرگی در میان ما ظهور کرده است! خداوند به یاری ما آمده است!»<sup>۱۷</sup> آنگاه خبر این معجزه در سراسر ایالت یهودیه و در سرزمینهای اطراف منتشر شد.

### رفع شک و تردید یحیی

(۷۰ / متی ۱۱:۱-۱۹)

۱۸ هنگامی که یحیی خبر کارهای عیسی را از زبان شاگردان خود شنید،<sup>۱۹</sup> دو نفر از ایشان را نزد او فرستاد تا پرسند: «آیا تو همان مسیح موعود هستی یا هنوز باید منتظر آمدن او باشیم؟»<sup>۲۰</sup> و ۲۱ و ۲۲ آن دو شاگرد هنگامی نزد عیسی رسیدند که او افلیج‌ها، کورها و بیماران مختلف را شفا می بخشید و ارواح پلید را از وجود دیوانگان اخراج می کرد. آنان سؤال یحیی را به عرض او رساندند. عیسی در جواب فرمود: «نزد یحیی باز گردید و آنچه دیدید و شنیدید، برای او بیان کنید که چگونه نابینایان بینا می شوند، لنگ‌ها راه می روند، جذامی‌ها شفا می یابند، ناشنوها شنوا می گردند، مرده‌ها زنده می شوند و فقرا پیغام نجاتبخش خدا را می شنوند.»<sup>۲۳</sup> سپس به او بگویند، خوشحال کسی که به من شک نکند.»

۲۴ وقتی آن دو فرستاده رفتند، عیسی درباره یحیی با مردم سخن گفت و فرمود: «آن مرد که برای دیدنش به بیابان یهودیه رفته بودید، که بود؟ آیا مردی بود سست چون علف، که از وزش هر بادی بلرزد؟<sup>۲۵</sup> آیا مردی بود با لباسهای گرانقیمت؟ اگر شخص عیاش و خوش گذرانی بود، در قصرها زندگی می کرد، نه در بیابان!<sup>۲۶</sup> آیا رفته بودید پیامبری را ببینید؟ بلی، به شما می گویم که یحیی از یک پیامبر نیز

۱۶:۷  
لو ۱۹:۴۵؛ ۶۸؛ ۲۴؛ ۱۹:۴  
یو ۱۹:۴؛ ۱۴:۶؛ ۱۷:۹  
۱۷:۷  
متی ۲۶:۹

۱۸:۷  
متی ۲۰:۱۱-۳۰  
۱۹:۷  
جز ۲۷:۲۱  
دان ۲۶-۲۴:۹  
میکا ۲:۵  
زکر ۹:۹  
ملا ۳-۱:۳  
۲۲:۷  
اش ۱۸:۲۹؛ ۵:۳۵؛ ۶:۴۲  
۱:۶۱  
لو ۱۸:۴  
یعقو ۵:۲

۲۵:۷  
متی ۴:۳  
مر ۶:۱

می دهد که انجامش فقط از مسیح موعود انتظار می رفت. خدا شک‌های ما را هم می تواند رفع کند، و با کمال میل حاضر است به سؤالات ما پاسخ دهد.  
۲۰:۷-۲۲ دلایلی که اینجا برای اثبات مسیح بودن عیسی آمده، مهم است. این دلایل، حالت نظری ندارد، بلکه شامل اعمالی است که با چشم قابل رؤیت می باشند، کارهایی که معاصرین عیسی دیدند و آنها را برای ما ثبت کردند تا امروز بخوانیم. انبیا گفته بودند که مسیح موعود همین اعمال را انجام خواهد داد (به اشعیا ۳۵:۶؛ ۶۱:۱ مراجعه کنید). این دلایل عینی به یحیی کمک کرد تا بفهمد عیسی کیست، و به همه ما هم کمک خواهد کرد تا به این وسیله او را بشناسیم.

۱۶:۷ مردم فکر کردند عیسی یک نبی است، چون مانند انبیای عهدعتیق، بدون ترس پیغام خدا را اعلام می داشت و بعضی وقتها مرده‌ها را زنده می کرد. ایلیا و الیشع هر دو کودکی را زنده کرده بودند (۱ پادشاهان ۱۷:۱۷-۲۴، ۲ پادشاهان ۴:۱۸-۳۷). مردم درست فکر کردند که عیسی نبی است، اما او برتر از یک نبی می باشد؛ او خودش خداست.

۱۸:۷-۲۳ یحیی سردرگم شده بود چون خبرهایی که درباره عیسی به او می رسید، غیرمنتظره و ناقص بود. شک‌های او طبیعی بود، و عیسی بخاطر آن او را سرزنش نکرد. او به شکلی به سؤال یحیی جواب داد که یحیی از پاسخ او می فهمید که او در حقیقت کارهایی را انجام

۲۷:۷

اش ۳:۴۰  
ملا ۱:۳ : ۴:۴

بزرگتر است.<sup>۲۷</sup> او همان رسولی است که کتاب آسمانی درباره اش می فرماید: "من رسول خود را پیش از تو می فرستم تاراه را برایت باز کند." <sup>۲۸</sup> "در میان تمام انسانهایی که تابحال دنیا آمده اند، کسی بزرگتر از یحیی نبوده است. با وجود این، کوچکترین فرد در ملکوت خدا از یحیی بزرگتر است!

۲۹:۷

متی ۵:۳  
لو ۱۲:۳  
اعما ۲۵:۱۸ : ۳:۱۹

«تمام کسانی که پیغام یحیی را شنیدند، حتی مأمورین باج و خراج، تسلیم خواست خدا گردیده، از دست او غسل تعمید گرفتند. <sup>۳۰</sup> ولی فریسی ها و علمای دین، دعوت خدا را رد کردند و حاضر نشدند از او تعمید بگیرند.

۳۰:۷

اعما ۲۷:۲۰

«پس درباره این قبیل اشخاص چه بگویم؟ ایشان را به چه چیز تشبیه کنم؟ <sup>۳۱</sup> مانند کودکانی هستند که در کوچه ها به هنگام بازی، با بی حوصلگی به همبازیهای خود می گویند: "نه به ساز ما می رقصید، و نه به نوحه ما گریه می کنید." <sup>۳۲</sup> زیرا درباره یحیی تعمیددهنده که اغلب روزه دار بود و شراب هم نمی نوشید، می گفتید که دیوانه است! <sup>۳۴</sup> و درباره من که می خورم و می نوشم، می گوید که شخصی است پرخور و میگسار و همنشین گناهکاران! <sup>۳۵</sup> اگر عاقل بودید، چنین نمی گفتید و می دانستید چرا او چنان می کرد و من چنین!»

۳۴:۷

متی ۴:۳  
مر ۶:۱  
لو ۱۵:۱  
۳۵:۷  
اقرن ۲۴:۱ و ۲۳:۱

### تدهین پایهای عیسی به دست زنی بدکار

(۷۲)

<sup>۳۶</sup> روزی یکی از فریسیان عیسی را برای صرف غذا به خانه خود دعوت کرد.

۳۶:۷

متی ۶:۲۶  
مر ۳:۱۴  
یو ۲:۱۱

مسائل زندگی فقط نزد آنهاست، بسیار تند بود. اما عیسی که خداست، (۱) با گناهکاران نشست و برخاست می کرد، (۲) از حقیقت سخن می گفت و مطابق آن زندگی می کرد، (۳) دل انسان را مورد داوری قرار می داد، نه اعمالشان را، و (۴) نیک بود. اما زندگی علمای مذهبی چنین بود: (۱) از اشخاص «ناپاک» دوری می کردند، (۲) و از دیگران ایراد می گرفتند، (۳) اعمال دیگران را داوری می کردند، نه دلشان را، و (۴) خود را عادل می شمردند.

۳۵:۷

فریسیان در منطقی جلوه دادن معایب خبره بودند. این باعث می شد ظاهر خود را خوب حفظ کنند، اما از طرف دیگر نمی گذاشت آنها معایب و ایرادات خود را اصلاح کنند. اگر ما اعمال غلط یا رفتارهای متناقض خود را توجیه کنیم، با این کار آنها را تقویت کرده ایم. اگر ما ایرادات خود را بپذیریم و در رفع آنها برآیم، در حکمت رشد خواهیم کرد. عیسی می خواست بگوید که اگر فریسیان واقعاً حکمت داشتند، مردم می توانستند از روی درستی رفتارشان به آن پی ببرند.

۳۶:۷

بعدها، در طول خدمت عیسی، واقعه دیگری مشابه

۲۸:۷ هیچ کس بهتر از یحیی هدفی را که خدا در زندگی اش تعیین کرده بود، به انجام نرسانده است. با وجود این، در ملکوت خدا، همه کسانی که بعد از یحیی می آیند ارث روحانی بزرگتری از یحیی دارند، چون آنها شناخت کامل تری در مورد هدف مرگ و رستاخیز عیسی دارند. یحیی که آخرین نبی عهدعتیق بود، آخرین کسی است که مردم را برای شروع دوران مسیح موعود آماده کرد. عیسی شخص یحیی را با تک تک مسیحیان مقایسه نمی کرد؛ او زندگی قبل از دوره مسیحایی را با زندگی در پری ملکوتش مقایسه می کرد.

۲۹:۷ و ۳۰:۷ مردمان بدکار پیغام یحیی را شنیدند و توبه کردند. برخلاف بدکاران، علمای مذهبی پیغام او را قبول نکردند. آنها که طریق دلخواه خود را در زندگی در پیش گرفته بودند، از گوش کردن به سایر عقاید امتناع می ورزیدند. بجای آنکه سعی کنید نقشه های خود را بر خدا تحمیل نمایید، سعی کنید به نقشه های که خدا برای شما دارد، پی ببرید.

۳۱:۷-۳۵ سخنان عیسی خطاب به بسیاری از علمای مذهبی زمان خود که فکر می کردند راه حل خدا برای

عیسی نیز دعوت او را پذیرفت و به خانه او رفت. وقتی سر سفره نشسته بودند،<sup>۳۷</sup> زنی بدکاره که شنیده بود عیسی در آن خانه است، شیشه‌ای نفیس پر از عطر گرانبها برداشت،<sup>۳۸</sup> و وارد شد و پشت سر عیسی، نزد پایهایش نشست و شروع به گریستن کرد. قطره‌های اشک او روی پایهای عیسی می‌چکید و او با مویهای سر خود آنها را پاک می‌کرد. سپس پایهای عیسی را بوسید و روی آنها عطر ریخت.

۳۷:۷  
لو ۲۸  
۳۸:۷  
زکر ۱۰:۱۲

<sup>۳۹</sup> صاحب خانه یعنی آن فریسی، وقتی این وضع را مشاهده نمود و آن زن را شناخت، با خود گفت: «اگر این مرد فرستاده خدا بود، یقیناً متوجه می‌شد که این زن گناهکار و ناپاک است!»

۳۹:۷  
لو ۲:۱۵  
یو ۵۲:۷

<sup>۴۰</sup> عیسی خیالات دل او را درک کرد و به او گفت: «شمعون، می‌خواهم چیزی به تو بگویم.»

شمعون گفت: «بفرما استاد!»

<sup>۴۱</sup> آنگاه عیسی داستانی برای او تعریف کرد و گفت: «شخصی از دو نفر طلب داشت، از یکی ۵۰۰ سکه و از دیگری ۵۰ سکه.<sup>۴۲</sup> اما هیچیک از آن دو، نمی‌توانست بدهی خود را بپردازد. پس آن مرد مهربان هر دو را بخشید و از طلب خود چشم‌پوشی کرد! حال، به نظر تو کدامیک از آن دو او را بیشتر دوست خواهد داشت؟»

۴۱:۷  
متی ۲۸:۱۸  
۴۲:۷  
اش ۱۸:۱؛ ۲۵:۴۳؛ ۲۲:۴۴

<sup>۴۳</sup> شمعون جواب داد: «به نظر من، آن که بیشتر بدهکار بود.»

عیسی فرمود: «درست گفتی!»

<sup>۴۴</sup> سپس به آن زن اشاره کرد و به شمعون گفت: «به این زن که اینجا زنده است خوب نگاه کن! وقتی به خانه تو آمدم به خودت زحمت ندادی که برای شستشوی پایهایم، آب بیاوری. اما او پایهای مرا با اشک چشمانش شست و با مویهای سرش

۴۴:۷  
پیدا ۴:۱۸  
اتیمو ۱۰:۵

می‌دهد. شمعون با تصور در شستن پاهای عیسی (رسمی که در مورد مهمانان بجا آورده می‌شد، چون پا در صندل کثیف می‌شد)، تدهین سر او با روغن، و بوسیدن صورت او، خطایی اجتماعی مرتکب شده بود. چه بسا او فکر کرده که مقدس‌تر از آن است که با عیسی همچون همتای خود رفتار کند. برخلاف شمعون، آن زن بدکار، اشکها، عطر گرانبها، و بوسه‌های خود را بی‌دریغ نثار منجی‌اش کرد. در این داستان، گناهان زن بدکار و سخاوتمند بود که آمرزیده شد نه گناهان فریسی مغرور. گناهکارانی که در جستجوی بخشش خدایند، در ملکوت خدا پذیرفته خواهند شد، اما کسانی که فکر می‌کنند پاکتر از آنند که مرتکب گناه شوند، پذیرفته نخواهند شد.

همین رویداد اتفاق افتاد (به متی ۶:۲۶-۱۳؛ مرقس ۱۴:۳-۹؛ یوحنا ۱۲:۱-۱۱ مراجعه کنید).

**۳۸:۷** با آنکه این زن به مهمانی دعوت نشده بود، اما وارد خانه شد و پشت سر عیسی، کنار پاهای او نشست. در زمان عیسی رسم بود که موقع خوردن غذا به پهلو دراز می‌کشیدند. مهمانان در خانه آن فریسی روی نیمکت‌هایی که دور میز چیده شده بود، به پهلو دراز کشیده بودند، بطوری که سرشان نزدیک به میز قرار داشت، و بر روی یک آرنج تکیه زده و پاهایشان را به طرف عقب دراز می‌کردند. به این ترتیب، آن زن توانست بدون آنکه سر میز بیاید، پاهای عیسی را با عطر تدهین کند.

**۴۴:۷** بار دیگر عیسی فریسیان را با گناهکاران مقایسه می‌کند و بار دیگر گناهکاران را مقدم بر فریسیان قرار

<p>۴۵:۷ اقرن ۲۰:۱۶ قرن ۱۲:۱۳</p> <p>۴۶:۷ ۲۰:۱۲ مز ۵:۲۳</p> <p>۴۹:۷ اش ۳:۵۳ متی ۳:۹ مر ۷:۲ یو ۱۰:۱</p>	<p>خشک کرد. <sup>۴۵</sup> به رسم معمول، صورتم را نبوسیدی؛ اما از وقتی که داخل شدم، این زن از بوسیدن پایهای من دست نکشیده است. <sup>۴۶</sup> تو غفلت کردی که به رسم احترام، روغن بر سرم بمالی، ولی او پایهای مرا عطر آگین کرده است. <sup>۴۷</sup> از اینروست که او محبت بیشتری نشان می دهد، چون گناهان بسیارش آمرزیده شده است. اما هر که کمتر بخشیده شده باشد، محبت کمتری نشان می دهد.»</p> <p><sup>۴۸</sup> آنگاه رو به آن زن کرد و فرمود: «گناهان تو بخشیده شد!»</p> <p><sup>۴۹</sup> اشخاصی که بر سر سفره حضور داشتند، با خود می گفتند: «این مرد کیست که گناهان مردم را نیز می آمرزد؟»</p> <p><sup>۵۰</sup> عیسی به آن زن فرمود: «ایمانت باعث نجات شده است! برخیز و آسوده خاطر برو.»</p>
---	--

## عیسی و زنان

<p>لوقا ۱۷-۱۱:۷</p> <p>لوقا ۵۰-۳۶:۷</p> <p>یوحنا ۱۱-۱:۸</p> <p>لوقا ۳-۱:۸</p> <p>لوقا ۴۲-۳۸:۱۰</p> <p>لوقا ۱۷-۱۰:۱۳</p> <p>مرقس ۳۰-۲۴:۷</p> <p>لوقا ۳۱-۲۷:۲۳</p> <p>یوحنا ۲۷-۲۵:۱۹</p> <p>مرقس ۱۱-۹:۱۶</p> <p>متی ۱۰-۸:۲۸</p>	<p>عیسی پسر بیوه زنی را زنده می کند</p> <p>زن بدکاری پاهای عیسی را با عطر تدهین می کند</p> <p>زن زناکار</p> <p>عده‌ای از زنان عیسی را همراهی می کنند</p> <p>عیسی از مریم و مرتا دیدن می کند</p> <p>عیسی زن علیلی را شفا می دهد</p> <p>عیسی دختر زنی غیریهودی را شفا می دهد</p> <p>عده‌ای از زنان اشک‌ریزان تا محل مصلوب شدن بدنال عیسی می روند</p> <p>مادر عیسی و دیگر زنان در پای صلیب جمع می شوند</p> <p>عیسی خود را به مریم مجدلیه ظاهر می کند</p> <p>عیسی بعد از قیامش خود را به دیگر زنان ظاهر می کند</p>
---	--

لوقا بعنوان یک غیریهودی در ثبت سخنان و اعمال عیسی، حساسیت خاصی به سایر «غیریهودیانی» که عیسی با آنها رابطه داشت، نشان می دهد. برای مثال، لوقا به پنج واقعه‌ای اشاره می کند که زنان در آن شرکت دارند و در دیگر اناجیل از آنها ذکری به میان نیامده است. در فرهنگ یهود در قرن اول، با زنان بعنوان افراد درجه دوم جامعه برخورد می شد و آنها از حقوق مردان برخوردار نبودند. اما عیسی این موانع را روی صلیب میخکوب کرد، و لوقا توجه خاص عیسی را نسبت به زنان در انجیلش ثبت کرده است. عیسی همه مردم را یکسان توجه و احترام می کرد. در این جدول، تماس‌های او با زنان ذکر شده است.

**۴۷:۷** کثرت محبت، واکنش طبیعی در مقابل آمرزیده شدن است. اما فقط کسانی می‌توانند قدر آمرزش کامل الهی را بدانند که به عمق گناه خود پی برده باشند. عیسی همه پیروانش را از مرگ جاودانی رهانیده است، چه آنانی را که زمانی فوق‌العاده بدکار بودند و چه آنانی را که مطابق معیارهای معمول پاک بودند. آیا از عظمت رحمت

او آگاه هستید؟ آیا بخاطر آمرزش گناهان از او سپاسگزار هستید؟

**۴۹:۷ و ۵۰** فریسیان اعتقاد داشتند که فقط خدا می‌تواند گناهان را ببامرزد، بنابراین از خود پرسیدند چرا این مرد یعنی عیسی، می‌گوید گناهان این زن آمرزیده شد. آنها به این حقیقت پی نبرده بودند که عیسی واقعاً خداست.

## زنانی که عیسی و شاگردانش را همراهی می کردند (۷۳)

چندی بعد، عیسی سفری به شهرها و دهات ایالت جلیل کرد تا همه جا مژده ملکوت خدا را اعلام کند. آن دوازده شاگرد<sup>۲</sup> و چند زن که از ارواح پلید و یا از امراض شفا یافته بودند نیز او را همراهی می کردند. مریم مجدلیه که عیسی هفت روح پلید از وجود او بیرون کرده بود،<sup>۳</sup> یونا، همسر خوزا (رئیس دربار هیروودیس)، و سوسن از جمله این زنان بودند. ایشان و بسیاری از زنان دیگر، از دارایی شخصی خود، عیسی و شاگردانش را خدمت می کردند.

۱:۸  
متی ۲۳:۴  
۲:۸  
متی ۵۶:۲۷ و ۵۵:۵۶  
مر ۹:۱۶  
لو ۴۹:۲۳  
۳:۸  
متی ۱۰:۱۴

## حکایت چهار نوع زمین

(۷۷ / متی ۱۳:۱-۹؛ مرقس ۴:۱-۹)

<sup>۴</sup> مردم از همه شهرها نزد عیسی می آمدند. یک روز، عده زیادی نزدش گرد آمدند و او این حکایت را برای ایشان بیان نمود:

<sup>۵</sup> «روزی کشاورزی به مزرعه رفت تا تخم بکارد. وقتی تخمها را می پاشید، مقداری روی گذرگاه افتاد و پایمال شد و پرندگان آمده، آنها را برچیدند و خوردند. <sup>۶</sup> مقداری دیگر در زمین سنگلاخ و کم خاک افتاد و سبز شد، اما چون زمین رطوبت نداشت، زود پژمرد و خشکید. <sup>۷</sup> مقداری هم در میان خارها افتاد. خارها با تخمها رشد کرد و ساقه‌های جوان گیاه، زیر فشار خارها خفه شد. <sup>۸</sup> اما

۴:۸  
متی ۱۳:۱-۵۳  
مر ۴:۱-۳۴

**۵:۸** چرا باید کشاورزی تخم‌های بارزش را روی گذرگاه، لابلائی خارها، یا در زمین سنگلاخ پاشد؟ این مثل تمثیلی از کشاورزی فاقد حس مسؤولیت که تخم‌ها را بدون هدف می‌پاشد، نیست. این کشاورز از روش تخم‌پاشی با دست در مزرعه‌ای بزرگ که روش قابل قبولی است استفاده می‌کند، به این ترتیب که هر قدم که در مزرعه جلو می‌گذارد، یک مشت تخم روی زمین می‌پاشد. هدف او این است که تا حد امکان، تخم در زمین بارور ریشه بگیرد. اما بعضی از تخم‌ها بطور حتم در جاهای غیر حاصلخیز می‌افتند و به هدر می‌روند. این واقعیت که بعضی از تخم‌ها ثمری نمی‌آورند، تقصیر کشاورز امین یا عیب تخم نیست؛ حاصل کار بستگی به نوع زمینی دارد که تخم در آن می‌افتد. وظیفه ما این است که تخم (پیغام خدا) را پخش کنیم، اما وقتی بعضی از تلاشهای ما بی‌ثمر می‌ماند، نباید دست از کار بکشیم. به خاطر داشته باشید که هر تخمی در زمین بارور نمی‌افتد.

**۳ و ۲:۸** عیسی زنان را از خواری و بندگی به مقام عضویت در جامعه و خدمتگزاری ارتقا داد. در فرهنگ یهود، زنان اجازه تحصیل نزد معلمین دینی (رتبی‌ها) را نداشتند. عیسی به زنان اجازه داد او را پیروی کنند و با این کار، نشان داد که همه مردم در برابر خدا یکسانند. این زنان با پول خود از خدمت عیسی پشتیبانی می‌کردند. آنها عمیقاً مدیون عیسی بودند، چون او ارواح پلید را از بعضی از ایشان بیرون کرده و برخی را نیز شفا داده بود.

**۴:۸** حکایت‌های عیسی را غالباً **مثل** می‌نامند. در مثل شیء یا موقعیتی آشنا به کار گرفته می‌شود، و کاربرد و مفهومی روحانی به آن داده می‌شود. ارتباط دادن چیزهای شناخته‌شده با ناشناخته‌ها، به ما کمک می‌کند تا حقایق روحانی را درک کنیم. مثل، شنوندگان را بر می‌انگیزد تا خودشان حقیقت را کشف کنند، و حقیقت را از افراد بسیار تنبل یا متعصب مخفی می‌دارد تا دنبال آن بگردند. به هنگام خواندن مثل‌های عیسی، باید دقت کنیم به جزئیات نبردازیم. بیشتر مثل‌های عیسی هر یک فقط دارای یک نکته اصلی و یک معنا هستند.

مقداری از تخمها در زمین بارور افتاد و روئید و صد برابر ثمر داد.» سپس با صدای بلند فرمود: «هر که گوش شنوا دارد، خوب به سخنان من توجه کند!»

### تشریح حکایت چهار نوع زمین

(۷۸/ متی ۱۳: ۱۰-۲۳؛ مرقس ۴: ۱۰-۲۵)

<sup>۹</sup> شاگردان پرسیدند: «معنی این حکایت چیست؟»

<sup>۱۰</sup> فرمود: «خدا به شما این توانایی را داده است که معنی این حکایات را درک کنید، چون حقایق ناگفته‌ای را درباره برقراری ملکوت خدا بر روی زمین، بیان می‌کند. اما این مردم، سخنان مرا می‌شنوند و چیزی از آن درک نمی‌کنند، و این درست همان چیزی است که انبیای قدیم پیشگویی کرده‌اند.

<sup>۱۱</sup> «معنی حکایت اینست: تخم، همان کلام خداست. <sup>۱۲</sup> گذرگاه مزرعه که بعضی از تخمها در آنجا افتاد، دل سخت کسانی را نشان می‌دهد که کلام خدا را می‌شنوند، اما بعد شیطان آمده، کلام را می‌رباید و می‌برد و نمی‌گذارد ایمان بیاورند و نجات پیدا کنند، <sup>۱۳</sup> زمین سنگلاخ، نمایانگر کسانی است که از گوش دادن به کلام خدا لذت می‌برند ولی در ایشان هرگز تأثیری عمیق نمی‌نماید و ریشه نمی‌دواند. آنان می‌دانند که کلام خدا حقیقت دارد و تا مدتی هم ایمان می‌آورند. اما وقتی باد سوزان شکنجه و آزار وزید، ایمان خود را از دست می‌دهند. <sup>۱۴</sup> زمینی که از خار پوشیده شده، به کسانی اشاره دارد که به پیغام خدا گوش می‌دهند و ایمان می‌آورند ولی ایمانشان در زیر فشار نگرانی، مادیات و مسئولیتها و لذات زندگی، کم کم خفه می‌شود و ثمری به بار نمی‌آورد.

<sup>۱۵</sup> «اما خاک خوب، نمایانگر اشخاصی است که با قلبی آماده و پذیرا به کلام خدا گوش می‌دهند و با جدیت از آن اطاعت می‌کنند تا ثمر به بار آورند.

۱۰:۸  
اش ۹:۶

۱۱:۸  
اعما ۲۰: ۲۲، ۲۳  
اپتر ۱: ۲۳

۱۲:۸  
قرن ۱۱: ۲ : ۳: ۴  
تسا ۲: ۱۰  
یعقو ۱: ۲۳ و ۲۴  
اپتر ۵: ۸

۱۴:۸  
متی ۱۹: ۲۳  
تیمو ۹: ۱۰  
تیمو ۴: ۱۰

۱۵:۸  
مز ۲۲: ۵  
افس ۲: ۴  
اپتر ۵: ۱۰-۵

**۱۱:۸-۱۵** کسانی که مانند زمین غیر حاصلخیز می‌باشند، مانند علمای مذهبی، آنانی هستند که از ایمان آوردن به پیغام خدا امتناع می‌ورزند. کسانی که مثل زمین پر از سنگلاخ می‌باشند، مانند مردمی که دنبال عیسی حرکت می‌کردند، آنانی هستند که به خدا اعتماد دارند اما هیچ وقت پا فراتر از آن نمی‌گذارند. کسانی که مثل زمین پر از خارند، ماده پرستی بر آنها غالب می‌آید، و جایی در زندگی‌شان برای خدا باقی نمی‌ماند. کسانی که مثل زمین خوبند، برعکس دسته‌های دیگر، به هر قیمتی که شده خدا را پیروی می‌کنند. شما چه نوع زمینی هستید؟

**۱۰:۸** چرا جماعت سخنان عیسی را نفهمیدند؟ شاید چون آنها بدنیاال رهبری جسمانی و نظامی بودند و نمی‌توانستند گفته‌های او را با تصوراتی که از مسیح موعود داشتند، انطباق دهند. شاید آنها از فشاری که علمای مذهبی وارد می‌کردند، می‌ترسیدند و از اینرو نمی‌خواستند به عمق حرفهای عیسی پی ببرند. خدا به اشعیا گفت که مردم سخنان او را خواهند شنید و معجزات بزرگی را خواهند دید اما به معنای آنها پی نخواهند برد (اشعیا ۶: ۹)، و این همان چیزی بود که در مورد عیسی اتفاق افتاد. حکایت زمین تصویر دقیقی از واکنش مردم نسبت به حکایت او بود.

## اطاعت از پیغام خدا

۱۶ «آیا تابحال شنیده‌اید که کسی چراغی را روشن کند و بعد روی آن را بیوشاند تا نورش به دیگران نتابد؟ چراغ را باید جایی گذاشت که همه بتوانند از نورش استفاده کنند.<sup>۱۷</sup> به همین صورت، خدا نیز یک روز اسرار نهان و مخفی دل انسان را پیش چشمان همه، عیان و آشکار خواهد ساخت.<sup>۱۸</sup> پس سعی کنید که به پیغام خدا خوب گوش فرادهید. چون هر که دارد، به او بیشتر داده خواهد شد، و هر که ندارد، آنچه گمان می‌کند دارد نیز از او گرفته خواهد شد.»

۱۶:۸  
متی ۱۵:۵  
لو ۳۳:۱۱  
فیل ۱۶:۵ و ۱۷:۸  
متی ۲۶:۱۰  
لو ۲:۱۲  
۱۸:۸  
متی ۲۹:۲۵  
لو ۲۶:۱۶  
یو ۲:۱۵

## خانواده حقیقی عیسی

(۷۶/ متی ۱۲:۴۶-۵۰؛ مرقس ۳:۳۱-۳۵)

۱۹ یکبار، مادر و برادران عیسی آمدند تا او را ببینند، اما بعزت ازدحام جمعیت نتوانستند وارد خانه‌ای شوند که در آن تعلیم می‌داد.<sup>۲۰</sup> وقتی به عیسی خبر دادند که مادر و برادرانش بیرون ایستاده و منتظر دیدنش هستند،<sup>۲۱</sup> فرمود: «مادر و برادران من کسانی هستند که پیغام خدا را می‌شنوند و آن را اطاعت می‌کنند.»

۱۹:۸  
متی ۱۲:۴۶-۵۰؛ ۵۵:۱۳  
مر ۳۵-۳۱:۳  
یو ۵:۷  
اعما ۱۴:۱

## آرام کردن طوفان دریا

(۸۷/ متی ۸:۲۳-۲۷؛ مرقس ۴:۳۵-۴۱)

۲۲ روزی عیسی با شاگردانش سوار قایقی شد و از ایشان خواست که آن را به کناره دیگر دریاچه ببرند.<sup>۲۳</sup> در بین راه، عیسی را خواب در ربود. ناگهان طوفان سختی در گرفت، طوری که آب قایق را پر کرد و جانشان به خطر افتاد.

۲۲:۸  
ایو ۱۱:۲۸؛ ۱۱:۳۸  
مر ۱۰:۲۹؛ ۷:۶۵؛ ۹:۸۹  
متی ۲۷-۲۳، ۱۸:۸  
مر ۴:۳۵-۴۱

نیستید، حتماً در حال پسرقت هستید؛ ممکن نیست که به مدتی طولانی را کد باقی بمانید. با چیزهایی که خدا به شما داده، چه کار می‌کنید؟

۲۱:۸ خوشاوندان واقعی عیسی کسانی هستند که سخنان او را می‌شنوند و از آن اطاعت می‌کنند. شنیدن بدون اطاعت کردن کافی نیست. همانطور که عیسی مادرش را دوست داشت (به یوحنا ۱۹:۲۵-۲۷ مراجعه کنید)، ما را نیز دوست دارد. او ما را وارد رابطه صمیمی خانوادگی با خودش می‌کند.

۲۳:۸ دریاچه جلیل هنوز هم صحنه طوفانهای شدید است، و بعضی اوقات امواجی به بلندی ۷ متر از سطح آن بلند می‌شود. ترس شاگردان عیسی بی‌دلیل نبود. با آنکه چند نفر از آنها ماهیگیران ماهری بودند و می‌دانستند چطور قایق را کنترل کنند، اما واقعاً در خطر قرار داشتند.

۱۶-۱۸ دل، افکار، و انگیزه‌های انسان مانند چراغی که همه آن را می‌بینند، برای خدا قابل رؤیت است. ممکن است سعی کنیم به هر قیمتی که شده، افکار و اعمال و یا سخنان بد خود را بیوشانیم، اما نمی‌توانیم خدا را فریب دهیم. بجای پنهان کردن عیوب خود، باید از خدا بخواهیم تا زندگی‌مان را عوض کند تا دیگر هیچوقت شرمنده نشویم. اگر می‌کوشید چیزی را از خدا مخفی کنید، به نتیجه‌ای نخواهید رسید. فقط زمانی که گناهان مخفی خود را اعتراف کردید و آموزش خدا را طلبیدید، کمک لازم برای انجام اعمال درست را از خدا دریافت خواهید کرد.

۱۸:۸ گفته مسیح قاعده‌ای کلی در رشد جسمانی، روانی، و روحانی است. برای مثال وقتی ماهیچه‌ای به کار گرفته می‌شود، قوی‌تر می‌گردد؛ اما ماهیچه‌ای که استفاده‌ای از آن نمی‌شود، ضعیف می‌گردد. اگر شما در حال رشد

۲۴ شاگردان با عجله عیسی را بیدار کردند و فریاد زدند: «استاد، استاد، نزدیک است غرق شویم!»

عیسی برخاست و به طوفان دستور داد: «آرام شو!» آنگاه باد و امواج فروکش کرد و همه جا آرامش حکمفرما گردید! ۲۵ سپس از ایشان پرسید: «ایمانتان کجاست؟» ایشان با ترس و تعجب به یکدیگر گفتند: «این مرد کیست که حتی باد و امواج دریا نیز از او فرمان می‌برند؟»

۲۵:۸  
مز ۹:۳۳  
مر ۵:۱۶

### فرستادن ارواح ناپاک به داخل خوگها

(۸۸ / متی ۲۸:۸-۳۴ ؛ مرقس ۱:۵-۲۰)

۲۶ به این ترتیب به آنسوی دریاچه، به سرزمین جدری‌ها رسیدند که مقابل ایالت جلیل بود. ۲۷ وقتی عیسی از قایق پیاده شد، مردی که مدت‌ها دیوانه بود از شهر به سوی او آمد. او نه لباس می‌پوشید و نه در خانه می‌ماند بلکه در قبرستانها زندگی می‌کرد. ۲۸ به محض اینکه عیسی را دید، نعره زد و پیش پایهای او بر زمین افتاد و با صدای بلند گفت: «ای عیسی، فرزند خدای متعال، با من چه کار داری؟ التماس می‌کنم مرا عذاب ندهی!» ۲۹ زیرا عیسی به روح پلید دستور می‌داد که از وجود آن مرد بیرون بیاید.

۲۶:۸  
متی ۲۸:۸-۳۴  
مر ۱:۵-۲۰

۲۸:۸  
اعما ۱۶:۱۶ و ۱۷  
فیل ۱۱:۲ و ۱۱

۲۶:۸ سرزمین جدری‌ها، منطقه‌ای غیریهودی واقع در جنوب شرقی دریاچه جلیل، و واقع در دکاپولیس (ده شهر) بود. این شهرها، شهرهایی یونانی بودند که وابسته به هیچ کشوری نبودند و از خودمختاری برخوردار بودند. برخلاف یهودیان که خوک پرورش نمی‌دادند، غیریهودیان هیچ ابایی از این کار نداشتند.

۲۷:۸ و ۲۸ این ارواح پلید فوراً عیسی را شناختند. آنها می‌دانستند او کیست و قدرت عظیم او می‌تواند آنها را به چه مجازاتی برساند. ارواح پلید که پیام‌آوران شیطانند، پر قدرت و ویرانگر می‌باشند. آنها امروز نیز فعالیت می‌کنند و سعی دارند رابطه انسان و خدا را خراب کنند و آن را بد جلوه دهند. ارواح پلید و تسخیر انسانها بوسیله آنها واقعی می‌باشد. بسیار حیاتی است که ایمانداران به قدرت شیطان و ارواح پلید او واقف باشند، اما ما نباید بگذاریم کنجکاوای باعث شود گرفتار نیروهای شیطانی شویم (تثنیه ۱۸:۱-۱۲). اگر در برابر شیطان ایستادگی کنیم، او از ما دور خواهد شد (یعقوب ۴:۷).

۲۹:۸-۳۱ ارواح پلید به عیسی التماس کردند که آنها را به جهنم نفرستد. در مکاشفه ۱:۹ و ۳:۲۰-۳۱ از جهنم (که واژه تحت‌اللفظی آن «هاویه» است) بعنوان زندان شیطان

۲۵:۸ وقتی در طوفانهای زندگی گرفتار می‌شویم، ساده است که فکر کنیم خدا کنترل امور را از دست داده و ما دستخوش امواج سرنوشت شده‌ایم. اما به واقع، خدا قادر مطلق است. او تاریخ جهان و سرنوشت هر یک از ما را در کنترل خود دارد. همان طور که عیسی امواج دریا را آرام کرد، می‌تواند هر طوفانی را هم که با آن مواجه می‌شوید، آرام کند.



### شفای مرد دیوزده

همان طور که در انجیل متی و مرقس ثبت شده، عیسی طی سفر به استان جلیل، حکایات زیادی نقل کرد و مردم بسیاری را ملاقات نمود. بعد از آن، عیسی و شاگردانش از کفرناحوم سوار قایقی شدند و بطور ناگهانی با طوفان شديدي مواجه گشتند. عیسی طوفان را آرام کرد و وقتی به ساحل رسیدند، قشونی از ارواح پلید را از وجود مردی بیرون کرد.

این روح پلید بارها به آن مرد حمله کرده بود و حتی موقعی که دستها و پایهای او را با زنجیر می‌بستند، به آسانی زنجیرها را می‌گسیخت و سر به بیابان می‌گذاشت. او بطور کامل در چنگال ارواح پلید اسیر بود.

<sup>۳۰</sup> عیسی از آن روح پرسید: «اسم تو چیست؟»

گفت: «قشون»، زیرا هزاران روح در وجود آن مرد داخل شده بودند. <sup>۳۱</sup> سپس ارواح پلید به عیسی التماس کردند که آنها را به جهنم نفرستد.

<sup>۳۲</sup> در این هنگام، یک گلهٔ بزرگ خوک، روی تپه‌ای در آن حوالی می‌چرید. ارواح به عیسی التماس کردند که اجازه دهد داخل خوکها گردند. عیسی اجازه داد. <sup>۳۳</sup> آنگاه ارواح پلید از وجود آن مرد بیرون آمدند و داخل خوکها شدند. بلافاصله تمام آن گله از تپه سرازیر شده، از پرتگاه به داخل دریاچه پریدند و غرق شدند. <sup>۳۴</sup> خوک‌چرانها پا به فرار گذاشتند و به هر جا که می‌رسیدند، ماجرا را برای مردم بازگو می‌کردند. <sup>۳۵</sup> طولی نکشید که مردم دسته‌دسته آمدند تا واقعه را به چشم ببینند. وقتی آن دیوانه را دیدند که لباس برتن داشت و پیش پای عیسی آرام نشست و کاملاً عاقل شده است، وحشت کردند. <sup>۳۶</sup> کسانی که این ماجرا را دیده بودند، برای دیگران تعریف می‌کردند که آن دیوانه چگونه شفا یافته است. <sup>۳۷</sup> مردم که از این واقعه دچار وحشت شده بودند، از عیسی خواهش کردند که از آنجا برود و دیگر کاری به کارشان نداشته باشد. پس او سوار قایق شد تا به کناره دیگر دریاچه بازگردد.

۳۱:۸  
مکا ۱:۹ ؛ ۲:۲۰

۳۲:۸  
لاو ۷:۱۱  
تث ۸:۱۴  
ایو ۱۲:۱ ؛ ۱۶:۱۲  
مکا ۷:۲۰

۳۵:۸  
ایو ۸:۳  
روم ۲۰:۱۶

۳۷:۸  
اسمو ۴:۱۶  
ایو ۱۴:۲۱  
مر ۲۴:۱  
لو ۳۴:۴ ؛ ۸:۵  
اعما ۳۹:۱۶

**۳۳:۸** ارواح پلید خوکها را نابود کردند و به مال خوکبانان ضرر زدند، اما آیا می‌توان خوک و ثروت مادی را با جان انسان مقایسه کرد؟ انسانی از قدرت ارواح پلید رهایی یافته بود، اما روستاییان فقط به مال و دارایی خود فکر می‌کردند. همیشه این گرایش در انسان بوده که به منافع شخصی بیش از وجود فرد بها بدهد. در طول تاریخ بیشتر جنکها، بخاطر حفظ منافع مادی در گرفته است. بیشتر بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌ها، هم در خود یک کشور هم خارج از آن، نتیجه مستقیم میل بعضی از افراد یا مؤسسات بازرگانی برای رسیدن به ثروت است. مردم دائماً بخاطر پول فدا می‌شوند. بجای غصه خوردن برای «خوکها»، برای انسانها غصه بخورید و به فکر انسانها باشید. بدقت به این فکر کنید که تصمیمات شما چه تأثیری بر انسانهای دیگر می‌گذارد، و اگر زندگی ساده‌تر شما دیگر مردم را از صدمه و زیان حفظ می‌کند، راغب به داشتن یک زندگی ساده باشید.

و فرشتگان او یاد شده است. ارواح پلیدی که در وجود آن مرد بودند، مطمئناً از این زندان خبر داشتند، به همین دلیل به عیسی التماس کردند آنها را به آنجا نفرستد. **۳۰:۸** نام ارواح پلید «قشون» بود. قشون بزرگترین یگان در ارتش روم، و متشکل از ۳۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سرباز بود. نه یک روح پلید بلکه ارواح بسیار زیادی وجود آن مرد را تسخیر کرده بود.

**۳۳:۸** چرا عیسی به یکباره ارواح پلید را نابود نکرد یا به جهنم نفرستاد؟ چون وقت این کار نرسیده بود. او افراد بسیاری را که گرفتار ارواح پلید بودند، شفا داد، اما ارواح پلید را نابود نکرد. همین سؤال ممکن است امروز هم مطرح شود که چرا عیسی ارواح پلید را نابود نمی‌کند یا چرا جلوی کار ویرانگر شریر را در دنیا نمی‌گیرد؟ زمان مقرر برای این کار هنوز نرسیده است. اما زمان آن فراخواهد رسید. کتاب مکاشفه به پیروزی آتی عیسی بر شیطان، ارواح پلید او، و تمامی شرارت اشاره می‌کند.

۳۸:۸  
لو ۴۳:۱۸

۳۸ دیوانه‌ای که شفا یافته بود، به عیسی التماس کرد که اجازه دهد او را همراهی کند. اما عیسی اجازه نداد و به او فرمود: «نزد خانواده‌ات برگرد و بگو که خدا چه کار بزرگی برایت انجام داده است.»  
او نیز به شهر رفت و برای همه بازگو نمود که عیسی چه معجزه بزرگی در حق او انجام داده است.

### زنده کردن یک دختر و شفای یک زن

(۸۹/ متی ۱۸:۹-۲۶؛ مرقس ۵:۲۱-۴۳)

۴۰:۸

متی ۱۸:۹-۲۶  
مر ۵:۲۱-۴۳

۴۰ هنگامی که عیسی به کناره دیگر دریاچه بازگشت، مردم با آغوش باز از او استقبال کردند، چون منتظرش بودند. <sup>۴۱</sup> ناگهان مردی به نام یایروس که سرپرست عبادتگاه شهر بود، آمد و بر پایهای عیسی افتاد و به او التماس کرد که همراه او به خانه‌اش برود، <sup>۴۲</sup> و دختر دوازده ساله‌اش را که تنها فرزندش بود و در آستانه مرگ قرار داشت، شفا دهد.

۴۳:۸

لاو ۲۵:۱۵  
۴۴:۸

اعما ۱۵:۵؛ ۱۲:۱۹

عیسی خواهش او را پذیرفت و در میان انبوه جمعیت، با او براه افتاد. مردم از هر طرف دور او را گرفته بودند و بر او فشار می‌آوردند. <sup>۴۳</sup> و <sup>۴۴</sup> در همین حال، زنی از پشت سر عیسی خود را به او رسانید و به گوشه‌ی ردای او دست زد. این زن به مدت دوازده سال به خونریزی مبتلا بود و با اینکه تمام دارایی خود را صرف معالجه خود نموده بود، بهبودی نیافته بود. اما به محض اینکه دستش به گوشه ردای عیسی رسید، خونریزی‌اش قطع شد.

بوده باشد که خادمی سرشناس به پاهای استادی سیار بیفتد و به او التماس کند که دخترش را شفا دهد. عیسی اعتماد توأم با فروتنی این مرد را احترام کرد (۸:۵۴-۵۶).

۸:۴۱-۴۸ عیسی در حالیکه راه خود را می‌رفت، جمعیت زیادی دور او را گرفته بودند. تقریباً گذشتن از میان انبوه مردم غیرممکن بود، اما زنی برای اینکه بتواند به عیسی دست بزند، با تلاش زیاد خود را از میان جمعیت به او رساند. به محض اینکه به ردای او دست زد، شفا یافت. چقدر فرق هست بین جماعتی که با عیسی در تماسند و عده معدودی که دست خود را دراز کرده، او را لمس می‌کنند! مردم زیادی، آشنایی مختصری با او دارند، اما چیزی در زندگی‌شان عوض یا بهتر نشده است، چون آشنایی آنها با عیسی جزئی است. فقط لمس ایمان است که قدرت شفابخش خدا را جاری می‌سازد. آیا شما فقط اندک آشنایی با خدا دارید، یا دست خود را با ایمان بسوی او دراز می‌کنید، با علم به اینکه لمس او، برای جان و روح شما شفا به ارمغان می‌آورد؟

۳۸ و ۳۹ غالباً عیسی به کسانی که شفا می‌داد، می‌گفت که چیزی درباره آن نگویند، اما این مرد را تشویق کرد تا نزد خانواده‌اش برگردد و بازگو کند که خدا چه کاری برای او انجام داده است. چرا؟ چون (۱) او می‌دانست که آن مرد شهادت مؤثری برای کسانی خواهد بود که از وضعیت سابق او خبر داشتند و می‌توانست گواهی باشد بر شفای معجزه‌آسایی که صورت گرفته بود؛ (۲) او می‌خواست با معرفی پیغامش به این منطقه غیریهودی‌نشین، خدمتش را گسترش دهد؛ (۳) او می‌دانست که غیریهودیان، چون منتظر مسیح موعود نبودند، نخواهند کوشید او را پادشاه سازند و در نتیجه خدمتش را مختل کنند. وقتی خدا زندگی شما را لمس می‌کند، از اعلان وقایع شگفت‌انگیزی که در اثر این لمس در زندگی‌تان روی می‌دهد، به خانواده و دوستانتان نترسید.

۸:۴۱ عبادتگاه هر محل، مکان اصلی عبادت مردم آن محله بود. سرپرست عبادتگاه مسؤول اداره، نگهداری از ساختمان عبادتگاه و نظارت بر مراسم عبادتی بود. باید کاملاً عجیب

۴۵ عیسی ناگهان برگشت و پرسید: «چه کسی به من دست زد؟» همه انکار کردند. پطرس گفت: «استاد، می‌بینید که مردم از هر طرف فشار می‌آورند...»<sup>۴۶</sup> اما عیسی فرمود: «یک نفر به من دست زد، چون حس کردم که نیروی شفا بخشی از من صادر شد!»

۴۷ آن زن که دید عیسی از همه چیز آگاهی دارد، با ترس و لرز آمد و در برابر او به زانو افتاد. آنگاه در حضور همه بیان کرد که به چه علت به او دست زده و چگونه شفا یافته است.

۴۸ عیسی فرمود: «دخترم، ایمانت باعث شفایت شده است. برخیز و با خیالی آسوده، برو!»

۴۹ عیسی هنوز با آن زن سخن می‌گفت که شخصی از خانه یایروس آمد و به او خبر داده گفت: «دخترت فوت کرد. دیگر بیهوده به استاد زحمت نده.»<sup>۵۰</sup> اما وقتی عیسی این را شنید، به یایروس فرمود: «ترس! فقط به من اعتماد داشته باش! دخترت شفا خواهد یافت!»

۵۱ هنگامی که به خانه رسیدند، عیسی اجازه نداد که بغیر از پطرس، یعقوب، یوحنا و پدر و مادر آن دختر، کسی با او وارد اطاق شود.<sup>۵۲</sup> در آن خانه عده زیادی جمع شده و گریه و زاری می‌کردند. عیسی به ایشان فرمود: «گریه نکنید! دختر نمرده؛ فقط خوابیده است!»<sup>۵۳</sup> همه او را مسخره کردند، چون می‌دانستند که دختر مرده است.

۵۴ آنگاه عیسی وارد اطاق شد و دست دختر را گرفت و فرمود: «دختر، برخیز!»<sup>۵۵</sup> همان لحظه، او زنده شد و فوراً از جا برخاست! عیسی فرمود: «چیزی به او بدهید تا بخورد.»<sup>۵۶</sup> پدر و مادر او از فرط شادی نمی‌دانستند چه کنند؛ اما عیسی اصرار کرد که جزئیات ماجرا را برای کسی فاش ننمایند.

۴۶:۸  
لو ۱۷:۵ ؛ ۱۹:۶

۵۰:۸  
متوا ۲۰:۲۰  
مر ۲۳:۹

۵۲:۸  
یو ۱۳:۱۱، ۱۱

۵۴:۸  
لو ۱۴:۷  
یو ۴۳:۱۱  
۵۵:۸  
مت ۳۹:۳۲  
مز ۹:۳۳  
۵۶:۸  
متی ۳۰:۹ ؛ ۴۸

یا حتی نگرستن به زنان اجتناب می‌کردند. اما عیسی برعکس به صدها نفر از مردم اعلام کرد که آن زن «ناپاک» به او دست زده و شفا یافته است. از نظر عیسی، زنان منبع آلودگی نبودند. به عقیده او زنها انسانهایی هستند که شایسته قدردانی و احترام می‌باشند.

۵۶:۸ چرا عیسی به والدین آن دختر گفت که چیزی درباره شفای دخترشان بر زبان نیاورند؟ او می‌دانست که وقایع، خودشان سخن خواهند گفت. از این گذشته، او به فکر خدمتشان بود. او نمی‌خواست صرفاً بعنوان یک معجزه‌گر شناخته شود؛ او می‌خواست مردم به سخنانش گوش فرا دهند و دل شکسته و روح افسرده‌شان شفا یابد.

۴۵:۸ این طور نبود که عیسی نداند چه کسی به او دست زد، بلکه او این سؤال را کرد تا آن زن جلو برود و خودش را معرفی کند. عیسی می‌خواست به او بفهماند که ردای او خاصیت جادویی ندارد، بلکه ایمان خود اوست که او را شفا داده است. شاید او می‌خواست به مردم نیز درسی بیاموزد. مطابق احکام مذهبی یهود، اگر مردی به زنی که خون قاعدگی او جریان داشت، دست می‌زد، نجس محسوب می‌شد (لاویان ۱۵:۱۹-۲۸). این حکم چه در حالتی که خونریزی آن زن بخاطر عاقدگی بوده باشد و چه مثل این زن در اثر بیماری، صدق می‌کرد. مردان یهودی برای آنکه خود را از چنین آلودگی‌هایی حفظ کنند، بدقت از دست زدن به زنان، صحبت کردن با آنها،

## اعزام دوازده شاگرد به مأموریت

(۹۳/ متی ۱۰:۱-۱۵؛ مرقس ۶:۷-۱۳)

۱:۹

متی ۳۶:۹ - ۱:۱۱  
مر ۱۳:۳؛ ۷:۶

۲:۹

لو ۹:۱۰  
تیط ۱۴:۱۲، ۲

۳:۹

مز ۳۴:۷  
لو ۴:۱۰؛ ۳۵:۲۲

۴:۹

تیط ۴:۲

۵:۹

اعما ۵۱:۱۳

۶:۹

لو ۱:۸

۹ روزی عیسی دوازده شاگرد خود را فرا خواند و به ایشان قدرت و اقتدار داد تا ارواح پلید را از وجود دیوانگان بیرون کنند و بیماران را شفا بخشند. <sup>۲</sup> آنگاه ایشان را فرستاد تا فرارسیدن ملکوت خدا را به مردم اعلام نمایند و بیماران را شفا دهند.

<sup>۳</sup> پیش از آنکه براه افتند، عیسی به آنان فرمود: «در این سفر، هیچ چیز با خود نبرید، نه چوب دستی، نه کوله بار، نه خوراک، نه پول و نه لباس اضافی. <sup>۴</sup> به هر شهری که رفتید، فقط در یک خانه مهمان باشید. <sup>۵</sup> اگر اهالی شهری به پیغام شما توجهی نکردند، به هنگام ترک آن شهر، حتی گرد و خاک آنجا را از پایهایتان بتکانید تا بدانند که خدا نسبت به آنان غضبناک است!»

<sup>۶</sup> پس شاگردان، شهر به شهر و آبادی به آبادی می گشتند و پیغام انجیل را به مردم می رساندند و بیماران را شفا می بخشیدند.

می شدند و همین امر آنها را و می داشت تا با اشتیاق بیشتر، پیغام انجیل را بشنوند. این روش، برای مأموریت کوتاه مدت آنها، شیوه ای عالی بود؛ با این حال، عیسی این روش را بعنوان طریق دائمی زندگی به ایشان ارائه نداد.

**۴:۹** چرا شاگردان در هر شهر یا روستایی که می رفتند، می بایست فقط در یک خانه می ماندند؟ آنها نمی بایست میزبان خانهای را که در آنجا می ماندند، با نقل مکان کردن به خانهای دیگر که راحت تر یا از شهرت اجتماعی بیشتری برخوردار بود، برنجاندند. این کار آنها، باری بر دوش میزبان نبود چون مدت اقامتشان در هر منطقه، کوتاه بود.

**۵:۹** تکاندن پاها از گردو خاک شهرهایی که پیغام خدا را نمی پذیرند، معانی عمیق و ضمنی فرهنگی در خود داشت. یهودیان دیندار پس از عبور از شهرهای غیریهودی، خاک پاهای خود را می تکاندند تا نشان دهند از آداب و رسوم ایشان بدور هستند. اگر شاگردان پاهای خود را از گردو خاک شهری یهودی می تکاندند، نشان می دادند از یهودیانی که مسیح موعود را رد می کنند، بدور می باشند. این عمل آنها همچنین نشان می داد که شاگردان مسؤول نوع و اکنش مردم نسبت به پیغامشان نیستند. ما هم مسؤول نیستیم. اگر ما بدقت و بدرستی مسیح را به دیگران معرفی کنیم و ایشان پیغام ما را نپذیرند، نباید خود را مقصر بدانیم. مانند شاگردان باید به کار خود ادامه بدهیم.

**۱:۹-۶** عیسی چگونه شاگردانش را رهبری می کرد؟ او به آنها قدرت و اختیار داد (۱:۹)، دستورات خاصی به ایشان داد تا بدانند چه کار کنند (۴:۹ و ۴)، به آنها گفت

**۲:۹** چرا عیسی ملکوتش را هم با موعظه اعلام می کرد و هم با شفا؟ اگر او خودش را به موعظه محدود می کرد، مردم ممکن بود ملکوتش را فقط روحانی بدانند. از طرف دیگر، اگر بدون موعظه شفا می داد، مردم ممکن بود به اهمیت روحانی رسالت او پی نبرند. بسیاری از کسانی که به موعظه هایش گوش می کردند، انتظار مسیح موعودی را می کشیدند که ثروت و قدرت را برای ملتشان به ارمغان آورد؛ آنها مواهب مادی را به برکات روحانی ترجیح می دادند. حقیقت درباره عیسی این است که او هم خداست و هم انسان، هم روحانی است و هم جسمانی؛ و نجاتی که او عرضه می دارد هم شامل روح می شود و هم شامل بدن. هر گروه یا تعلیمی که به قیمت ضرر رسیدن به بدن، بیشتر بر روح تأکید می کند، و یا برعکس، به قسمت ضرر رسیدن به روح، بیشتر بر بدن تکیه می کند، در خطر تحریف انجیل عیسی قرار دارد.

**۳:۹** چرا عیسی به شاگردان فرمود که وقتی برای اعلان انجیل از شهری به شهری می روند، معاش خود را از طریق دیگران تأمین کنند؟ هدف آنها این بود که پیغام عیسی را در تمامی یهودیه اعلام کنند، و اگر سبکبار سفر می کردند، می توانستند با سرعت از شهری به شهر دیگر بروند. تأمین معاش آنها از طریق دیگران، تأثیرات خوب دیگری هم داشت: (۱) با این کار، بطور واضح معلوم می شد که مسیح موعود نیامده تا پیروانش را از ثروت مادی برخوردار کند؛ (۲) شاگردان را و می داشت تا بر قدرت خدا تکیه کنند نه بر تهیه و تأمین معاش به قوت خودشان؛ (۳) ساکنین شهرهایی که شاگردان به آنجا می رفتند، در مأموریت آنها شریک

## قتل یحیی به دستور هیرودیس

(۹۵/ متی ۱۴:۱-۱۲؛ مرقس ۶:۱۴-۲۹)

وقتی که هیرودیس حکمران جلیل خبر معجزات عیسی را شنید، نگران و پریشان شد، زیرا بعضی درباره عیسی می گفتند که او همان یحیای تعمید دهنده است که زنده شده است.<sup>۸</sup> عده‌ای دیگر نیز می گفتند که او همان الیاس است که ظهور کرده و یا یکی از پیغمبران قدیمی است که زنده شده است. اینگونه شایعات همه جا به گوش می رسید.

اما هیرودیس می گفت: «من خود سر یحیی را از تنش جدا کردم! پس این دیگر کیست که این داستانهای عجیب و غریب را درباره اش می شنوم؟» از اینرو مشتاق بود که عیسی را ملاقات کند.

۷:۹

متی ۱۴:۱-۱۲

مر ۶:۱۴-۲۹

۸:۹

متی ۱۴:۱۶

۹:۹

لو ۸:۲۳

## خوراک دادن به پنج هزار نفر

(۹۶/ متی ۱۴:۱۳-۲۱؛ مرقس ۶:۳۰-۴۴؛ یوحنا ۶:۱-۱۵)

پس از مدتی، رسولان برگشتند و عیسی را از آنچه کرده بودند، آگاه ساختند. آنگاه عیسی همراه ایشان، بدور از چشم مردم، بسوی شهر بیت صیدا براه افتاد.<sup>۱۱</sup> اما عده بسیاری از مقصد او باخبر شدند و بدنبالش شتافتند. عیسی نیز با خوشرویی ایشان را پذیرفت و باز درباره ملکوت خدا ایشان را تعلیم داد و بیمارانش را شفا بخشید.

۱۰:۹

متی ۱۴:۱۳-۲۳

مر ۶:۳۰-۴۶

یو ۶:۱-۱۵

تندروی سیاسی، یا آدمی خودفریب و عوام فریب می دانند. اما هیچیک از این توضیحات و تبیین ها نمی تواند معجزات عیسی، یا مخصوصاً قیام پرشکوه او را توجیه کند. پس لازم خواهد بود که این معجزات و قیام را نیز بی اهمیت جلوه دهند. باور کردن دلایل مربوط به کم اهمیت جلوه دادن شخصیت عیسی به مراتب مشکل تر است از پذیرش حقیقت.

۹:۹ در خصوص ماجرای جدا شدن سر یحیی از تنش به دستور هیرودیس، به مرقس ۶:۱۴-۲۹ مراجعه کنید.

۱۱:۹ عیسی به دور از چشم مردم به شهر دیگری رفت، اما آنها از مقصد او باخبر شدند و بدنبالش شتافتند. عیسی بجای آنکه در مقابل این مزاحمت آنها، از خود بی حوصلگی نشان دهد، با خوشرویی ایشان را پذیرفت و احتیاجاتشان را رفع نمود. به کسانی که مزاحم برنامه های شما می شوند، به چه دیدی می نگرید؟ آنها را در سر می پندارید، یا محرکی برای زندگی یا خدمت خود؟

۱۱:۹ ملکوت خدا در مرکز تعالیم عیسی قرار داشت. او به آنها توضیح داد که ملکوت فقط مربوط به آینده نمی شود؛ ملکوت در قالب مسیح یعنی خود او به میان ایشان آمده بود. با اینکه ملکوت خدا تا بازگشت پرجلال عیسی به کمال نخواهد رسید، اما ما نباید برای چشیدن ملکوت خدا صبر

که در موقعیت های دشوار چگونه عمل کنند (۵:۹)، و گزارش اعمالشان را از آنها خواست (۱۰:۹). اگر شما دیگران را رهبری می کنید، الگوی رهبری عیسی را که استاد است، مطالعه نمایید. کدامیک از این عناصر رهبری را باید به شیوه رهبری خود اضافه کنید؟

۷:۹ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره هیرودیس که به هیرودیس آنتیپاس نیز معروف بود، به تاریخچه زندگی او در مرقس فصل ۶ مراجعه کنید.

۷:۹ برای مردم بسیار مشکل بود عیسی را همان کسی بدانند که واقعاً بود. از اینرو سعی کردند برای توجیه شخصیت او، راه حل های دیگری مطرح کنند، راه حل هایی که بیشترشان برای ما کاملاً باورنکردنی است. بسیاری فکر می کردند او باید پیامبری باشد که زنده شده است، مثلاً شاید یحیای تعمیددهنده یا یک نبی دیگر. بعضی می گفتند، او الیاس همان نبی بزرگ است که نمرد بلکه با اراهه ای آتشین بالا برده شد (۲ پادشاهان ۱:۲-۱۱). عده بسیار معدودی مثل پطرس جواب درست را یافتند (۲۰:۹). امروز هم شاید پذیرفتن عیسی بعنوان انسان کامل و در عین حال پسر خدا، آسانتر از آن زمان نباشد، و مردم هنوز سعی می کنند توضیحات دیگری بیابند، مثلاً او را پیامبری بزرگ، رهبر

۱۲ نزدیک غروب، دوازده شاگرد عیسی آمده، به او گفتند: «مردم را مرخص فرما تا به آبادیهای اطراف بروند و برای گذراندن شب، جا و خوراک بیابند، چون در این بیابان، چیزی برای خوردن پیدا نمی‌شود.»

۱۳ عیسی جواب داد: «شما خودتان به ایشان خوراک بدهید!»

شاگردان با تعجب گفتند: «چگونه؟ ما حتی برای خودمان، چیزی جز پنج نان و دو ماهی نداریم! شاید می‌خواهی که برویم و برای تمام این جمعیت غذا بخریم؟»<sup>۱۴</sup> فقط تعداد مردها در آن جمعیت، حدود پنج هزار نفر بود.

آنگاه عیسی فرمود: «به مردم بگویید که در دسته‌های پنجاه نفری، بر روی زمین بنشینند.»<sup>۱۵</sup> شاگردان همه را نشانند.

۱۶ عیسی آن پنج نان و دو ماهی را در دست گرفت و بسوی آسمان نگاه کرد و شکر نمود. سپس نانها را تکه‌تکه کرد و به شاگردانش داد تا در میان مردم تقسیم کنند.<sup>۱۷</sup> همه خوردند و سیر شدند و دوازده سبد نیز از تکه‌های باقیمانده، اضافه آمد.

### اعتراف پطرس به مسیح بودن عیسی

(۱۰۹ / متی ۱۶:۱۳-۲۰؛ مرقس ۸:۲۷-۳۰)

۱۸ یک روز که عیسی به تنهایی دعا می‌کرد، شاگردانش نزد او آمدند و او از ایشان پرسید: «به نظر مردم، من که هستم؟»

۱۹ جواب دادند: «یحیای تعمیر دهنده، یا الیاس نبی، و یا یکی از پیغمبران قدیم که زنده شده است.»

۲۰ آنگاه از ایشان پرسید: «شما چه؟ شما مرا که می‌دانید؟»

پطرس در جواب گفت: «تو مسیح موعود هستی!»

۱۳:۹

اعد ۲۲:۱۱  
پاد ۴۳و۴۲:۴  
مز ۲۰و۱۹:۷۸

۱۷:۹

مز ۱۶و۱۵:۱۶  
امت ۲۲:۱۰

۱۸:۹

متی ۱۳:۱۶-۲۰  
مر ۳۰-۲۷:۸

۱۹:۹

متی ۲:۱۴

۲۰:۹

یو ۶:۶  
روم ۹:۱۰  
ایو ۴و۱۵:۴

جماعت خوراک بدهد؟ او به سادگی می‌توانست آنها را مرخص کند. اما عیسی احتیاجات را نادیده نمی‌گیرد. او به فکر هر جنبه از زندگی ما هست، هم جسمانی هم روحانی. وقتی ما در صدد رفع نیازهای مردم بر می‌آییم، نباید هرگز این حقیقت را نادیده بگیریم که ما همگی هم نیازهای جسمانی داریم و هم نیازهای روحانی. غیرممکن است خدمت مؤثری در رفع یکی از این دو نیاز بکنیم و نیاز دیگر را نادیده بگیریم.

۱۸:۹-۲۰ ایمان مسیحی چیزی است و رای آگاهی در مورد اعتقادات دیگران. ایمان مسیحی نیاز به داشتن ایمانی شخصی است. وقتی عیسی می‌پرسد: «شما مرا چه کسی می‌دانید؟» از ما می‌خواهد تا عقیده خودمان را ابراز کنیم. بنظر شما عیسی کیست؟

کنیم. ملکوت خدا در دل‌های کسانی که به عیسی ایمان می‌آورند، شروع می‌شود. ملکوت خدا امروز به همان شکل که دو هزار سال پیش با اهالی یهودیه بود، با ما نیز هست. ۱۴و۱۳:۹ وقتی شاگردان نگرانی خود را درباره خوراک دادن به پنج هزار نفر بیان کردند، و پرسیدند که از کجا می‌توانند غذا تهیه کنند، عیسی راه حلی به ایشان پیشنهاد کرد و فرمود: «شما خودتان به ایشان خوراک بدهید!» آنها که توجه خود را معطوف کرده بودند به آنچه که نداشتند (غذا و پول)، از پیشنهاد عیسی تعجب کردند. آیا شما فکر می‌کنید خدا از شما خواهد خواست کاری را انجام دهید که شما و او با هم نمی‌توانید از عهد آن برآیند؟

۱۷و۱۶:۹ چرا عیسی به خود زحمت داد که به این

### نخستین پیشگویی عیسی در باره مرگ خود

(۱۱۰ / متی ۲۱:۱۶-۲۸؛ مرقس ۸:۳۱ - ۹:۱)

<sup>۲۱</sup> اما عیسی ایشان را اکیداً منع کرد که این موضوع را با کسی در میان نگذارند.  
<sup>۲۲</sup> سپس به ایشان فرمود: «لازم است که من رنج و عذاب بسیار بکشم. بزرگان قوم، کاهنان اعظم و علمای دین مرا محکوم کرده، خواهند کشت. اما من روز سوم زنده خواهم شد!»

<sup>۲۳</sup> سپس به همه فرمود: «هر که می خواهد مرا پیروی کند، باید از خواسته ها و آسایش خود چشم پپوشد و هر روز، زحمات و سختی ها را همچون صلیب بر دوش بکشد و بدنبال من بیاید.<sup>۲۴</sup> هر که در راه من جاننش را از دست بدهد، حیات جاودان را خواهد یافت، اما هر که بکوشد جاننش را حفظ کند، حیات جاودان را از دست خواهد داد.<sup>۲۵</sup> پس چه فایده ای دارد که شخص تمام دنیا را به چنگ بیاورد، اما حیات جاوید را از دست بدهد؟

<sup>۲۶</sup> «هر که در این جهان از من و سخنان من عار داشته باشد، من نیز وقتی در جلال خود و جلال پدر، با فرشتگان مقدس به جهان بازگردم، از او عار خواهم

۲۲:۹

متی ۲۱:۱۶-۲۸؛ ۲۲:۱۷؛

۱۷:۲۰

مر ۳۱:۸ - ۳۱:۹

لو ۳۱:۱۸؛ ۲۴:۷

۲۳:۹

متی ۳۸:۱۰

لو ۲۷:۱۴

۲۴:۹

متی ۳۹:۱۰

۲۶:۹

متی ۳۳:۱۰

۲ تیمو ۱۲:۲

پیروی کنند، سه شرط وجود دارد که باید آنها را بپذیرند. آنها باید حاضر به انکار نفس، برداشتن صلیب خویش، و از دست دادن جان خود باشند. کمتر از این، خدمتشان زبانی و سطحی است.

**۲۳:۹** فرد مسیحی با تقلید از زندگی خداوند خود و اطاعت از دستورات او، او را پیروی می کند. برداشتن صلیب خود یعنی انکار خواسته های خودخواهانه مان و دست کشیدن از انجام کارهایی که مطابق دل خودمان می باشد.

**۲۵ و ۲۴:۹** اگر این زندگی برای شما بیش از هر چیز دیگر اهمیت داشته باشد، شما دست به هر کاری خواهید زد تا آن را حفظ کنید. نخواهید خواست کاری بکنید که ایمنی، سلامتی یا آسایشتان به خطر بیفتد. برعکس، اگر پیروی عیسی مهم ترین چیز برای شما باشد، خود را در شرایطی واقعاً ناامن، ناسالم، و ناراحت کننده خواهید یافت؛ با خطر مرگ روبرو خواهید شد، اما نخواهید ترسید چون می دانید عیسی شما را زنده خواهد کرد و وارد زندگی جاودانی خواهد ساخت. شخصی که فقط به فکر این زندگی است، چنین یقینی ندارد. شاید زندگی چنین شخصی بر روی زمین طولانی تر باشد، اما به احتمال قوی، احساس بی حوصلگی و پوچی، زندگی اش را بر هم خواهد زد.

**۲۶:۹** برای مخاطب لوقا که یونانی بود، درک این نکته که پسر خدا می تواند بمیرد، می بایست مشکل بوده باشد، همان طور که یهودیان متعجب بودند که چگونه مسیح موعود اجازه می دهد که دستگیرش کنند. هر دو گروه اگر به

**۲۱:۹** عیسی به شاگردانش گفت که به هیچ کس نگویند او مسیح موعود است، چون در آن لحظه، آنها کاملاً معنای مسیح بودن او را درک نمی کردند و مطمئناً هیچ کس دیگری هم آن را نمی فهمید. هنوز همه منتظر مسیحایی بودند که پادشاهی فاتح باشد. اما لازم بود عیسی رنج و عذاب بسیار بکشد، علمای دینی او را محکوم کرده و بکشند، اما روز سوم از میان مردگان بر خیزد. وقتی شاگردان ببینند که همه این چیزها برای عیسی اتفاق افتاده، می توانند پی ببرند که مسیح موعود برای چه کاری به این جهان آمده است. فقط در آنصورت خدا آنها را برای اعلان انجیل در سرتاسر جهان تجهیز خواهد کرد.

**۲۲:۹** این نقطه عطفی در تعلیم عیسی به شاگردانش می باشد. حالا دیگر او به وضوح شروع به تعلیم شاگردان کرد، بخصوص درباره آنچه که برای او اتفاق خواهد افتاد و وقایع و رویدادهایی که پیش روی آنها خواهد بود، تا شاگردان در آینده با دیدن این چیزها غافلگیر نشوند. او برای ایشان تشریح کرد که او فعلاً مسیحای فاتح نخواهد بود چون او اول می بایست رنج و عذاب ببیند، بمیرد و دوباره زنده شود. اما روزی او در شکوه و جلال عظیم باز خواهد گشت تا ملکوت ابدی اش را برقرار سازد.

**۲۳-۲۷:۹** مردم حاضرند بهای گزافی برای چیزی که برایشان ارزش دارد، بپردازند. آیا تعجبی دارد عیسی از کسانی که می خواهند او را پیروی کنند، تا این حد طالب سرسپردگی باشد؟ برای کسانی که می خواهند عیسی را

داشت. <sup>۲۷</sup> اما یقین بدانید که در اینجا کسانی ایستاده‌اند که تا ملکوت خدا را نبینند، نخواهند مرد.»

### تبدیل هیأت عیسی

(۱۱۱ / متی ۱۷: ۱-۱۳ : مرقس ۹: ۲-۱۳)

<sup>۲۸</sup> هشت روز پس از این سخنان، عیسی به همراه پطرس، یعقوب و یوحنا، بر فراز تپه‌ای برآمد تا دعا کند. <sup>۲۹</sup> به هنگام دعا، ناگهان چهره عیسی نورانی شد و لباس او از سفیدی، چشم را خیره می‌کرد. <sup>۳۰</sup> در همان حال، دو مرد، یعنی موسی و الیاس، با ظاهری پرشکوه و نورانی ظاهر شدند و با عیسی درباره مرگ او که می‌بایست طبق خواست خدا، بزودی در اورشلیم واقع گردد، به گفتگو پرداختند.

<sup>۳۲</sup> اما در این هنگام، پطرس و دوستانش را خواب در ربوده بود. وقتی بیدار شدند، عیسی و آن دو مرد را غرق در نور و جلال دیدند. <sup>۳۳</sup> هنگامی که موسی و الیاس آن محل را ترک می‌کردند پطرس که دستپاچه بود و نمی‌دانست چه می‌گوید، به عیسی گفت: «استاد، چه عالی است! همینجا بمانیم و سه سایبان بسازیم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی هم برای الیاس.»

۲۹:۹

خرو ۳۵، ۲۹: ۳۴

۳۰:۹

۲ پاد ۱۱: ۲

روم ۲۱: ۳

۳۱:۹

روم ۲۱: ۳

کول ۴: ۳

۲ پتر ۱: ۱۵

ایو ۲: ۳

۳۲:۹

دان ۱۸۵۸ : ۹: ۱۰

نمود. عیسی هم به شریعت جامه عمل پوشانید، و هم به گفته‌های انبیا.

**۳۳:۹** شاید پطرس به عید خیمه‌ها فکر می‌کرد، عیدی که طی آن خیمه‌هایی را به یاد خروج قوم و رهایی آنان از اسارت مصر، برپا می‌داشتند. پطرس خواست موسی و الیاس را همانجا نزد خود نگه دارد. اما پطرس می‌بایست در می‌یافت که این آن چیزی نیست که خدا می‌خواهد. تمایل پطرس به ساختن سایبان برای عیسی، موسی، و الیاس همچنین ممکن است نمایانگر این باشد که او دلش می‌خواست کلیسایی بر روی سه سنگ زاویه بنا کند، یعنی بر شریعت، انبیا، و عیسی. اما درک و فهم پطرس رشد کرد و بالاخره درباره عیسی نوشت که او «سنگ زاویه برگزیده و گرانهای» کلیساست (۱ پطرس ۲: ۶).

**۳۳:۹** پطرس، یعقوب، و یوحنا لحظه پرشکوهی را روی کوه تجربه کردند، و نمی‌خواستند آن مکان را ترک کنند. بعضی اوقات ما هم این چنین تجربیات هیجان‌انگیزی را سپری می‌کنیم و دوست داریم در همان وضع و همان جا بمانیم، به دور از واقعیات و مشکلات زندگی روزانه. علم به اینکه مشکلات و تنشها، پایین کوه انتظار ما را می‌کشند، ما را تشویق می‌کند تا از واقعیت دوری کنیم. اما ماندن بر فراز کوه مانع از اینست

فراسوی مرگ عیسی یعنی به رستاخیز و بازگشت پر جلال او نمی‌نگریستند، عیسی مایه عار و شرم آنها می‌شد. با وجود رستاخیز و بازگشت عیسی، آنها به او نه بعنوان یک بازنده، بلکه بعنوان خداوند عالم می‌نگریستند که از طریق مرگ خود، نجات را برای همه مردم مهیا کرد.

**۲۷:۹** وقتی عیسی فرمود که «بعضی‌ها تا ملکوت خدا را نبینند، نخواهند مرد»، روی سخنش اولاً با پطرس، یعقوب، و یوحنا بود که هشت روز بعد شاهد بر تبدیل هیأت او می‌بودند؛ و ثانیاً، در معنایی گسترده‌تر، روی سخنش با همه کسانی بود که در انتشار کلیسا بعد از پنطیکاست شرکت می‌داشتند. شونندگان عیسی نمی‌بایست مسیحی دیگری را در آینده انتظار می‌کشیدند، چون ملکوت خدا در بین آنها بود، و بزودی (بعد از قیام، در روز پنطیکاست) به قدرت می‌رسید (از طریق کار روح‌القدس).

**۲۹:۹** عیسی پطرس، یعقوب، و یوحنا را با خود به بالای کوهی برد تا شخصیت واقعی خود را به آنها نشان دهد و آنها بدانند که او نه فقط پیامبری بزرگ، بلکه پسر خداست. موسی، نماینده شریعت، و الیاس، نماینده انبیا، کنار عیسی ظاهر شدند، و صدای خدا عیسی را از بین آن سه متمایز کرد، و بعنوان مسیح موعود همراه با قدرت و اختیار که همه مدتها انتظارش را می‌کشیدند، معرفی

۳۴ سخن پطرس هنوز تمام نشده بود که ابری درخشان پدیدار گشت و وقتی بر ایشان سایه انداخت، شاگردان را ترس فرا گرفت. ۳۵ آنگاه از ابر ندایی در رسید که «اینست پسر محبوب من. سخنان او را بشنوید!» ۳۶ وقتی که ندا خاتمه یافت، متوجه شدند که عیسی تنهاست. آنان تا مدت‌ها، به کسی درباره این واقعه چیزی نگفتند.

### شفای یک پسر دیورده

(۱۱۲ / متی ۱۷: ۱۴-۲۱ ؛ مرقس ۹: ۱۴-۲۹)

۳۷ روز بعد، وقتی از تپه پایین می آمدند، با جمعیت بزرگی روبرو شدند. ۳۸ ناگهان مردی از میان جمعیت فریاد زد: «استاد، التماس می کنم بر پسر من، که تنها فرزندم است، نظر لطف بیندازی، ۳۹ چون یک روح پلید مرتب داخل وجود او می شود و او را به فریاد کشیدن وامی دارد. روح پلید او را متشنج می کند، بطوری که از دهانش کف بیرون می آید. او همیشه به پسر من حمله می کند و به سختی او را رها می سازد. ۴۰ از شاگردانت درخواست کردم که این روح را از وجود پسر من بیرون کنند، اما نتوانستند.»

۴۱ عیسی فرمود: «شما مردم این زمانه، چقدر سرسخت و بی ایمان هستید! تا کی این وضع را تحمل کنم؟ پسر را نزد من بیاورید!» ۴۲ در همان هنگام که پسر را می آوردند، روح پلید او را تکان سختی داد و

۳۵:۹  
خرو ۲۱:۲۳  
تث ۱۸: ۱۵-۱۸  
متی ۱۷:۳  
اعما ۲۲:۳  
عبر ۳:۲  
۲ پط ۱: ۱۶ و ۱۷

۳۷:۹  
متی ۱۷: ۱۴-۲۱  
مر ۹: ۱۴-۲۹  
۳۸:۹  
لو ۱۲:۷

۳۷:۹-۴۳ وقتی شاگردان به همراه عیسی از کوه پایین آمدند، تجربه خاصی از حضور خدا را پشت سر گذاشتند و وارد تجربه ترسناکی از حضور شیطان شدند. آن زیبایی که آنها پیش از پایین آمدن از کوه دیدند، موجب شد زشتی زشت تر بنظر آید. وقتی دید روحانی ما وسیع تر می شود و این امکان را برای ما فراهم می کند تا خدا را بهتر ببینیم و درک کنیم، در آن صورت قادر خواهیم بود شیطان را هم بهتر ببینیم و درک نماییم. اگر ما عیسی را کنار خود نداشته باشیم تا ما را به سلامتی از هراس از شیطان رهایی دهد، وحشت از او بر ما غالب خواهد شد. ۴۰:۹ چرا شاگردان نتوانستند ارواح پلید را از وجود آن پسر بیرون کنند؟ در مرقس ۱۳:۶ می خوانیم که آنها طی انجام مأموریتشان در شهرها ارواح پلید را از وجود اشخاص بیرون می کردند. شاید آنها قدرت و اختیاری استثنایی را فقط برای همان سفر داشتند؛ یا شاید ایمان آنها تحلیل رفته بود. جنگ با شیطان، مبارزه‌ای تمام نشدنی و مشکل است. پیروزی بر گناه و وسوسه از طریق ایمان به عیسی مسیح حاصل می شود، نه بوسیله تلاشهای خودمان.

که به دیگران خدمت کنیم. به این ترتیب، بجای اینکه غول‌های روحانی بشویم، خیلی زود تبدیل به غولهایی خودمحمور خواهیم شد. ما باید اوقاتی را برای کناره گیری از دنیای اطراف و یافتن نیروی تازه اختصاص دهیم. فقط در اینصورت است که می توانیم باز گردیم و به دنیا خدمت کنیم. ایمان ما، هم پایین کوه و هم بالای کوه، باید ایمانی معقول باشد.

۳۵:۹ عیسی بعنوان پسر خدا، قدرت و اختیار خدا را دارد؛ بنابراین، سخنان او باید برای ما حکمی قطعی باشد. اگر تعالیم کسی درست باشد، تعالیمش با تعالیم عیسی مطابقت خواهد داشت. هر چیزی را که می شنوید، با سخنان عیسی مقایسه کنید، به این ترتیب به انحراف کشیده نخواهید شد.

۳۵:۹ خدا واضحاً عیسی را پسر و برگزیده خود معرفی کرد، و فرمود که پطرس و دیگران نباید تابع خواسته‌ها و عقاید خود باشند، بلکه باید سخنان او را بشنوند. قدرت پیروی عیسی از داشتن اطمینان به شخصیت الهی او حاصل می شود.

برزمین زد. پسر می‌غلطید و دهانش کف می‌کرد. اما عیسی به روح پلید دستور داد که بیرون بیاید. به این ترتیب آن پسر را شفا بخشید و به پدرش سپرد.<sup>۴۳</sup> مردم همه از قدرت خدا شگفت‌زده شده بودند.

۴۳:۹

متی ۲۳:۱۷ و ۲۳

مر ۳۰:۹-۳۳

۲ پط ۱۶:۱

### دومین پیشگویی عیسی در باره مرگ خود

(۱۱۳ / متی ۲۲:۱۷ و ۲۳:۹؛ مرقس ۹:۳۰-۳۲)

در همان حال که همه با حیرت از کارهای عجیب عیسی تعریف می‌کردند، او به شاگردان خود فرمود: <sup>۴۴</sup> «به آنچه می‌گویم، خوب توجه کنید: مرا که مسیح هستم بزودی به دست مردم تسلیم خواهند کرد.»<sup>۴۵</sup> اما شاگردان منظور او را نفهمیدند، چون ذهنشان کور شده بود و می‌ترسیدند در این باره از او سؤال کنند.

۴۴:۹

متی ۲۳:۱۷ و ۲۳

۴۵:۹

لو ۵:۲؛ ۳۴:۱۸

### بحث شاگردان درباره بزرگی

(۱۱۵ / متی ۱:۱۸-۶؛ مرقس ۹:۳۳-۳۷)

<sup>۴۶</sup> سپس بین شاگردان عیسی این بحث در گرفت که چه کسی از همه بزرگتر است!<sup>۴۷</sup> عیسی که متوجه افکار ایشان شده بود، کودکی را نزد خود خواند،<sup>۴۸</sup> و به ایشان فرمود: «هر که افرادی این چنین کوچک را بپذیرد، مرا پذیرفته است؛ و هر که مرا بپذیرد، در حقیقت خدایی را که مرا فرستاده پذیرفته است. بزرگی شما به این بستگی دارد که تا چه اندازه دیگران را می‌پذیرید.»

۴۷:۹

متی ۴:۹

یو ۲:۴۲ و ۲۵

۴۸:۹

متی ۱۱:۲۳ و ۱۱:۲۳

لو ۱۷:۱۸؛ ۲۶:۲۲

### ممانعت شاگردان از شخصی نام عیسی را به کار می‌برد

(۱۱۶ / مرقس ۹:۳۸-۴۲)

<sup>۴۹</sup> شاگرد او، یوحنا گفت: «استاد، ما شخصی را دیدیم که با بر زبان آوردن نام تو، ارواح پلید را از وجود دیوانه‌ها بیرون می‌کرد. ما نیز سعی کردیم مانع کار او شویم، چون از گروه ما نبود!»  
<sup>۵۰</sup> عیسی فرمود: «مانع او نشوید، چون کسی که بر ضد شما نباشد، از شماست.»

۴۹:۹

اعد ۱۱:۲۸

۵۰:۹

متی ۱۲:۳۰

لو ۱۱:۲۳

اقرن ۱۲:۳

شما به این سؤال، ارزیابی درستی از میزان بزرگی‌تان به شما خواهد داد.

**۴۹:۵ و ۵۰:۹** شاگردان حسود بودند. نُه نفر از آنها با هم، نتوانسته بودند یک روح پلید را از وجود شخصی بیرون کنند (۴۰:۹)، اما وقتی دیدند مردی که از گروه آنها نبود، ارواح پلید را بیرون می‌کند، او را از این کار منع کردند. وقتی ما شکست می‌خوریم و در همان حال کس دیگری به موفقیت می‌رسد، به غرور ما بر می‌خورد. اما عیسی می‌فرماید که چنین حسادت‌هایی، در حوزه جنگ روحانی، جایی در ملکوت او ندارد. بپذیرید که خادمین مسیحی خارج از گروه خودتان نیز در آغوش باز عیسی سهیم هستند.

**۴۵:۹ و ۴۶:۹** شاگردان عیسی سخنان او را درباره مرگش درک نکردند. ایشان هنوز عیسی را فقط پادشاهی زمینی می‌پنداشتند، و به فکر مقامی بودند که می‌بایست بعد از استقرار ملکوت عیسی به آنها تعلق گیرد. بنابراین آنها توجهی به سخنان عیسی درباره مرگش نکردند و به بحث پرداختند بر سر اینکه چه کسی در ملکوت بزرگتر خواهد بود.

**۴۸:۹** چقدر به فکر دیگران هستید؟ این سؤال مهمی است که می‌تواند میزان و مقیاس دقیقی باشد از بزرگی شما نزد خدا. اخیراً علاقه و توجه خود را به دیگران چطور ابراز کرده‌اید، خصوصاً به اشخاص درمانده، نیازمند و فقیر که نمی‌توانند محبت شما را جبران کنند. جواب صادقانه

## ۲- خدمت عیسی در حین سفر به اورشلیم تعلیم در باره بهای پیروی از عیسی (۱۲۲ / متی ۸: ۱۸-۲۲)

<sup>۵۱</sup> هنگامی که زمان بازگشت عیسی به آسمان نزدیک شد، با عزمی راسخ بسوی اورشلیم براه افتاد. <sup>۵۲</sup> او چند نفر را جلوتر فرستاد تا در یکی از دهکده‌های سامری‌نشین، محلی برای اقامت ایشان آماده سازند. <sup>۵۳</sup> اما اهالی آن دهکده، ایشان را نپذیرفتند چون می‌دانستند که عازم اورشلیم هستند. (سامریها و یهودیها، دشمنی دیرینه‌ای با یکدیگر داشتند.)

<sup>۵۴</sup> وقتی فرستادگان برگشتند و این خبر را آوردند، یعقوب و یوحنا به عیسی گفتند: «استاد، آیا می‌خواهی از خدا درخواست کنیم که از آسمان آتش بفرستد و ایشان را از بین ببرد، همانگونه که الیاس نیز کرد؟» <sup>۵۵</sup> اما عیسی ایشان را سرزنش نمود. <sup>۵۶</sup> بنابراین از آنجا به آبادی دیگری رفتند.

### بهای پیروی از عیسی

<sup>۵۷</sup> در بین راه، شخصی به عیسی گفت: «می‌خواهم هر جا که می‌روی، تو را پیروی کنم!»

<sup>۵۸</sup> عیسی در جواب فرمود: «روباهاها، لانه دارند و پرندگان، آشیانه! اما من حتی جایی برای خوابیدن ندارم!»

<sup>۵۹</sup> یکبار نیز او کسی را دعوت کرد تا پیروی‌اش نماید. آن شخص پذیرفت اما خواست که این کار را به پس از مرگ پدرش موکول کند. <sup>۶۰</sup> عیسی به او

۵۱:۹

متی ۲۰:۱۹؛ ۲۲-۱۸:۸

مر ۱:۱۰؛ ۱۹:۱۶

لو ۲۲:۱۷؛ ۱۱:۱۸؛ ۳۱:۱۸

۲۸:۱۹؛ ۵۱:۲۴

اعما ۲:۱

۵۴:۹

۲ پاد ۱۲:۱۰

۵۵:۹

روم ۲:۱۰

۶۰:۹

متی ۲۳:۴

سرزمین را دور می‌زدند، با آنکه راهشان بسیار طولانی می‌شد. عیسی چنین تعصبی نداشت، و شاگردان خود را پیشاپیش فرستاد تا در یکی از دهکده‌های سامری‌نشین، محلی برای اقامت ایشان پیدا کنند. اما اهالی آن دهکده این مسافرین یهودی را نپذیرفتند.

**۵۴:۹** وقتی اهالی دهکده سامری‌نشین شاگردان را نپذیرفتند، آنها نخواستند توقف کنند و گردو خاک آنجا را از پایایشان بتکانند (۵:۹). آنها خواستند تلافی کنند و از خدا بخواهند تا آتش از آسمان بفرستد، همان کاری که خدا با شهرهای فاسد سدوم و عموره کرده بود (پیدایش فصل ۱۹). وقتی دیگران ما را نمی‌پذیرند یا تحقیر می‌کنند، ما نیز شاید به فکر تلافی کردن بیفتیم. ما باید به خاطر داشته باشیم که داوری از آن خداست، و ما نباید توقع داشته باشیم که او قدرتش را در جهت تحقق کینه‌های شخصی ما بکار برد.

**۵۱:۹** اگر چه عیسی می‌دانست در اورشلیم با اذیت و آزار و مرگ روبرو خواهد شد، اما با عزمی راسخ به سوی اورشلیم براه افتاد. چنین عزم و اراده‌ای باید جزو خصایل ما نیز باشد. وقتی خدا مأموریتی به ما می‌سپارد، باید بدون توجه به خطرات احتمالی که پیش روی ماست، استوار بسوی مقصد حرکت کنیم.

**۵۳:۹** بعد از آنکه آشوریان مملکت شمالی اسرائیل را به تصرف درآوردند و مردم خود را بجای یهودیان در آنجا سکونت دادند (۲ پادشاهان ۱۷: ۲۴-۴۱)، نژاد مختلطی که به این ترتیب بوجود آمد، به سامری شهرت یافتند. یهودیان «اصیل» از این «دورگه‌ها» نفرت داشتند، و سامریها نیز از یهودیان متنفر بودند. بنابراین، تنشهای زیادی بین این دو ملت بوجود آمد، بطوری که مسافرین یهودی مناطق جلیل و یهودیه غالباً بجای عبور از منطقه سامریها که در وسط این دو منطقه قرار داشت، این

گفت: «بگذار کسانی در فکر این چیزها باشند که حیات جاودانی ندارند. وظیفه تو اینست که بیایی و مژده ملکوت خدا را در همه جا اعلام نمایی.»<sup>۶۱</sup> شخصی نیز به عیسی گفت: «خداوندا، من حاضرم تو را پیروی کنم. اما بگذار اول بروم و از خانواده‌ام اجازه بگیرم!»<sup>۶۲</sup> عیسی به او فرمود: «کسی که تمام هوش و حواسش متوجه خدمت به من نباشد، لایق این خدمت نیست!»

### اعزام هفتاد شاگرد به مأموریت (۱۳۰)

آنگاه، عیسی خداوند هفتاد نفر دیگر را تعیین کرد و ایشان را دو به دو به شهرها و نقاطی که خود عازم آن بود، فرستاد،<sup>۲</sup> و به آنها فرمود: «مردم بیشماری آماده شنیدن کلام خدا هستند. بلی، محصول بی‌نهایت زیاد است و کارگر کم! پس از صاحب محصول درخواست کنید تا کارگران بیشتری به کمکتان بفرستد.»<sup>۳</sup> بروید و فراموش نکنید که من شما را همچون بره‌ها به میان گرگها می‌فرستم.<sup>۴</sup> با خود نه پول بردارید، نه کوله بار و نه حتی یک جفت کفش اضافی. در بین راه نیز وقت تلف نکنید.

۶۱:۹  
۱ پاد ۲۰:۱۹

۶۲:۹  
فیل ۱۳:۳  
عبر ۴:۶

۱:۱۰  
متی ۱:۱۰  
مر ۷:۶

۲:۱۰  
ار ۱۵:۳  
متی ۳۷:۹ و ۳۸  
یو ۳۵:۴  
اقرن ۲۸:۱۲  
تسا ۲:۱۳

۳:۱۰  
متی ۱۶:۱۰

۴:۱۰  
پاد ۲۹:۴

متی ۹:۱۰  
مر ۸:۶  
لو ۳:۹

۲:۱۰ عیسی ۳۵ گروه دو نفری را فرستاد تا پیغامش را به مردم برسانند. آنها این وظیفه را نمی‌بایست بدون کمک انجام می‌دادند، بلکه می‌بایست دعا می‌کردند تا خدا کارگران بیشتری مهیا کند. برای شروع کار بشارت، شاید بخواهید به تنهایی پیغام نجات را به گمشدگان برسانید. این داستان روش متفاوتی را برای شروع کار بشارت ارائه می‌دهد و آن اینکه اول با دیگران برای دعا بسیج شوید. و قبل از دعا برای گمشدگان، دعا کنید تا سایر اشخاص علاقمند به این کار، در رساندن پیغام انجیل به شما ملحق شوند.

۲:۱۰ در خدمت مسیحی کسی بی‌کار نمی‌ماند. خدا به اندازه کافی برای همه کار دارد. خود را کنار نکشید و نظاره‌گر کار دیگران نباشید، بلکه راههایی برای جمع‌آوری محصول بیابید.

۴:۱۰ عیسی فرمود که شاگردانش را همچون «بره‌ها به میان گرگها» می‌فرستد. آنها می‌بایست هوشیار باشند، چون مطمئناً با مخالفت روبرو می‌شدند. عیسی ما را نیز مانند بره‌ها به میان گرگها فرستاده است. پس «مراقب باشید» و فراموش نکنید که ما نباید با خشونت با دشمنانمان برخورد کنیم بلکه با محبت و ملامت. مأموریت ما ممکن است خطرناک باشد، بنابراین باید در تعهدی که به خدا برای انجام مأموریتمان می‌دهیم، صداقت داشته باشیم.

۶۲:۹ عیسی از ما چه می‌خواهد؟ وقف کامل، نه تعهدی سطحی. ما نمی‌توانیم از میان تعالیم عیسی، دست به انتخاب بزنیم و آنطور که دلمان می‌خواهد او را پیروی کنیم. ما باید در کنار تاج، صلیب را و به همراه رحمت، داوری را نیز بپذیریم. ما باید بهای پیروی او را حساب کنیم و حاضر باشیم از هر چیز دیگری که به ما امنیت می‌دهد، دست بکشیم. علاوه بر متمرکز کردن هوش و حواس خود بر عیسی، نباید اجازه بدهیم چیزی ما را از آن نوع زندگی که عیسی آن را خوب و درست می‌نامد، منحرف کند.

۱:۱۰ پیروان عیسی بیش از ۱۲ نفر بودند. در این قسمت، او گروهی هفتاد نفری را تعیین می‌کند تا به چند شهری که او قصد داشت از آنها دیدن کند، بروند و مردم را برای ورود او به شهرشان آماده کنند. این شاگردان خصوصیات منحصر بفردی نداشتند. آنها افرادی با سطح تحصیلات برتر و مقام بالا نبودند، و از استعداد بی‌ظنری در تعلیم برخوردار نبودند. آنچه که آنان را برای این مأموریت تجهیز می‌کرد، آگاهی ایشان از قدرت عیسی و دید آنها برای رساندن پیغام او به همه مردم بود. مهم است که شما استعدادهایتان را وقف ملکوت خدا کنید، اما مهم‌تر از آن، این است که تجربه‌ای شخصی از قدرت خدا و دید روشنی از کاری داشته باشید که او می‌خواهد در دنیا انجام دهد.

عیسی سه نفر از ۱۲ شاگرد خود را برای تعلیم و تربیت مخصوصی انتخاب کرد. یعقوب، برادرش یوحنا، و پطرس این جمع خصوصی را تشکیل می‌دادند. هر یک از اینها نهایتاً نقشی کلیدی در کلیسای اولیه ایفا کردند. پطرس واعظ بزرگی شد، یوحنا نویسنده مهم انجیل گشت، و یعقوب، در بین ۱۲ شاگرد اولین کسی بود که بخاطر ایمانش شهید شد. از طرز قرارگیری نامهای یعقوب و یوحنا در کنار یکدیگر، معلوم می‌شود که یعقوب برادر بزرگتر بوده است. پدر آنها، زبدي، شرکت ماهیگیری داشت و یعقوب و یوحنا به همراه پطرس و اندریاس در آن کار می‌کردند. وقتی پطرس، اندریاس، و یوحنا، جلیل را برای دیدن یحیای تعمیردهنده ترک کردند، یعقوب نزد قایقها و تورهای ماهیگیری ماند. بعداً، وقتی عیسی این چهار نفر را به پیروی از خودش دعوت کرد، یعقوب نیز مانند همکاران ماهیگیرش به این کار اشتیاق نشان داد.

یعقوب لذت می‌برد از اینکه جزو آن سه نفر مقربین عیسی باشد، اما هدف عیسی را درست درک نمی‌کرد. او و برادرش از عیسی خواستند که مقام ویژه‌ای در ملکوت به آنها بدهد؛ ایشان می‌خواستند مطمئن باشند که نقش مهمی در ملکوت او خواهند داشت. یعقوب مانند سایر شاگردان از کاری که عیسی روی زمین انجام می‌داد، درک محدودی داشت، و فقط یک ملکوت زمینی را تصور می‌کرد که دولت روم را سرنگون خواهد کرد و شکوه و جلال اولیه اسرائیل را دوباره برقرار خواهد ساخت. اما بالاتر از همه این بود که او می‌خواست همراه عیسی باشد. او رهبر درستی را پیدا کرده بود ولو اینکه هنوز تصور نادرستی از برنامه‌ها و نقشه‌های ملکوت رهبرش داشت. مرگ و رستخیز عیسی لازم بود به انجام برسد تا دید یعقوب اصلاح شود.

یعقوب پیش از بسیاری دیگر بخاطر انجیل کشته شد. او حاضر بود بمیرد چون می‌دانست عیسی بر مرگ که تنها راه بسوی زندگی جاودانی است، غالب شده است. اگر زندگی همین است که می‌بینیم، توقعات ما از زندگی محدود خواهد شد. عیسی به کسانی که مایلند به او اعتماد کنند، وعده زندگی جاودانی داد. اگر ما به این وعده ایمان داشته باشیم، او به ما جرأت خواهد داد تا حتی در شرایط خطرناک نیز نسبت به او وفادار بمانیم.

#### نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- \* یکی از ۱۲ شاگرد بود.
- \* به همراه پطرس و یوحنا جمع خصوصی عیسی را تشکیل می‌داد.
- \* در بین ۱۲ شاگرد اولین کسی بود که بخاطر ایمانش شهید شد.

#### نقاط ضعف و اشتباهات:

- \* دو بار احساسات او طغیان کرد که خشم (لوقا ۹:۵۴) و خودخواهی (مرقس ۱۰:۳۷) او را نشان می‌دهد. در هر دو بار، او و برادرش یوحنا یک چیز را بر زبان آوردند.

#### درس‌هایی از زندگی او:

- \* از دست دادن زندگی در راه پیروی عیسی، بهای سنگینی نیست.

#### آمار حیاتی:

- \* اهل: جلیل
- \* شغل: ماهیگیر، شاگرد عیسی
- \* خویشاوندان: پدر: زبدي. مادر: سالومه. برادر: یوحنا
- \* هم عصر با: عیسی، پیلاتوس، هیروودیس اغریپاس

#### آیه کلیدی:

«یعقوب و یوحنا، پسران زبدي، نزد او آمده گفتند: «استاد، ممکن است لطفی در حق ما بکنید.» عیسی پرسید: «چه لطفی؟» گفتند: «می‌خواهیم در دوران سلطنت شما، یکی بر دست راست و دیگری بر دست چپ تخت سلطنت شما بنشینیم.» (مرقس ۱۰:۳۵-۳۷).

ماجرای یعقوب در اناجیل نقل شده است. از او در اعمال ۱:۱۴ و ۲:۱۲ هم نام برده شده است.



۵ «وارد هر خانه‌ای که شدید، قبل از هر چیز بگویید: برکت بر این خانه باشد.

متی ۱۲:۱۰

۶ اگر کسی در آنجا لیاقت برکت را داشته باشد، برکت شامل حالش می‌شود و

متی ۷:۱۰

متی ۱۱:۱۰ و ۱۱

اقرن ۴:۹ ؛ ۲۷:۱۰

افس ۵:۱۵

۱ تیمو ۵:۱۸

اگر لیاقت نداشته باشد، برکت به خود شما برمی‌گردد.<sup>۷</sup> پس در همان خانه بمانید و بدنبال جای بهتر، از خانه به خانه‌ای دیگر نقل مکان نکنید. هر چه به شما می‌دهند، بخورید و بنوشید و از اینکه از شما پذیرایی می‌کنند، شرمسار نباشید، چون کارگر مستحق مزد خویش است!

متی ۹:۱۰

اش ۲:۲

متی ۲۳:۴ ؛ ۷:۱۰

لو ۲:۹

۸ «اگر اهالی شهری شما را پذیرا شوند، هر چه پیش شما بگذارند، بخورید و بیماران را شفا دهید و به ایشان بگویید: ملکوت خدا به شما نزدیک شده است.

۱۰ «اما اگر شهری شما را نپذیرفت، به کوچه‌های آن بروید و بگویید: <sup>۱۱</sup> "ما حتی گرد و خاک شهرتان را که بر پایهای ما نشسته، می‌تکانیم تا بدانید که آینده تاریکی در انتظار شماست. اما بدانید که در رحمت خدا به روی شما گشوده شده بود." <sup>۱۲</sup> حتی وضع شهر گناهکاری چون سدوم، در روز داوری، از وضع چنان شهری بهتر خواهد بود.

متی ۱۲:۱۰

متی ۱۵:۱۰

کلیسایش خدمت می‌کنند. اول، مطمئن شوید که حقوق کافی داشته باشند. دوم، فراموش نکنید با دعوت کردن آنها برای صرف غذا در منزلتان یا قدردانی از کاری که برای شما انجام داده‌اند، ایشان را از لحاظ عاطفی حمایت کنید. سوم، گاه و بیگاه با خبرهای شاد که باعث تشویق آنها شود، روحیه‌شان را تقویت کنید. اگر خادمین بدانند ما با شادی و گشاده‌دستی به آنها کمک می‌کنیم، از قبول هدایای ما دچار عذاب وجدان نخواهند شد.

۹ و ۱۰ وقتی شاگردان می‌خواستند سفر بشارتی خود را آغاز کنند، عیسی دو دستورالعمل به آنها داد. آنها می‌بایست هر چه را که پیش ایشان می‌گذارند بخورند، به این معنا که بدون ایرادگیری مهمان‌نوازی مردم را پذیرا باشند، و دوم اینکه می‌بایست مریضان را شفا دهند. مردم با دیدن شفا حاضر خواهند شد به پیغام آنها گوش فرا دهند.

۱۲:۱۰ سدوم شهر فاسدی بود که خدا آن را بخاطر گناهان زیاد اهالی‌اش، نابود کرد (پیدایش فصل ۱۹). نام این شهر غالباً بعنوان مظهر شرارت بکار می‌رود. مردم شهر سدوم در روز داوری مجازات خواهند شد، اما کیفر مردمان شهرهایی که مسیح موعود را دیدند و او را رد کردند، سخت‌تر خواهد بود.

۷:۱۰ دستور عیسی به شاگردان مبنی بر ماندن در یک خانه، مانع بروز بعضی از مشکلات می‌شد. نقل مکان کردن از خانه به خانه‌ای دیگر، ممکن بود موجب رنجش اعضای خانواده‌ای می‌شد که اول بار در خانه آنها اقامت کرده بودند. چه در اینصورت، امکان داشت هر یک از خانواده‌ها برای اینکه شاگردان در خانه آنها اقامت کنند، به رقابت می‌پرداختند، و بعضی فکر می‌کردند لایق شنیدن پیغام شاگردان نیستند. همچنین، اگر شاگردان از پذیرایی‌ای که از آنها می‌شد ناسپاس بنظر می‌رسیدند، اهالی آن دهکده وقتی عیسی بعد از شاگردانش به آنجا می‌آمد، او را نمی‌پذیرفتند. بعلاوه، شاگردان با اقامت در یک خانه، دیگر لازم نبود مرتب به فکر جا و منزل خوب باشند. آنها می‌توانستند در یک جا اقامت کنند و به کاری که برای انجام آن آمده بودند، بپردازند.

۷:۱۰ عیسی به شاگردانش فرمود که مؤدبانه، مهمان‌نوازی مردم را بپذیرند، چون کار ایشان این حق را به آنها می‌دهد. خدمتگزاران انجیل استحقاق حمایت از سوی ما را دارند، و این مسؤلیت ماست که تمام احتیاجات آنها را برآورده سازیم. چند راه برای حمایت از تلاشهای کسانی وجود دارد که خدا را در

۱۳ «وای بر شما ای اهالی خورزین و بیت صیدا! چه سرنوشت وحشتناکی در انتظار شماست! چون اگر معجزاتی را که برای شما کردم در شهرهای فاسدی چون صور و صیدون انجام می‌دادم، اهالی آنجا مدت‌ها پیش به زانو در می‌آمدند و توبه می‌کردند، و یقیناً پلاس می‌پوشیدند و خاکستر بر سر خود می‌ریختند، تا نشان دهند که چقدر از کرده خود پشیمانند. <sup>۱۴</sup> بلی، در روز داوری، مجازات مردم صور و صیدون از مجازات شما بسیار سبکتر خواهد بود. <sup>۱۵</sup> ای مردم کفرناحوم، به شما چه بگویم؟ شما که می‌خواستید تا به آسمان سربرافرازید، بدانید که به جهنم سرنگون خواهید شد!»

۱۶ سپس به شاگردان خود گفت: «هر که شما را بپذیرد، مرا پذیرفته است، و هر که شما را رد کند، در واقع مرا رد کرده است، و هر که مرا رد کند، خدایی را که مرا فرستاده، رد کرده است.»

۱۳:۱۰

حز ۶:۳

متی ۲۱:۱۱

یو ۵:۳

۱۵:۱۰

پیذا ۴:۱۱

تث ۲۸:۱

اش ۱۳:۱۴

ار ۵۳:۵۱

حز ۲۰:۲۶

۱۶:۱۰

متی ۴۰:۱۰

یو ۲۳:۵ ; ۲۰:۱۳

اتسا ۸:۴

### بازگشت هفتاد شاگردی که به مأموریت رفته بودند

(۱۳۱)

۱۷ پس از مدتی هفتاد شاگرد برگشتند و با خوشحالی به عیسی خبر داده، گفتند: «خداوندا، حتی ارواح پلید نیز به نام تو، از ما اطاعت می‌کنند!»

۱۸ عیسی فرمود: «بلی، من شیطان را دیدم که همچون برق، از آسمان به زیر افتاد!

۱۸:۱۰

یو ۳۱:۱۲

ایو ۸:۳

مکا ۱:۹ ; ۹:۱۲

کسب کرده بودند. وقتی می‌بینیم معجزات خدا در ما و از طریق ما انجام می‌شود، نباید بزرگترین معجزه را که ثبت شدن نام ما در آسمان است، از نظر دور بداریم.

۱۸:۱۰ شاید عیسی از پیش به پیروزی‌اش بر شیطان روی صلیب می‌نگریست. یوحنا ۳۱:۱۲ و ۳۲ بیان می‌کند که شیطان در زمان مرگ عیسی، داوری و بیرون انداخته خواهد شد. از طرف دیگر، شاید عیسی با این سخن می‌خواست به شاگردان درباره غرور هشدار دهد. شاید او به اشعیا ۱۴:۱۷-۱۷ اشاره داشته است، آنجا که می‌فرماید: «ای زهره، دختر صبح، چگونه از آسمان افتاده‌ای! و تو در دل خود می‌گفتی به آسمان صعود نموده، کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت.» بسیاری از مفسرین، ستاره صبح را همان شیطان می‌دانند و می‌گویند که غرور او منجر به تمام شرارتی شد که امروز ما در دنیا شاهد آن هستیم. عیسی به شاگردانش که بخاطر داشتن قدرت بر ارواح ناپاک هیجان‌زده شده بودند، شاید می‌خواست چنین خطاری بدهد: «غرور شما آن نوع غروری است که باعث سقوط شیطان شد. پس مراقب باشید!»

۱۳:۱۰ صور و صیدون شهرهایی بودند که خدا بخاطر گناهان مردمشان، نابود کرد (به حزقیال فصل‌های ۲۶-۲۸ مراجعه کنید).

۱۵:۱۰ عیسی طی خدمتش در منطقه جلیل، بیشتر در کفرناحوم فعالیت می‌کرد. این شهر برسر تقاطع مهمی قرار داشت که مورد استفاده بازرگانان و سپاه روم بود، و اگر پیغامی در کفرناحوم اعلان می‌شد، احتمالاً خبر آن به جاهای دور می‌رسید. اما بسیاری از اهالی کفرناحوم معجزه‌های عیسی را درک نمی‌کردند یا تعالیم او را باور نداشتند، و از اینرو کفرناحوم جزو شهرهایی قرار داشت که به خاطر رد کردن عیسی، مجازات خواهد شد.

۱۷:۱۰-۲۰ شاگردان وقتی به نام عیسی و به قدرت و اختیار او خدمت کردند، نتایج فوق‌العاده‌ای دیدند. آنها از دیدن پیروزی‌ها ذوق زده شده بودند، و عیسی هم در وجد و شادی آنها سهیم شد. اما عیسی به ایشان یادآور گردید که مهم‌ترین پیروزی همانا ثبت شدن نامشان در آسمان است، و به این ترتیب، آنها را از آن هیجان‌ات بیرون آورد. این افتخار مهم‌تر از همه موفقیت‌هایی بود که آنها

۱۹:۱۰ من به شما قدرت بخشیده‌ام تا بر همه نیروهای شیطان مسلط شوید و از میان مارها و عقربها بگذرید و آنها را پایمال کنید؛ و هیچ چیز هرگز به شما آسیب نخواهد رسانید! <sup>۲۰</sup> با وجود این، فقط از این شادی نکنید که ارواح پلید از شما اطاعت می‌کنند، بلکه از این شاد باشید که نام شما در آسمان ثبت شده است!»

### دعای شکرگزاری عیسی

۲۱:۱۰ آنگاه دل عیسی سرشار از شادی روح خدا گردید و فرمود: «ای پدر، ای مالک آسمان و زمین، تو را سپاس می‌گویم که این امور را از اشخاص متفکر و دانای این جهان پنهان کردی و به کسانی آشکار ساختی که با سادگی، همچون کودکان به تو ایمان دارند. بلی، ای پدر، تو را شکر می‌کنم، چون خواست تو چنین بود.»

۲۲ سپس به شاگردان خود گفت: «پدرم، خدا، همه چیز را در اختیار من قرار داده است. پسر را هیچکس نمی‌شناسد بغیر از پدر، و پدر را نیز کسی براستی نمی‌شناسد، مگر پسر و آنانی که از طریق پسر او را بشناسند.»

۲۳ سپس، در تنهایی به آن دوازده شاگرد فرمود: «خوشبحال شما که این چیزها را می‌بینید! <sup>۲۴</sup> چون پیامبران و پادشاهان زیادی در روزگاران گذشته، آرزو داشتند که آنچه شما می‌بینید و می‌شنوید، ببینند و بشنوند!

۱۹:۱۰  
اعما ۵:۲۸

۲۰:۱۰  
خرو ۳۲:۳۲  
مز ۲۸:۶۹  
اش ۳:۴  
فیل ۳:۴  
مکا ۱۲:۲۰

۲۱:۱۰  
متی ۲۵:۱۱  
اقرن ۱:۱۹  
اقرن ۲:۶

۲۲:۱۰  
متی ۱۸:۲۸  
یو ۱:۱۸ ؛ ۳:۵ ؛ ۲۷:۵  
۲:۱۷  
افسی ۱:۲۱ ؛ ۲:۹

۲۳:۱۰  
متی ۱۶:۱۳  
۲۴:۱۰  
اظر ۱:۱۰

۲۲:۱۰ رسالت مسیح این بود که خدای پدر را به مردم نشان دهد. کلمه خدا مفاهیم پیچیده را از آسمان به زمین آورد. او محبت خدا را از طریق حکایات، تعلیم، و بیشتر با زندگی خود تشریح کرد. با بررسی اعمال، اخلاق، و رفتار عیسی، بهتر می‌توانیم به ماهیت خدا پی ببریم.

۲۴ و ۲۳:۱۰ فرصت فوق‌العاده‌ای در دسترس شاگردان قرار گرفته بود چون آنها به چشم خود مسیح، پسر خدا را دیدند. اما ایشان ماهها حضور او را در کنار خود بقدری طبیعی و بدیهی می‌انگاشتند که واقعاً به سخنان او گوش نمی‌دادند و از او اطاعت نمی‌کردند. ما هم از موقعیت ممتازی برخورداریم. ما دو هزار سال تاریخ کلیسا، ترجمه کتاب مقدس به صدها زبان، شبانان و واعظین برجسته را داریم. با این همه، بیشتر اوقات، وجود همه این چیزها را طبیعی و بدیهی می‌پنداریم، طوری که برکات عظیمی را که از آنها برخورداریم، فراموش می‌کنیم. به خاطر داشته باشید که امتیاز و مزیت، در کنار خود مسؤولیت به همراه دارد. از آنجا که خدا این امتیاز را به ما داده تا چیزهای زیادی درباره مسیح بدانیم، باید در پیروی او دقیق باشیم.

۲۴:۱۰ مردان عهد عتیق همچون داود پادشاه و اشعای نبی، با الهام خدا پیشگویی‌های بسیاری کردند که عیسی به همه آنها جامه عمل پوشانید. همانطور که پطرس بعدها

۲۱:۱۰ عیسی مسیح بوسیله روح‌القدس در رحم مریم قرار گرفت (متی ۱:۲۰)، بوسیله روح‌القدس تعمید گرفت (متی ۱۶:۳)، با روح‌القدس مسح شد (لوقا ۱۸:۴)، بوسیله روح‌القدس هدایت گردید (متی ۱:۴، لوقا ۱:۴)، و بوسیله روح‌القدس قدرت یافت (لوقا ۱۴:۴). او در اتحاد و وابستگی با روح‌القدس زندگی می‌کرد. اینجا او را پر از شادی روح خدا می‌بینیم. رابطه عیسی با روح‌القدس الگویی است برای زندگی مسیحی ما. ما باید پر از روح‌القدس باشیم و با قدرت و شادی او زندگی کنیم.

۲۱:۱۰ عیسی خدا را سپاس گفت که حقایق روحانی برای همگان است، نه فقط برای نخبگان. بنظر می‌رسد که بسیاری از چیزهای خوب زندگی نصیب اشخاص باهوش، ثروتمند، خوش‌سیم، یا قدرتمند می‌شود، اما ملکوت خدا بدون در نظر گرفتن مقام یا توانایی‌های اشخاص، بطور یکسان در اختیار همه قرار دارد. ما بخاطر اعتماد کودکانی که به عیسی داریم نزد او می‌رویم، نه از طریق قدرت و عقل خود. عیسی مخالف کسانی نیست که در کار تحقیق و پژوهش می‌باشند؛ او مخالف غرور روحانی است (به این معنا که شخص خود را فرد دانایی بداند). همراه با عیسی خدا را سپاس گوئید که همه ما بطور یکسان به خدا دسترسی داریم. به صلاحیت‌های فردی یا ثبت شدن نامتان در آسمان اتکا نکنید، بلکه به خدا توکل کنید.

## حکایت سامری نیکو

(۱۳۲)

۲۵ روزی یکی از علمای دین که می‌خواست اعتقادات عیسی را امتحان کند، از او پرسید: «استاد، انسان چه باید بکند تا حیات جاودانی را بدست بیاورد؟»  
 ۲۶ عیسی به او گفت: «در کتاب تورات، در این باره چه نوشته شده است؟»  
 ۲۷ جواب داد: «نوشته شده که خداوند، خدای خود را با تمام دل، با تمام جان، با تمام قوت و با تمام فکرت دوست بدار. همسایهات را نیز دوست بدار، همانقدر که خود را دوست می‌داری!»  
 ۲۸ عیسی فرمود: «بسیار خوب، تو نیز چنین کن تا حیات جاودانی داشته باشی.»  
 ۲۹ اما او چون می‌خواست سؤال خود را موجه و بجا جلوه دهد، باز پرسید: «خوب، همسایه من کیست؟»

۲۵:۱۰

متی ۲۴:۲۲-۴۰  
مر ۲۸:۱۲-۳۱

۲۷:۱۰

تث ۵:۶  
لاو ۱۹:۱۸

۲۸:۱۰

لاو ۱۸:۵  
نح ۲۹:۹  
جز ۲۰:۱۱  
روم ۱۰:۵  
۲۹:۱۰  
لو ۱۵:۱۶

## داستان سامری نیکو

۳۰ عیسی در جواب، داستانی تعریف کرد و فرمود: «یک یهودی از اورشلیم به

## نگرشهای گوناگون

از نظر عالم دینی، مرد زخمی موضوعی برای بحث بود.

از نظر دزدان، مرد زخمی فردی برای سوءاستفاده و بهره‌برداری بود.

از نظر اشخاص مذهبی، مرد زخمی معظلی بود که باید از آن دوری می‌کردند.

از نظر صاحب مهمانخانه، مرد زخمی مشتری‌ای بود که در قبال پول باید خدماتی به او ارائه می‌کرد.

از نظر سامری، مرد زخمی انسانی بود که ارزش این را داشت که به او توجه و محبت شود.

از نظر عیسی، همه آنها و همه ما آنقدر ارزش داشتیم که بخاطر ما بمیرد.

احتیاجات دیگران، باعث بروز برخوردها و رفتارهای مختلفی در ما می‌شود. عیسی داستان سامری نیکو را که مورد نفرت یهودیان بود نقل کرد تا مشخص کند چه نوع نگرش و برخوردی از نظر او قابل قبول است. اگر ما صادق باشیم، غالباً خود را در جای عالم دینی خواهیم یافت که احتیاج داشت بار دیگر بدانند همسایه‌اش کیست. به نگرشها و طرز برخوردهای مختلف با مرد زخمی که در اینجا قید شده، توجه کنید.

نوشت، ایشان مفهوم پیشگویی‌هایی را که می‌کردند، نمی‌فهمیدند (۱ پطرس ۱: ۱۰-۱۳)؛ عیسی نیز فرمود که آنها «آرزوی چنین روزهایی را می‌کشیدند»، یعنی شدیداً اشتیاق داشتند شکوفایی ملکوت خدا را ببینند.

۲۷:۱۰ این عالم دینی از لاویان ۱۸:۱۹ و تشبه ۵:۶ نقل قول می‌کرد. عیسی در جاهای دیگر درباره این احکام بیشتر سخن گفت (به متی ۱۹: ۱۶-۲۲ و مرقس ۱۰: ۱۷-۲۲ مراجعه کنید).  
 ۲۷:۱۰-۳۷ علمای دینی آن مرد زخمی را موضوعی

برای بحث تلقی کردند؛ دزدان با او بعنوان شی‌ئی برای بهره‌برداری رفتار نمودند؛ کاهن او را در دسر دانست و از کنار او دور شد؛ فقط سامری به او بعنوان یک انسان برخورد کرد و او را محبت نمود.

۲۷:۱۰-۳۷ از این حکایت، سه اصل در مورد دوست داشتن همسایه‌مان می‌آموزیم: (۱) بیشتر اوقات، کمبود محبت خود را به همسایه‌مان، به سادگی توجیه می‌کنیم؛ (۲) همسایه ما هر کسی از هر نژاد یا مذهب یا زمینه

شهر اریحا می‌رفت. در راه بدست راهزنان افتاد. ایشان لباس و پول او را گرفتند و او را کتک زده، نیمه جان کنار جاده انداختند و رفتند.<sup>۳۱</sup> از قضا، کاهنی یهودی از آنجا می‌گذشت. وقتی او را کنار جاده افتاده دید، راه خود را کج کرد و از سمت دیگر جاده رد شد.<sup>۳۲</sup> سپس یکی از خادمان خانه خدا از راه رسید و نگاهی به او کرد. اما او نیز راه خود را در پیش گرفت و رفت.

۳۳ «آنگاه یک سامری از راه رسید (یهودی‌ها و سامری‌ها، با یکدیگر دشمنی داشتند). وقتی آن مجروح را دید، دلش به حال او سوخت،<sup>۳۴</sup> نزدیک رفت و کنارش نشست، زخمهایش را شست و مرهم مالید و بست. سپس او را بر الاغ خود سوار کرد و به مهمانخانه‌ای برد و از او مراقبت نمود.<sup>۳۵</sup> روز بعد، هنگامی که آنجا را ترک می‌کرد، مقداری پول به صاحب مهمانخانه داد و گفت: از این شخص مراقبت کن و اگر بیشتر از این خرج کنی، وقتی برگشتم، پرداخت خواهم کرد!

۳۶ «حال، به نظر تو کدامیک از این سه نفر، همسایه آن مرد بیچاره بود؟»  
 ۳۷ جواب داد: «آنکه به او ترحم نمود و کمکش کرد.»  
 عیسی فرمود: «تو نیز چنین کن!»

۳۱:۱۰  
مز ۱۱:۳۸

۳۳:۱۰  
یو ۹:۴

۳۵:۱۰  
فلیپ ۱۸

### ملاقات عیسی با مریم و مرتا

(۱۳۳)

۳۸ در سر راه خود به اورشلیم، عیسی و شاگردان به دهی رسیدند. در آنجا زنی به نام مرتا ایشان را به خانه خود دعوت کرد.<sup>۳۹</sup> او خواهری داشت به نام مریم. وقتی عیسی به خانه ایشان آمد، مریم با خیالی آسوده نشست تا به سخنان او گوش فرا دهد.

۳۸:۱۰  
یو ۱۱:۱۱، ۱۹، ۳۰، ۳۹؛  
۲:۱۲

۳۷-۳۳:۱۰ این حکایت، محبت عیسی را نسبت به ما تصویر می‌کند. ما مانند آن مسافر زخمی و درحال مرگیم، و نمی‌توانیم کاری برای نجات خود انجام دهیم. اما عیسی ظاهر شد و ما را به محل شفا برد. نجات ما نتیجه کار اوست نه کار خودمان.

۴۲-۳۸:۱۰ مریم و مرتا هر دو عیسی را دوست داشتند. در این موقع که عیسی به خانه آنها رفته بود، هردو او را خدمت می‌کردند. اما مرتا بطور ضمنی بیان کرد که شیوه خدمت مریم در سطحی پایین‌تر از خدمت او قرار دارد. او تشخیص نداد که بخاطر اشتیاقی که به خدمت کردن عیسی دارد، عملاً از او غافل مانده است. آیا شما بقدری مشغول انجام خدمات برای عیسی هستید که با او هیچ وقتی صرف نمی‌کنید؟ اجازه ندهید خدمتتان به مسیح

اجتماعی است که نیازمند می‌باشد؛ و (۳) محبت به انسان به معنای رفع احتیاج اوست. هرچا که زندگی می‌کنید، در نزدیکی شما افراد نیازمند وجود دارد. هیچ دلیل خوب و معقولی برای امتناع از کمک وجود ندارد.

۳۲:۱۰ بین یهودیان و سامری‌ها دشمنی عمیقی وجود داشت. یهودیان خود را نسل اصیل ابراهیم می‌دانستند، اما سامری‌ها نژاد مختلطی بودند که از ازدواج یهودیان مملکت شمالی با افراد بیگانه، بعد از زمان تبعید بابل بوجود آمده بودند. از نظر این عالم یهودی تنها کسی که کمترین احتمال می‌رفت کار درستی انجام دهد، شخص سامری بود. نگرش این عالم دینی عدم محبت او را فاش می‌ساخت، همان محبتی که قبل از آن گفته بود که شریعت حکمش را داده است.

۴۰ اما مرتا که برای پذیرایی از آن همه مهمان، پریشان شده و به تکاپو افتاده بود، نزد عیسی آمد و گفت: «سرور من، آیا این دور از انصاف نیست که خواهرم اینجا بنشیند و من به تنهایی همه کارها را انجام دهم؟ لطفاً به او بفرما تا به من کمک کند!»

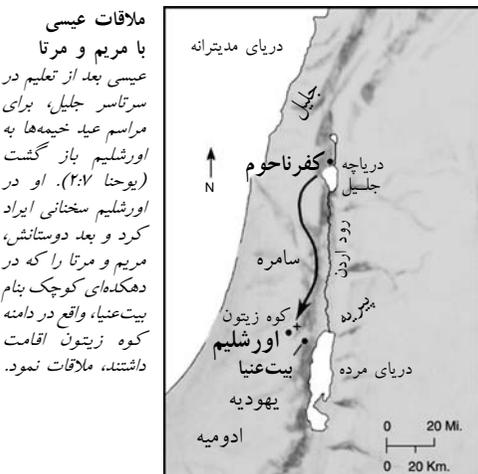
۴۱ عیسی خداوند به او فرمود: «مرتتا، تو برای همه چیز خود را ناراحت و مضطرب می کنی، اما فقط یک چیز اهمیت دارد. مریم همان را انتخاب کرده است و من نمی خواهم او را از این فیض محروم سازم!»

۴۱:۱۰  
متی ۲۵:۶  
۴۲:۱۰  
مز ۴:۲۷  
فیل ۱۴:۱۳:۳

### تعلیم دعا به شاگردان (۱۳۴)

۱۱ روزی عیسی مشغول دعا بود. وقتی دعایش تمام شد، یکی از شاگردان به او گفت: «خداوندا، همانطور که یحیی طرز دعا کردن را به شاگردان خود آموخت، تو نیز به ما بیاموز.»  
۲ عیسی به ایشان گفت که چنین دعا کنند: «ای پدر، نام مقدس تو گرامی باد. ملکوت تو برقرار گردد.  
۳ نان مورد نیاز ما را هر روز به ما ارزانی فرما. ۴ گناهان ما را ببخش، چنانکه ما

۱:۱۱  
۲ قرن ۵:۳  
۲:۱۱  
اش ۹:۱۱؛ ۱۶:۶۳  
دان ۱۴:۷  
۴:۱۱  
افس ۳۲:۴  
۱ قرن ۱۳:۱۰  
یعقو ۱۳:۱  
مکا ۱۰:۳



تبدیل به خدمت به خویشن شود. این مهم است که بدانید چه کسی را خدمت می کنید.

۴۲:۱۰ عیسی مرتتا را بخاطر اهمیتی که به کارهای خانه می داد، سرزنش نکرد. او فقط از مرتتا می خواست که اولویت‌ها را مد نظر قرار دهد. این امکان وجود دارد که خدمت به مسیح به کاری صرف تبدیل شود؛ چنین خدمتی دیگر بر پایه عشق به خدا نیست.

۴-۱:۱۱ به ترتیبی که در این دعا هست، توجه کنید. عیسی اول خدا را پرستش می کند؛ بعد درخواستهایش را به حضور خدا می آورد. پرستش خدا در ابتدای دعا باعث می شود ما در وضعیت خوبی احتیاجات خود را به خدا بگوییم.

۱۳-۲:۱۱ این آیات بر سه جنبه دعا تأکید دارد: محتوای دعا (۲:۱۱-۴)، پافشاری ما (۱۰-۵:۱۱)، و وفاداری خدا (۱۱:۱۱-۱۳).

۳:۱۱ خدا احتیاجات ما را روزبروز تأمین می کند، نه یک بار برای همیشه. ما نمی توانیم ما محتاج زندگی مان را انبار کنیم و بعد ارتباطمان را با خدا بگسلیم. ما نباید خود را مرکز تأمین نیازهایمان بدانیم. اگر احساس می کنید نیرویتان روبه کاهش است، از خود بپرسید که چه مدت است که از «سرچشمه» دور مانده‌اید.

۴:۱۱ هنگامی که عیسی طرز دعا کردن را به شاگردانش می آموخت، بخشش را پایه و اساس رابطه‌شان با خدا قرار داد. خدا گناهان ما را بخشیده است، پس حالا ما نیز باید کسانی را که به ما خطا کرده‌اند، ببخشیم. اگر دیگران را نمی بخشیم، معلوم می شود که نفهمیده‌ایم ما هم مانند دیگر انسانها، شدیداً احتیاج به بخشیده شدن داریم. به کسانی

نیز آنانی را که به ما خطا کرده‌اند، می‌بخشیم. ما را از وسوسه‌های شیطان دور نگهدار.»

<sup>۵</sup> سپس تعلیم خود را درباره دعا ادامه داد و فرمود: «فرض کنید که نیمه شب، مهمانی از راه دور برای شما می‌رسد و شما چیزی برای خوردن در خانه ندارید. اجباراً در خانه دوستی را می‌زنید و از او سه نان قرض می‌خواهید. او از داخل خانه جواب می‌دهد که با بچه‌هایش در رختخواب خوابیده است و نمی‌تواند برخیزد و به شما نان دهد.

<sup>۸</sup> «اما مطمئن باشید که حتی اگر از روی دوستی این کار را نکند، اگر مدتی در بزنید، در اثر پافشاری شما برخواهد خاست و هر چه بخواهید به شما خواهد داد. <sup>۹</sup> در دعا نیز باید چنین کرد. آنقدر دعا کنید تا جواب دعایتان داده شود. آنقدر جستجو کنید تا بیابید. آنقدر در بزنید تا باز شود. <sup>۱۰</sup> زیرا هر که درخواست کند، بدست خواهد آورد؛ هر که جستجو کند، خواهد یافت؛ و هر که در بزند، در به رویش باز خواهد شد.

<sup>۱۱</sup> «شما که پدر هستید، اگر فرزندان از شما نان بخواهد، آیا به او سنگ می‌دهید؟ یا اگر ماهی بخواهد، آیا به او مار می‌دهید؟ <sup>۱۲</sup> یا اگر تخم مرغ بخواهد، آیا به او عقرب می‌دهید؟ هرگز!

<sup>۱۳</sup> «پس اگر شما، اشخاص گناهکار، می‌دانید که باید چیزهای خوب را به فرزندان بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی شما می‌داند که باید روح القدس را به آنانی که از او درخواست می‌کنند، ارزانی دارد!»

### پاسخ عیسی به تهمت‌های دشمنانش

(۱۳۵)

<sup>۱۴</sup> یکبار عیسی، روح پلیدی را از جسم یک لال بیرون کرد و زبان آن شخص

۱۴:۱۱

متی ۳۲:۹

۲۲:۱۲-۳۸:۳۲-۴۵

مر ۲۲:۳-۳۰

اینکه خود خدا جواب خواهد داد. پافشاری در دعا به ما کمک می‌کند که وقتی کار خدا را در زندگی مان می‌بینیم، تشخیص بدهیم که این کار خدا بوده است.

<sup>۱۱:۱۱</sup> پدران خوب حتی اگر مرتکب اشتباهاتی شوند، اما رفتار خوبی با فرزندان شان دارند. چقدر بیشتر پدر آسمانی و کامل ما با فرزندانش بهتر رفتار می‌کند! مهم‌ترین هدیه‌ای که او وعده داد بعد از مرگ، رستخیز، و صعود پسرش به آسمان به همه ایمانداران بدهد (یوحنا ۱۵:۲۶)، روح القدس بود (اعمال ۱:۲-۴).

<sup>۱۴:۱۱-۲۳</sup> رویداد دیگری مشابه همین، در متی ۱۲:۲۲-۴۵ و مرقس ۳:۲۰-۳۰ ذکر شده است.

فکر کنید که به شما خطا کرده‌اند. آیا حقیقتاً آنها را بخشیده‌اید، یا هنوز نسبت به آنها کینه دارید؟ خدا اگر با شما همانطور برخورد کند که شما با دیگران می‌کنید، چه خواهد شد؟

<sup>۸:۱۱</sup> پافشاری در دعا بی‌تفاوتی ما را در هم می‌شکند نه بی‌تفاوتی خدا را. پافشاری در دعا بیشتر برای این است که افکار و روحیه ما تغییر کند، نه اینکه تغییری در فکر و دل خدا ایجاد شود. اصرار در دعا به ما کمک می‌کند تا به شدت احتیاج خود پی ببریم و آن را ابراز کنیم. در گرفتن جواب از خدا مفید خواهد بود چنان دعا کنیم که گویی جواب دعا بستگی به دعای ما دارد، اما با اتکا به

خواهر و برادرهای بزرگتر خانواده، اغلب این تمایل تحریک کننده را دارند که خواهران و برادران کوچکتر خود را کنترل کنند، خصلتی که همزمان با بزرگ شدن فرزندان ارشد خانواده در آنها شکل می گیرد. ما بسادگی می توانیم نمونه آن را در مرتا، خواهر بزرگتر مریم و ایلعازر، ببینیم. او عادت داشت بر خواهر و برادرش اعمال کنترل کند.

این واقعیت که از مرتا، مریم، و ایلعازر بخاطر مهمان نوازی شان نام برده شده، هنگامی اهمیت بیشتری پیدا می کند که به این نکته توجه داشته باشیم که مهمان نوازی در آن زمان در فرهنگ یهود، جزو ضروریات اجتماعی بود. مایه شرم و خجالت بود اگر شما کسی را به خانه تان راه نمی دادید. از قرار معلوم این خانواده خیلی خوب این رسم را بجا می آورد.

مرتا برای چیزهای جزئی خود را ناراحت می کرد. او دوست داشت همه از او راضی باشند، می خواست دیگران را خدمت کند، و کاری را که درست است انجام دهد؛ اما بیشتر اوقات تلاشهای او به آزار و عذاب اطرافیانش می انجامید. شاید چون بزرگترین فرزند خانواده بود، می ترسید که مبدا وضع خانه پایین تر از حد انتظارات مهمانان باشد و او شرمند شود. او سعی می کرد هر چه در توان دارد انجام دهد تا چنین چیزی پیش نیاید. اما با تمام سعی و کوششی که کرد، دریافت که نمی تواند آسایش مهمانان را فراهم سازد و کاری کند که آنها از مهمانی لذت ببرند. بدتر از آن، این بود که نمی توانست تحمل کند که مریم هیچ کمکی در پذیرایی از مهمانان بعمل نیاورد. او بقدری از این بابت دلگیر شد که عاقبت از عیسی خواست این موضوع را حل کند. عیسی با مهربانی طرز نگرش مرتا را تصحیح کرد و به او نشان داد که گرچه قصد دارد چیزهای خوبی انجام دهد، اما بهترین را انتخاب نکرده است. برای مرتا توجه به مهمانان می بایست بیشتر اهمیت داشته باشد تا کارهایی که برای ایشان می کرد.

بعدها می بینیم که مرتا پس از مرگ برادرش ایلعازر، چاره ای ندارد جز آنکه در دو مورد اجازه دهد «خودش باشد». وقتی شنید که عیسی بالاخره به نزد ایشان می آید، با آنکه دیگر خیلی دیر شده بود، با شتاب به استقبال او رفت، و تنش درونی خود را که آمیزه ای از ناامیدی و امید بود، به او ابراز داشت. عیسی به مرتا خاطر نشان ساخت که امید او بسیار محدود است؛ عیسی نه فقط فرمانروای عالم بعد از مرگ بود، بلکه صاحب اختیار مرگ نیز بود؛ او خودش قیامت و حیات بود. چند لحظه بعد مرتا بار دیگر بدون اینکه فکر کند، سخن گفت و به عیسی متذکر شد که جسد چهار روزه دیگر تا حالا رو به تعفن گذاشته است. توجه او به جزئیات، بعضی اوقات مانع می شد که تصویر کلی را ببیند! عیسی همیشه نسبت به او صبور بود.

در آخرین تصویری که از مرتا داریم، بار دیگر او را مشغول پذیرایی از عیسی و شاگردانش می بینیم. او از خدمت دست نکشید. اما کتاب مقدس این بار به سکوت او اشاره می کند. او شروع به فرا گرفتن درسی کرده بود که خواهر کوچکترش قبلاً آموخته بود، و آن اینکه پرستش با سکوت و گوش دادن شروع می شود.

#### نقاط قوت و موفقیت ها:

- \* به مهمان نوازی معروف بود.
- \* یکی از دوستان عیسی بود که ایمانش به عیسی رو به رشد بود.
- \* اشتیاق شدید داشت که هر چیزی را کاملاً درست انجام دهد.

#### نقاط ضعف و اشتباهات:

- \* انتظار داشت دیگران اولویت های او را بپذیرند.
- \* بیش از اندازه به فکر جزئیات بود.
- \* وقتی از تلاشهای او قدردانی نمی شد، دلش به حال خودش می سوخت.
- \* قدرت عیسی را به این زندگی محدود می کرد.

#### درس هایی از زندگی او:

- \* درگیر شدن در جزئیات می تواند موجب شود که انگیزه اصلی اعمالمان را فراموش کنیم.
- \* وقتی هست برای گوش دادن به سخنان عیسی و وقتی هست برای کار کردن برای او.

#### آمار حیاتی:

- \* اهل: بیت عنیا
- \* خویشاوندان: خواهر: مریم. برادر: ایلعازر

#### آیه کلیدی:

«اما مرتا که برای پذیرایی از آن همه مهمان، پریشان شده و به تکاپو افتاده بود، نزد عیسی آمد و گفت: «سرور من، آیا این دور از انصاف نیست که خواهرم اینجا بنشیند و من به تنهایی همه کارها را انجام دهم؟ لطفاً به او بفرما تا به من کمک کند!»  
ماجرای مرتا در لوقا ۱۰:۳۸-۴۲ و یوحنا ۱۱:۱۷-۴۵ نقل شده است.

باز شد. کسانی که این ماجرا را دیدند، بسیار تعجب کردند و به هیجان آمدند.<sup>۱۵</sup> اما بعضی از آن میان گفتند: «جای تعجب نیست که او می‌تواند ارواح پلید را اخراج کند، چون قدرت انجام این کارها را از شیطان که رئیس همه ارواح پلید است، می‌گیرد!»<sup>۱۶</sup> عده‌ای دیگر نیز از او خواستند تا کاری کند که در آسمان اتفاق عجیبی بیفتد، و به این طریق ثابت شود که او همان مسیح موعود است.<sup>۱۷</sup> عیسی افکار هر یک از ایشان را خواند و فرمود: «هر حکومتی که به دسته‌های مخالف تقسیم شود، رو به نابودی خواهد رفت، و هر خانه‌ای که گرفتار مشاجرات و جنگ و جدال گردد، از هم خواهد پاشید.<sup>۱۸</sup> از این رو، اگر گفته شما درست باشد، یعنی اینکه شیطان بضد خود می‌جنگد و به من قدرت داده تا ارواح پلید او را بیرون کنم، در اینصورت حکومت او چگونه برقرار خواهد ماند؟<sup>۱۹</sup> و اگر قدرت من از طرف شیطان است، پس قدرت آن عده از مریدان شما که ارواح پلید را بیرون می‌کنند، از کجاست؟ آیا این نشان می‌دهد که آنها آلت دست شیطان هستند؟ اگر راست می‌گویید، همین سؤال را از ایشان بکنید!<sup>۲۰</sup> اما اگر من با قدرت خدا ارواح پلید را از وجود مردم بیرون می‌کنم، این ثابت می‌کند که ملکوت خدا در میان شما آغاز شده است.<sup>۲۱</sup> «تا زمانی که شیطان، نیرومند و مسلح، از کاخ خود محافظت می‌کند، کاخش

۱۵:۱۱  
متی ۳۴:۹

۱۶:۱۱  
متی ۱:۱۶

۱۷:۱۱  
یو ۲۵:۲  
مکا ۲۳:۲

۱۹:۱۱  
مر ۳۸:۹  
لو ۴۹:۹

۲۰:۱۱  
خرو ۱۹:۸

یو ۲۳  
اعما ۲۲:۲ ؛ ۳۸:۱۰

۲۱:۱۱  
افس ۲:۲ ؛ ۱۲:۶  
۱ پط ۸:۵

رویدادی که لوقا ثبت کرده، متفاوت از آن دو رویداد ثبت‌شده در مرقس و متی است، چون این رویداد در یهودیه اتفاق افتاده، درحالی‌که آن دو در جلیل رخ داده است. مطابق انجیل لوقا، عیسی خطاب به جماعت سخن گفت و در انجیل متی و مرقس او فریسیان را سرزنش کرد.

۱۹:۱۱ برای این آیات، معمولاً دو نوع تفسیر وجود دارد: (۱) شاید خود فریسیان واقعاً برای بیرون کردن ارواح پلید از تن مردم، جن‌گیری می‌کردند. اگر چنین بوده باشد، تهمتی که فریسیان به عیسی زدند، بیشتر غیرمنطقی می‌شد. متهم کردن عیسی به اینکه به قدرت شیطان ارواح پلید را بیرون می‌کند، بدان معنا بود که به طرفداران خودشان هم می‌گفتند که آنها نیز کاری شیطانی می‌کنند. عیسی از تهمتی که فریسیان به او زدند، علیه خود ایشان استفاده کرد. (۲) احتمال دیگری که وجود دارد و در ترجمه‌های دیگر به آن اشاره شده، این است که مریدان فریسیان ارواح پلید را بیرون نمی‌کردند، و اگر تلاشی هم در این مورد می‌کردند، موفق نمی‌شدند. ابتدا عیسی ادعای آنان را پوچ خواند (با طرح این سؤال که «چرا می‌بایست شیطان، ارواح پلید خودش را بیرون کند؟» ۱۸:۱۱). بعد با این سؤال که «قدرت آن عده از مریدان شما که ارواح پلید را بیرون می‌کنند، از

کجاست؟» (در ترجمه قدیمی می‌گوید: «پسران شما بوساطت که آنها را بیرون می‌کنند؟»)، با کمی طعنه و کنایه جواب آنها را می‌دهد. و در پایان می‌فرماید که اخراج ارواح پلید ثابت می‌کند که ملکوت خدا در میان آنها آغاز شده است. شیطان که هزاران سال، فرمانروایی بر این جهان را در دست داشت، اکنون تحت کنترل عیسی و ملکوت آسمان در آمده و از عیسی شکست خورده بود. ملکوت عیسی با تولد او قدرت گرفت، با مقاومت او در برابر وسوسه در بیابان پا گرفت، از طریق تعالیم و شفاهای او مستقر گردید، در رستخیز و در پنتیکاست به شکوفایی و پیروزی رسید، و در بازگشت او دائمی و جهانی خواهد شد. اگر چه این دو تفسیر با هم اختلاف دارند، اما هر دو به یک نتیجه ختم می‌شوند و آن اینکه ملکوت خدا با آمدن عیسی مسیح آغاز شده است.

۲۱:۱۱ کلمه «شیطان» در ترجمه تحت‌اللفظی «مرد زورآور» آمده است. شاید عیسی سخنانش را از اشعیا ۲۴:۴۹-۲۶ گرفته باشد. با وجود قدرت عظیمی که شیطان دارد، عیسی قوی‌تر از اوست و او را خواهد بست و برای همیشه به شرارت او پایان خواهد داد (به مکاشفه ۱۰، ۲:۲۰، مراجعه کنید).

در امن و امان است.<sup>۲۲</sup> اما وقتی کسی نیرومندتر و مسلح‌تر از او به او حمله کند، بر او پیروز خواهد شد و او را خلع سلاح خواهد کرد و تمام دارایی‌اش را از دستش خواهد گرفت.

<sup>۲۳</sup> «هر که طرفدار من نباشد، بضد من است. هر که مرا یاری نکند، در واقع علیه من کار می‌کند.

<sup>۲۴</sup> «هنگامی که روح پلید از وجود شخصی اخراج می‌شود، برای استراحت به بیابانها می‌رود. اما چون جای مناسبی نمی‌یابد، نزد همان شخصی که از وجودش بیرون رفته بود، باز می‌گردد،<sup>۲۵</sup> و می‌بیند که خانه سابقش جارو شده و تمیز است.<sup>۲۶</sup> پس می‌رود و هفت روح بدتر از خود را نیز می‌آورد و همگی داخل وجود او می‌شوند. آنگاه وضع آن شخص، بدتر از حالت اولش می‌گردد.»

<sup>۲۷</sup> این سخنان هنوز بر زبان عیسی بود که زنی از میان جمعیت با صدای بلند گفت: «خوشبحال آن مادری که تو را بدنیا آورد و شیر داد!»

<sup>۲۸</sup> عیسی در جواب گفت: «بلی، اما خوشبخت‌تر از مادر من، کسی است که کلام خدا را می‌شنود و به آن عمل می‌کند!»

۲۲:۱۱

اش ۱۲:۵۳

کول ۱۵:۲

عبر ۲۵:۷

۲۶:۱۱

یو ۱۴:۵

عبر ۲۶:۱۰ ؛ ۴:۶

۱ پط ۲۰:۲

۲۷:۱۱

لو ۴۸:۲۸؛ ۱

۲۸:۱۱

متی ۲۱:۷

لو ۲۱:۸

یعقو ۲۵:۱

### هشدار عیسی علیه بی‌ایمانی

(۱۳۶)

<sup>۲۹</sup> و <sup>۳۰</sup> هنگامی که جمعیت انبوهی نزد او گرد آمدند، عیسی فرمود: «مردم این

۲۹:۱۱

متی ۴۰-۳۸:۱۲

۳۰:۱۱

یونس ۱۷:۱ ؛ ۱۰:۲

پادشاه خوبی‌بها را نابود می‌ساخت، پادشاه بدی دوباره آنها را بر پا می‌داشت. کافی نیست که ارواح ناپاک و شرارت از وجود ما خارج شود، بلکه بعد از آن، باید از قدرت روح‌القدس پر شویم تا نقشه جدید خدا را در زندگی‌مان عملی‌سازیم (همچنین به متی ۱۲:۴۳-۴۵ و غلاطیان ۲:۵ مراجعه کنید).

**۲۸ و ۲۷:۱۱** عیسی کسانی را مخاطب قرار می‌داد که ارزش زیادی به پیوندهای خانوادگی می‌دادند. نسب‌نامه هر خانواده یهودی تضمین‌کننده این بود که آن خانواده جزو قوم برگزیده خداست. ارزش هر مرد به اجداد او بود، و ارزش هر زن به پسرانی بود که بدنیا می‌آورد. پاسخ عیسی به آن زن، بدان معنا بود که تصمیمات فردی هر شخص مهم‌تر از جایگاه او در تبار خانوادگی است. در کنار تأکید لوقا بر خدمت عیسی به زنان، پاسخ عیسی نیز نشان می‌دهد که اهمیت زن فقط به توانایی تولید مثل او نیست.

**۲۹ و ۳۰:۱۱** وقتی عیسی از رویداد مربوط به یونس برای نشان دادن مرگ و قیام قریب‌الوقوعش استفاده کرد، عملاً واقعه تاریخی زندگی یونس و صحت ماجرای

**۲۳:۱۱** عیسی می‌فرماید: «هر که طرفدار من نباشد، بضد من است»، در حالیکه قبلاً گفته بود: «کسی که بر ضد شما نباشد، از شماست». کسانی که نسبت به مسیحیان بی‌طرفند، در واقع بیش از آنکه علیه آنها کار کنند، به آنها کمک می‌کنند چون با بی‌طرف ماندن، مانعی در مقابل آنان ایجاد نمی‌کنند. اما در عین حال که مردم می‌توانند نسبت به مسیحیان بی‌طرف باشند، نمی‌توانند در رابطه‌شان با عیسی بی‌طرف بمانند. شما نمی‌توانید در جنگ بین عیسی و شیطان بی‌طرف باشید. شما نمی‌توانید خود را کنار بکشید یا موضع نامشخصی اتخاذ کنید، چون فقط دو طرف وجود دارد و باید یکی از آنها را انتخاب کنید. از آنجا که تا حالا خدا برنده این جدال بوده، چرا شما طرف بازنده باشید؟ اگر بطور جدی طرفدار مسیح نباشید، پس علیه او کار می‌کنید.

**۲۴-۲۶:۱۱** منظور عیسی اشاره به گرایشی است در انسان که همواره با شکست روبرو می‌شود، به این معنا که میل به اصلاح شدن، اغلب اوقات زیاد در وجود انسان دوام نمی‌آورد. در تاریخ یهود، تقریباً به محض آنکه

دوره و زمانه چقدر شروند! همواره از من طالب علامتی هستند تا یقین حاصل کنند که من همان مسیح موعود می‌باشم. اما تنها علامتی که من به آنان نشان خواهم داد، رویدادی است نظیر آنچه بر یونس پیامبر گذشت، که به مردم نینوا ثابت کرد که خدا او را فرستاده است. علامت من نیز به این مردم ثابت خواهد کرد که از جانب خدا آمده‌ام.

۳۱ «در روز داوری، «ملکه سبا» بر خواهد خاست و مردم این دوره و زمانه را محکوم خواهد ساخت، زیرا او با زحمت فراوان، راهی دراز را پیمود تا بتواند سخنان حکیمانه «سلیمان» را بشنود. اما شخصی برتر از سلیمان در اینجاست و چه کم هستند آنانی که به او توجه می‌کنند.

۳۲ «در آن روز، مردم شهر نینوا بر خواهند خاست و مردم این نسل را محکوم خواهند ساخت، زیرا آنها بر اثر موعظه یونس توبه کردند. درحالی‌که شخصی برتر از یونس در اینجاست اما این مردم توجهی به او ندارند.

### تعلیم عیسی درباره نور درون

(۱۳۷)

۳۳ «هیچکس چراغ را روشن نمی‌کند تا پنهانش سازد، بلکه آن را در جایی می‌آویزد که نورش بر هر که وارد اطاق می‌شود، بتابد. ۳۴ چشم نیز چراغ وجود است! چشم پاک همچون تابش آفتاب، اعماق وجود انسان را روشن می‌کند. اما

۳۳:۱۱  
متی ۱۵:۵  
مر ۲۱:۴  
لو ۱۶:۸  
۳۴:۱۱  
متی ۲۲:۶

۳۱:۱۱ و ۳۲ مردم نینوا و ملکه سبا با دیدن شواهدی به مراتب کمتر از شواهدی که عیسی به شنوندگانش ارائه می‌داد، و ما نیز امروز آنها را در اختیار داریم، بسوی خدا باز گشتند. ما شواهد زیادی داریم، از جمله گزارش شاهدان عینی عیسی قیام کرده، جاری شدن قدرت بی‌وقفه روح‌القدس که در روز پنتیکاست بدون محدودیت ریخت، دسترسی آسان به کتاب مقدس، و شناخت دو هزار ساله از مسیح که از طریق کلیسایش در تاریخ ظاهر شده است. آیا شما بهره کامل از فرصت‌هایی می‌برید که برای شناخت خدا به شما دست می‌دهد؟

۳۳:۱۱-۳۴ نور، مسیح است، و چشم، نمایانگر درک روحانی و بصیرت می‌باشد. شهوت از حساسیت چشم می‌کاهد و جلو نور حضور مسیح را می‌گیرد. شهوت فقط به میل جنسی غیرطبیعی اطلاق نمی‌شود و به معنای هر نوع میل غیرطبیعی یا حرص برای هر چیزی می‌باشد. اگر در دیدن عمل خدا مشکل دارید، دید خود را مورد بررسی قرار دهید. آیا امیال گناه‌آلودی در شما هست که شما را نسبت به مسیح کور کرده باشد؟

او در کتاب یونس نبی را نیز تصدیق نمود. خدا از یونس خواست که برای غیریهودیان درباره توبه از گناه موعظه کند. عیسی با این سخنان، بر پیغام یونس صحنه می‌گذاشت و تأیید می‌کرد که نجات فقط برای یهودیان نیست، بلکه برای همه مردم است.

۲۹:۱۱-۳۲ وقتی یونس پیغام خدا را برای آشوری‌های ستمکار و جنگ‌طلب اعلام کرد (با آنکه یونس واقعاً به فکر آنها نبود)، ایشان توبه کردند. وقتی ملکه بی‌دین سرزمین سبا درباره حکمت سلیمان شنید، با آنکه سلیمان پسر از عیب و خطا بود، خدای اسرائیل را ستود. برعکس وقتی عیسی، پسر بی‌عیب خدا، نزد مردمی که بسیار دوستشان داشت آمد، او را رد کردند. بنابراین، قوم برگزیده خدا، با این کارشان خود را بیش از حتی قومی شرور و بدنام یا ملکه‌ای بت‌پرست و قدرتمند، سزاوار مجازات خدا کردند. این آیات را با لوقا ۱۰:۱۰-۱۵ مقایسه کنید. در آنجا عیسی می‌فرماید که مجازات شهرهای شرور سدوم، عموره، صور، و صیدون سبکتر از مجازات شهرهای یهودیه و جلیل که پیغام عیسی را نپذیرفتند، خواهد بود.

چشم ناپاک و گناه‌آلود، جلو تابش نور را می‌گیرد و انسان را غرق تاریکی می‌سازد. <sup>۳۵</sup> پس هشیار باشید، مبدا بجای نور، تاریکی بر وجودتان حکمفرما باشد! <sup>۳۶</sup> اگر باطن شما نورانی بوده و هیچ نقطه تاریکی در آن نباشد، آنگاه سراسر وجودتان درخشان خواهد بود، گویی چراغی پر نور بر شما می‌تابد.»

### انتقاد عیسی از علمای دین

(۱۳۸)

<sup>۳۷</sup> و <sup>۳۸</sup> وقتی عیسی سخنان خود را به پایان رسانید، یکی از فریسی‌ها، او را برای صرف غذا به خانه خود دعوت کرد. عیسی دعوت او را پذیرفت و به خانه او رفت. وقتی بر سر سفره می‌نشستند، عیسی برخلاف رسم یهود، دستهای خود را نشست. میزبان بسیار تعجب کرد!

۳۸:۱۱  
مر ۳:۷

<sup>۳۹</sup> عیسی به او فرمود: «شما فریسیان، ظاهران را می‌شوید و پاک می‌سازید، اما باطنتان ناپاک است و پر از حرص و طمع و شرارت! <sup>۴۰</sup> ای نادانان، آیا همان خدایی که ظاهر را ساخت، باطن را نساخت؟ <sup>۴۱</sup> اما بهترین نشانه پاکی باطن، همانا سخاوتمندی و گشاده دستی است.

۳۹:۱۱  
متی ۲۵:۲۳  
۲ تیمو ۵:۳  
تیط ۱۵:۱  
۴۱:۱۱  
اش ۷:۵۸

<sup>۴۲</sup> «وای بر شما ای فریسی‌ها که هر چند با دقت کامل، یک دهم تمام درآمدها را در راه خدا می‌دهید، اما عدالت و محبت خدا را بکلی فراموش کرده‌اید. یک دهم در آمد را البته باید داد، اما عدالت و محبت را نیز نباید فراموش کرد.

۴۲:۱۱  
متی ۲۳:۲۳  
اسمو ۲۲:۱۵  
هو ۶:۶

<sup>۴۳</sup> «وای بر شما ای فریسی‌ها، که دوست دارید در عبادتگاه‌ها در صدر بنشینید و در کوچه و بازار از مردم احترام ببینید! <sup>۴۴</sup> چه عذاب هولناکی در انتظار شماست! شما مانند قبرهایی هستید که در صحرا میان علفها پنهانند، مردم از کنارتان رد می‌شوند بی آنکه بدانند چقدر فاسد هستید.»

۴۳:۱۱  
متی ۷:۵  
مر ۱۲:۳۸ و ۳۹

**۴۲:۱۱** ساده است که کمک نکردن به دیگران را به دلیل دادن هدایا و ده‌یک به کلیسا موجه جلوه دهیم، اما کسی که پیرو عیسی است باید در احتیاجات همسایگان نیازمندش سهیم شود. در عین حال که دادن ده‌یک برای حیات کلیسا اهمیت دارد، اما دلسوزی و همدردی ما نباید به همین جا ختم شود. هر جا که می‌توانیم کمک کنیم، باید کمک کنیم.

**۴۴:۱۱** طبق حکم شریعت، کسی که به قبری دست می‌زد نجس می‌شد (اعداد ۱۶:۱۹). عیسی فریسیان را محکوم کرد که بخاطر فساد روحانی‌شان، دیگران را نجس می‌سازند. آنها مانند قبرهایی که در صحرا میان علفها پنهانند، هر کسی را که با آنها تماس پیدا می‌کرد، نجس می‌ساختند.

**۳۷:۱۱-۳۹** این شستشو به دلایل بهداشتی صورت نمی‌گرفت، بلکه مظهر پاکی اخلاقی بود. فریسیان نه تنها این عمل را در مقابل همه انجام می‌دادند، بلکه به همه دستور داده بودند این فریضه را انجام دهند، فریضه‌ای که در اصل فقط برای کاهنان مقرر شده بود.

**۴۱:۱۱** فریسیان دوست داشتند خود را پاک بدانند، اما خساست ایشان نسبت به خدا و فقرا ثابت کرد که آنها آنقدر که خودشان فکر می‌کردند، پاک نبودند. از ثروتی که خدا به شما محول کرده، چگونه استفاده می‌کنید؟ آیا در رفع نیازهای اشخاص پیرامون خود، سخاوتمندانه عمل می‌نمایید؟ سخاوتمندی، پاکی درون شما را بیشتر آشکار می‌کند؟

۴۵ یکی از علمای دین که در آنجا ایستاده بود، به عیسی گفت: «استاد، با این سخنانت به ما نیز توهین کردی!»

۴۶ عیسی فرمود: «بلی، همین عذاب هولناک در انتظار شما نیز هست. شما تکالیف دینی بسیار سنگینی بر دوش مردم می‌گذارید، و هیچ نمی‌کوشید آنها را به گونه‌ای تعلیم دهید که انجامشان برای مردم آسانتر گردد. ۴۷ وای بر شما، چون درست مانند اجداد خود هستید که در گذشته پیامبران خدا را کشتند. ۴۸ شما کارهای شرم‌آور پدرانتان را تصدیق می‌کنید و اگر خودتان هم بودید، همان کارها را می‌کردید.

۴۹ «از همین روست که خدا با حکمتی که دارد درباره شما فرموده است: پیامبران و رسولان نزد شما خواهم فرستاد، اما شما برخی را کشته، و برخی دیگر را آزار خواهید رساند. ۵۰ بنابراین، خدا انتقام خون همه انبیاء را که از ابتدای پیدایش جهان تابحال ریخته شده است، از شما خواهد گرفت، ۵۱ از خون «هاییل» گرفته تا خون «زکریا» که در خانه خدا در میان قربانگاه و جایگاه مقدس کشته شد. بلی، خون همه آنها به گردن شماست! ۵۲ وای بر شما ای علمای دین، چون حقیقت را از مردم پنهان می‌کنید، نه خودتان آن را می‌پذیرید و نه می‌گذارید دیگران به آن ایمان بیاورند.»

۴۶:۱۱  
متی ۴:۲۳

۴۷:۱۱  
متی ۲۳:۲۳-۳۶  
اعما ۵۱:۷ و ۵۲

۴۸:۱۱  
اعما ۱:۸، ۲۰:۲۲

۴۹:۱۱  
امت ۲۲:۸-۳۱

متی ۱۹:۱۱-۲۳:۳۴

لو ۳۵:۷

اقرن ۱:۲۴-۳۰

کول ۲:۲

۵۰:۱۱

اتسا ۲:۱۵

۵۱:۱۱

پیدا ۴:۸

اتوا ۲۰:۲۴ و ۲۱

۵۲:۱۱

متی ۱۳:۲۳

شد؟ چون آنها مسیح مُجَسَّم را که تمام تاریخ ایشان و پیشگوییها به او اشاره داشتند، رد کردند.

۵۲:۱۱ علمای دین چطور حقیقت را پنهان می‌کردند؟ آنها با تفسیرهای نادرست از کتاب مقدس و با قوانینی که خودشان به احکام خدا اضافه کرده بودند، درک حقیقت خدا و عمل کردن به آن را برای مردم دشوار ساخته بودند. بالاتر از همه، آنها الگوی بدی بودند و با گذاشتن تکالیف دینی بر دوش دیگران، مردم را متقاعد به الگو گرفتن از آنها می‌کردند. ایشان که در مذهب ساخته و پرداخته خودشان گرفتار شده بودند، دیگر نمی‌توانستند مردم را بسوی خدا هدایت کنند. آنها در محبت خدا را به روی مردم بسته و کلید آن را دور انداخته بودند.

۵۲:۱۱ عیسی بشدت از فریسیان انتقاد کرد، چون آنها (۱) دستهایشان را می‌شستند اما دل‌هایشان را شستشو نمی‌دادند؛ (۲) دادن ده یک را فراموش نمی‌کردند اما اجرای عدل و داد را از یاد برده بودند؛ (۳) دوست داشتند مردم ایشان را تحسین کنند؛ (۴) تکالیف دینی بسیار سنگینی وضع کرده بودند؛ و (۵) حقیقت را درباره عیسی نمی‌پذیرفتند و مانع ایمان آوردن دیگران نیز می‌شدند. آنها با معطوف کردن توجه خود به ظواهر و بی‌توجهی به وضعیت درونی‌شان، در اشتباه افتاده بودند. ما نیز اگر انگیزه خدمت‌مان، دیده شدن

۴۶:۱۱ این «تکالیف دینی بسیار سنگین» جزئیاتی بودند که فریسیان به احکام خدا اضافه کرده بودند. مثلاً به این حکم خدا که گفته «روز شنبه را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی» (خروج ۸:۲۰)، دستورالعملهایی اضافه کرده بودند راجع به اینکه شخص در روز شنبه تا چه مسافتی را می‌توانست پیاده برود، چه نوع ازدواج‌هایی می‌توانست صورت بگیرد، و حمل چه مقدار بار مجاز بود. شفا دادن در روز شنبه عملی غیرشرعی محسوب می‌شد، گرچه نجات دادن حیوانی که در تله می‌افتاد، مجاز بود (۵:۱۴). بنابراین، تعجیبی ندارد که عیسی آنها را بخاطر چیزهایی که به احکام خدا اضافه کرده بودند، محکوم کند.

۴۹:۱۱ پیامبران خدا در طول تاریخ مورد اذیت و آزار قرار گرفته و به قتل رسیده بودند. اما مردم این نسل، شخصی فراتر از یک پیامبر را، خود خدا را رد کردند. این نقل قول از عهدعتیق نیست. عیسی پیغامی را از طرف خدا نبوت می‌کرد.

۵۱ و ۵۰:۱۱ مرگ هاییل در پیدایش ۴:۸ ثبت شده است. در این خصوص، به تاریخچه زندگی او در پیدایش فصل ۵ مراجعه کنید. مرگ زکریای نبی در ۲ تواریخ ۲۴:۲۰-۲۲ (آخرین کتاب از فهرست کتاب مقدس عبری) ثبت شده است. چرا همه این گناهان به گردن این نسل خاص گذاشته

۵۳ وقتی عیسی از آن محفل بیرون آمد، فریسی‌ها و علمای دین که از سخنان او بسیار خشمگین شده بودند، او را به سختی مورد انتقاد قرار داده، کوشیدند با سؤالات خود او را در تنگنا قرار دهند. ۵۴ ایشان از آن پس در صدد برآمدند که با استفاده از سخنان خودش او را به دام بیندازند و گرفتارش سازند.

۵۳:۱۱  
مر ۱۳:۱۲

### سخنان عیسی برضد ریاکاری

(۱۳۹)

۱۲ هنگامی که هزاران نفر ازدحام نموده بودند، بطوری که یکدیگر را پایمال می‌کردند، عیسی نخست رو به شاگردان کرد و به ایشان فرمود: «از فریسی‌های خوش‌ظاهر و بدباطن برحذر باشید! زیرا همانگونه که خمیرمایه در تمام خمیر اثر می‌کند، همانطور ریاکاری فریسیان نیز انسان را آلوده می‌سازد. ۲ بدانید که چیزی پنهان نیست که روزی آشکار و عیان نگردد. ۳ بنابراین، آنچه ایشان در تاریکی گفته‌اند، در روشنایی شنیده خواهد شد، و آنچه در اتاقهای در بسته در گوش گفته‌اند، بر بامها اعلام خواهد شد تا همه بشنوند!

۱:۱۲  
متی ۱۲:۱۶، ۱۷

۲:۱۲  
متی ۲۳:۲۶-۳۳  
مر ۲۲:۴  
لو ۱۷:۸

### توکل و اعتماد به خدا

۴ «ای دوستان من، از آنانی نترسید که قادرند فقط جسمتان را بکشند، چون نمی‌توانند به روحتان آسیبی برسانند! ۵ اما به شما خواهم گفت از که بترسید: از خدایی بترسید که هم قدرت دارد بکشد و هم به جهنم بیندازد. بلی، از او باید ترسید.

۵:۱۲  
عبر ۳۱:۱۰  
مکا ۱۷:۱ و ۱۸

شاگردانش هشدار داد. ریاکاری یعنی اینکه کسی دلش از خدا دور باشد، اما سعی کند خود را خداپرست نشان دهد. فریسیان نمی‌توانستند تا ابد حالت درونی‌شان را مخفی نگه دارند. خودخواهی ایشان مانند خمیرترش که در تمام خمیر اثر می‌کند، گسترش می‌یافت، و بزودی برای همه فاش می‌شد که آنها در حقیقت شیادانی هستند تشنه قدرت، نه رهبران مذهبی وقف‌شده. دل شما کجاست؟ آیا به خدا نزدیک است یا دور؟

۱۲:۵۴ ترس از مخالفت یا تمسخر می‌تواند شهادت ما را درباره مسیح تضعیف کند. بیشتر اوقات، ما به صلح و آسایش می‌چسبیم، حتی به بهای قطع رابطه با مسیح. اینجا عیسی به ما یادآوری می‌کند که ما باید از عواقب ابدی و نه صرفاً موقتی بترسیم. نگذارید ترس از یک شخص یا یک گروه مانع این شود که در مسیح پایدار بمانید.

اعمالمان باشد و نه خدمتی برخاسته از دلی پاک و محبت نسبت به دیگران، همان کار فریسیان را می‌کنیم. دیگران ممکن است فریب ظاهر را بخورند، اما خدا فریب نمی‌خورد. فقط در ظاهر مسیحی نباشید. زندگی مخفی خود را در کنترل خدا قرار دهید، که در آن صورت بطور طبیعی زندگی بیرونی‌تان درونتان را منعکس خواهد کرد.

۱۱:۵۳ و ۵۴ فریسیان امیدوار بودند عیسی را بخاطر کفرگویی، بدعت‌گزاری، و زیرپا گذاشتن شریعت گرفتار سازند. آنها با سخنانی که عیسی درباره آنان بیان کرد، به خشم آمدند، اما نتوانستند او را بخاطر گفته‌هایش گرفتار سازند. برای خلاصی یافتن از دست عیسی می‌بایست راهی قانونی پیدا می‌کردند.

۱۲:۲۰ وقتی عیسی دید جمعیت عظیمی به او نزدیک می‌شود تا به سخنان او گوش دهد، درباره ریاکاری به

۶ «مگر پنج گنجشک به قیمتی ارزان خرید و فروش نمی‌شوند؟ باوجود این، خدا حتی یکی از آنها را فراموش نمی‌کند! ۷ او حتی حساب موهای سر شما را نیز دارد! پس هرگز نترسید! چون در نظر خدا، شما بسیار عزیزتر از گنجشکان هستید.

۸ «یقین بدانید که اگر نزد مردم اعلام نمایم که پیرو من می‌باشید، من نیز در حضور فرشتگان خدا، شما را دوست خود اعلام خواهم نمود. ۹ اما کسانی که پیش مردم مرا انکار کنند، من نیز ایشان را در حضور فرشتگان خدا انکار خواهم نمود. ۱۰ با این حال، آنانی که بضد من چیزی بگویند، در صورت توبه بخشیده خواهند شد، اما آنانی که بضد روح القدس سخنی گویند، هرگز بخشیده نخواهند شد.

۱۱ «هنگامی که شما را برای محاکمه، به عبادتگاه‌های یهود و نزد بزرگان و حاکمان می‌برند، نگران نباشید که برای دفاع از خود، چه بگویید، ۱۲ چون روح القدس همان لحظه به شما خواهد آموخت که چه بگویید.»

۸:۱۲

روم ۱۱-۹:۱۰

مکا ۵:۳

۹:۱۲

مر ۳۸:۸

لو ۲۶:۹

۲ تیمو ۱۲:۲

۱۰:۱۲

متی ۳۱:۱۲ و ۳۲

مر ۲۹:۸۳ و ۲۹

ایو ۱۶:۵

۱۱:۱۲

خرو ۱۲:۴

متی ۱۹:۱۰ و ۲۰

مر ۱۱:۱۳

لو ۱۵:۲۱ و ۱۵

۱ پتر ۷:۵

۷:۱۲ بهای واقعی ما را خدا ارزیابی می‌کند نه ارزیابی اطرافیانمان. سایر مردم ما را برحسب نحوه عملکرد، میزان موفقیت‌ها، و ظاهرمان ارزیابی و طبقه‌بندی می‌کنند. اما محبت خدا اساس واقعی ارزش ما را به ما نشان می‌دهد، چون ما به او تعلق داریم.

۹:۸-۱۲ ما زمانی عیسی را انکار می‌کنیم که: (۱) دوست نداشته باشیم کسی بفهمد ما مسیحی هستیم؛ (۲) تصمیم نداشته باشیم درباره راستی به صراحت و آزادانه سخن بگوییم؛ (۳) درباره رابطه‌مان با خدا چیزی نگوییم؛ (۴) همرنگ جماعت شویم؛ (۵) و ارزشهای غیرمسیحی فرهنگ خود را بپذیریم. برعکس، ما زمانی اعلام می‌کنیم که پیرو او هستیم که: (۱) زندگی پاک، و شرافتمندانه داشته باشیم، زندگی‌ای که باعث جلال مسیح می‌شود؛ (۲) دنبال فرصت‌هایی باشیم که ایمانمان را با دیگران در میان بگذاریم؛ (۳) به نیازمندان کمک کنیم؛ (۴) برای عدالت بایستیم؛ (۵) دیگران را دوست داشته باشیم؛ (۶) وفاداری خود را به او اعلام کنیم؛ (۷) و زندگی و تواناییهای خود را در جهت انجام خواسته‌های او نه خواسته‌های خودمان، بکار ببریم.

۱۰:۱۲ عیسی می‌فرماید که گناه به روح‌القدس غیرقابل بخشش است. این امر گناه بسیاری از مسیحیان وفادار را نگران می‌سازد، اما نگرانی ضرورتی ندارد. گناه به روح‌القدس به معنی عدم پذیرش کار روح‌القدس و نتیجتاً کار خود خدا بطور عمد و بصورت پیشرونده است. کسی

که مرتکب چنین گناهی می‌شود، تمام و کمال رابطه‌اش با خدا قطع می‌گردد بطوری که ابداً متوجه گناهان خود نمی‌گردد. کسی که می‌ترسد مبدا مرتکب چنین گناهی شود، با نگرانی‌ای که از این بابت دارد، نشان می‌دهد که مرتکب این گناه نشده است.

۱۲:۱۱-۱۲ شاگردان می‌دانستند که هرگز نمی‌توانند در مباحثات دینی بر علمای مذهبی یهود که از تحصیلات بالایی برخوردار بودند، غالب شوند. با این همه، آنها می‌بایست خود را آماده می‌ساختند. عیسی وعده داد که روح‌القدس سخنان لازم را در اختیار آنها خواهد گذاشت. شهادت شاگردان نمی‌بایست آنها را با ابهت نشان می‌داد، اما در عین حال بایستی کار خدا در دنیا از طریق زندگی عیسی را خاطر نشان می‌ساخت. ما باید دعا کنیم تا فرصت‌هایی برای سخن گفتن درباره خدا به ما دست دهد، و همچنین به او اعتماد داشته باشیم که او از طریق سخنانمان به ما کمک خواهد کرد. اما وعده عیسی مبنی بر دادن شهادت به ما، دلیل بر این نیست که ما خود را آماده نکنیم. به خاطر بیاورید که این شاگردان طی سه سال تجربه، تعلیم مسیح و کاربرد عملی آن را آموخته بودند. ما نیز باید کلام خدا را مطالعه کنیم. به این ترتیب، خدا حقایقش را در مواقعی که شدیداً به آنها احتیاج داریم، به یاد ما خواهد آورد و کمک خواهد کرد تا آنها را به مؤثرترین شکل ارائه دهیم.

## حکایت ثروتمند نادان

(۱۴۰)

۱۳ در این هنگام، شخصی از میان جمعیت گفت: «استاد، به برادرم بفرما که ارث پدرم را با من تقسیم کند!»

۱۴ عیسی جواب داد: «ای مرد، چه کسی تعیین کرده که من قاضی شما باشم تا درباره این موضوع حکم کنم؟<sup>۱۵</sup> اما اگر از من می‌شنوید، از طمع فرار کنید، چون زندگی حقیقی به ثروت بستگی ندارد.»

۱۶ سپس این داستان را برای ایشان بیان کرد: «شخصی ثروتمند از مزرعه خود محصول فراوانی بدست آورد،<sup>۱۷</sup> بطوری که تمام انبارهایش پر شد، اما هنوز مقدار زیادی غله باقی مانده بود. پس از تفکر بسیار، بالاخره با خود گفت: "انبارهایم را خراب می‌کنم و انبارهای بزرگتری می‌سازم تا جای کافی برای محصول خود داشته باشم."<sup>۱۹</sup> آنگاه به خود خواهد گفت: ای مرد خوشبخت، تو برای چندین سال، محصول فراوان ذخیره کرده‌ای! حالا دیگر راحت باش و به عیش و نوش پرداز و خوش بگذران!»

۲۰ «اما خدا به او فرمود: "ای نادان! همین امشب جانت را خواهم گرفت. آنگاه اموالی که اندوخته‌ای، به چه کسی خواهد رسید؟"

۲۱ «بلی، نادان است هر که در این دنیا مال و ثروت جمع کند، اما توشه‌ای برای آخرت نیندوزد!»

۱۴:۱۲

اعما ۲۷:۷

۱۵:۱۲

اتیمو ۱۰-۶:۶

عبر ۵:۱۳

۱۹:۱۲

امت ۱:۲۷

اقرن ۱۵:۳۲

یعقو ۵:۱-۵

۲۰:۱۲

ایو ۸:۲۷

مز ۵:۳۹ و ۶

۲۱:۱۲

عبر ۹:۲

اتیمو ۱۹ و ۱۸:۶

یعقو ۵:۲

مساعده‌تر، و راحت‌تر خواهیم بود. به فشاری که دائماً برای خرید کردن بر شما اعمال می‌شود، چه واکنشی نشان می‌دهید؟ یاد بگیرید چیزهای وسوسه‌انگیز و گرانقیمت را از برنامه خرید خود خارج کنید و بر زندگی خوب متمرکز شوید، که همانا زندگی کردن با خدا و انجام اراده اوست. **۱۶:۱۲-۲۱** در داستان عیسی، آن مرد پیش از آنکه بتواند از چیزهایی که در انبارهای بزرگش جمع کرده بود استفاده کند، مُرد. برنامه‌ریزی برای دوران بازنشستگی یا عبارتی دیگر تدارک دیدن برای زندگی **قبل** از مرگ، کار عاقلانه‌ای است، اما بی‌توجهی به زندگی **بعده** از مرگ مصیبت‌بار است. اگر شما ثروت می‌اندوکید، فقط برای اینکه خودتان ثروتمند شوید و هیچ به فکر کمک به دیگران نباشید، دست خالی وارد ابدیت خواهید شد.

**۱۹ و ۱۸:۱۲** چرا پول پس‌انداز می‌کنید؟ برای بازنشسته شدن؟ برای خرید اتومبیل یا وسایل سرگرمی گرانتر؟ برای داشتن امنیت؟ عیسی ما را دعوت می‌کند تا به واری اهداف محدود و این‌جهانی بیندیشیم و هرچه را که خدا به ما داده، در جهت کمک به دیگران بکار ببریم.

**۱۳:۱۲** برای حل و فصل این قبیل مشکلات، اغلب به معلمین و ربی‌های یهود مراجعه می‌شد. پاسخ عیسی گرچه مستقیماً به موضوع مربوط نمی‌شد، اما در همان راستا بود. به بیان دقیق‌تر، عیسی به موضوع مهم‌تری می‌پردازد و آن، نگرش صحیح نسبت به ثروت‌اندوزی است. زندگی واری مادیات است و رابطه ما با خدا به مراتب مهم‌تر از مادیات است. عیسی دست روی قلب آن شخص سؤال‌کننده گذاشت. وقتی مشکلاتمان را در دعا بحضور خدا می‌آوریم، او اغلب همین کار را می‌کند، یعنی به ما نشان می‌دهد که چقدر باید نگرش خود را نسبت به مشکل تغییر دهیم و چطور در نگرش جدید رشد کنیم. جوابی که خدا به مشکل ما می‌دهد، بیشتر اوقات متفاوت با آن چیزی است که ما انتظارش را داریم، اما مؤثرتر است.

**۱۵:۱۲** عیسی می‌گوید که زندگی خوب ربطی به ثروت ندارد. این درست برعکس آن چیزی است که معمولاً جامعه به آن معتقد است. آنگهی دهندگان میلیونها دلار خرج می‌کنند تا ما را ترغیب نمایند که فکر کنیم اگر از محصولات آنها بیشتر و بیشتر بخریم، خوشحالت‌تر، در وضع

## برحذر بودن از غصه خوردن

(۱۴۱)

<p>۲۲:۱۲ متی ۲۵:۶-۳۳ فیل ۶:۴</p> <p>۲۴:۱۲ ایو ۴۱:۳۸ مز ۹:۱۴۷</p> <p>۲۵:۱۲ مز ۵:۳۹</p> <p>۲۷:۱۲ ۱ پاد ۱۰-۱:۱۰</p> <p>۳۰:۱۲ متی ۸:۶ فیل ۱۹:۴</p> <p>۳۲:۱۲ دان ۲۷:۷ فس ۵:۱ ۳۳:۱۲ متی ۱۹:۶-۲۱ : ۲۱:۱۹ اعما ۴۵:۲ : ۳۴:۴</p>	<p>۲۲ آنگاه به شاگردان خود فرمود: «هرگز برای خوراک و پوشاک غصه نخورید،<sup>۲۳</sup> زیرا زندگی بسیار با ارزشتر از خوراک و پوشاک است!<sup>۲۴</sup> کلاغها را ملاحظه کنید! نه می کارند، نه درو می کنند و نه انبار دارند تا خوراک را ذخیره کنند، زیرا روزی آنها را خدا می رساند. اما شما در نظر خدا بسیار عزیزتر از پرندگان هستید!<sup>۲۵</sup> بعلاوه، با نگرانی و غصه خوردن چه کاری از پیش می برید؟ آیا می توانید حتی یک لحظه به عمر خود بیفزایید؟ هرگز!<sup>۲۶</sup> پس اگر با غصه خوردن، حتی قادر به انجام کوچکترین کار هم نیستید، پس چرا برای امور بزرگتر نگران و مضطرب می شوید؟</p> <p>۲۷ «گلهای وحشی را بنگرید که چگونه رشد و نمو می کنند! نه نخ می ریسند و نه می بافند. باوجود این، حتی سلیمان پادشاه نیز با آن همه شکوه و جلال، همچون یکی از این گلها آراسته نبود!<sup>۲۸</sup> پس اگر خدا به فکر پوشاک گلهاست، گلهایی که امروز سبز و خرمند و فردا پژمرده می شوند، آیا به فکر پوشاک شما نخواهد بود، ای سست ایمانان؟!<sup>۲۹</sup> برای خوراک نیز نگران نباشید که چه بخورید و چه بنوشید! غصه نخورید، چون خدا روزی شما را می رساند.<sup>۳۰</sup> مردم بی ایمان تمام زندگی خود را صرف بدست آوردن این چیزها می کنند، اما پدر آسمانی شما بخوبی می داند که شما به همه اینها نیاز دارید.<sup>۳۱</sup> بنابراین، ملکوت خدا را هدف زندگی خود قرار دهید، و خدا خودش همه نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت.</p> <p>۳۲ «پس ای گله کوچک من، نترسید! چون رضای خاطر پدر شما در اینست که ملکوت را به شما عطا فرماید.<sup>۳۳</sup> بنابراین، هر چه دارید بفروشید و به فقرا بدهید تا برای آخرت خود، گنج و ثروتی اندوخته باشید، ثروتی که هرگز تلف</p>
--	--

سازید. او باید بر هر جنبه از زندگی شما، بر کار، تفریح، برنامه‌ها، روابط شما تسلط داشته باشد. آیا ملکوت فقط یکی از اهداف متعدد شماست، یا اینکه ملکوت در مرکز همه کارهایی است که انجام می‌دهید؟ آیا جنبه‌هایی از زندگی‌تان را از کنترل خدا خارج کرده‌اید؟ خدا که خداوند و خالق شماست، دوست دارد به شما کمک کند، احتیاجاتتان را برطرف سازد و شما را در نحوه استفاده از چیزهایی که برایتان مهیا می‌کند، هدایت کند.

۳۳:۱۲ اگر پول هدف ما باشد، خیلی زود ما را به دام می‌افکند و بین ما و خدا فاصله می‌اندازد و ما را از کمک به نیازمندان باز می‌دارد. کلید استفاده عاقلانه از پول این است که بدانیم چقدر می‌توانیم از پولی که داریم در جهت

۲۲:۱۲-۳۴ عیسی به ما دستور می‌دهد که غصه نخوریم. اما چطور می‌توانیم از غصه خوردن اجتناب کنیم؟ فقط ایمان ما می‌تواند ما را از نگرانی که در اثر حرص و طمع ایجاد می‌شود، آزاد کند. مسؤولانه کار کردن و برنامه‌ریزی کردن خوب است، اما اگر فکر و ذکرتان در برنامه‌ریزیهای خودتان باشد، دچار غصه و نگرانی خواهید شد. غصه خوردن بیهوده است چون هیچ کدام از احتیاجات ما را رفع نمی‌کند؛ غصه خوردن مسخره است چون خالق عالم ما را دوست دارد و می‌داند ما به چه چیزی احتیاج داریم.

۳۱:۱۲ ملکوت خدا را هدف زندگی خود قرار دادن. این بدین معناست که عیسی را خداوند و پادشاه زندگی خودتان

نمی‌شود و دزدها به آن دستبرد نمی‌زنند و بید، آن را تباه نمی‌سازد. <sup>۳۴</sup> زیرا گنجتان هر کجا باشد، فکر و دلتان نیز همانجا خواهد بود.

### هشدار عیسی درباره آماده شدن برای بازگشت او

(۱۴۲)

<sup>۳۵</sup> «همواره لباس بر تن، برای خدمت آماده باشید! <sup>۳۶</sup> مانند خدمتکارانی که منتظرند اربابشان از جشن عروسی بازگردد، و حاضرند هر وقت که برسد و در بزند، در را به رویش باز کنند. <sup>۳۷</sup> خوشبحال آن خدمتکارانی که وقتی اربابشان می‌آید، بیدار باشند. یقین بدانید که او خود لباس کار بر تن کرده، آنان را بر سر سفره خواهد نشاند و به پذیرایی از ایشان خواهد پرداخت. <sup>۳۸</sup> بلی، خوشبحال آن غلامانی که وقتی اربابشان می‌آید، بیدار باشند، خواه نیمه شب باشد، خواه سپیده دم! <sup>۳۹</sup> اگر صاحب خانه می‌دانست که دزد چه وقت می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت وارد خانه‌اش شود. همانگونه نیز زمان دقیق بازگشت ارباب معلوم نیست. <sup>۴۰</sup> بنابراین، شما نیز آماده باشید، زیرا من، مسیح موعود، هنگامی باز خواهم گشت که کمتر انتظارش را دارید.»

<sup>۴۱</sup> پطرس از عیسی پرسید: «خداوندا، آیا این را فقط برای ما می‌گویی یا برای همه؟»

۳۷:۱۲  
یو ۴:۱۳

۳۹:۱۲  
اتسا ۲:۵  
مکا ۱۵:۱۶

۴۰:۱۲  
مر ۳۳:۱۳ و ۳۳

و یوحنا، نویسنده کتاب مکاشفه، آن را ملکوت زمینی اصلاح‌شده پنداشته‌اند.

**۴۰:۱۲** بازگشت مسیح در زمان غیرقابل پیش‌بینی، دام یا حيله‌ای نیست که خدا به آن وسیله بخواهد ما را غافلگیر کند. در واقع، خدا بازگشت مسیح را به تأخیر می‌اندازد تا عده زیاده‌تری فرصت بیابند برای پیروی مسیح تصمیم بگیرند (به ۲ پطرس ۹:۳ مراجعه کنید). در این فاصله، ما تا بازگشت مسیح فرصت داریم اعتقاداتمان را در عمل پیاده کنیم و در ارتباط با دیگران محبت عیسی را منعکس نماییم.

کسانی که برای بازگشت خداوندشان آماده‌اند (۱) از ریاکاری دوری می‌کنند و صادقند (۱:۱۲)؛ (۲) ترسو نیستند، بلکه آماده شهادت دادن می‌باشند (۴:۱۲-۹)؛ (۳) مضطرب نیستند، بلکه اطمینان خاطر دارند (۲۵:۱۲ و ۲۶)؛ (۴) طماع نیستند، بلکه سخاوتمندند (۳۴:۱۲)؛ (۵) تبیل نیستند، بلکه سخت‌کوشند (۴۴:۱۲). آیا زندگی شما روزبروز شبیه عیسی می‌شود تا وقتی او باز می‌گردد، آماده باشید او را با شادمانی استقبال کنید؟

اهداف خدا استفاده کنیم، نه اینکه چقدر می‌توانیم برای خودمان بیندویم. آیا خدا دوست دارد کیف پولتان را لمس کند؟ آیا ثروت شما، دست شما را در کمک به دیگران باز می‌گذارد؟ اگر چنین است، گنج و ثروتی ماندنی در آسمان می‌اندوزید.

**۳۴:۱۲** شما نمی‌توانید اعمالتان را از اعتقاداتتان جدا سازید. گنج شما، اولویت‌های شما را آشکار می‌کند. حالا که اولویت‌های شما با این معیار سنجیده می‌شود که وقت، پول و نیرویتان را کجا صرف کرده‌اید، خدا چه نظری درباره شما خواهد داد؟ چگونه می‌توانید طریق استفاده از دارایی‌هایتان را طوری تغییر دهید که هرچه بهتر بازتاب ارزشهای ملکوت باشد؟

**۳۵:۱۲** عیسی بارها در تعالیمش فرمود که او این جهان را ترک خواهد کرد، اما روزی در آینده باز خواهد گشت (به متی ۲۴ و ۲۵، یوحنا ۱:۱۴-۳ مراجعه کنید). او همچنین می‌فرماید که ملکوتی برای پیروانش آماده می‌سازد. بسیاری از یونانیان، ملکوت مزبور را ملکوتی آسمانی و غیرمادی تصور می‌کردند. یهودیان، نظیر اشعیا

۴۲:۱۲

متی ۴۵:۲۴-۵۱

قرن ۲:۴

اپطر ۴:۵

۴۲ عیسی خداوند در جواب فرمود: «این را به هر خدمتکار امین و آگاهی می‌گویم که اربابش او را بر سایر خدمتکاران می‌گمارد تا در غیاب خود، خوراک و آذوقه را بموقع به ایشان بدهد. ۴۳ خوشباجال چنین خدمتکاری که وقتی اربابش باز می‌گردد، او را در حال انجام وظیفه ببیند. ۴۴ یقین بدانید که او را ناظر تمام دارایی خود خواهد ساخت.

۴۶:۱۲

اتسا ۳:۵

۴۵ «ولی ممکن است آن شخص با این تصور که اربابش به این زودی‌ها باز نخواهد گشت، به اذیت و آزار افراد زیردست خود بپردازد و وقت خود را به عیش و نوش بگذراند. ۴۶ آنگاه در روزی که انتظارش را ندارد، اربابش باز خواهد گشت و او را از مقامش برکنار کرده، به جایی خواهد فرستاد که افراد نادرست و خائن فرستاده می‌شوند.

۴۷:۱۲

اعد ۳۱:۱۵

تث ۳۰:۱-۳

۴۸:۱۲

لاو ۱۷:۵

يو ۴۱:۹ : ۲۲:۱۵

اتیمو ۱۳:۱

یعقو ۱۷:۴

۴۷ «آن خدمتکاری که وظیفه خود را بداند و به آن عمل نکند، به سختی مجازات خواهد شد. ۴۸ اما اگر کسی ندانسته عمل خلافی انجام دهد، کمتر مجازات خواهد شد. به هر که مسئولیت بزرگتری سپرده شود، بازخواست بیشتری نیز از او بعمل خواهد آمد، و نزد هر که امانت بیشتری گذاشته شود، مطالبه بیشتری نیز خواهد شد.

### هشدار عیسی درباره اختلافات آینده

(۱۴۳)

۴۹ «من آمده‌ام تا بر روی زمین آتش داوری بیفروزم، و کاش هر چه زودتر این کار انجام شود! ۵۰ اما پیش از آن، باید از تجربیاتی سخت بگذرم، و چقدر در اندوه هستم، تا آنها به پایان برسند!

۵۰:۱۲

مر ۳۸:۱۰

۴۲:۱۲-۴۴ عیسی درباره پاداشی صحبت می‌کند که به کسانی داده می‌شود که نسبت به اربابشان وفادار بوده‌اند. اگرچه ما بعضی وقتها بخاطر اطاعت از خدا پادشاهی مادی و فوری دریافت می‌کنیم، اما همیشه اینطور نیست. اگر در ازای هر عمل صادقانه‌ای پاداش مادی بگیریم، وسوسه خواهیم شد بخاطر موفقیت‌های خود فخر بفروشیم و فقط بخاطر پاداشی که می‌گیریم کار نیک انجام دهیم. عیسی گفت که اگر ما حالا بدنبال پاداش باشیم، بعداً آن را از دست خواهیم داد (به مرقس ۳:۶:۸ مراجعه کنید). پاداش آسمانی ما به بهترین وجه منعکس‌کننده کارهایی خواهد بود که روی زمین انجام داده‌ایم و خیلی بزرگتر از آن چیزی خواهد بود که بتوانیم تصورش را بکنیم.

۴۸:۱۲ عیسی به ما گفته است که تا زمان بازگشت او

چطور زندگی کنیم. ما باید گوش به زنگ آمدن او باشیم و همیشه به فرامین او عمل کنیم. اینچنین رفتار و عملکردی بطور خاص برای رهبران ضروری است. به رهبران هوشیار و وفادار فرصت‌ها و مسؤولیت‌های بیشتری داده خواهد شد. قابلیت‌ها، استعدادها و درک ما هر مقدار بیشتر باشد، مسؤولیت بیشتری برای استفاده مؤثر از آنها خواهیم داشت. ما نباید در خدمت کردن مردم باشیم یا از آن سر باز زنیم، یا از روی ناچاری خدمت کنیم.

۵۰:۱۲ تجربیات سختی که عیسی به آن اشاره کرد، مرگ قریب‌الوقوع او بر روی صلیب بود. او هم درباره درد جسمانی وحشتناک خود سخن می‌گفت و هم در مورد درد روحانی که می‌بایست در اثر جدایی کامل از خدا بخاطر مردن در راه گناهان جهان تحمل کند.

۵۱ «آیا تصور می‌کنید که آمدن من باعث صلح و آشتی مردم با یکدیگر می‌شود؟ نه! بلکه بخاطر من، مردم با یکدیگر اختلاف پیدا خواهند کرد،<sup>۵۲</sup> و خانواده‌ها از هم پاشیده خواهند شد! دو نفر به جانب من خواهند بود و سه نفر بصد من.<sup>۵۳</sup> نظر پدر خانواده درباره من، با نظر پسرش متفاوت خواهد بود. همچنین مادر با دختر، و عروس با مادر شوهر اختلاف نظر پیدا خواهند کرد.»

۵۱:۱۲  
متی ۳۴:۱۰-۳۶  
میخا ۶:۷  
یو ۴۳:۷ ؛ ۱۶:۹ ؛ ۱۹:۱۰

### هشدار عیسی درباره بلاهای آینده

(۱۴۴)

۵۴ سپس رو به جماعت کرد و فرمود: «وقتی می‌بینید ابرها از سوی مغرب می‌آیند، می‌گویید که باران خواهد آمد و همانطور نیز می‌شود.<sup>۵۵</sup> و هنگامی که باد جنوبی می‌وزد، می‌گویید که امروز هوا گرم خواهد شد، و همانگونه نیز می‌شود.<sup>۵۶</sup> ای ریاکاران، شما قادرید وضع آب و هوا را پیش‌بینی کنید، اما نمی‌خواهید تشخیص دهید که در چه زمانی زندگی می‌کنید، و نمی‌خواهید درک کنید که رویدادهای حاضر چه بلایایی را هشدار می‌دهند!<sup>۵۷</sup> چرا نمی‌خواهید حقیقت را بپذیرید؟

۵۴:۱۲  
متی ۲:۱۶ و ۳  
۵۵:۱۲  
ایو ۱۷:۳۷

۵۶:۱۲  
لو ۳۱ و ۳۰:۲۱

۵۸ «وقتی کسی از تو شاکی است و تو را به دادگاه می‌برد، سعی کن پیش از رسیدن به نزد قاضی، با او صلح کنی، مبادا تو را به زندان بيفکنند.<sup>۵۹</sup> چون اگر به زندان بیفتی، از آنجا بیرون نخواهی آمد، مگر آنکه تا دینار آخر را پردازی!»

۵۸:۱۲  
امت ۱۰-۸:۲۵  
متی ۲۶ و ۲۵:۵

مدون، کشاورزی بوده است. کشاورز برای امرار معاش خود مستقیماً به وضع هوا متکی بود. او به نور خورشید و باران احتیاج داشت، نه خیلی زیاد و نه خیلی کم، تا بتواند معاش خود را تأمین کند، و از اینرو در پیش‌بینی وضع آب و هوا از روی علائم طبیعی مهارت پیدا می‌کرد. عیسی درباره رویداد تکان‌دهنده‌ای وعظ می‌کرد که حتی مهم‌تر از محصول سالیانه بود؛ او درباره آمدن ملکوت سخن می‌گفت. ملکوت نیز مانند رگبار یا روز آفتابی که علائمی برای پیش‌بینی وضع هوا هستند، علائمی دارد که نشان می‌دهد بزودی فرا خواهد رسید. اما شنوندگان عیسی، با آنکه در پیش‌بینی وضع هوا از روی علامات طبیعی مهارت داشتند، عمداً به نشانه‌های زمانها بی‌اعتنایی می‌کردند. ارزشهای آنان در جای درستی قرار نداشت.

۵۱:۱۲-۵۳ عیسی در این کلمات عجیب و طوفانی، نشان داد که ورود او به جایی، اغلب منجر به دعوا و منازعه می‌شود. عیسی از اشخاص جواب می‌خواهد. بعضی از افراد خانواده‌هایی که رابطه نزدیکی با هم دارند، بر آن می‌شوند که از او پیروی کنند و بعضی دیگر نمی‌خواهند چنین کنند؛ در این شرایط، خانواده از هم می‌پاشد. در مورد عیسی هیچ حد وسطی وجود ندارد. باید با وفاداری، به مسیح اعتراف کرد و سرسپرده او بود، حتی گاه به قیمت گسسته شدن سایر روابط. البته وقتی همه اعضای خانواده متحداً به مسیح ایمان دارند، زندگی راحت می‌شود؛ اما همیشه اینطور نیست. آیا حاضرید بخاطر بدست آوردن زندگی جاودانی، نارضایتی خانواده‌تان را بپذیرید؟

۵۷-۵۴:۱۲ شغل اصلی انسان در طول تقریباً تمام تاریخ

## دعوت مردم به توبه

(۱۴۵)

۱۳ در همین وقت به عیسی اطلاع دادند که پیلاتوس، عده‌ای از زائران جلیلی را در اورشلیم به هنگام تقدیم قربانی در خانه خدا، قتل عام کرده است.

۲ عیسی با شنیدن این خبر فرمود: «آیا تصور می‌کنید این عده، از سایر مردم جلیل گناهکارتر بودند، که اینگونه رنج دیدند و کشته شدند؟<sup>۳</sup> به هیچ وجه! شما نیز اگر از راه‌های بد خویش باز نگردید و بسوی خدا بازگشت ننمایید، مانند ایشان هلاک خواهید شد!<sup>۴</sup> آیا آن هجده نفری که برج «سلوام» بر روی ایشان فرو ریخت و کشته شدند، آیا از همه ساکنان اورشلیم، گناهکارتر بودند؟<sup>۵</sup> هرگز! شما نیز اگر توبه نکنید، همگی هلاک خواهید شد!»

۲:۱۳  
یو ۲:۹  
۳:۱۳  
حز ۳۰:۱۸

۴:۱۳  
اش ۶:۸  
یو ۱۱:۷، ۹

## عبرت از درخت انجیر

۶ سپس این داستان را بیان فرمود: «شخصی در باغ خود، درخت انجیری کاشته بود. اما هر بار که به آن سر می‌زد، می‌دید که میوه‌ای نیاورده است.<sup>۷</sup> سرانجام صبرش به پایان رسید و به باغبان خود گفت: این درخت را ببر، چون سه سال تمام انتظار کشیده‌ام و هنوز یک دانه انجیر هم نداده است! نگه داشتنش چه فایده‌ای دارد؟ زمین را نیز بیهوده اشغال کرده است!»

۸ «باغبان جواب داد: باز هم به آن فرصت بدهید! بگذارید یک سال دیگر هم بماند تا از آن بخوبی مواظبت کنم و کود زیاد به آن بدهم.<sup>۹</sup> اگر سال آینده میوه داد که چه بهتر؛ اما اگر نداد، آنوقت آن را خواهم برید.»

۶:۱۳  
اش ۲:۵  
متی ۱۹:۱۸ و ۲۱  
مر ۱۲:۱۱-۱۴ و ۲۱  
روم ۴:۲ و ۵  
۷:۱۳  
متی ۱۰:۳  
لو ۹:۳

۸:۱۳  
۲ پط ۹:۳

۱۳-۵ شاید پیلاتوس جلیلی‌ها را به این دلیل کشته بود که فکر می‌کرد آنها علیه روم دست به شورش زده‌اند؛ کسانی که در اثر فروریختن برج سلوام کشته شدند، شاید آنجا برای رومیها روی یک راه آبی مشغول کار بودند. فریسیان که با نشان دادن خشونت به دولت روم مخالف بودند، حتماً منظورشان این بود که جلیلی‌ها بخاطر شورش سزاوار مرگ بوده‌اند. فدائیان که یک گروه تروریستی ضدرومی بودند، حتماً معتقد بودند که این کارگران راه‌آبی، بخاطر همکاری با رومی‌ها سزاوار مرگ بوده‌اند. عیسی گفت که نه جلیلی‌ها و نه کارگران نباید بخاطر مصیبتی که بر آنها عارض شد، سرزنش شوند، بلکه هرکس باید به روز داوری خودش بنگرد.

۱۳-۵: کشته شدن یا زنده ماندن مقیاس عدالت نیست. هر کسی روزی خواهد مرد؛ مرگ سهم بشر است. اما همه الزاماً در حالت مرده باقی نخواهند ماند. عیسی وعده می‌دهد که

کسانی که به او ایمان می‌آورند، هلاک نخواهند شد، بلکه زندگی جاوید خواهند یافت (یوحنا ۳:۱۶).  
۱۳-۹: در عهدعتیق، درخت پربار غالباً مظهر زندگی خداپسندانه بود (برای مثال به مزمو ۳:۱ و ارمیا ۱۷:۸ مراجعه کنید). عیسی نشان داد که چه برسر درختی خواهد آمد که زمین را اشغال می‌کند، اما برای باغبان صبور چیزی به‌بار نمی‌آورد. این یکی از راههایی بود که عیسی از آن طریق به شنوندگانش هشدار داد که خدا عدم ثمردهی آنها را برای همیشه تحمل نخواهد کرد. لوقا ۹:۳ سخنی از پچیای تعمیدهنده با همان پیغام را ثبت می‌کند. آیا از عملکرد خاص خدا بهره‌مند شده‌اید بدون آنکه در عوض چیزی به خدا بدهید؟ اگر چنین است، خود را آماده کنید تا با زندگی کردن برای خدا، میوه بیاورید و از این طریق به مراقبت صبورانه باغبان پاسخ دهید.

## عیسی زن علیلی را شفا می‌دهد

(۱۴۶)

۱۰:۱۳ یک روز شنبه، عیسی در عبادتگاه کلام خدا را تعلیم می‌داد. <sup>۱۱</sup> در آنجا زنی حضور داشت که مدت هجده سال، روحی پلید او را علیل ساخته بود بطوریکه پشتش خمیده شده، بهیچ وجه نمی‌توانست راست بایستد.

۱۰:۱۳  
متی ۲۳:۴

۱۲ وقتی عیسی او را دید، به او فرمود: «ای زن، تو از این مرض شفا یافته‌ای!»  
۱۳ در همان حال که این را می‌گفت، دستهای خود را بر او گذاشت. بلافاصله آن زن شفا یافت و راست ایستاد و شروع به ستایش خداوند نمود!

۱۳:۱۳  
مر ۲۳:۵

۱۴ اما سرپرست عبادتگاه غضبناک شد، چون عیسی آن زن را روز شنبه شفا داده بود. پس با خشم به حضار گفت: «در هفته شش روز باید کار کرد. در این شش روز بیایید و شفا بگیرید، اما نه در روز شنبه.»

۱۴:۱۳  
خرو ۹و۸:۲۰  
متی ۱۲-۹:۱۲  
مر ۲:۳

۱۵ اما عیسای خداوند در جواب او فرمود: «ای ریاکار! مگر تو خود روز شنبه کار نمی‌کنی؟ مگر روز شنبه، گاو یا الاغت را از آخور باز نمی‌کنی تا برای

لو ۷:۶-۳:۱۴  
روم ۱۰:۱-۴  
۱۵:۱۳  
لو ۵:۱۴

## هفت معجزه‌ای که در روز شنبه انجام شد

مرقس ۲۱:۱-۲۸	عیسی روح ناپاکی را از وجود مردی بیرون می‌کند
مرقس ۲۹:۱-۳۱	عیسی مادرزن پطرس را شفا می‌دهد
یوحنا ۱:۵-۱۸	عیسی مرد افلیج کنار حوض بیت‌حسدا را شفا می‌دهد
مرقس ۳:۱-۶	عیسی مردی را که دستش از کار افتاده بود، شفا می‌دهد
لوقا ۱۰:۱۳-۱۷	عیسی زن علیلی را دوباره به حال اول باز می‌گرداند
لوقا ۱:۱۴-۶	عیسی مردی را که بدنش ورم کرده بود، شفا می‌دهد
یوحنا ۹:۱-۱۶	عیسی کور مادرزادی را شفا می‌دهد

طی قرن‌ها، رهبران مذهبی یهود احکام بسیاری به شریعت خدا افزوده بودند. مثلاً شریعت می‌گفت شنبه روز استراحت است (خروج ۲۰:۱۰ و ۱۱). اما رهبران مذهبی حکم دیگری ابداع کرده و بر این حکم اضافه کرده بودند که مطابق آن شخص نمی‌توانست در روز شنبه شفا دهد چون شفا نوعی کار محسوب می‌شد. عیسی هفت بار مردم را در روز شنبه شفا داد. عیسی این رهبران مذهبی را دعوت می‌کند تا به ورای قوانین، به اهداف واقعی آنها که جلال دادن خدا از طریق کمک به نیازمندان است، نگاه کنند. آیا خدا خشنود می‌شد اگر عیسی به این افراد بی‌توجهی می‌کرد؟

**۱۶ و ۱۵:۱۳** فریسیان خود را پشت مجموعه‌ای از احکام که خودشان وضع کرده بودند، مخفی می‌کردند تا از زیر بار وظایفی که بنا به محبت بر دوششان قرار می‌گرفت، فرار کنند. ما نیز می‌توانیم فقط با توجه به ظاهر احکام، راهی پیدا کنیم تا وظیفه خود را در قبال دیگران انجام ندهیم (مثلاً، مرتب ده یک بدهیم اما از کمک به همسایه نیازمند خود اجتناب کنیم). احتیاجات مردم مهم‌تر از احکام است. وقت بگذارید تا از روی محبت به دیگران کمک کنید، حتی اگر با این کار کمتر روحانی بنظر بیایید.

**۱۷-۱۰:۱۳** چرا شفا کار محسوب می‌شد؟ رهبران مذهبی شفا را قسمتی از حرفه طبابت می‌دانستند، و طبابت در روز شنبه ممنوع بود. سرپرست عبادتگاه دلسوزی عیسی را که موجب شفای آن زن شد، و خارج از چارچوب شریعت بود، درک نکرد. عیسی او و دیگر رهبران را با اشاره به دورویی‌شان، شرمگین ساخت. آنها گاو و گوسفندانشان را در روز شنبه باز می‌کردند و از آنها مراقبت بعمل می‌آوردند، اما وقتی انسانی از اسارت شیطان آزاد شد، نخواستند شادی کنند.

۱۶:۱۳ آب دادن بیرون ببری؟<sup>۱۶</sup> پس حال چرا از من ایراد می‌گیری که در روز شنبه، این زن را رهایی دادم، زنی که همچون ما از نسل ابراهیم است، و هجده سال در چنگ شیطان اسیر بود؟»  
 ۱۷ با شنیدن این سخن، دشمنان او همه شرمگین شدند، اما مردم از معجزات او غرق شادی گشتند.

### تعلیم درباره ملکوت خدا

(۱۴۷)

۱۸ آنگاه عیسی درباره ملکوت خدا مثالی آورد و فرمود: «ملکوت خدا به چه می‌ماند؟ آن را به چه تشبیه کنم؟<sup>۱۹</sup> مانند دانه کوچک خردل است که در باغی کاشته می‌شود و پس از مدتی تبدیل به چنان بوته بزرگی می‌شود که پرندگان در میان شاخه‌هایش آشیانه می‌کنند.

### مثال خمیر مایه

۲۰ یا مانند خمیر مایه‌ای است که هنگام تهیه خمیر با آرد مخلوط می‌شود و کم‌کم اثر آن نمایان می‌گردد.»

### تعلیم درباره ورود به ملکوت

(۱۵۳)

۲۲ عیسی بر سر راه خود به اورشلیم، به شهرها و دهات مختلف می‌رفت و کلام خدا را به مردم تعلیم می‌داد.  
 ۲۳ روزی، شخصی از او پرسید: «خداوندا، آیا تعداد نجات‌یافتگان کم خواهد بود؟»

۱۶:۱۳  
لو ۹:۱۹

۱۷:۱۳  
لو ۴۳:۱۸

۱۸:۱۳  
پیدا ۱۱:۱ و ۱۲  
مز ۱۰۴:۱۲  
حز ۲۲:۱۷ و ۲۳  
دان ۱۲:۴ و ۲۱  
متی ۱۳:۳۱ و ۳۲  
مر ۴:۳۰-۳۲

۲۰:۱۳  
متی ۱۳:۱۳

۲۲:۱۳  
متی ۳۵:۹  
مر ۶:۶

رهبر بزرگی خواهد آمد تا قوم اسرائیل را از سلطه رومیها آزاد کند و جلال و شکوه سابق اسرائیل را دوباره برقرار سازد. اما عیسی گفت که ملکوت او به آرامی شروع خواهد شد. مثل دانه کوچک خردل که رشد می‌کند و به بوته بزرگی تبدیل می‌شود یا خمیرمایه‌ای به اندازه یک قاشق که موجب ورآمدن خمیر نان می‌شود، ملکوت خدا عاقبت نمایان خواهد شد تا زمانی که تمام دنیا را تغییر دهد.  
 ۲۲:۱۳ این بار دومی است که لوقا یادآوری می‌کند که عیسی آگاهانه به اورشلیم می‌رود (بار اول در ۵۱:۹ به این موضوع اشاره شده است). عیسی با آنکه می‌دانست بسوی مرگ می‌رود، باز به موعظه و شفای مردم ادامه داد. دورنمای مرگ، او را از ادامه رسالتش باز نداشت.

۱۶:۱۳ در دنیای سقوط کرده ما، مرض رایج است. مرض دلایل بسیار و گوناگونی دارد، از قبیل تغذیه نامناسب، تماس با منبع عفونت، پایین آمدن قدرت دفاعی بدن، و حتی حمله مستقیم شیطان. دلیل مستقیم بیماری‌های ما هرچه که باشد، می‌توانیم منشأ اصلی آن را در شیطان، عامل همه بدیها در دنیا، بیابیم. پیغام انجیل این است که عیسی از هر روح پلید یا مرضی قدرتمندتر می‌باشد. عیسی در این زندگی بیشتر وقتها بیماری‌های جسمانی را شفا می‌دهد، و وقتی باز گردد به همه امراض، صدمات، و معلولیت‌ها خاتمه خواهد داد.  
 ۱۸:۱۳-۲۱ انتظار بیشتر کسانی که به سخنان عیسی گوش می‌کردند، این بود که مسیح موعود بعنوان پادشاه و

عیسی فرمود: <sup>۲۴</sup> «در آسمان تنگ است. پس بکوشید تا داخل شوید، زیرا یقین بدانید که بسیاری تلاش خواهند کرد که داخل گردند، اما نخواهند توانست. <sup>۲۵</sup> زمانی خواهد رسید که صاحب خانه در را خواهد بست. آنگاه شما بیرون ایستاده، در خواهید زد و التماس خواهید کرد که: خداوندا، خداوندا، در را به روی ما باز کن! اما او جواب خواهد داد که: من شما را نمی‌شناسم! <sup>۲۶</sup> «شما خواهید گفت: ما با تو غذا خوردیم! تو در کوچه‌های شهر ما تعلیم دادی! چگونه ما را نمی‌شناسی؟ <sup>۲۷</sup> «اما او باز خواهد گفت: من به هیچ‌وجه شما را نمی‌شناسم! ای بدکاران از اینجا دور شوید! <sup>۲۸</sup> «آنگاه وقتی ببینید که ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همه انبیاء در ملکوت خدا هستند و خودتان بیرون مانده‌اید، از شدت ناراحتی خواهید گریست و لبهایتان را خواهید گزید. <sup>۲۹</sup> مردم از تمام نقاط جهان آمده، در ضیافت ملکوت خدا شرکت خواهند کرد، اما شما محروم خواهید ماند. <sup>۳۰</sup> بلی، یقین بدانید آنانی که اکنون خوار و حقیر شمرده می‌شوند، در آن زمان بسیار سرافراز خواهند گردید و آنانی که حالا مورد احترام و تمجید هستند، در آن زمان، حقیر و ناچیز بحساب خواهند آمد.»

۲۴:۱۳  
متی ۱۴:۱۳ و ۱۴

۲۶:۱۳  
تیط ۱۶:۱

۲۷:۱۳  
مز ۸:۶  
متی ۴۱:۲۵

۲۸:۱۳  
متی ۱۰:۸-۱۲؛ ۱۳:۴۱ و ۴۲

۲۹:۱۳  
پیلا ۱۴:۲۸  
اش ۶:۴۹-۱۲؛ ۳:۶۰  
مکا ۹:۵؛ ۹:۷  
۳۰:۱۳  
متی ۱۹:۳۰؛ ۲۰:۱۶  
مر ۱۰:۳۱

**۲۹:۱۳** ملکوت خدا مردم را از هر نقطه جهان، در بر خواهد گرفت. رد عیسی بعنوان مسیح موعود از سوی اسرائیل نمی‌توانست جلو نقشه خدا را بگیرد. اسرائیل واقعی شامل همه کسانی خواهد بود که به خدا ایمان می‌آورند. لازم بود که لوقا روی این حقیقت مهم تأکید کند چون او انجیلش را خطاب به غیریهودیان نوشت (همچنین به رومیان ۱۶:۴-۲۵؛ غلاطیان ۳:۶-۹ مراجعه کنید).

**۳۰:۱۳** شگفتی‌های زیادی در ملکوت خدا وجود خواهد داشت. بعضی که حالا مورد نفرت دیگران قرار دارند، در آن وقت بسیار سرافراز خواهند شد؛ بعضی افراد متنفذ بیرون دروازه‌های ملکوت خواهند ماند؛ بسیاری از افراد «بزرگ» (البته بزرگ از دید خدا) در این دنیا، مورد بی‌توجهی بقیه مردم دنیا قرار خواهند گرفت. آنچه که برای خدا مهم است، شهرت، مقام، ثروت، میراث، یا قدرت دنیوی شخص نیست، بلکه سرسپردگی فرد به مسیح است. ارزشهای شما تا چه حد با آنچه که کتاب مقدس تعیین می‌کند، همسو است؟ یقین حاصل کنید که خدا را در جای اول قرار داده‌اید تا بتوانید به کسانی که از تمام دنیا در ضیافت ملکوت شرکت خواهند کرد، ملحق شوید.

**۲۴:۲۵ و ۲۵** نجات یافتن نیازمند توجه و تلاشی است پیش از آنچه که اکثر مردم حاضرند برای بدست آوردن آن از خود نشان دهند. واضح است که ما نمی‌توانیم خود را نجات دهیم. هیچ طریقی وجود ندارد که به آن وسیله بتوانیم نظر مساعد خدا را نسبت به خود جلب کنیم. علاقه مستمر برای شناخت خدا، و مبارزه مشتاقانه برای ایجاد رابطه با خدا به هر بهایی که باشد، اینها چیزهایی است که عیسی پیشنهاد می‌کند. ما نباید به خود این جرأت را بدهیم که انجام این کارها را به تعویق بیندازیم، چون در برای همیشه باز نخواهد ماند.

**۲۶:۲۷ و ۲۷** عیسی در قالب داستان به این مسأله اشاره می‌کند که در ملکوت خدا مردمان بسیاری خواهند بود که ما کمتر انتظارشان را داریم.

**۲۷:۱۳** مردم مشتاق بودند که بدانند چه کسی نجات خواهد یافت. عیسی توضیح داد که گرچه بسیاری از مردم چیزهای بسیاری درباره خدا می‌دانند، اما تعداد معدودی آموزش گناهان را دریافت می‌دارند. گوش کردن به سخنان او یا تحسین و تمجید معجزاتش کافی نیست. آنچه که ضروری است، رو برگرداندن از گناه و توکل نمودن به خدا برای نجات است.

## اندوه عیسی برای اورشلیم

(۱۵۴)

۳۱ همانموقع چند نفر از فریسی‌ها آمدند و به او گفتند: «اگر می‌خواهی زنده بمانی، هر چه زودتر از جلیل برو، چون هیرودیس پادشاه قصد دارد تو را بکشد!»

۳۲ عیسی جواب داد: «بروید و به آن روباه بگویید که من امروز و فردا، ارواح پلید را بیرون می‌کنم و بیماران را شفا می‌بخشم و روز سوم، خدمتم را به پایان خواهم رساند. ۳۳ بلی، امروز و فردا و پس فردا، باید به راه خود ادامه دهم، چون محال است که نبی خدا در جای دیگری بغیر از اورشلیم کشته شود!

۳۴ «ای اورشلیم، ای اورشلیم، ای شهری که کشتار گاه انبیاء می‌باشی! ای شهری که انبیایی را که خدا بسویت فرستاد، سنگسار کردی! چند بار خواستم فرزندان را دور هم جمع کنم، همانطور که مرغ جوجه‌هایش را زیر پروبالش می‌گیرد، اما نخواستی. ۳۵ پس اکنون خانه‌ات ویران خواهد ماند و دیگر هرگز مرا نخواهی دید تا زمانی که بگویی: مبارک باد قدم کسی که به نام خداوند می‌آید.»

## شفای مردی با بدن ورم کرده

(۱۵۵)

۱۴ یک روز شنبه، عیسی در خانه یکی از بزرگان فریسی دعوت داشت. در آنجا بیماری نیز حضور داشت که بدنش آب آورده و دستها و پاهایش متورم شده بود. فریسیان مراقب عیسی بودند تا ببینند آیا آن بیمار را شفا می‌دهد یا نه.

۳۲:۱۳  
لو ۲۶:۲۴  
عبر ۱۰:۲؛ ۹:۵؛ ۲۸:۷

۳۳:۱۳  
متی ۲۱:۱۶  
یو ۱۰-۷:۱۱

۳۴:۱۳  
متی ۳۹-۳۷:۲۳  
لو ۴۴-۴۱:۱۹

۳۵:۱۳  
مز ۲۶:۶۹؛ ۲۵:۱۱۸  
حز ۱۹:۱۸؛ ۴:۱۰  
لو ۲۴:۲۱؛ ۳۸:۱۹

۱:۱۴  
متی ۱۳-۹:۱۲  
مر ۵-۱:۳  
لو ۱۶-۶:۶؛ ۱۱-۱:۱۳

۱:۱۴-۶ پیش از این، شخصی فریسی عیسی را برای بحث و جدل به خانه خود دعوت کرده بود (۷:۳۶). این بار بطور خاص به این دلیل دعوت شده بود تا او را بخاطر سخنی یا عملی به دام بیندازند. جای تعجب است که بعد از آنکه عیسی بارها فریسیان را محکوم کرده بود، باز او را در محفل ایشان می‌بینیم، اما عیسی از رویارویی با فریسیان نمی‌ترسید، گرچه می‌دانست انگیزه ایشان این است که به مکر و حيله او را محکوم به شکستن احکام خدا کنند.

۲:۱۴ لوقا که طبیب بود، برای مرض این مرد از اصطلاحی پزشکی استفاده می‌کند. در ترجمه قدیمی فارسی، این اصطلاح «استسقا» ترجمه شده است. این بیماری بر اثر تجمع غیرطبیعی آب در بافتها و حفره‌های بدن ایجاد می‌شود.

۳۱:۳۱ و ۳۲ در نظر عیسی فریسیان پیام‌آوران هیرودیس بودند و مسائل را به او گزارش می‌دادند. آنها عیسی را ترغیب کردند که آنجا را ترک کند، چون می‌خواستند او را از رفتن به اورشلیم باز دارند. تعیین مسیر زندگی، کار، و مرگ عیسی با هیرودیس یا فریسیان نبود. زندگی او را خود خدا برنامه‌ریزی و هدایت می‌کرد، و رسالت او در چارچوب برنامه زمانی خدا قرار داشت. ۳۳:۱۳ و ۳۴ چرا عیسی قصد داشت به اورشلیم برود؟ اورشلیم، شهر خدا، مظهر تمام قوم اسرائیل بود. اورشلیم بزرگترین شهر اسرائیل و مرکز مذهبی و سیاسی قوم اسرائیل بود، و یهودیان از سرتاسر دنیا غالباً از آن بازدید می‌کردند. اما تاریخ اورشلیم حاکی از رد انبیای خدا بود (۲ تواریخ ۱۹:۲۴؛ ۱ پادشاهان ۱۹:۱۰؛ ارمیا ۳۰:۲). اورشلیم مسیح موعود را نیز مانند انبیای پیش از او رد خواهد کرد.

۳ عیسی از فریسیان و علمای دین که حاضر بودند، پرسید: «آیا طبق دستورات تورات، می‌توان بیماری را در روز شنبه شفا داد یا نه؟»  
 ۴ ایشان پاسخی ندادند! پس عیسی دست مریض را گرفت و شفایش داد و به خانه فرستاد. ۵ سپس رو به ایشان کرد و پرسید: «کدامیک از شما، در روز شنبه کار نمی‌کند؟ آیا اگر الاغ یا گاو تان در چاه بیفتد، فوراً نمی‌روید تا بیرونش بیاورید؟»  
 ۶ اما ایشان جوابی نداشتند که بدهند.

### تعلیم درباره سربلندی (۱۵۶)

۷ عیسی چون دید که همه مهمانان سعی می‌کنند بالای مجلس بنشینند، ایشان را چنین نصیحت کرد: ۸ «هرگاه به جشن عروسی دعوت می‌شوید، بالای مجلس ننشینید، زیرا ممکن است مهمانی مهم‌تر از شما بیاید و ۹ صاحب‌خانه از شما بخواهد که جایتان را به او بدهید. آنگاه باید با شرمساری برخیزید و در پایین مجلس بنشینید! ۱۰ پس اول، پایین مجلس بنشینید تا وقتی صاحب‌خانه شما را آنجا ببیند، بیاید و شما را بالا ببرد. آنگاه، در حضور مهمانان سربلند خواهید شد. ۱۱ زیرا هر که بکوشد خود را بزرگ جلوه دهد، خوار خواهد شد، اما کسی که خود را فروتن سازد، سربلند خواهد گردید.»  
 ۱۲ سپس رو به صاحب‌خانه کرد و گفت: «هرگاه ضیافتی ترتیب می‌دهی، دوستان و برادران و بستگان و همسایگان ثروتمند خود را دعوت نکن، چون ایشان هم در عوض، تو را دعوت خواهند کرد. ۱۳ بلکه وقتی مهمانی می‌دهی،

۱۰:۱۴  
امث ۳۳:۱۵ ؛ ۱۲:۱۸ ؛  
۷:۲۵

۱۱:۱۴

مز ۲۷:۱۸

امث ۲۳:۲۹

متی ۱۲:۲۳

لو ۱۴:۱۸

یعقو ۶:۴

۱ پط ۵:۵

۱۳:۱۴

ایو ۱۷:۳۱

دادن دیگران طالب باشید. سعی دارید چه کسی را تحت تأثیر قرار دهید؟ بجای آنکه یافتن اعتبار و وجهه را هدف قرار دهید، بدنال جایی باشید که در آنجا بتوانید خدمت کنید. اگر خدا می‌خواهد که در مقیاس وسیع‌تری خدمت کنید، شما را بجای بالاتری دعوت خواهد کرد.  
 ۱۱:۱۴ ما چگونه می‌توانیم خود را فروتن سازیم؟ بعضی از مردم سعی می‌کنند ظاهر فروتنی به خود بگیرند تا دیگران را فریب دهند. اما کسانی که واقعاً فروتنند، خود را فقط با مسیح مقایسه می‌کنند، به گناهکار بودنشان واقفند، و می‌دانند که توانایی، قوه تشخیص نیک و بد، اعمال و دانششان محدود است. فروتنی به معنی خوار و تحقیر کردن خود نیست؛ فروتنی اذعان واقع بینانه آن چیزی است که شخص هست. کسانی که واقعاً فروتنند، فروتنی را بر اثر تلاش برای فروتن شدن کسب نکرده‌اند؛ فروتنی آنها بخاطر رابطه‌ای است که با خدا دارند.

۱۴-۷:۱۴ عیسی در اینجا دو درس به اطرافیان خود داد. اول، خطاب به میهمانان گفت که در پی این نباشند که در صدر مجالس بنشینند. در ملکوت خدا خدمت مهم‌تر از مقام است. دوم، به صاحب‌خانه گفت که فقط اشخاص بخصوصی را به خانه‌اش دعوت نکند. خدا ملکوتش را به روی همه باز می‌کند، بخصوص به روی کسانی که هیچ وقت نمی‌توانند محبت او را جبران کنند.  
 ۱۱-۷:۱۴ عیسی به مردم توصیه کرد که برای اشغال بهترین جاها در جشنها هجوم نبرند. امروز مردم به اندازه آن زمان برای ارتقا موقعیت اجتماعی‌شان اشتیاق دارند، و اشتیاق آنها به شکلهای مختلف جلوه گر می‌شود، از قبیل معاشرت با افراد برجسته و مشهور، شیک‌پوشی برای دستیابی به موفقیت، یا داشتن اتومبیل خوب. آرزوی زندگی مرفه یا موفقیت در کار بخودی خود نادرست نیست؛ این چیزها فقط زمانی نادرست است که آنها را فقط بمنظور تحت‌تأثیر قرار

۱۴:۱۴  
یو ۵:۲۸ و ۲۹  
اعما ۱۵:۲۴

فقرا، لنگان و شلان و نایبانیان را دعوت کن. <sup>۱۴</sup> آنگاه خدا در روز قیامت درستکاران، تو را اجر خواهد داد، زیرا کسانی را خدمت کردی که نتوانستند محبتت را جبران کنند.»

## حکایت ضیافت بزرگ

(۱۵۷)

۱۵:۱۴  
متی ۱۰:۲۲-۱۰

<sup>۱۵</sup> یکی از آنانی که بر سر سفره نشسته بود، چون این سخنان را شنید، گفت: «خوشبحال کسی که در ضیافت ملکوت خدا شرکت کند!»

۱۶:۱۴  
مکا ۹:۱۹

<sup>۱۶</sup> عیسی در جواب او این داستان را بیان کرد: «شخصی ضیافت مفصلی ترتیب داد و بسیاری را دعوت کرد. <sup>۱۷</sup> وقتی همه چیز آماده شد، خدمتکار خود را فرستاد تا به مهمانان اطلاع دهد که وقت آمدنشان فرا رسیده است. <sup>۱۸</sup> اما هر یک از دعوت شدگان به نوعی عذر و بهانه آوردند. یکی گفت که بتازگی قطعه زمینی خریده است و باید برود آن را ببیند. <sup>۱۹</sup> دیگری گفت که پنج جفت گاو خریده است و باید برود آنها را امتحان کند. <sup>۲۰</sup> یکی دیگر نیز گفت که تازه ازدواج کرده و به همین دلیل نمی‌تواند بیاید.

۲۰:۱۴  
تث ۱۵:۲۴  
اقرن ۳۳:۷

<sup>۲۱</sup> «خدمتکار باز گشت و پاسخ دعوت شدگان را به اطلاع ارباب خود رسانید. ارباب عصبانی شد و به او گفت: فوری به میدانها و کوچه‌های شهر برو و فقرا و مفلوجان و شلان و کوران را دعوت کن! <sup>۲۲</sup> وقتی این دستور اجرا شد، باز هنوز

۲۱:۱۴  
اعما ۴۶:۱۳

دعوت اول را پذیرفتند. آنها سخنان انبیا را باور کردند، اما با امتناع از ایمان به پسر خدا، به خدا توهین کردند. بنابراین، همانطور که در این داستان، ارباب خدمتکارانش را به خیابانها فرستاد تا نیازمندان را به ضیافتش دعوت کنند، خدا هم پسرش را برای نیازمندان تمام جهان فرستاد تا به آنها بگوید ملکوت خدا فرا رسیده و برای ایشان آماده است.

**۱۶:۱۴** در این فصل، سخنان عیسی را علیه مقام‌طلبی و در مورد تحسین کار دشوار و حتی رنج و عذاب می‌خوانیم. بیایید هدف از فروتنی و ایثار را از نظر دور نداریم که همانا ضیافتی مسرت‌بخش با خداوندان می‌باشد! خدا هرگز از ما نمی‌خواهد که بخاطر رنج، رنج بکشیم. خدا هرگز از ما نمی‌خواهد که از چیز خوبی دست بکشیم مگر آنکه او در نظر داشته باشد آن چیز خوب را با چیزی بهتر جایگزین سازد. خدا ما را دعوت نمی‌کند تا در اردوگاه کار اجباری شرکت کنیم؛ او ما را به ضیافتی دعوت می‌کند، به جشن عروسی بره (مکاشفه ۱۹:۶-۹)، یعنی زمانی که خدا و کلیسای محبوبش برای همیشه با هم خواهند بود.

**۱۵:۱۴-۲۴** مردی که در کنار عیسی بود، جلال ملکوت خدا را می‌دید، ولی از درک چگونگی ورود به آن قاصر بود. داستان عیسی نشان می‌دهد که چطور ما خیلی اوقات دعوت او را به ضیافتش نمی‌پذیریم فقط به این دلیل که برایمان نامناسب است. عذر و بهانه ما هر چه که باشد، چه کار، ازدواج، ثروت یا هر چیز دیگری، ما می‌توانیم دعوت او را رد کنیم یا پاسخگویی به دعوتش را به تعویق بیندازیم. آیا شما برای اجتناب از پاسخگویی به دعوت خدا، عذر و بهانه می‌آورید؟ زمانی خواهد رسید که خدا از دعوت ما دست خواهد کشید، و دیگر برای شرکت در ضیافت خیلی دیر خواهد بود.

**۱۶:۱۴** رسم بر این بود که دو بار از مهمانان دعوت بعمل آید، بار اول برای اطلاع دادن، بار دوم برای اینکه به مهمانان خبر دهند همه چیز آماده است. در روزگار عیسی، اگر دعوت شدگان بعد از دعوت دوم عذر و بهانه می‌آوردند، این کار توهین به میزبان تلقی می‌شد. در تاریخ اسرائیل، دعوت اول را خدا از طریق انبیا به عمل آورد و دعوت دوم را از طریق پسرش. علمای مذهبی

جای اضافی باقی بود.<sup>۲۳</sup> پس ارباب به خدمتکارش گفت: حال به شاهراهها و کورهراهها برو و هر که را می بینی به اصرار بیاور تا خانه من پر شود.<sup>۲۴</sup> چون از آن کسانی که دعوت کرده بودم، هیچیک طعم خوراکیهایی را که تدارک دیده‌ام، نخواهد چشید!»

### تعلیم درباره بهای شاگردی

(۱۵۸)

<sup>۲۵</sup> یکبار عیسی روگرداند و به جمعیت بزرگی که بدنبال او حرکت می کردند، گفت: <sup>۲۶</sup> «هر که می خواهد پیرو من باشد، باید مرا از پدر و مادر، زن و فرزند، برادر و خواهر و حتی از جان خود نیز بیشتر دوست بدارد.<sup>۲۷</sup> هر که صلیب خود را بر ندارد و بدنبال من نیاید، نمی تواند شاگرد من باشد.

<sup>۲۸</sup> «اما پیش از آنکه در مورد پیروی از من، تصمیمی بگیری، همه جوانب را خوب بسنجید! اگر کسی در نظر دارد ساختمانی بسازد، ابتدا مخارج آن را برآورد می کند تا ببیند آیا از عهده آن برمی آید یا نه.<sup>۲۹</sup> مبادا وقتی بنیاد ساختمان را گذاشت، سرمایه اش تمام شود و نتواند کار را تمام کند! آنگاه همه تمسخرکنان خواهند گفت: <sup>۳۰</sup> این شخص ساختمان را شروع کرد، اما نتوانست آن را به پایان برساند!

<sup>۳۱</sup> «یا فرض کنید پادشاهی می خواهد با پادشاه دیگری بجنگد. او ابتدا با مشاورانش مشورت می کند تا ببیند که آیا با یک نیروی ده هزار نفری، می تواند یک لشکر بیست هزار نفری را شکست بدهد یا نه.<sup>۳۲</sup> اگر دید که قادر به این کار نیست، هنگامی که سپاه دشمن هنوز دور است، نمایندگانی را می فرستد تا درباره شرایط صلح مذاکره کنند.<sup>۳۳</sup> به همین طریق، کسی که می خواهد شاگرد من شود، نخست باید بنشیند و حساب کند که آیا می تواند بخاطر من از مال و دارایی خود چشم بپوشد یا نه.

۲۴:۱۴

متی ۱۲:۸ + ۴۳:۲۱  
عبر ۱۸:۳ و ۱۹

۲۶:۱۴

متی ۱۰:۳۷ و ۳۸  
مکا ۱۱:۱۲

۲۷:۱۴

متی ۱۶:۲۴  
مر ۸:۳۴  
لو ۹:۲۳

۳۳:۱۴

متی ۱۹:۲۷ و ۲۸  
لو ۱۸:۲۹ و ۳۰  
قیل ۳:۷  
عبر ۱۱:۲۶

مسیح به معنای اطاعت کامل از اوست، حتی اگر این اطاعت به بهای از دست دادن جان باشد.  
**۳۳:۱۴** اگر کسی که ساختمانی می سازد، هزینه آن را برآورد نکند یا مخارج آن را نابخردانه حساب کند، ساختمان او ممکن است نیمه کاره بماند. آیا زندگی مسیحی شما بخاطر اینکه بهای سرسپردگی به عیسی را قبلاً حساب نکرده‌اید، فقط تا نیمه ساخته شده و ناتمام مانده است؟ فرد مسیحی ممکن است مقام اجتماعی یا ثروت را از دست بدهد. او ممکن است مجبور شود اختیار بر پول، وقت، یا کارش را از دست بدهد. او ممکن است

**۲۷:۱۴** شنوندگان عیسی بخوبی از معنای حمل صلیب آگاه بودند. وقتی رومیها مجرمی را به محل اعدام می بردند، او را مجبور می کردند صلیبش را خودش حمل کند. این کار تسلیم او را به حاکمیت روم نشان می داد و هشدار می بود که کسانی که ناظر بر این صحنه بودند در این خصوص که بصلاح آنهاست که ایشان نیز مطیع روم باشند. عیسی این تعلیم را داد تا مردم را مجاب کند با عشق و علاقه تمام درباره او تصمیم بگیرند. او اشخاص سطحی را تشویق کرد که عمیق تر به قضیه پیروی از او بیندیشند، یا به کلی از پیروی او دست بکشند. پیروی

۳۴:۱۴

متی ۱۳:۵

مر ۵:۹

۳۵:۱۴

متی ۱۵:۱۱ : ۴۳:۹:۱۳

مر ۲۳:۹:۴

لو ۸:۸

مکا ۱۱:۲

۳۴ «اگر نمک طعم و خاصیت خود را از دست بدهد، دیگر چه فایده‌ای دارد؟  
 ۳۵ نمک بی طعم و خاصیت حتی به درد کود زمین هم نمی‌خورد. فقط باید آن را  
 دور ریخت. اگر می‌خواهید منظورم را درک کنید، با دقت به سخنانم گوش فرا  
 دهید!»

### حکایت گوسفند گمشده

(۱۵۹)

۱:۱۵

متی ۱۱:۱۰

لو ۲۹:۵ و ۳۰:۱۹

اعما ۳:۱۱

غلا ۱۲:۲

اتیمو ۱۵:۱ و ۱۶

۴:۱۵

حز ۱۲:۳۴ و ۱۱

یو ۱۱:۱۰

۶:۱۵

۱ پتر ۲:۲۵

بسیاری از مأمورین باج و خراج و سایر مطرودین جامعه، اغلب  
 ۱۵ گرد می‌آمدند تا سخنان عیسی را بشنوند. <sup>۲</sup> اما فریسیان و علمای  
 دین از او ایراد گرفتند که چرا با مردمان بدنام و پست، نشست و برخاست  
 می‌کند و بر سر یک سفره می‌نشیند. <sup>۳</sup> پس عیسی این مثل را برای ایشان  
 آورد: <sup>۴</sup> «اگر یکی از شما، صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها از گله  
 دور بیفتد و گم شود، چه می‌کند؟ یقیناً آن نود و نه گوسفند را می‌گذارد و  
 به جستجوی آن گم شده می‌رود تا آن را پیدا کند. <sup>۵</sup> وقتی آن را یافت با  
 شادی بر دوش می‌گذارد، <sup>۶</sup> و به خانه می‌آید و دوستان و همسایگان را جمع  
 می‌کند تا برای پیدا شدن گوسفند گم شده با او شادی کنند.

همیشه مراقب بودند تا مطابق احکام عهدعتیق «پاک»  
 بمانند. درواقع، آنها در اجتناب از بعضی مردم یا  
 موقعیت‌ها و در اجرای احکام طهارت، پا را از شریعت  
 فراتر گذاشته بودند. برخلاف آنان، عیسی مفهوم «پاکی»  
 را چندان جدی نگرفت. او با لمس کردن جنامی‌ها و  
 بی‌توجهی به شستشو به روش مقرر شده فریسیان، اهانت را  
 به جان خرید، و به اجتناب از معاشرت با طبقات خاصی از  
 گناهکاران، کاملاً بی‌اعتنایی نشان داد. او آمد تا نجات را  
 به گناهکاران عرضه کند و نشان دهد که خدا ایشان را  
 دوست دارد. عیسی نگران اهانتیابی نبود که به او می‌شد.  
 بلکه او بدون توجه به گناهکار بودن اشخاص و تأثیری  
 که ممکن بود بر شهرت او داشته باشند، همچنان نزد  
 کسانی می‌رفت که به او احتیاج داشتند.

۱۵:۳-۶ کار احمقانه‌ای است که چوپانی ۹۹ گوسفند  
 خود را رها کند و فقط بدنبال یک گوسفند بگردد. اما  
 خدا تک‌تک افراد را بقدری دوست دارد که بدنبال هر  
 یک از گمشدگان می‌گردد و وقتی او را پیدا کرد، شادی  
 می‌کند. عیسی با گناهکاران نشست و برخاست می‌کرد،  
 چون او برای گوسفندان گمشده، یعنی گناهکارانی که  
 تصور می‌شد امیدی برای آنها نیست، فرستاده شده بود تا  
 مژده ملکوت خدا را به آنها برساند.

مورد نفرت قرار بگیرد، از خانواده‌اش طرد گردد، و حتی  
 کشته شود. پیروی مسیح به معنای زندگی خالی از مشکل  
 و سختی نیست. ما باید به دقت بهای شاگردی مسیح را  
 حساب کنیم تا بدانیم وارد چه راهی می‌شویم. به این  
 ترتیب، وسوسه نخواهیم شد که از پیروی او دست بکشیم.  
 ۳۴:۱۴ نمک طعم خود را از دست می‌دهد. اگر نمک  
 رطوبت بکشد و بعد خشک شود، چیزی جز تفاله‌ای  
 بدطعم باقی نمی‌ماند. مسیحیان بسیاری با دنیا می‌آمیزند و  
 بهای وفاداری به مسیح را نمی‌پردازند. اما عیسی  
 می‌گوید که اگر مسیحیان طعم و خاصیت خود را از  
 دست بدهند، فاقد ارزش خواهند بود. همان طور که نمک  
 به غذا طعم می‌دهد و از فاسد شدن آن جلوگیری می‌کند،  
 ما نیز باید حافظ نیکی در دنیا باشیم، از فاسد شدن آن  
 جلوگیری نماییم، و طعم تازه‌ای به زندگی ببخشیم. و این  
 مستلزم برنامه‌ریزی، ایثار داوطلبانه، و سرسپردگی  
 تزلزل‌ناپذیر به ملکوت مسیح است. «تمکین» بودن  
 آسان نیست، اما اگر یک مسیحی فاقد آن باشد، قادر  
 نخواهد بود مسیح را به دنیا نمایان سازد. شما چقدر نمکین  
 هستید؟

۲:۱۵ چرا فریسیان از اینکه عیسی با این قبیل اشخاص  
 نشست و برخاست می‌کرد، ناراحت شدند؟ علمای مذهبی

۷ «به همین صورت، با توبه یک گناهکار گمراه و بازگشت او بسوی خدا، در آسمان شادی بیشتری رخ می‌دهد تا برای نود و نه نفر دیگر که گمراه و سرگردان نشده‌اند.

۷:۱۵  
لو ۳۲:۵

### حکایت سکه گمشده

(۱۶۰)

۸ «یا مثلاً اگر زنی ده سکه نقره داشته باشد و یکی را گم کند، آیا چراغ روشن نمی‌کند و با دقت تمام گوشه و کنار خانه را نمی‌گردد و همه جا را جارو نمی‌کند تا آن را پیدا کند؟<sup>۹</sup> و وقتی آن را پیدا کرد، آیا تمام دوستان و همسایگان خود را جمع نمی‌کند تا با او شادی کنند؟<sup>۱۰</sup> به همین سان، فرشتگان خدا شادی می‌کنند از اینکه یک گناهکار توبه کند و بسوی خدا باز گردد.»

۱۰:۱۵  
حز ۲۳:۱۸

### حکایت پسر گمشده

(۱۶۱)

۱۱ «برای آنکه موضوع بیشتر روشن شود، عیسی این داستان را نیز بیان فرمود: «مردی دو پسر داشت.<sup>۱۲</sup> روزی پسر کوچک به پدرش گفت: پدر، بهتر است سهمی که از دارایی تو باید به من به ارث برسد، از هم اکنون به من بدهی. پس پدر موافقت نمود و دارایی خود را بین دو پسرش تقسیم کرد.<sup>۱۳</sup> «چندی نگذشت که پسر کوچکتر، هر چه داشت جمع کرد و به سرزمینی دوردست رفت. در آنجا تمام ثروت خود را در عیاشی‌ها و راه‌های نادرست بر باد داد.<sup>۱۴</sup> از قضا، در همان زمان که تمام پولهایش را خرج کرده بود، قحطی شدیدی در آن سرزمین پدید آمد، طوری که او سخت در تنگی قرار گرفت و

۱۲:۱۵  
تث ۱۷:۲۱

محبت عجیبی داشته باشد! این همان محبتی است که باعث شد عیسی به این دنیا بیاید تا گمشدگان را بیابد و نجات دهد. این همان محبت عجیبی است که خدا نسبت به ما دارد. اگر شما احساس می‌کنید از خدا دورید، ناامید نشوید. او در جستجوی شماست.

۱۲:۱۵ سهم پسر کوچکتر از دارایی پدر، یک سوم بود (تثنیه ۱۷:۲۱). با آنکه پدران بعضی اوقات میراثشان را زودتر بین پسرانشان تقسیم می‌کردند و خود را از اداره اموالشان کنار می‌کشیدند، اما در بیشتر موارد پسران سهم خود را بعد از مرگ پدر می‌گرفتند. چیز غیرعادی در اینجا، این است که پسر کوچکتر موضوع تقسیم دارایی را پیش کشید. این کار او نشان داد که او پدر خود را بعنوان صاحب اختیار اموال و رئیس خانواده، محترم نمی‌شمارد.

۸-۱۰-۱۵ زنان فلسطینی ده سکه نقره بعنوان هدیه عروسی دریافت می‌کردند. این سکه‌ها ارزشی عاطفی داشتند مانند حلقه عروسی، و گم شدن یکی از آنها رویداد شدیداً غم‌انگیزی تلقی می‌شد. همانطور که یک زن فلسطینی با پیدا شدن سکه یا حلقه گمشده‌اش شادی می‌کرد، فرشتگان هم با توبه یک گناهکار شادی می‌کنند. تک‌تک افراد برای خدا ارزش دارند. او بخاطر هر گمشده‌ای اندوهگین می‌شود، و هروقت یکی از فرزندان‌ش پیدا می‌شود و داخل ملکوت می‌گردد، شادی می‌کند.

۱۰:۱۵ ما شاید بتوانیم درک کنیم که خدا گناهکارانی را که به او پناه می‌آورند می‌بخشد؛ اما خدایی که گناهکاران را جستجو می‌کند و آنان را می‌بخشد، باید

نزدیک بود از گرسنگی بمیرد. <sup>۱۵</sup> پس به ناچار رفت و به بندگی یکی از اهالی آن منطقه درآمد. او نیز وی را به مزرعه خود فرستاد تا خاکهایش را بچراند. <sup>۱۶</sup> آن پسر به روزی افتاده بود که آرزو می کرد بتواند با خوراک خاکها، شکم خود را سیر کند؛ کسی هم به او کمک نمی کرد.

<sup>۱۷</sup> «سرانجام روزی به خود آمد و فکر کرد: در خانه پدرم، خدمتکاران نیز خوراک کافی و حتی اضافی دارند، و من اینجا از گرسنگی هلاک می شوم!

<sup>۱۸</sup> پس برخوام خاست و نزد پدر رفته، به او خواهم گفت: ای پدر، من در حق خدا و در حق تو گناه کرده ام، <sup>۱۹</sup> و دیگر لیاقت این را ندارم که مرا پسر خود بدانی، خواهش می کنم مرا به نوکری خود بپذیر!

<sup>۲۰</sup> «پس بی درنگ برخاست و بسوی خانه پدر براه افتاد. اما هنوز از خانه خیلی دور بود که پدرش او را دید و دلش بحال او سوخت و به استقبالش دوید و او را در آغوش گرفت و بوسید.

<sup>۲۱</sup> «پسر به او گفت: پدر، من در حق خدا و در حق تو گناه کرده ام، و دیگر لیاقت این را ندارم که مرا پسر خود بدانی.

<sup>۲۲</sup> «اما پدرش به خدمتکاران گفت: عجله کنید! بهترین جامه را از خانه بیاورید و به او بپوشانید! انگشتی به دستش و کفش به پایش کنید! <sup>۲۳</sup> و گوساله پرواری را بیاورید و سر ببرید تا جشن بگیریم و شادی کنیم! <sup>۲۴</sup> چون این پسر من، مرده بود و زنده شد؛ گم شده بود و پیدا شده است!»  
پس ضیافت مفصلی برپا کردند.

۱۸:۱۵  
مراثی ۴۰:۳  
لو ۱۴:۱۸ و ۱۴

۲۰:۱۵  
پیدا ۱۴:۴۵ : ۲۹:۴۶

۲۲:۱۵  
اش ۱۰:۶۱  
زکر ۴:۳  
مکا ۱۱:۶  
۲۴:۱۵  
روم ۱۵:۱۱  
افس ۵-۱:۲  
کول ۱۳:۲

معطوف وضعیت خود کنید، و خود و خانواده تان را از غم و اندوه بیشتر برهانید.

**۲۰:۱۵** در دو داستان قبلی، آنکه سکه اش و آن دیگری که گوسفندش گم شده بود، فعالانه در پی یافتن گمشده های خود بودند، چون چیزی که آنها گم کرده بودند، قادر نبود خودش نزد آنها باز گردد. در این داستان، پدر چشم براه و منتظر بود. گمشده او انسان بود و از خودش اراده داشت. اگر پرسش باز می گشت، او آماده استقبال از او بود. خدا محبتی همیشگی دارد و همواره منتظر بازگشت انسان است. او ما را جستجو خواهد کرد و فرصت هایی به ما خواهد داد تا به او جواب دهیم، اما ما را مجبور نمی کند که نزد او برویم. او مانند پدر صبورانه منتظر می ماند تا ما سرعقل بیاییم.

**۲۴:۱۵** سکه بخاطر اشتباه خودش گم نشده بود (۸:۱۵)؛ گوسفند گم شده بود چون از روی نادانی از گله دور افتاده بود (۱۵:۳ و ۴)؛ و پسر بخاطر خودخواهی اش خانه را ترک کرده بود (۱۲:۱۵). خدا با محبت عظیمش به جستجوی گناهکاران می پردازد، بی آنکه علت گم شدن آنها اهمیتی داشته باشد.

**۱۵:۱۵** مطابق شریعت موسی، خوک حیوان ناپاکی بود (لاویان ۱۱:۲-۸؛ تثنیه ۱۴:۸). این بدان معنی بود که خوک قابل خوردن نبود یا نمی شد از آن برای قربانی استفاده کرد. و یهودیان برای آنکه خود را از نجاست محفوظ دارند، نمی بایست حتی به خوک دست بزنند. برای یک یهودی کوچک کردن خود با غذا دادن به خوکها، خفت بزرگی بود، و در مورد این مرد، خفت و خواری خوردن غذایی که در تماس با خوکها قرار داشت، فوق از تصور بود. پسر کوچکتر واقعاً در عمق ذلت فرو رفته بود.

**۱۷:۱۵** در مورد بعضی از مردم لازم است به آخر خط برسند تا سرعقل بیایند. وضعی که پسر دچارش شده بود، نتیجه میل و آرزوی او و طبق دلخواهش بود. مردم روزگار ما هم تفاوت چندانی با آن پسر ندارند. آیا شما سعی می کنید طبق دلخواه خودتان زندگی کنید، و خودخواهانه هر چیزی را که سر راهتان قرار می گیرد، کنار می زنید؟ قبل از آنکه کار به جای حاد بکشد، باز ایستید و قبل از اینکه به آخر خط برسید، توجه خود را

۲۵ «در این اثنا، پسر بزرگ در مزرعه مشغول کار بود. وقتی به خانه باز می‌گشت، صدای ساز و رقص و پایکوبی شنید. ۲۶ پس یکی از خدمتکاران را صدا کرد و پرسید: چه خبر است؟

۲۷ «خدمتکار جواب داد: برادرت بازگشته و پدرت چون او را صحیح و سالم باز یافته، گوساله پروراری را سربریده و جشن گرفته است!

۲۸ «برادر بزرگ عصبانی شد و حاضر نشد وارد خانه شود. تا اینکه پدرش بیرون آمد و به او التماس کرد که به خانه بیاید. ۲۹ اما او در جواب گفت: سالهاست که من همچون یک غلام به تو خدمت کرده‌ام و حتی یک بار هم از دستوراتت سرپیچی نکرده‌ام. اما در تمام این مدت به من چه دادی؟ حتی یک بزغاله هم ندادی تا سر بئرم و با دوستانم به شادی بپردازم! ۳۰ اما این پسر است که ثروت تو را با فاحشه‌ها تلف کرده، حال که بازگشته است، بهترین گوساله پروراری را که داشتیم، سر بریدی و برایش جشن گرفتی!

۳۱ «پدرش گفت: پسر عزیزم، تو همیشه در کنار من بوده‌ای؛ و هر چه من دارم، در واقع به تو تعلق دارد و سهم ارث توست! ۳۲ اما حالا باید جشن بگیریم و شادی کنیم، چون این برادر تو، مرده بود و زنده شده است؛ گم شده بود و پیدا شده است!»

۲۹:۱۵

متی ۱۱:۲۰-۱۵

۳۰:۱۵

امث ۲۹:۳

۳۲:۱۵

لو ۷:۱۵

## حکایت مباشر زیرک

(۱۶۲)

عیسی این حکایت را برای شاگردان خود تعریف کرد: «مردی ثروتمند مباشری داشت که به حساب دارایی‌های او رسیدگی

۱۶

بخشیدن است. اگر از بخشش دیگران اجتناب کنید، فرصت عالی برای چشیدن شادی و قسمت کردن آن با دیگران را از دست خواهید داد.

۳۲:۱۵ در این داستان، برادر بزرگتر نمایانگر فریسیان بود، که خشمگین بودند که گناهکاران در ملکوت خدا پذیرفته می‌شدند. چون آنها اینطور استدلال می‌کردند که ما قربانی‌ها می‌گذرانیم و کارهای زیادی برای خدا انجام می‌دهیم. چقدر آسان می‌شود از بخشش پرفیض خدا که دیگران را در بر می‌گیرد، متنفر شد، دیگرانی که ما آنها را گناهکارانی به مراتب بدتر از خودمان بحساب می‌آوریم. وقتی عدالت‌های شخصی ما جای رحمت خدا را می‌گیرد، چیزی از فریسیان کم نخواهیم داشت.

۱:۱۶-۸ مردم توضیح‌های متعددی برای این داستان سخت ارائه داده‌اند. بعضی از آنها به این قرار است: (۱) دارایی خود را حیف و میل نکنید چون اموالتان به

۲۵:۱۵-۳۱ پذیرفتن پسر کوچکتر به همان اندازه که در روزگار عیسی مشکل بود، امروز نیز دشوار است. کسانی که بعد از بدنام شدن بخاطر زندگی گناه‌آلودشان توبه می‌کنند، اغلب مورد سوءظن قرار می‌گیرند؛ بعضی اوقات کلیساها نیز مایل به پذیرش آنها به عضویت نیستند. اما ما باید مانند فرشتگان در آسمان که از توبه یک گناهکار شادی می‌کنند، به شادی بپردازیم. مانند آن پدر، گناهکاران توبه کار را با تمام وجود بپذیریم، از آنها پشتیبانی کنیم و مورد تشویق قرار دهیم، چون آنها برای رشد در مسیح به پشتیبانی و تشویق احتیاج دارند.

۳۰:۱۵ در داستان پسر گمشده، تضادی بین واکنش‌های پدر و پسر بزرگتر وجود دارد. پدر بخشنده و شاد بود. برادر، روحیه بخشش نداشت و غمگین و تلخ بود. پدر او را بخشید چون شاد بود، و پسر نخواست او را ببخشد چون ناراحت بود. فرق بین تلخی و شادی، در قابلیت ما برای

۲:۱۶  
روم ۱۲:۱۴

می‌کرد. اما به او خبر رسید که مباشرش در اموال او خیانت می‌کند.<sup>۲</sup> پس او را خواست و به او گفت: شنیده‌ام که اموال مرا حیف و میل می‌کنی! پس هر چه زودتر حسابهایت را ببند، چون از کار برکنار هستی!

<sup>۳</sup> «مباشر پیش خود فکر کرد: حالا چه کنم؟ وقتی از این کار برکنار شدم، نه قدرت بیل زدن دارم، و نه غرورم اجازه می‌دهد گدایی کنم.<sup>۴</sup> فهمیدم چه کنم! باید کاری کنم که وقتی از اینجا می‌روم، دوستان زیادی داشته باشم تا از من نگهداری کنند.

<sup>۵</sup> «پس هر یک از بدهکاران ارباب خود را فرا خواند و با ایشان گفتگو کرد. از اولی پرسید: چقدر به ارباب من بدهکار هستی؟

<sup>۶</sup> «جواب داد: صد حلب روغن زیتون.

«مباشر گفت: درست است. این هم قبضی است که امضاء کرده‌ای. پاره‌اش کن و در یک قبض دیگر، بنویس پنجاه حلب!

<sup>۷</sup> «از دیگری پرسید: تو چقدر بدهکاری؟

«جواب داد: صد خروار گندم.

«به او گفت: قبض خود را بگیر و بجای آن بنویس هشتاد خروار!

<sup>۸</sup> «آن مرد ثروتمند، زیرکی مباشر خائن را تحسین کرد! در واقع مردم بی‌ایمان، در روابط خود با دیگران و در کارهای خود، زیرک‌تر از مردم خداشناس هستند.

<sup>۹</sup> «مال دنیا اغلب در راه‌های بد مصرف می‌شود. اما من به شما توصیه می‌کنم که آن را در راه درست بکار گیرید تا دوستان بیابید. آنگاه وقتی مالتان از میان برود، خانه‌ای در آخرت خواهید داشت.

<sup>۱۰</sup> «اگر در کارهای کوچک درستکار باشید، در کارهای بزرگ نیز درستکار خواهید بود؛ و اگر در امور جزئی نادرست باشید، در انجام وظایف بزرگ نیز نادرست خواهید بود.<sup>۱۱</sup> پس اگر در مورد ثروت‌های دنیوی، امین و درستکار نبودید، چگونه در خصوص ثروت‌های حقیقی آسمانی به شما اعتماد خواهند

۸:۱۶  
یو ۱۲:۳۶  
افس ۵:۹ و ۵:۵  
۱ تس ۵:۵

۱۰:۱۶  
متی ۲۱:۲۵  
لو ۱۷:۱۹

نیز درستکار باشیم، یعنی حتی در کارهایی که می‌توان نادرستی خود را به نحوی توجیه کرد. ثروت‌های آسمانی به مراتب بارزتر از ثروت‌های دنیوی است، اما اگر ما در مورد ثروت دنیوی خود امین نباشیم (فرقی هم نمی‌کند این ثروت زیاد باشد یا کم)، شایسته در دست گرفتن ثروت‌های عظیم ملکوت خدا نخواهیم بود. بگذارید در امور جزئی نیز صداقتان دیده شود، در اینصورت در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز با شکست مواجه نخواهید شد.

خدا تعلق دارد نه به شما؛ (۲) پول را می‌توان هم در راه بد خرج کرد و هم در راه خوب؛ پولتان را در راه‌های خوب بکار ببرید؛ (۳) پول قدرت زیادی دارد، بنابراین با دقت و تأمل از آن استفاده کنید؛ (۴) ما باید از اموال مادی خود طوری استفاده کنیم که فایده‌ای برای آخرتمان داشته باشد (به لوقا ۱۲:۳۳ و ۳۴ مراجعه کنید).

۱۱ و ۱۰:۱۶ صداقت ما غالباً در امور مادی نمایان می‌شود. خدا ما را دعوت می‌کند تا حتی در جزئیات امور

کرد؟<sup>۱۲</sup> و اگر در مال دیگران خیانت کنید، چه کسی مال خود شما را به دستتان خواهد سپرد؟

<sup>۱۳</sup> «هیچ خدمتکاری نمی‌تواند دو ارباب را خدمت کند، زیرا یا از یکی نفرت دارد و به دیگری محبت می‌کند و یا به یکی دل می‌بندد و دیگری را پست می‌شمارد. شما نیز نمی‌توانید هم بنده خدا باشید و هم بنده پول!»

<sup>۱۴</sup> فریسی‌ها وقتی این سخنان را شنیدند، او را مسخره کردند، زیرا که پول دوست بودند.<sup>۱۵</sup> عیسی به ایشان فرمود: «شما در ظاهر، لباس تقوا و دینداری به تن دارید، اما خدا از باطن شریرتان باخبر است. تظاهر شما باعث می‌شود که مردم به شما احترام بگذارند، اما بدانید که آنچه در نظر انسان با ارزش است، در نظر خدا مکروه و ناپسند است.<sup>۱۶</sup> تا پیش از موعظه‌های یحیی، تورات موسی و نوشته‌های انبیاء راهنمای شما بودند. اما حال که یحیی مزده فرا رسیدن ملکوت خدا را داده است، مردم می‌کوشند بزور وارد آن گردند.<sup>۱۷</sup> اما این بدان معنی نیست که تورات، حتی در یک جزء، اعتبار خود را از دست داده باشد، بلکه همچون زمین و آسمان، ثابت و پایدار است.

<sup>۱۸</sup> «هر که زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، زنا می‌کند؛ و هر مردی نیز که با زن طلاق داده شده‌ای ازدواج کند، در واقع مرتکب زنا می‌شود.»

۱۳:۱۶

متی ۲۴:۶

۱۴:۱۶

متی ۱۳:۲۳ و ۱۴

۱ تیمو ۲:۳

۱۵:۱۶

اسمو ۷:۱۶

۲ تو ۳:۶

مز ۹:۷

امث ۱۱:۵ ؛ ۲:۲۱

ار ۱۰:۱۷

متی ۲۸:۲۳

عبر ۱۳:۴

۱۶:۱۶

متی ۱۳:۱۱ و ۱۳

۱۷:۱۶

اش ۸:۴۰

متی ۱۷:۵ و ۱۸

لو ۳۳:۲۱

۱ پط ۲۵:۱

۱۸:۱۶

متی ۳۲:۵ ؛ ۹:۱۹

مر ۱۱:۱۰ و ۱۲

اقرن ۱۰:۷ و ۱۱

فریسیان می‌دانیم؟ ما نیز ممکن است مثل فریسیان عمل کنیم، مگر اینکه بیانات عیسی را جدی بگیریم.

<sup>۱۵:۱۶</sup> فریسیان تظاهر به دینداری می‌کردند تا مورد ستایش دیگران قرار بگیرند، اما خدا از باطن آنان باخبر بود. آیا روحانیت شما واقعی است، یا هدف از آن فقط تحت‌تأثیر قرار دادن دیگران می‌باشد؟ به خاطر داشته باشید خدا از روحانیتی که فقط برای نمایش دادن در انظار عمومی است، نفرت دارد.

<sup>۱۷ و ۱۶:۱۶</sup> یحیی تعمیددهنده حد واسط عهدعتیق و جدید بود (یوحنا ۱:۱۵-۱۸). با آمدن عیسی، امید انبیا به تحقق پیوست. عیسی تأکید کرد که ملکوت او شریعت (عهدعتیق) را باطل نکرد بلکه آن را کامل نمود. ملکوت او نظام مذهبی تازه‌ای نبود بلکه نقطه اوج عهدعتیق بود. همان خدایی که از طریق موسی عمل نموده بود، در او عمل می‌کرد.

<sup>۱۸:۱۶</sup> بیشتر علمای مذهبی روزگار عیسی به مردها این اجازه را داده بودند که تقریباً به هر دلیلی زن خود را طلاق بدهند. سخنان عیسی درباره طلاق فراتر از احکام موسی رفت (متن ۲۴:۴-۴). حکم عیسی درباره طلاق که سخت‌تر از احکام هر مکتب فکری آن زمان و بعد از آن بود، شنوندگان را حیرت‌زده کرد (متی ۱۹:۱۰)، همانطور

<sup>۱۳:۱۶</sup> پول این قدرت را دارد که در زندگی شما جای خدا را بگیرد. پول می‌تواند ارباب شما بشود. چطور می‌توانید بفهمید که بنده پول هستید یا نه؟ (۱) آیا خیلی به آن فکر می‌کنید؟ (۲) آیا برای بدست آوردن پول بیشتر، دست از کاری که باید بکنید یا دوست دارید انجام دهید، می‌کشید؟ (۳) آیا مقدار زیادی از وقت خود را صرف پرداختن به دارایی‌تان می‌کنید؟ (۴) آیا برای شما سخت است به کسی پول بدهید؟ (۵) آیا بدهکار هستید؟ پول اربابی قوی و فریبنده است. پول نوید قدرت و سلطه را می‌دهد، اما بیشتر اوقات نمی‌تواند به وعده خود عمل کند. موفقیت‌های بزرگ می‌تواند یک شبه حاصل شود یا از دست برود، و هیچ مقدار پول نمی‌تواند تندرستی، شادمانی، یا حیات ابدی را به ارمغان آورد. چقدر بهتر است که بگذارید خدا ارباب شما باشد. خدمتگزاران او، هم در زمان حال و هم در ابدیت، آسودگی خاطر و امنیت دارند.

<sup>۱۴:۱۶</sup> فریسیان که پول‌دوست بودند، به تعلیم عیسی اعتراض کردند. ما هم ممکن است شیفته پولمان بشویم. آیا ما هم هشدارهای عیسی را در مورد خادم پول بودن، مسخره می‌کنیم؟ آیا سعی می‌کنیم به خودمان تخفیف بدهیم؟ آیا تعلیم عیسی را مربوط به دیگران، مثلاً

## داستان مرد ثروتمند و ایلعازر فقیر

(۱۶۳)

<sup>۱۹</sup> عیسی فرمود: «مرد ثروتمندی بود که جامه‌های نفیس و گرانبها می‌پوشید و هر روز به عیش و نوش و خوشگذرانی می‌پرداخت. <sup>۲۰</sup> فقیری زخم آلود نیز بود، بنام ایلعازر، که او را جلو در خانه آن ثروتمند می‌گذاشتند. <sup>۲۱</sup> ایلعازر آرزو می‌داشت که از پس مانده خوراک او، شکم خود را سیر کند. حتی سگها نیز می‌آمدند و زخمهایش را می‌لیسیدند.

۲۰:۱۶  
اعما ۲:۳

<sup>۲۲</sup> «سرانجام آن فقیر مرد و فرشته‌ها او را نزد ابراهیم بردند، جایی که نیکان بسر می‌برند. آن ثروتمند هم مرد و او را دفن کردند، <sup>۲۳</sup> اما روحش به دنیای مردگان رفت. در آنجا، در همان حالی که عذاب می‌کشید، به بالا نگاه کرد و از دور ابراهیم را دید که ایلعازر در کنارش ایستاده است. <sup>۲۴</sup> پس فریاد زد: ای پدرم ابراهیم، بر من رحم کن و ایلعازر را به اینجا بفرست تا فقط انگشتش را در آب فرو ببرد و زبانه را خنک سازد، چون در میان این شعله‌ها عذاب می‌کشم!

۲۲:۱۶  
مز ۲۰:۱۰۳ و ۲۱  
متی ۱۱:۸  
یو ۱:۱۸  
عبر ۱۴:۱  
یعقو ۵:۲  
۲۴:۱۶  
مر ۴:۹  
لو ۸:۳

<sup>۲۵</sup> «اما ابراهیم به او گفت: فرزندم، به خاطر بیاور که تو در دوران زندگی‌ات، هر چه می‌خواستی، داشتی، اما ایلعازر از همه چیز محروم بود. پس حالا او در آسایش است و تو در عذاب! <sup>۲۶</sup> از این گذشته، شکاف عمیقی ما را از یکدیگر جدا می‌کند، بطوری که نه ساکنین اینجا می‌توانند به آن سو بیایند و نه ساکنین آنجا به این سو.

۲۵:۱۶  
ایو ۷:۲۱-۱۴  
لو ۲۴:۲۵

<sup>۲۷</sup> «ثروتمند گفت: ای پدرم ابراهیم، پس التماس می‌کنم که او را به خانه پدرم بفرستی، <sup>۲۸</sup> تا پنج برادر مرا از وجود این محل رنج و عذاب آگاه سازد، مبادا آنان نیز پس از مرگ به اینجا بیایند! <sup>۲۹</sup> ابراهیم فرمود: موسی و انبیا بارها و بارها ایشان را از این امر آگاه ساخته‌اند. برادرانت می‌توانند به سخنان ایشان توجه کنند.

۲۶:۱۶  
تسا ۹:۱

۲۸:۱۶  
اعما ۲:۴۰-۱۰

۲۹:۱۶  
یو ۵:۴۵-۴۷  
اعما ۱۵:۲۱  
۲ تیمو ۳:۱۵

نکرد. او علیرغم مواهب بی‌حدی که داشت، سنگدل بود. مقدار پولمان مهم نیست، نحوه کاربرد آن مهم است. ثروتمندان می‌توانند سخاوتمند یا خسیس باشند و فقیران نیز به همین شکل. چه حالتی نسبت به دارایی خود دارید؟ آیا ثروتمندان را خودخواهانه برای خودتان می‌اندوزید، یا آن را برای سعادت دیگران به کار می‌برید؟

**۲۰:۱۶** این ایلعازر همان ایلعازری نیست که عیسی در یوحنا فصل ۱۱ از مردگان برخیزانید.

**۲۹:۱۶-۳۱** مرد ثروتمند فکر کرد که پنج برادرش یقیناً به سخنان پیام‌آوری که از مردگان زنده شود، توجه خواهند کرد. اما عیسی گفت که اگر آنها به سخنان موسی و انبیا که همیشه درباره توجه به فقرا سخن می‌گفتند، ایمان نیاوردند، کسی از مردگان هم نخواهد توانست ایشان را متقاعد کند. به

که امروز کسانی را که حکم او را می‌خوانند حیرت‌زده می‌کند. عیسی بطور قطع و یقین می‌گوید که ازدواج پیمانی مادام‌العمر است. ترک همسران به قصد ازدواج با کسی دیگر، ممکن است قانونی باشد، اما این کار از نظر خدا زناست. وقتی به فکر ازدواج افتادید، به یاد داشته باشید که خدا آن را پیمانی دائمی می‌داند.

**۱۹:۱۶-۳۱** فریسیان ثروتمند بودن شخص را دلیلی می‌دانستند بر درستکاری او. عیسی با نقل داستانی که در آن فقیر زخم‌آلود پاداش گرفت و مرد ثروتمند به مجازات رسید، فریسیان را متعجب و حیرت‌زده کرد. مرد ثروتمند بخاطر ثروتش به جهنم نرفت بلکه بخاطر اینکه ثروتش را فقط برای خودش می‌خواست. او به ایلعازر غذا نداد، او را به خانه‌اش نیاورد، یا فکری برای سلامتی او

۳۰ «ثروتمند جواب داد: نه، ای پدرم ابراهیم! به کلام ایشان توجهی ندارند. اما اگر کسی از مردگان نزد ایشان برود، یقیناً از گناهانشان توبه خواهند کرد.»  
 ۳۱ «ابراهیم فرمود: اگر به سخنان موسی و انبیاء توجهی ندارند، حتی اگر کسی از مردگان هم نزد ایشان برود، به سخنان او توجه نخواهند کرد و به راه راست هدایت نخواهند شد.»

۳۱:۱۶  
 یو ۹:۱۰ و ۱۰

### تعلیم درباره بخشش و ایمان (۱۶۴)

۱۷ روزی عیسی به شاگردان خود فرمود: «وسوسه گناه همیشه وجود خواهد داشت، اما وای بحال آن کس که دیگران را بسوی این وسوسه‌ها بکشاند.<sup>۲</sup> برای چنین شخصی بهتر است که سنگ بزرگ آسیایی به گردنش ببندند و او را به قعر دریا بیندازند، تا اینکه باعث گمراه شدن یکی از پیروان بی تجربه و ساده دل خدا گردد؛ زیرا مجازات خدا در حق او بسیار سنگین خواهد بود.<sup>۳</sup> پس مراقب اعمال و کردار خود باشید! «اگر برادرت در حق تو خطایی ورزد، او را از اشتباهش آگاه ساز. اگر پشیمان شد، او را ببخش.<sup>۴</sup> حتی اگر روزی هفت مرتبه به تو بدی کند، و هر بار نزد تو باز گردد و اظهار پشیمانی کند، او را ببخش!»  
 ۵ روزی رسولان به عیسی خداوند گفتند: «ایمان ما را زیاد کن.»  
 ۶ عیسی فرمود: «اگر ایمانتان به اندازه دانه ریز خردل می بود، می توانستید به این

۱:۱۷  
 متی ۷:۱۸ و ۷:۱۹  
 مر ۴:۲  
 اقرن ۱۲:۸

۳:۱۷  
 لار ۱۷:۱۹  
 متی ۲۱:۱۸، ۲۱:۲۲ و ۲۱:۱۹  
 یعقو ۵:۱۹

۶:۱۷  
 متی ۲۱:۱۷ : ۲۰:۲۱  
 مر ۲۳:۹ : ۲۲:۱۱ و ۲۳

اول برگردد. هر وقت احساس می کنید که باید فرد مسیحی دیگری را از گناهش آگاه سازید، قبل از آنکه دهان به تویخ او بکشاید، حالت خود را مورد ارزیابی و توجه قرار دهید. آیا او را دوست دارید؟ آیا حاضرید او را ببخشید؟ آگاه نمودن شخص از گناهش کمکی به شخص نخواهد کرد مگر اینکه نتیجه اش بخشش او باشد.  
 ۶:۱۷ خواسته شاگردان (۵:۱۷) واقعی بود؛ آنها ایمانی می خواستند که برای انجام چیزهایی که عیسی به آنها می گفت، ضرورت داشت. اما عیسی مستقیماً به سؤال آنها پاسخ نداد، چون ایمان بدست آوردنی نیست. مقدار ایمان به اندازه هدف و اصالت ایمان مهم نیست. ایمان چیست؟ ایمان اعتماد کامل به خدا و رغبت به انجام اراده اوست. ایمان چیزی نیست که ما آن را برای نمایش به دیگران به کار ببریم. ایمان اطاعت کامل همراه با فروتنی از اراده خداست، یعنی مایل بودن به انجام هر کاری که خدا ما را به آن دعوت می کند. مقدار ایمان به اندازه درست بودن ایمان که همانا ایمان به خدای قادر مطلق می باشد، مهم نیست.

کنایه ای که در سخنان عیسی هست، توجه کنید؛ عیسی در راه اورشلیم که می بایست در آنجا بمیرد، کاملاً آگاه بود که حتی بعد از برخاستن از مردگان نیز اکثر علمای مذهبی او را نخواهند پذیرفت. آنان راه خود را در پیش گرفته بودند؛ نه کتاب مقدس می توانست تزلزلی در آنان ایجاد کند و نه پسر. شاید عیسی این هشدار را خطاب به علمای مذهبی می داد که روشهای ریاکارانه خود را به مردان خود می آموختند (به متی ۲۳:۱۵ مراجعه کنید). آنها روش شریانه را تداوم می بخشیدند. شخصی که دیگران را تعلیم می دهد، مسؤولیت خطیری به گردن دارد (یعقوب ۱:۳). معلم مانند پزشک باید این سوگند قدیمی پزشکان را همیشه به یاد داشته باشد که می گوید: «مهم تر از همه، صدمه ای به کسی نرسان!»

۴ و ۳:۱۷ آگاه ساختن کسی از اشتباهش، به این معنی نیست که هر گناهی را که در او می بینیم، خاطرنشان سازیم. آگاه ساختن بمعنای این است که شخص را متوجه گناهش کنیم با این هدف که رابطه اش با خدا و هموعانش به حالت

درخت توت دستور بدهید که از جایش کنده شده، در دریا کاشته شود، و درخت هم از دستور شما اطاعت می‌کرد.

۱۷:۹ «وقتی خدمتکاری از شخم زدن یا گوسفندچرانی به خانه باز می‌گردد، فوری نمی‌نشیند تا غذا بخورد؛ بلکه ابتدا خوراک اربابش را حاضر می‌کند و شام او را می‌دهد، سپس خودش می‌خورد. کسی نیز از او تشکر نمی‌کند، زیرا وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. <sup>۱۰</sup> به همین صورت، شما نیز وقتی دستورات مرا اجرا می‌کنید، انتظار تعریف و تمجید نداشته باشید، چون فقط وظیفه خود را انجام داده‌اید.»

۱۰:۱۷

اقرن ۱۶:۹-۱۸

### شفای ده جذامی

(۱۶۹)

۱۱:۲ و ۱۳:۱ عیسی بر سر راه خود به اورشلیم، در مرز جلیل و سامره، وارد روستایی می‌شد که ناگاه ده جذامی به مقابل او آمدند. ایشان از دور ایستاده، فریاد زدند: «ای عیسی، ای استاد، بر ما رحم فرما!»

۱۴ عیسی متوجه آنان شد و فرمود: «نزد کاهنان بروید و خود را به ایشان نشان دهید.» هنگامی که می‌رفتند، آثار جذام از روی بدنشان محو شد.

۱۱:۱۷

لو ۵:۹-۱۳؛ ۲۲:۱۳

۱۲:۱۷

لاو ۱۳:۱۳ و ۴۶

۱۴:۱۷

لاو ۳:۱۴

متی ۴:۸

مر ۱:۳ و ۴۴

لو ۵:۱۴

ثمرات بزرگی تولید خواهد کرد که علائق متناقض با ایمان را ریشه کن و نابود خواهد نمود. ما به ایمان بیشتری نیاز نداریم؛ اگر ایمان ما، ایمانی زنده و درحال رشد باشد، دانه ریزی از ایمان کافی است.

۱۷:۷-۱۰ اگر ما از خدا اطاعت کرده باشیم، فقط وظیفه خود را انجام داده‌ایم. این بدان معناست که خدا هیچ‌وقت مدیون ما نیست، هر چقدر هم که خوب باشیم. همچنین ما بخاطر اجتناب از گناه هیچ پاداشی نمی‌گیریم، چون این نیز وظیفه ماست. آیا گاه احساس نمی‌کنید که بخاطر خدمت به خدا، شایسته تحسین و تمجید بیشتری هستید؟ ما صرفاً بخاطر محبتی که به خدا داریم از او اطاعت نمی‌کنیم، بلکه اطاعت وظیفه ماست.

۱۱:۱۱-۱۴ این جذامی‌ها ملزم بودند جدا از سایر مردم زندگی کنند و اگر می‌خواستند به مردم نزدیک شوند، می‌بایست حضور خود را اعلام می‌کردند. گاه علائم جذام کم می‌شد؛ اگر شخص جذامی فکر می‌کرد که از جذام پاک شده است، لازم بود خود را به کاهن نشان دهد، چون فقط کاهن می‌توانست او را پاک اعلام کند (لاویان فصل ۱۴). عیسی ده جذامی را قبل از شفا یافتن نزد کاهن فرستاد و آنها اطاعت کردند! آنها با ایمان به حرف عیسی عمل کردند و عیسی آنان را در راه شفا داد.



### آخرین سفر

#### از جلیل

عیسی برای آخرین بار جلیل را ترک کرد چون می‌بایست در اورشلیم جانش را فدا سازد. او از سامره گذشت، با ده جذامی ملاقات کرد و آنها را شفا داد، و سفرش را به مقصد اورشلیم ادامه داد. او قبل از رفتن به اریحا (۱:۱۹)، مدتی را در قسمت شرقی رود اردن گذراند (مرقس ۱:۱۰).

۱۷:۶ دانه خردل، کوچک است، اما زنده و درحال رشد. مقدار کوچکی از ایمان واقعی به خدا، مانند این دانه ریز، ریشه دوانده، رشد خواهد کرد. در ابتدا رشد دانه خردل تقریباً غیرقابل رؤیت است، اما کم‌کم بزرگ می‌شود، اول درون خاک و بعد آشکارا. گرچه هر تغییری تدریجی و نامحسوس خواهد بود، خیلی زود این ایمان

۱۵ یکی از آنان وقتی دید که شفا یافته است، در حالیکه با صدای بلند خدا را شکر می کرد، نزد عیسی بازگشت،<sup>۱۶</sup> و جلو او بر خاک افتاد و برای لطفی که در حقش کرده بود، از وی تشکر نمود. این شخص، یک سامری بود.

۱۷ عیسی فرمود: «مگر من ده نفر را شفا ندادم؟ پس آن نه نفر دیگر کجا هستند؟»<sup>۱۸</sup> آیا بجز این غریب، کسی نبود که بازگردد و از خدا تشکر کند؟»<sup>۱۹</sup> پس به آن مرد فرمود: «برخیز و برو! ایمانت تو را شفا داده است!»

۱۶:۱۷  
۲۴:۱۷ پاد  
۴۸۸ یو

۱۹:۱۷  
۲۲:۹ متی  
۴۲:۱۸ لو

### تعلیم درباره آمدن ملکوت خدا (۱۷۰)

۲۰ روزی بعضی از فریسیان از عیسی پرسیدند: «ملکوت خدا کی آغاز خواهد شد؟»

عیسی جواب داد: «ملکوت خدا با علائم قابل دیدن آغاز نخواهد شد.<sup>۲۱</sup> و نخواهند گفت که در این گوشه یا آن گوشه زمین آغاز شده است، زیرا ملکوت خدا در میان شماست.»

۲۲ کمی بعد، در این باره به شاگردان خود فرمود: «زمانی می رسد که آرزو خواهید کرد حتی برای یک روز هم که شده، با شما باشم، اما این آرزو برآورده نخواهد شد.<sup>۲۳</sup> به شما خبر خواهد رسید که من بازگشته ام و در فلان جا هستم. اما

۲۰:۱۷  
متی ۲۸:۱۲  
لو ۱۱:۱۹ + ۲۰:۱۱  
یو ۳:۳ + ۳۶:۱۸  
اعما ۶:۱

۲۲:۱۷  
متی ۱۵:۹  
۲۳:۱۷  
متی ۲۷:۲۶، ۲۳:۲۴  
مر ۲۱:۱۳  
لو ۸:۲۱

مرزهای جغرافیایی ندارد، بلکه عبارت است از کار روح خدا در زندگی و روابط مردم. امروز هم ما باید از نگاه کردن به سازمانها یا برنامهها بعنوان دلیلی برای پیشرفت ملکوت خدا خودداری کنیم. بجای آن، باید به کاری که خدا در قلب مردم انجام می دهد، نگاه کنیم.

۲۱:۱۷ بعضی ترجمهها چنین آورده اند: «ملکوت خدا در درون شما است»؛ کلمه ای که بصورت مایل چاپ شده، به هر دو صورت می تواند ترجمه شود. اگر عیسی منظورش ملکوتی در درون بوده باشد، او بر این نکته تأکید داشته که ملکوتی که او از آن سخن می گوید، با تغییر روحانی در پیروانش شروع خواهد شد. اگر منظور او ملکوتی در میان آنها بوده باشد، او می خواسته بگوید که پادشاه، یعنی خودش، در میان آنهاست. شاید او کلمه ای را انتخاب کرده که هر دو معنا را داشته باشد چون هر دو شق درست است.

۲۴ و ۲۳:۱۷ بسیاری ادعای خدایی خواهند کرد یا مدعی خواهند شد که عیسی بازگشته است و بسیاری سخن ایشان را باور خواهند کرد. عیسی به ما هشدار می دهد که هرگز چنین اخباری را جدی نگیریم، هرچقدر

آیا اعتماد شما به خدا آنقدر قوی هست که قبل از عملی شدن حرف او، به آن عمل کنید؟

۱۶:۱۷ عیسی هر ده جذامی را شفا داد اما فقط یکی از آنها برگشت تا از او تشکر کند. این امکان وجود دارد که شخص با روحیه ای ناسپاس هدایای بزرگی از خدا دریافت کند، همانطور که ننه نفر از جذامی ها این کار را کردند. اما فقط آن جذامی سپاسگزار آموخت که ایمانش نقشی در شفای او داشته است؛ و فقط مسیحیان سپاسگزار در درک فیض خدا رشد می کنند. خدا نیاز به تشکر ما ندارد، اما وقتی این کار را می کنیم، او خشنود می شود، و با استفاده از روحیه شکرگزاری ما، چیزهای بیشتری درباره ملکوتش به ما می آموزد.

۱۶:۱۷ این مرد نه تنها جذامی بود، بلکه سامری هم بود، نژادی که مورد نفرت یهودیان بود، زیرا آنها نسل دورگه ای از یهودیان بودند که در نتیجه اختلاط با بت پرستان بوجود آمده بودند (به توضیحات مربوط به ۳۳:۱۰ مراجعه کنید). لوقا یک بار دیگر خاطرنشان می سازد که فیض خدا برای همه است.

۲۱ و ۲۰:۱۷ ملکوت خدا برخلاف حکومت های زمینی،

۲۴:۱۷  
اتیمو ۱۵:۶

۲۵:۱۷  
متی ۲۱:۱۶  
مر ۳۱:۸  
لو ۲۲:۹

۲۶:۱۷  
پیدا ۱۳ و ۱۲:۶  
متی ۲۴:۳۷-۳۹

باور نکنید و بدنبال من نگردید. <sup>۲۴</sup> زیرا وقتی بازگردم، بدون شک شما از آن آگاه خواهید شد. بازگشت من، در واقع همچون برق خواهد بود که تمام آسمان را روشن می‌سازد. <sup>۲۵</sup> اما پیش از آن، لازم است که زحمات بسیاری متحمل گردم و توسط این قوم محکوم شوم.

<sup>۲۶</sup> «در زمان بازگشت من، مردم دنیا مانند زمان نوح نسبت به امور الهی بی‌توجه خواهند بود. <sup>۲۷</sup> در زمان نوح، مردم همه سرگرم خوردن و نوشیدن و ازدواج و خوشگذرانی بودند و همه چیز بصورت عادی جریان داشت، تا روزی که نوح داخل کشتی شد و طوفان آمد و همه را از بین برد.

<sup>۲۸</sup> «در آن زمان، دنیا مانند زمان لوط خواهد بود که مردم غرق کارهای روزانه‌شان بودند؛ می‌خوردند و می‌نوشیدند؛ خرید و فروش می‌کردند؛ می‌کاشتند و می‌ساختند، <sup>۲۹</sup> تا صبح روزی که لوط از شهر سدوم بیرون آمد و آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه چیز را از بین برد. <sup>۳۰</sup> بلی، به هنگام بازگشت من، اوضاع دنیا به همین صورت خواهد بود!

<sup>۳۱</sup> «در آن روز، کسانی که بیرون خانه باشند برای بردن اموالشان به خانه باز نگردند؛ و آنانی که در صحرا هستند، به شهر باز نگردند. <sup>۳۲</sup> بخاطر بیاورید بر سر زن لوط چه آمد! <sup>۳۳</sup> هر که بکوشد جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که از جان خود بگذرد، آن را نجات خواهد داد. <sup>۳۴</sup> در آن شب، دو نفر که در یک اطاق خوابیده باشند، یکی به آسمان برده خواهد شد و دیگری خواهد ماند. <sup>۳۵</sup> دو زن که سرگرم کارهای خانه باشند، یکی به آسمان برده شده، دیگری بر جای خواهد ماند. <sup>۳۶</sup> دو نفر نیز که در مزرعه کار می‌کنند، یکی برده شده، و دیگری خواهد ماند.»

۲۹:۱۷  
پیدا ۲۴:۱۹-۲۶  
۳۰:۱۷  
تسا ۷:۱

۳۱:۱۷  
متی ۱۸ و ۱۷:۲۴  
مر ۱۶ و ۱۵:۱۳

۳۳:۱۷  
متی ۳۹:۱۰ ؛ ۲۵:۱۶  
مر ۳۵:۸  
لو ۲۴:۹  
یو ۲۵:۱۲

۳۵:۱۷  
متی ۲۴:۴۱ و ۴۰  
تسا ۱۷:۴

روز یا ساعت بازگشت مسیح را نمی‌دانیم؛ اما می‌دانیم او می‌آید. بازگشت او ممکن است امروز، فردا، یا قرن‌ها بعد باشد. بازگشت او هر موقع که باشد، ما باید آماده باشیم. طوری زندگی کنید چنانکه گویی عیسی امروز باز می‌گردد، و به این ترتیب برای بازگشت او آماده خواهید بود.

**۲۶:۱۷-۳۶** عیسی درباره امنیت کاذب هشدار داد. ما برای اینکه به‌جهت بازگشت مسیح آماده باشیم، باید ارزشها و دل‌بستگی‌های این دنیا را کنار بگذاریم. بازگشت او بطور ناگهانی خواهد بود، و وقتی باز گردد، فرصت دومی وجود نخواهد داشت. برخی ربه‌ده خواهند شد تا با او باشند؛ بقیه باقی خواهند ماند.

هم که سخن آنها متقاعدکننده به‌نظر برسد. وقتی عیسی باز گردد، قدرت و حضور او بر همه آشکار خواهد بود. در آن موقع لازم نخواهد بود که کسی خبر آمدن او را به دیگران برساند، چون همه خودشان او را به چشم خود خواهند دید.

**۲۳:۱۷** روزی که مسیح باز گردد، زندگی به روال عادی ادامه خواهد داشت. هیچ هشداری قبل از آمدن او در کار نخواهد بود. مردم در پی کارهای روزانه‌شان خواهند بود و توجهی به امور الهی نخواهند داشت. آنها مانند مردم زمان نوح که با دیدن طوفان جا خوردند (پیدایش ۶-۸)، یا مردم زمان لوط که با ویرانی سدوم شکست‌زده شدند (پیدایش ۱۹)، با بازگشت مسیح غافلگیر خواهند شد. ما

۳۷ شاگردان از عیسی پرسیدند: «خداوندا، به کجا برده خواهند شد؟»  
عیسی فرمود: «جایی که لاشه باشد، لاشخورها در آنجا جمع خواهند شد!»

۳۷:۱۷  
ایو ۳۰:۳۹  
متی ۲۸:۲۴

## حکایت بیوه سمج

(۱۷۱)

۱۸ روزی عیسی برای شاگردانش مثلی آورد تا نشان دهد که لازم است همیشه دعا کنند و تا جواب دعای خود را نگرفته‌اند، از دعا کردن باز نایستند.

۱:۱۸  
روم ۱۲:۱۲  
افسی ۱۸:۶  
کول ۲:۴  
اتسا ۱۷:۵

۲ پس چنین فرمود: «در شهری، یک قاضی بود که نه از خدا می‌ترسید و نه توجهی به مردم داشت. ۳ بیوه زنی از اهالی همان شهر، دائماً نزد او می‌آمد و از او می‌خواست که به شکایتش علیه کسی که به او ضرر رسانده بود، رسیدگی کند. ۴ قاضی تا مدتی به شکایت او توجهی نکرد. اما سرانجام از دست او به ستوه آمد و با خود گفت: با اینکه من نه از خدا می‌ترسم و نه از مردم، اما چون این زن مایه دردسر من شده است، بهتر است به شکایتش رسیدگی کنم تا اینقدر مزاحم من نشود.»

۵ و ۴:۱۸  
لو ۸:۱۱

۶ آنگاه عیسی‌ای خداوند فرمود: «بینید این قاضی بی‌انصاف چه می‌گوید! ۷ اگر چنین شخص بی‌انصافی، راضی شود به داد مردم برسد، آیا خدا به داد قوم خود که شبانه‌روز به درگاه او دعا و التماس می‌کنند، نخواهد رسید؟ ۸ یقین بدانید که خیلی زود دعای ایشان را اجابت خواهد فرمود. اما سؤال اینجاست که وقتی من، مسیح به این دنیا بازگردم، چند نفر را خواهیم یافت که ایمان دارند و سرگرم دعا هستند؟»

۷:۱۸  
متی ۲۲:۲۴  
روم ۳:۸  
مکا ۱۰:۶  
۸:۱۸  
اتیمو ۱:۴

مأیوس نخواهیم شد. ممکن است خدا جواب دعا را به تأخیر بیندازد، اما تأخیر او همیشه دلایل خوبی دارد، و نباید آن را با بی‌توجهی اشتباه بگیریم. وقتی ما در دعا اصرار می‌ورزیم، شخصیت، ایمان، و امید ما رشد می‌کند. ۱۸:۳ بیوه‌زنان و یتیمان آسیب‌پذیرترین قشر در بین قوم خدا بودند، و هم انبیای عهدعتیق و هم رسولان عهدجدید تأکید کردند که باید بطور شایسته‌ای از آنها مراقبت و مواظبت بعمل آید. برای مثال به خروج ۲۲:۲۲-۲۴؛ اشعیا ۱:۱۷؛ اتیموتائوس ۳:۵؛ یعقوب ۲۷:۱ مراجعه کنید.

۱۸:۷ اگر قاضی بی‌انصاف به اصرار بی‌وقفه پاسخ می‌دهد، چقدر بیشتر خدای بزرگ و با محبت به ما جواب خواهد داد. اگر ما محبت او را احساس کرده باشیم، می‌توانیم باور کنیم که درخواست‌های ما را خواهد شنید.

۱۷:۳۷ عیسی در جواب سؤال شاگردان، ضرب‌المثل آشنایی را نقل کرد. پرواز یک لاشخور دایره‌وار در هوا مفهوم زیادی ندارد، اما وجود تعداد زیادی از آنها به این شکل در هوا، به این معنی است که لاشه‌ای در آن حوالی وجود دارد. به همین شکل یک علامت از علائم زمانهای آخر ممکن است چندان مهم نباشد، اما وقتی علائم با شدت و با سرعت دیده شود، پی‌می‌بریم که بازگشت مسیح نزدیک است.

۱۸:۱ پافشاری در دعا تا دریافت جواب، به این معنا نیست که دعایمان را دائماً تکرار کنیم یا جلسه دعا را بیهوده طول بدهیم. همیشه دعا کردن یعنی اینکه در طول زندگی روزانه خود، احتیاجاتمان را همیشه پیش روی خدا قرار دهیم، و همیشه ایمان داشته باشیم که او جواب خواهد داد. به این ترتیب، اگر با ایمان زندگی کنیم،

## حکایت دعای دو مرد در خانه خدا

(۱۷۲)

- <sup>۹</sup> سپس برای کسانی که به پاکی و پرهیزگاری خود می‌بالیدند و سایر مردم را حقیر می‌شمردند، این داستان را تعریف کرد:
- <sup>۱۰</sup> «دو نفر به خانه خدا رفتند تا دعا کنند؛ یکی، فریسی مغرور و خودپسندی بود و دیگری، مأمور باج و خراج.<sup>۱۱</sup> فریسی خودپسند، کناری ایستاد و با خود چنین دعا کرد: ای خدا تو را شکر می‌کنم که من مانند سایر مردم، خصوصاً مانند این باجگیر، گناهکار نیستم. نه دزدی می‌کنم، نه به کسی ظلم می‌کنم و نه مرتکب زنا می‌شوم.<sup>۱۲</sup> در هفته دو بار روزه می‌گیرم و از هر چه که بدست می‌آورم، یک دهم را در راه تو می‌دهم.
- <sup>۱۳</sup> «اما آن باجگیر گناهکار در فاصله‌ای دور ایستاد و به هنگام دعا، حتی جرأت نکرد از خجالت سر خود را بلند کند، بلکه با اندوه به سینه خود زده، گفت: خدایا، بر من گناهکار رحم فرما!
- <sup>۱۴</sup> «به شما می‌گویم که این مرد گناهکار، بخشیده شد و به خانه رفت، اما آن فریسی خودپسند، از بخشش و رحمت خدا محروم ماند. زیرا هر که خود را بزرگ جلوه دهد، پست خواهد شد و هر که خود را فروتن سازد، سر بلند خواهد گردید.»

۹:۱۸  
روم ۱۰:۱۴

۱۱:۱۸  
اش ۲:۵۸  
متی ۵:۶  
مکا ۱۷:۳

۱۳:۱۸  
مز ۱۲:۴۰

۱۴:۱۸  
ایو ۲۹:۲۲  
متی ۱۲:۲۳  
لو ۱۱:۱۴  
یعقو ۶:۴  
۱ پط ۵:۵و۶

## برکت دادن کودکان

(۱۷۴) / متی ۱۹:۱۳-۱۵؛ مرقس ۱۰:۱۳-۱۶)

- <sup>۱۵</sup> روزی چند زن، فرزندان خود را نزد عیسی آوردند تا بر سر ایشان دست بگذارد و برکتشان بدهد. اما شاگردان عیسی وقتی این را دیدند، مادران را سرزنش کردند و مانع آمدن ایشان شدند.<sup>۱۶</sup> و<sup>۱۷</sup> اما عیسی کودکان را نزد خود فراخواند و به شاگردان فرمود: «بگذارید بچه‌های کوچک نزد من بیایند، و هرگز مانع آنان نشوید. زیرا فقط کسانی می‌توانند از برکات ملکوت خدا

۱۵:۱۸  
متی ۱۵-۱۳:۱۹  
مر ۱۶-۱۳:۱۰

۱۷:۱۸  
متی ۳:۱۸  
اقرن ۲۰:۱۴  
۱ پط ۲:۲

باید دعای ما باشد چون همه ما هر روز به رحمت خدا احتیاج داریم. نگذارید غرور، شما را از خیلی چیزها محروم کند.

**۱۷-۱۵:۱۸** رسم بر این بود که مادران فرزندانشان را نزد ربی می‌بردند تا آنها را برکت دهد، و به همین دلیل این مادران دور عیسی جمع شدند. اما شاگردان فکر کردند که بچه‌ها ارزش آن را ندارند که وقت استاد را بگیرند، و پرداختن به آنها کم‌اهمیت‌تر از سایر کارهایی است که عیسی انجام می‌داد. اما عیسی آنها را پذیرفت چون بچه‌های کوچک آن نوع ایمان و اعتمادی را دارند که برای ورود به ملکوت خدا لازم است. حائز اهمیت

**۱۰:۱۸** مردمی که در نزدیکی اورشلیم زندگی می‌کردند، غالباً برای دعا به خانه خدا می‌رفتند. خانه خدا مرکز عبادت آنان بود (اشعیا ۵۶:۷).

**۱۴-۱۱:۱۸** فریسی به خانه خدا نرفت تا دعا کند، بلکه رفت تا خوبی‌هایش را به گوش همه کسانی که دوروبرش صدایش را می‌شنیدند، برساند. مأمور جمع آوری باج و خراج رفت تا به گنااهش اعتراف کند و رحمت خدا را بطلبد. خودپسندی خطرناک است. خودپسندی به غرور منتهی می‌شود، موجب نفرت شخص از دیگران می‌گردد، و نمی‌گذارد او چیزی از خدا بیاموزد. دعای مأمور باج و خراج

بهره‌مند گردند که همچون این بچه‌های کوچک، دلی بی‌آلایش و زودباور داشته باشند؛ و هر که ایمانی چون ایمان این بچه‌ها نداشته باشد هرگز از برکت ملکوت خدا بهره‌ای نخواهد برد.»

### گفتگو با جوان ثروتمند

(۱۷۵ / متی ۱۹:۱۶-۳۰؛ مرقس ۱۰:۱۷-۳۱)

<sup>۱۸</sup> روزی یکی از سران قوم یهود از عیسی پرسید: «ای استاد نیکو، من چه کنم تا زندگی جاودانی داشته باشم؟»

<sup>۱۹</sup> عیسی از او پرسید: «وقتی مرا نیکو می‌خوانی، آیا متوجه مفهوم آن هستی؟ زیرا فقط خدا نیکوست و بس! <sup>۲۰</sup> اما جواب سؤال؛ خودت خوب می‌دانی که در ده فرمان، خدا چه فرموده است: زنا نکن، قتل نکن، دزدی نکن، دروغ نگو، به پدر و مادرت احترام بگذار، و غیره.»

<sup>۲۱</sup> آن مرد جواب داد: «این قوانین را یک به یک از کودک‌ها انجام داده‌ام.»  
<sup>۲۲</sup> عیسی فرمود: «هنوز یک چیز کم داری. هر چه داری بفروش و به فقرا بده تا برای آخرت تو، توشه‌ای باشد. آنگاه بیا و مرا پیروی کن.»

<sup>۲۳</sup> آن شخص، با شنیدن این سخن، غمگین شد و رفت، زیرا بسیار ثروتمند بود. <sup>۲۴</sup> در همان حال که می‌رفت، عیسی او را می‌نگریست. سپس رو به شاگردان کرد و فرمود: «چه دشوار است که ثروتمندی وارد ملکوت خدا شود.»

۱۸:۱۸

متی ۱۹:۱۶-۲۲  
مر ۱۰:۱۷-۲۲

۲۰:۱۸

خرو ۱۲:۲۰-۱۶  
تث ۱۶:۵-۲۰

۲۲:۱۸

متی ۱۹:۶-۲۱  
اتیمو ۱۸:۶-۱۹

۲۳:۱۸

جز ۳۱:۳۳

۲۴:۱۸

متی ۲۳:۱۹-۳۰  
مر ۱۰:۲۳-۳۱

اتیمو ۹:۶

یعقو ۲:۵

می‌دانی من کی هستم؟» بی‌شک آن شخص معنای ضمنی حرف عیسی را در نیافت؛ او متوجه نشد که به حق عیسی را نیکو خوانده است، چون عیسی حقیقتاً خداست.

**۱۸:۲۲ و ۲۳** ثروت این مرد به زندگی‌اش آرامش داده بود و قدرت و وجهه‌ای برایش فراهم کرده بود. وقتی عیسی به او گفت که همه دارایی‌اش را بفروشد، بر همان چیزی دست گذاشت که امنیت آن مرد را تشکیل می‌داد. آن مرد نفهمید که اگر عیسی را پیروی کند، امنیتش حتی بیشتر از وقتی که ثروت داشت، تأمین خواهد شد. عیسی از همه ایمانداران نمی‌خواهد تا همه چیز خود را بفروشند، هرچند که اراده‌اش برای برخی ممکن است این باشد. با وجود این، او از همه ما می‌خواهد تا خود را از هر چیزی که برای ما مهم‌تر از خدا شده است، آزاد کنیم. منبع نهایی امنیت شما در چیست؟

**۱۸:۲۴-۲۷** از آنجا که ثروت به همراه خود قدرت و موفقیت می‌آورد، برای ثروتمندان اغلب دشوار است که به نیاز خود به نجات پی ببرند و عجز و ناتوانی‌شان را برای نجات خود درک کنند. آنها نزد خدا نخواهند رفت مگر اینکه خدا

است که بچه‌های خود را با عیسی آشنا کنیم و خودمان نیز با ایمان و توکلی بچگانه به او نزدیک شویم.

**۱۸:۱۸** این رهبر مذهبی در جستجوی اطمینانی دوباره بود؛ او می‌خواست به نحوی به این یقین برسد که زندگی جاودانی دارد. او از عیسی خواست تا محاسن او را ارزیابی کند و به آنها امتیاز بدهد، یا وظایفی به او محول کند تا با انجام آنها بتواند ابدیتش را تضمین کند. بنابراین، عیسی تکلیفی به او داد، کاری که آن رهبر مذهبی احساس کرد نمی‌تواند آن را انجام دهد. کسانی که گفتگوی عیسی را با آن رهبر شنیدند، پرسیدند: «اگر چنین است، پس چه کسی می‌تواند نجات یابد؟» عیسی پاسخ داد: «اما خدا می‌تواند کارهایی انجام دهد که برای انسان غیرممکن است.» پاسخ او این معنای ضمنی را در بر داشت که هیچ‌کس با اعمال خودش نمی‌تواند نجات بیابد. نجات را نمی‌توان بدست آورد؛ نجات هدیه خداست (به افسسیان ۲:۸-۱۰ مراجعه کنید).

**۱۹:۱۸** سؤال عیسی از رهبر دینی که نزد عیسی آمد و او را «ای استاد نیکو» خطاب نمود، در اصل این بود: «آیا

۲۵ گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از وارد شدن شخص ثروتمند به ملکوت خدا.»

۲۶ کسانی که این سخن را شنیدند، گفتند: «اگر چنین است، پس چه کسی می تواند نجات یابد؟»

۲۷ عیسی فرمود: «خدا می تواند کارهایی انجام دهد که برای انسان غیر ممکن است.»

۲۸ پطرس گفت: «ما خانه و زندگی مان را رها کرده ایم و تو را پیروی می کنیم.»

۲۹ عیسی جواب داد: «هر که برای خدمت به ملکوت خدا، مانند شما خانه، زن و فرزندان، برادران و خواهران، و پدر و مادر خود را ترک کند، ۳۰ در همین دنیا چندین برابر به او عوض داده خواهد شد و در عالم آینده نیز زندگی جاودانی را خواهد یافت.»

### سومین پیشگویی عیسی در باره مرگ خود

(۱۷۷ / متی ۲۰: ۱۷-۱۹؛ مرقس ۱۰: ۳۲-۳۴)

۳۱ سپس آن دوازده شاگرد را نزد خود گرد آورد و به ایشان فرمود: «چنانکه می دانید، ما بسوی اورشلیم می رویم. وقتی به آنجا برسیم، تمام آنچه که انبیای پیشین درباره من پیشگویی کرده اند، عملی خواهد شد. ۳۲ در آنجا مرا بدست غیر یهودیان خواهند سپرد تا مرا مورد استهزاء قرار داده، بی احترامی کنند؛ به صورتم آب دهان بیندازند، ۳۳ شلاقم بزنند و سرانجام به قتل رسانند. اما من روز سوم پس از مرگ، زنده خواهم شد!»

۳۴ اما شاگردان چیزی از سخنان او درک نکردند، و مفهوم آنها از ایشان مخفی نگاه داشته شد، گویی برای ایشان معما می گفت.

۳۱:۱۸  
مز ۲۲  
اش ۵۳  
لو ۲۵:۱۷؛ ۴۴:۲۲-۴۵  
۳۲:۱۸  
متی ۲۱:۱۶؛ ۲۲:۱۷؛  
۲:۲۷

خواهید یافت که خدا رابطه ای دائمی با خودش، از حال تا به ابد، را به شما هدیه می کند. اگر مجبورید تأیید و تحسین خانواده تان را از دست بدهید، محبت خانواده خدا را بدست خواهید آورد. شاگردان شروع به پرداختن بها برای پیروی عیسی کرده بودند، و عیسی گفت که پاداش خواهند گرفت. به چیزی که از آن دست کشیده اید، فکر نکنید؛ درباره چیزی که بدست آورده اید، فکر کنید و بخاطر آن شکر گزار باشید. هر مقدار به خدا بدهید، باز او قادر است به شما عوض بدهد.

۳۱:۱۸-۳۴ برخی از پیشگویی ها در مورد وقایع آتی زندگی عیسی، در این محل ها یافت می شود: مزمور ۹:۴۱ (درباره خیانت به او)، مزمور ۱۶:۲۲-۱۸ و اشعیا ۵۳:۴-۷ (درباره مصلوب شدن او)، و مزمور ۱۰:۱۶ (درباره قیام

و ارد زندگی آنان شود. عیسی با عرضه نجات به فقرا بعضی از شتوندگانش را شگفت زده کرد؛ او ممکن است امروز با عرضه نجات به ثروتمندان، بعضی از مردم را متعجب سازد. برای فرد ثروتمند درک این موضوع که به عیسی نیاز دارد و باید نزد او بیاید، دشوار است، اما «خدا می تواند کارهایی انجام دهد که برای انسان غیر ممکن است!»

۲۶:۱۸-۳۰ پطرس و سایر شاگردان برای پیروی عیسی بهای زیادی پرداخته بودند و خانه و کارشان را رها کرده بودند. اما عیسی به پطرس یادآوری کرد که پیروی از او در کنار فداکاری ها، مزایایی هم دارد. هر ایماننداری که برای پیروی مسیح از چیزی دست کشیده باشد، علاوه بر عالم آینده، در این دنیا نیز به او عوض داده خواهد شد. مثلاً اگر شما مجبورید از کار دائمی تان دست بکشید، در

## شفای فقیری کور

(۱۷۹ / متی ۲۰: ۲۹-۳۴ ؛ مرقس ۱۰: ۴۶-۵۲)

<sup>۳۵</sup> ایشان در طی راه به نزدیکی شهر اریحا رسیدند. در کنار راه، کوری نشسته بود و گدایی می کرد. <sup>۳۶</sup> چون صدای رفت و آمد مردم را شنید، پرسید: «چه خبر است؟» <sup>۳۷</sup> گفتند: «عیسای ناصری در حال عبور است!» <sup>۳۸</sup> بلافاصله فریاد کنان گفت: «ای عیسی، ای پسر داود، بر من رحم کن!»

<sup>۳۹</sup> آنانی که پیشاپیش عیسی می رفتند، سعی کردند او را ساکت کنند، اما مرد کور هر بار صدایش را بلندتر می کرد و فریاد می زد: «ای پسر داود، به من رحم کن!»

<sup>۴۰</sup> وقتی عیسی به آن محل رسید، ایستاد و گفت «او را نزد من بیاورید!» چون او را نزدیک آوردند، از او پرسید: «چه می خواهی برای تو انجام دهم؟» جواب داد: «سرور من، می خواهم بینا شوم.»

<sup>۴۲</sup> عیسی فرمود: «بسیار خوب، بینا شو! ایمانت تو را شفا داده است!»

<sup>۴۳</sup> همان لحظه آن کور، بینایی خود را باز یافت و در حالیکه خدا را شکر می کرد، بدنبال عیسی برافراشت. وقتی مردم این ماجرا را دیدند، همگی خدا را ستایش کردند.

۳۵:۱۸

متی ۲۰: ۲۹-۳۴  
مر ۱۰: ۴۶-۵۲

۳۸:۱۸

عبر ۱۷:۲

۴۲:۱۸

متی ۲۲:۹  
لو ۵: ۵۰؛ ۱۷: ۱۹

۴۳:۱۸

اش ۵:۳۵

متی ۸:۹

لو ۱۹:۳۷

اعما ۴:۲۱

## هدیه نجات در خانه زکی

(۱۸۰)

عیسی وارد اریحا شد تا از آنجا راه خود را بسوی اورشلیم ادامه دهد. <sup>۱</sup> در اریحا شخص ثروتمندی زندگی می کرد، به نام «زکی»

۱۹

۱:۱۹

یوش ۲۶:۶

۱ پاد ۳۴:۱۶

لو ۱۸:۳۵

نداشتند. اما این فقیر به مسیح موعود امید بست. او بدون خجالت فریاد زد تا عیسی را متوجه خود سازد و عیسی گفت که ایمان او، او را بینا کرد. هرچقدر وضعیت شما وخیم به نظر برسد، اگر با ایمان از عیسی کمک بخواهید، به یاری شما خواهد شتافت.

**۳۸:۱۸** مرد نابینا عیسی را «پسر داود» خطاب کرد. این به آن معناست که او دریافت که عیسی همان مسیح موعود است که مدت ها منتظرش بودند. این فقیر نابینا دانست که عیسی، همان مسیح موعود است، درحالیکه علمای مذهبی که معجزات او را می دیدند، نسبت به هويت او کور بودند و از قبول او بعنوان مسیح موعود امتناع ورزیدند.

**۱۹:۱-۱۰** رومی ها برای تأمین بودجه امپراطوری عظیم خود، باج و خراج های سنگینی بر تمامی ملل تحت سلطه

(او). شاگردان سخن عیسی را درک نکردند، شاید به این دلیل که توجهشان به سخنان عیسی درباره مرگش معطوف بود و به چیزی که او درباره قیامش فرمود، توجهی نکردند. با آنکه عیسی روشن و واضح سخن می گفت، اما ایشان اهمیت سخنان او را درک نکردند تا زمانی که مسیح را قیام کرده روبرو دیدند.

**۳۵:۱۸** فقرا غالباً کنار جاده های نزدیک شهرها می نشستند، چون در چنین جاهایی می توانستند با مردم بیشتری تماس داشته باشند. معمولاً فقرایی که نقص عضو داشتند، نمی توانستند بطور کامل امرار معاش کنند. خدمات پزشکی در اختیار آنها قرار نمی گرفت، و مردم تمایل داشتند دین خود را در قبال مواظبت و مراقبت از نیازمندان نادیده بگیرند (لاویان ۳۵:۲۵-۳۸). بنابراین فقرا امیدي به نجات خود از روش تحقیرآمیز زندگی شان

که رئیس مأمورین باج و خراج بود؛<sup>۳</sup> او می‌خواست عیسی را ببیند، اما بسبب ازدحام مردم نمی‌توانست، چون قدش کوتاه بود.<sup>۴</sup> پس جلو دوید و از درخت چناری که در کنار راه بود، بالا رفت تا از آنجا عیسی را ببیند.<sup>۵</sup> وقتی عیسی نزدیک درخت رسید، به بالا نگاه کرد و او را بنام صدا زد و فرمود: «زَکّی، بشتاب و پایین بیا! چون می‌خواهم امروز به خانه تو بیایم و مهمانت باشم!»

۴:۱۹

۱ پاد ۲۷:۱۰  
توا ۱۵:۱

۷:۱۹

متی ۱۹:۱۱؛ ۱۱:۹  
لو ۳:۵؛ ۲:۱۵

۸:۱۹

خرو ۱:۲۲  
اعد ۷:۵

۲ سمو ۶:۱۲

لو ۱۳:۳ و ۱۳

<sup>۶</sup> زَکّی با عجله پایین آمد و با هیجان و شادی، عیسی را به خانه خود برد. تمام کسانی که این واقعه را دیدند، گله و شکایت سر داده، با ناراحتی می‌گفتند: «او مهمان یک گناهکار بدنام شده است!»<sup>۷</sup>  
<sup>۸</sup> اما زَکّی در حضور عیسی خداوند ایستاد و گفت: «سرور من، اینک نصف

رویدادهای خاصی که به تولد یحیی تعمیددهنده و عیسی منتهی می‌شود  
رویدادهایی از کودکی عیسی  
هیرودیس یحیی را روانه زندان می‌کند  
مردم ناصره عیسی را رد می‌کنند  
عیسی صید معجزه‌آسای ماهی را ترتیب می‌دهد  
عیسی پسر بیوه زنی را زنده می‌کند  
زن بدکاره‌ای پاهای عیسی را به عطر تدهین می‌کند  
زنان، عیسی را همراهی می‌کنند  
رویدادها و معجزات و تعالیم در ظرف دو ماه پیش از مرگ مسیح  
ملاقات عیسی با زکّی و حکایت ده خدمتگزار پادشاه  
محاکمه عیسی در حضور هیرودیس  
بعضی از آخرین سخنان عیسی پیش از صعودش

۸۰-۵:۱

۵۲-۱:۲

۲۰ و ۱۹:۳

۳۰-۱۶:۴

۱۱-۱:۵

۱۷-۱۱:۷

۵۰-۳۶:۷

۳-۱:۸

۱۴:۱۸ - ۱:۱۰

۲۷-۱:۱۹

۱۲-۶:۲۳

۴۹-۴۴:۲۴

### وقایعی که فقط در انجیل لوقا یافت می‌شود

فرصت طلب، عیسی او را دوست داشت. در مقابل این محبت، مأمور کوتاه‌قامت جمع‌آوری باج و خراج به او ایمان آورد. در هر جامعه‌ای بعضی از اقشار مردم بخاطر عقیده سیاسی، رفتار فاسد، یا شیوه زندگی‌شان ناپاک محسوب می‌شوند. ما نباید تحت فشار اجتماع از این قبیل افراد دوری کنیم. عیسی آنها را دوست دارد، و آنها نیاز دارند که خبرخوش را بشنوند.

**۸:۱۹** با توجه به عکس‌العمل مردم نسبت به زکّی می‌توان نتیجه گرفت که او بی‌شک مأمور متقلبی بود. اما بعد از ملاقات عیسی، دانست که زندگی‌اش باید از ناراستی پالوده شود. زکّی با دادن اموالش به فقرا و

خود بسته بودند. یهودیان مخالف دادن این خراج بودند چون آنها با پرداخت این باج و خراجها از دولتی غیرمذهبی و خدایان بت‌پرستان حمایت می‌کردند؛ با وجود این، آنها مجبور به پرداخت آن بودند. مأمورین جمع‌آوری باج و خراج از منفورترین مردم اسرائیل بودند. یهودیانی که برای کار برای روم انتخاب می‌شدند، خائن محسوب می‌گشتند. همه می‌دانستند که مأمورین جمع‌آوری باج و خراج با غارت هموطنان خود ثروتمند می‌شوند. از این جهت تعجبی ندارد که وقتی عیسی با زکّی باجگیر به خانه او رفت، مردم عصبانی شدند. اما علیرغم این واقعیت که زکّی هم متقلب بود و هم

دارایی خود را به فقرا خواهم بخشید، و اگر از کسی مالیات اضافی گرفته باشم، چهار برابر آن را پس خواهم داد!»

<sup>۹</sup> و عیسی به او فرمود: «این نشان می‌دهد که امروز نجات به اهل این خانه روی آورده است. این مرد، یکی از فرزندان ابراهیم است که گمراه شده بود. من آمده‌ام تا چنین اشخاص را بیابم و نجات بخشم!»

### حکایت ده خدمتگزار پادشاه

(۱۸۱)

<sup>۱۱</sup> چون عیسی به اورشلیم نزدیک می‌شد، داستانی تعریف کرد تا نظر بعضی اشخاص را درباره ملکوت خدا اصلاح کند، چون تصور می‌کردند که ملکوت خدا همان موقع آغاز خواهد شد. <sup>۱۲</sup> پس چنین فرمود: «در یکی از ایالات امپراطوری روم، نجیب‌زاده‌ای زندگی می‌کرد. روزی او سفر دور و درازی به پایتخت کرد، تا از جانب امپراطور به مقام پادشاهی آن ایالت منصوب شود. <sup>۱۳</sup> اما پیش از عزیمت، ده نفر از دستیاران خود را احضار کرد و به هر یک، مبلغی پول داد تا در غیاب او به تجارت بپردازند. <sup>۱۴</sup> اما برخی از اهالی آن ایالت که با او مخالف بودند، نمایندگانی به حضور امپراطور فرستادند تا اطلاع دهند که مایل نیستند آن نجیب‌زاده بر آنان حکمرانی کند.

<sup>۱۵</sup> «اما آن شخص به مقام پادشاهی منصوب شد و به ایالت خود بازگشت و دستیاران خود را فرا خواند تا ببیند با پولش چه کرده‌اند و چه مقدار سود بدست آورده‌اند.

۹:۱۹

متی ۱۳:۹؛ ۲۴:۱۵؛ ۱۸:۱۱

لو: ۳۲:۵

روم ۱۱:۴؛ ۱۲:۱۶؛ ۱۷:۱۶

غلا ۳:۷

۱ تیمو ۱:۱۵

۱۱:۱۹

اعما ۱:۶

۱۲:۱۹

متی ۲۵:۱۴-۳۰

مر ۱۳:۳۴

۱۳:۱۹

۱ پط ۱۰:۴ و ۱۱

۱۴:۱۹

یو ۱:۱۱

خلاصی دهد. حکایت عیسی نشان داد که ملکوتش در همان زمان، به آن شکلی که ایشان انتظار داشتند، برقرار نخواهد شد. اول او برای مدتی به آسمان خواهد رفت و پیروانش می‌بایست در غیابش وفادار و ثمربخش باشند. در بازگشتش، او ملکوت پرقدرتی را که آنان انتظارش را می‌کشیدند، آغاز خواهد کرد.

**۱۱:۱۹** این داستان نشان داد که پیروان عیسی در فاصله بین صعود او به آسمان و بازگشتش چه باید بکنند. از آنجا که ما در این فاصله زمانی زندگی می‌کنیم، این داستان مستقیماً به ما مربوط می‌شود. برای رشد و توسعه ملکوت خدا، امکانات و توانایی‌های فوق‌العاده‌ای به ما داده شده است. عیسی از ما انتظار دارد این استعدادها را به کار ببریم تا رشد یابند و باعث گسترش ملکوت خدا گردند. او از هر یک از ما می‌پرسد: «با چیزی که به تو داده‌ام، چه می‌کنی؟» در عین حال که منتظر آمدن ملکوت خدا در جلال و شکوه هستیم، باید او را خدمت کنیم.

استرداد سخاوتمندانه و داوطلبانه آنچه که با تقلب گرفته بود، تغییر درونی‌اش را با عملی بیرونی نشان داد. کافی نیست که عیسی را فقط در فکر یا دل خود پیروی کنید. شما باید زندگی تغییر یافته‌تان را با رفتاری تغییر یافته نشان دهید. آیا ایمان شما به عمل منتهی شده است؟ چه تغییراتی باید در شما صورت بگیرد؟

**۱۰:۹ و ۱۱:۱۹** وقتی عیسی گفت که زکی یکی از فرزندان گمشده ابراهیم است، منظورش این بود که وی یکی از افراد قوم برگزیده خداست که به طریق الهی سلوک نمی‌کند. شخص نه بخاطر تبار خانوادگی خوب نجات می‌یابد و نه بخاطر تبار خانوادگی بد محکوم می‌گردد؛ ایمان مهم‌تر از تبار و اصل و نسب است. عیسی هنوز هم دوست دارد گمشدگان را بدون توجه به پیشینه یا شیوه سابق زندگی‌شان، وارد ملکوتش کند. آنها از طریق ایمان بخشیده شده، اشخاص تازه‌ای می‌شوند.

**۱۱:۱۹** مردم هنوز انتظار رهبری سیاسی را می‌کشیدند تا ملکوتی زمینی بر پا کند و آنها را از سلطه رومی‌ها

۱۶ «پس اولی آمد و گفت که ده برابر سرمایه اصلی سود کرده است.  
 ۱۷ «پادشاه گفت: آفرین بر تو، ای خدمتگزار خوب! چون در کار و مسئولیت کوچکی که به تو سپردم، امین بودی، حکمرانی ده شهر را به تو واگذار می‌کنم!  
 ۱۸ «نفر دوم نیز گزارش رضایت بخشی داد. او گفت که پنج برابر سرمایه اصلی، سود کرده است.

۱۷:۱۹  
 لو ۱۰:۱۶

۱۹ «به او نیز گفت: بسیار خوب! تو نیز حاکم پنج شهر باش!  
 ۲۰ و ۲۱ «اما سومی همان مبلغی را که در ابتدا گرفته بود، بدون کم و زیاد پس آورد و گفت: من از ترس شما، سرمایه‌تان را در جای امنی نگهداری کردم، چون می‌دانستم که مردی هستید سختگیر و از آنچه زحمت نکشیده‌اید، سود می‌طلبید و از سرمایه‌ای که نگذاشته‌اید، انتظار بهره دارید؟

۲۲:۱۹  
 ایو ۶:۱۵  
 متی ۳۷:۱۲  
 تیط ۱۱:۳

۲۲ «پادشاه او را سرزنش کرده، گفت: ای خدمتکار پست و شرور، تو با این سخنان خودت را محکوم کردی! تو که می‌دانستی من اینقدر سختگیر هستم، چرا پولم را به منفعت ندادی تا به هنگام مراجعت، لااقل سودش را بگیرم؟  
 ۲۳ «آنگاه به حاضران فرمود که پول را از او بگیرند و به آن خدمتکاری بدهند که از همه بیشتر سود آورده بود.

۲۶:۱۹  
 متی ۱۲:۱۳  
 مر ۲۵:۴  
 لو ۱۸:۸

۲۵ «گفتند: قربان، او خودش به اندازه کافی دارد!  
 ۲۶ «پادشاه جواب داد: بلی، این حقیقت همیشه صادق است که آنانی که زیاد

خدا مانند پادشاه این داستان هدایایی به ما داده تا به نفع ملکوتش از آنها استفاده کنیم. آیا شما می‌خواهید ملکوت خدا رشد کند؟ آیا اطمینان دارید که حکمرانی خدا منصفانه است؟ آیا همان قدر که به فکر ثروت خود هستید، از ثروت دیگران نیز مراقبت می‌کنید؟ اگر پاسخ شما به این سؤالات مثبت است، پس از آنچه که به شما سپرده شده است، وفادارانه استفاده می‌کنید.

۲۶:۱۹ و ۲۷ چارچوب این داستان جنگی داخلی است. رعایای پادشاه از قبول او سر باز می‌زنند. او که سعی می‌کند حکومتش را در غیاب خود استحکام بخشد، در می‌یابد که در بین خدمتگزارانش یکی هست که بنظر بیشتر تحت‌نفوذ افراد یاغی است تا تحت‌تأثیر خدمتگزاران وفادار. مانند این داستان، دنیای ما هم در وضعیت جنگ داخلی است. بعضی از مردم نسبت به خدا یعنی پادشاهشان در آسمان وفادارند؛ درحالی که سایرین از پذیرفتن خداوند‌گاری او سر باز می‌زنند. حتی در بین خدمتگزاران خدا هم، کسانی را می‌توان یافت که بیشتر شبیه دشمنان عمل می‌کنند تا خدمتگزاران وفادار. روزی خداوند باز خواهد گشت تا با نابودی دشمنان و بازآفرینی دنیا، به جنگ داخلی خاتمه دهد.



هفته آخر  
 در اورشلیم  
 وقتی عیسی وشاگردان از اریحا براه افتادند و به اورشلیم نزدیک شدند (۱:۱۹)، به دو دهکده بیت‌عنیا و بیت‌فاجی رسیدند که بر سر آذین شرقی کوه زیتون و در چند کیلومتری حومه اورشلیم قرار داشت. در طول هفته آخر، عیسی شبها در بیت‌عنیا می‌ماند و در طول روز به اورشلیم می‌رفت.

۲۷-۲۰:۱۹ چرا پادشاه با این مرد که چیزی به مبلغ دریافتی نینفزوده بود، اینقدر تند برخورد کرد؟ پادشاه او را تنبیه کرد چون (۱) او سرمایه پادشاه را در جهت منافع فرمانروایی او بکار نبرد؛ (۲) او به مقاصد ولی‌نعمت خود اعتماد نکرد؛ و (۳) او فقط نسبت به خودش صادق بود.

دارند، بیشتر بدست می‌آورند و آنانی که کم دارند، همان را نیز از دست می‌دهند.<sup>۲۷</sup> و اما مخالفینی که نمی‌خواستند بر آنان حکومت کنم، ایشان را اکنون به اینجا بیاورید و در حضور من، گردن بزنید.»

۲۷:۱۹  
لو ۱۴:۱۹

### ۳- خدمت عیسی در اورشلیم ورود عیسی به اورشلیم سوار بر الاغ

(۱۸۳/ متی ۲۱:۱-۱۱؛ مرقس ۱۱:۱-۱۱؛ یوحنا ۱۲:۱۲-۱۹)

<sup>۲۸</sup> پس از تعریف این داستان، عیسی پیشاپیش دیگران، بسوی اورشلیم براه افتاد. وقتی به «بیت فاجی» و «بیت عنیا» واقع بر کوه زیتون رسیدند، دو نفر از شاگردان خود را زودتر فرستاد،<sup>۳۰</sup> و به ایشان گفت: «به روستایی که در پیش است، بروید. وقتی وارد شدید، کتره الاغی را بسته خواهید دید که تاحال کسی بر آن سوار نشده است. آن را باز کنید و به اینجا بیاورید.<sup>۳۱</sup> اگر کسی پرسید که چه می‌کنید، فقط بگویید: خداوند آن را لازم دارد!»

۲۸:۱۹  
مر ۳۲:۱۰  
۲۹:۱۹  
متی ۹-۱:۲۱  
مر ۱۰-۱:۱۱  
یو ۱۸-۱۲:۱۲

<sup>۳۲</sup> آن دو شاگرد رفتند و کتره الاغ را همانگونه که عیسی فرموده بود، یافتند. وقتی آن را باز می‌کردند، صاحبانش جویای ماجرا شده، پرسیدند: «چه می‌کنید؟ چرا کتره الاغ را باز می‌کنید؟»

<sup>۳۴</sup> جواب دادند: «خداوند آن را لازم دارد!»

<sup>۳۵</sup> پس کتره الاغ را نزد عیسی آوردند، و جامه‌های خود را بر آن انداختند تا او سوار شود.

<sup>۳۶</sup> هنگامی که عیسی براه افتاد، مردم به احترام او، لباسهای خود را در راه، در مقابل او پهن می‌کردند.<sup>۳۷</sup> وقتی به سرازیری کوه زیتون رسیدند، گروه انبوه پیروانش فریاد شادی برآورده، برای همه معجزات و کارهای عجیبی که انجام

۳۶:۱۹  
۱۳:۹ یاد ۲

آنها می‌دانستند که عیسی عمداً پیشگویی زکریا ۹:۹ را به انجام می‌رساند، آنجا که زکریا می‌گوید: «ای قوم من، شادی کنید و از خوشحالی فریاد برآورید، چون پادشاهتان نزد شما می‌آید! او نجات‌دهنده‌ای پیروز است و با فروتنی، سوار بر کتره‌الاغی می‌آید.» عیسی برای اینکه اعلام کند حقیقتاً مسیح موعود است، زمانی را انتخاب کرد که همه اسرائیل در اورشلیم جمع می‌شدند، جایی که جماعت عظیمی می‌توانست او را ببیند. به این ترتیب، او راهی را برای اعلام رسالتش انتخاب کرد که جای تردیدی باقی نمی‌گذاشت. مردم هیچان زده بودند. حالا آنها یقین پیدا کرده بودند که آزادی‌شان نزدیک است.

۳۵-۳۰:۱۹ در این زمان، عیسی بسیار مشهور شده بود. همه کسانی که برای عید پسخ به اورشلیم می‌آمدند، او را می‌شناختند؛ برای مدت کوتاهی افکار عمومی نسبت به او مساعد بود. فقط کافی بود شاگردان بگویند: «خداوند آن را لازم دارد» تا صاحبان کتره الاغ با خوشحالی حیوان را به شاگردان تحویل دهند.

۳۷ و ۳۶:۱۹ مسیحیان به مناسبت این رویداد، عید نخل را جشن می‌گیرند. مردم در شاهراهها صف بسته بودند، خدا را شکر می‌کردند، شاخه‌های نخل را تکان می‌دادند و جامه‌های خود را جلو پای کتره الاغ می‌انداختند. مردم فریاد شادی سر داده، می‌گفتند: «مبارک باد پادشاهی که به نام خداوند می‌آید»، چون

۳۸:۱۹

مز ۲۶:۱۱۸

متی ۲:۲ : ۳۴:۲۵

لو ۱۴:۲ : ۳۵:۱۳

اتیمو ۱۷:۱

داده بود، خدا را شکر می کردند،<sup>۳۸</sup> و می گفتند: «مبارک باد پادشاهی که به نام خداوند می آید! آرامش در آسمان و جلال بر خدا باد!»

<sup>۳۹</sup> آنگاه برخی از فریسیان که در میان جمعیت بودند، به عیسی گفتند:

«استاد، پیروانت را امر کن که ساکت باشند! این چه چیزهاست که می گویند؟»

۴۰:۱۹

حب ۱۱:۲

<sup>۴۰</sup> عیسی جواب داد: «اگر آنان ساکت شوند، سنگهای کنار راه بانگ شادی برخواهند آورد!»

### گریه برای اورشلیم

۴۱:۱۹

لو ۳۴:۱۳

یو ۳۵:۱۱

۴۳:۱۹

جا ۱۴:۹

اش ۳:۲۹

ار ۶:۶

حز ۳-۱:۴

لو ۲۰:۲۱

۴۴:۱۹

۱ یاد ۹-۶

دان ۲۶:۹

میکا ۱۲:۳

متی ۲:۲۴

مر ۲:۱۳

لو ۶:۲۱

<sup>۴۱</sup> اما همینکه به اورشلیم نزدیک شدند و عیسی شهر را از دور دید، به گریه افتاد،<sup>۴۲</sup> و در حالیکه اشک می ریخت، گفت: «ای اورشلیم، صلح و آرامش جاوید در اختیار تو قرار داده شد، اما تو آن را رد کردی! و اینک دیگر بسیار دیر است!<sup>۴۳</sup> بزودی دشمنانت، در پشت همین دیوارها، سنگرها ساخته، از هر سو تو را محاصره و احاطه خواهند کرد.<sup>۴۴</sup> آنگاه تو را با خاک یکسان کرده، ساکنانت را به خاک و خون خواهند کشید. حتی نخواهند گذاشت سنگی بر سنگی دیگر باقی بماند، بلکه همه چیز را زیرورو خواهند کرد. زیرا فرصتی را که خدا به تو داده بود، رد کردی!»

**۳۸:۱۹** مردم خدا را بخاطر اینکه پادشاهی به آنها داده، شکر می کردند؛ اما آنها تفکر غلطی درباره عیسی داشتند. آنها مطمئن بودند که او رهبری ملی خواهد بود که قومشان را به شکوه و جلال گذشته باز خواهد گرداند، و از اینرو نسبت به سخنان انبیای خود ناشنوا و نسبت به رسالت واقعی عیسی ناپیدا بودند. وقتی معلوم شد که عیسی قصد ندارد به امیدهای آنها جامه عمل بپوشاند، بسیاری به ضد او برگشتند.

**۳۹:۱۹** فریسیان فکر می کردند چیزهایی که جمعیت بر زبان می آورند، توهین به مقدسات و کفرآمیز است. آنها نمی خواستند کسی قدرت و مرجعیتشان را مورد تهدید قرار دهد. آنها می ترسیدند شورش برپا شود و موجب گردد که سیاه روم بر آنها هجوم آورد. از این جهت، از عیسی خواستند تا مردم را ساکت کند. اما عیسی گفت که اگر مردم ساکت شوند، سنگها فریاد شادی بلند خواهند کرد. چرا؟ نه بخاطر اینکه عیسی ملکوت سیاسی پر قدرتی را برقرار می کرد، بلکه چون او ملکوت ابدی خدا را بنیاد می نهاد، که دلیلی است برای بزرگترین شادی و سرور همه.

**۴۱:۱۹-۴۴** یهودیان پادشاهشان را رد کرده بودند؛ (۴۷:۱۹). رهبران قوم خیلی از او فاصله گرفته بودند؛ آنها هدیه نجات خدا را در عیسی مسیح رد کرده بودند. بنابراین، بزودی در رنج و مصیبت گرفتار می شدند. خدا به اعطای نجات به کسانی که دوستشان دارد، چه یهود چه غیریهود، ادامه می دهد. صلح و آرامش ابدی در دسترس شماست. قبل از آنکه خیلی دیر شود، آن را بپذیرید.

**۴۴:۱۹-۴۴** سخنان عیسی ۴۰ سال بعد به حقیقت پیوست. در سال ۶۶ میلادی یهودیان علیه سلطه روم قیام کردند. سه سال بعد تیطوس، پسر امپراطور و سپازیان، مأمور سرکوبی قیام شد. سربازان رومی به اورشلیم حمله کردند و دیوار شمالی را در هم کوبیدند؛ با وجود این، نتوانستند شهر را فتح کنند. سرانجام شهر را محاصره کردند و وقتی نیروی مردم کاملاً تحلیل رفت، در سال ۷۰ میلادی توانستند وارد شهر شوند و آن را بسوزانند. طی حمله بی امان تیطوس، ششصد هزار یهودی کشته شدند.

### دومین تطهیر خانه خدا به دست عیسی

(۱۸۴ / متی ۱۲:۲۱-۱۷؛ مرقس ۱۱:۱۲-۱۹)

<sup>۴۵</sup> سپس وارد خانه خدا شد و کسانی را که در آنجا مشغول خرید و فروش بودند، بیرون کرد و بساط آنان را در هم ریخت، <sup>۴۶</sup> و به ایشان گفت: «در کلام خدا نوشته شده است که خانه من محل عبادت خواهد بود، اما شما آن را تبدیل به پناهگاه دزدان کرده‌اید!»

۴۶:۱۹

اش ۵۶:۷

ار ۱۱:۷

<sup>۴۷</sup> از آن پس عیسی هر روز در خانه خدا تعلیم می‌داد. کاهنان اعظم، علمای دین و بزرگان قوم در پی فرصتی می‌گشتند تا او را از بین ببرند، <sup>۴۸</sup> اما راهی پیدا نمی‌کردند، چون مردم همواره گرد او جمع می‌شدند تا سخنانش را بشنوند.

۴۷:۱۹

متی ۵۵:۲۶

لو ۳۷:۲۱؛ ۵۳:۲۲

یو ۲۰:۱۸

### سؤال رهبران مذهبی درباره اقتدار عیسی

(۱۸۹ / متی ۲۳:۲۱-۲۷؛ مرقس ۱۱:۲۶-۳۳)

**۲۰** در یکی از همان روزها که عیسی در خانه خدا تعلیم می‌داد و پیغام نجات‌بخش خدا را به مردم اعلام می‌کرد، کاهنان اعظم و سایر علمای دین با اعضای مجلس شورای یهود نزد او آمدند، <sup>۲</sup> تا بپرسند با چه اجازه و اختیاری، فرושندگان را از خانه خدا بیرون کرده است. <sup>۳</sup> عیسی پاسخ داد: «پیش از آنکه جواب شما را بدهم، می‌خواهم از شما سؤالی بکنم: <sup>۴</sup> آیا یحیی را خدا فرستاده بود تا مردم را تعمید دهد، یا با اختیار خودش تعمید می‌داد؟»

۱:۲۰

متی ۲۳:۲۱-۲۷

مر ۳۳-۲۶:۱۱

اعما ۱:۴؛ ۱۲:۶

۲:۲۰

یو ۱۸:۲

اعما ۱۰:۷؛ ۴

<sup>۵</sup> ایشان درباره این موضوع با یکدیگر مشورت کرده، گفتند: «اگر بگوییم از سوی خدا فرستاده شده بود، خود را به دام انداخته‌ایم، زیرا خواهد پرسید: پس چرا به او ایمان نیاوردید؟» <sup>۶</sup> و اگر بگوییم که خدا او را فرستاده بود، مردم ما را سنگسار خواهند کرد، چون یحیی را فرستاده خدا می‌دانند. <sup>۷</sup> بنابراین جواب دادند: «ما نمی‌دانیم!»

۶:۲۰

متی ۵:۱۴

لو ۲۹:۷

۷:۲۰

روم ۲۱، ۱۸:۱

۸:۲۰

ایو ۱۳ و ۲:۵

<sup>۸</sup> عیسی فرمود: «پس من نیز جواب سؤال شما را نخواهم داد!»

**۲۰:۱-۸** این گروه از رهبران می‌خواستند عیسی را از بین ببرند، از اینجهت سعی کردند با سؤال خود او را به دام اندازند. اگر عیسی جواب می‌داد که قدرت و اختیارش از خداست، یعنی اگر علناً می‌گفت که مسیح موعود و پسر خداست، آنها او را متهم به کفرگویی می‌کردند و او را به دادگاه می‌کشاندند. عیسی نگذاشت گرفتارش سازند، و شبیه همان سؤال را از خود ایشان کرد. به این ترتیب، او انگیزه‌های آنان را برملا نمود و از دامشان گریخت.

**۴۷:۱۹** چرا بزرگان قوم که شامل رهبران سیاسی، بازرگانان بزرگ، و مقامات قضایی می‌شدند، می‌خواستند عیسی را از بین ببرند؟ ظاهراً او با بیرون کردن بازرگانان از خانه خدا، به کار تجارت لطمه وارد کرده بود. بعلاوه، او علیه بی‌عدالتی موعظه می‌کرد، و تعالیم او اغلب در جهت جانبداری از فقرا و علیه ثروتمندان بود. از این گذشته، شهرت زیاد او این خطر را داشت که توجه حکومت روم را به خود جلب کند، و رهبران اسرائیل می‌خواستند تا آنجا که ممکن است کاری با روم نداشته باشند.

## حکایت باغبانهای ظالم

(۱۹۱ / متی ۲۱:۳۳-۴۶؛ مرقس ۱۲:۱-۱۲)

<sup>۹</sup> آنگاه رو به جماعت کرده، این حکایت را برای ایشان تعریف کرد: «شخصی تا کستانی درست کرد و آن را به چند باغبان اجاره داد و خودش به سرزمین دوردستی سفر کرد تا در آنجا زندگی کند. <sup>۱۰</sup> در فصل انگورچینی، یکی از خدمتگزاران خود را فرستاد تا سهم خود را از محصول تا کستان بگیرد. اما باغبانها او را زدند و دست خالی باز گرداندند. <sup>۱۱</sup> پس صاحب باغ یک نفر دیگر را فرستاد. اما باز هم بی فایده بود؛ او نیز کتک خورد، ناسزا شنید و دست خالی باز گشت. <sup>۱۲</sup> سومی را فرستاد. او را نیز زدند و زخمی کردند و از باغ بیرون انداختند.

<sup>۱۳</sup> «صاحب باغ با خود گفت: حال چه باید کرد؟ فهمیدم چه کنم! پسر عزیزم را خواهم فرستاد. یقیناً به او احترام خواهند گذاشت.

<sup>۱۴</sup> «وقتی باغبانها پسر او را دیدند، با خود فکر کرده، گفتند: این بهترین فرصت است! پس از مرگ صاحب باغ، تمام ملک به این پسر خواهد رسید. پس بیایید او را بکشیم تا باغ به خودمان برسد.

<sup>۱۵</sup> «بنابراین، او را گرفتند و کشان کشان از باغ بیرون بردند و کشتند. حال بنظر شما، صاحب باغ چه خواهد کرد؟ <sup>۱۶</sup> بگذارید بگویم چه خواهد کرد: او خواهد آمد و همه باغبانها را خواهد کشت و باغ را به دیگران اجاره خواهد داد.»

شنوندگان اعتراض کنان گفتند: «باغبانها هرگز چنین کاری نخواهند کرد!» <sup>۱۷</sup> عیسی نگاهی به ایشان کرد و گفت: «پس منظور کلام خدا چیست که می گوید: سنگی که معماران دور انداختند، سنگ اصلی ساختمان شد؟ <sup>۱۸</sup> هر کس بر آن سنگ بیفتد، خرد خواهد شد و اگر آن سنگ بر کسی بیفتد، او را له خواهد کرد!»

<sup>۱۹</sup> وقتی کاهنان اعظم و علمای دین این داستان را شنیدند، خواستند همانجا او را دستگیر کنند، چون متوجه شدند که این داستان را درباره ایشان گفته، و منظورشان از باغبانهای ظالم، آنان بوده است. اما می ترسیدند که اگر خودشان دست به چنین کاری بزنند، آشوب به پا شود.

۹:۲۰

اش ۷-۱:۵

متی ۲۱:۳۳-۴۶

مر ۱۲:۱-۱۲

۱۰:۲۰

۲ پاد ۱۷:۱۳ و ۱۴

۲ اتوا ۳۶:۵ و ۱۶

اعما ۵۲:۷

۱۳:۲۰

یو ۱۶:۳

روم ۳:۸

غلا ۴:۴

۱۴:۲۰

عبر ۲:۱

۱۵:۲۰

اعما ۱۵:۳

اتسا ۲:۱۵

۱۷:۲۰

مز ۱۱۸:۲۲

اعما ۱۱:۴

افس ۲:۲

۱ پط ۷:۲ و ۸

۱۸:۲۰

اش ۱۵:۴ و ۸

دان ۳۵:۲ و ۳۴

و اختیارش؛ این داستان همچنین به آنها نشان می داد که او از نقشه ای که برای قتل او کشیده اند، باخبر است.

<sup>۱۸:۲۰</sup> هیچ فرقی وجود ندارد بین کسانی که توجهی به مسیح ندارند چون او را درک نمی کنند، و کسانی که از ایمان آوردن به او امتناع می ورزند. تمام کسانی که بر عیسی، یعنی سنگ اصلی ساختمان، می افتند، در آخر داوری خواهند شد.

<sup>۱۹-۹:۲۰</sup> شخصیت های این داستان به آسانی قابل تشخیص هستند. حتی علمای دین آن را درک کردند. صاحب باغ خداست؛ تا کستان اسرائیل است؛ باغبانان علمای دینی اند؛ خدمتگزاران انبیا و کاهنان خدا هستند که برای اعلام گناه قوم اسرائیل فرستاده شدند؛ پسر، مسیح موعود، یعنی عیسی است؛ و دیگران غیریهودیان می باشند. حکایت عیسی مستقیماً پاسخی بود به سؤال علمای دینی درباره قدرت

### سؤال رهبران مذهبی درباره پرداخت باج و خراج

(۱۹۳ / متی ۲۲:۱۵-۲۲؛ مرقس ۱۲:۱۳-۱۷)

۲۰ از اینرو می‌کوشیدند او را وادار کنند سخنی بگویند تا از آن، علیه او استفاده کنند و او را به مقامات رومی تحویل دهند. به همین منظور چند مأمور مخفی نزد او فرستادند که خود را حَقجو نشان می‌دادند. ۲۱ ایشان به عیسی گفتند: «استاد، ما می‌دانیم که آنچه تو می‌گویی و تعلیم می‌دهی، راست و درست است. ما می‌دانیم که تو بدون توجه به مقام و موقعیت افراد، همیشه حقیقت را می‌گویی و راه خدا را تعلیم می‌دهی. ۲۲ حال بفرما آیا طبق شریعت موسی، درست است که ما به دولت روم باج و خراج بدهیم؟»

۲۳ عیسی که متوجه مکر و حيلة ایشان شده بود، گفت: ۲۴ «سکه‌ای به من نشان دهید. نقش و نام چه کسی بر روی آن است؟»  
جواب دادند: «امپراطور روم.»

۲۵ فرمود: «هر چه مال امپراطور است، به امپراطور بدهید، و هر چه مال خداست، به خدا!»

۲۶ به این ترتیب، تلاش آنان برای به دام انداختن عیسی بی‌اثر ماند و از جواب او مات و مبهوت ماندند و دیگر حرفی نزدند.

۲۰:۲۰  
متی ۲۲-۱۵:۲۲  
مر ۱۷-۱۳:۱۲

۲۵:۲۰  
لو ۲:۲۳  
روم ۷:۱۳

### سؤال رهبران مذهبی در باره قیامت

(۱۹۴ / متی ۲۳:۲۲-۳۲؛ مرقس ۱۲:۱۸-۲۷)

۲۷ سپس عده‌ای از صدوقی‌ها نزد او آمدند. صدوقی‌ها معتقد به روز قیامت نبودند و می‌گفتند که مرگ پایان زندگی است. ایشان مسئله‌ای را مطرح کردند

۲۷:۲۰  
متی ۲۳-۱۵:۲۲  
مر ۲۷-۱۸:۱۲  
اعما ۸:۲۳

خشمگین بودند زیرا این کار به منزله حمایت از یک حکومت بت‌پرست و خدایان آن بود. آنها از نظامی که به مأمورین باج و خراج اجازه می‌داد مالیات‌های سرسام‌آور مطالبه کنند و مازاد آن را برای خود بردارند، متنفر بودند. اگر عیسی می‌گفت که آنها باید باج و خراج بپردازند، آنها او را خائن نسبت به قوم و مذهبشان می‌نامیدند. اما اگر می‌گفت که نباید بپردازند، آنها می‌توانستند آن را بعنوان فرمان شورش به حکومت روم گزارش کنند. کسانی که از عیسی سؤال کردند، فکر کردند این بار او را به دام خواهند انداخت، اما باز هم عیسی زرنگتر از آنها بود.

۲۷:۲۰-۲۸ صدوقیان که گروه محافظه‌کار علمای دینی بودند، فقط تورات یعنی از پیدایش تا تثبیه را بعنوان کتب مقدسه قبول داشتند و معتقد به قیامت مردگان نبودند چون نمی‌توانستند اشاره‌ای به این مطلب را در این کتب بیابند. آنها

۲۰:۲۰-۲۶ عیسی تلاش دشمنانش را برای به دام انداختنش، به درسی مهم تبدیل کرد: پیروان خدا هم در قبال خدا تعهدات قانونی دارند و هم در قبال دولت. اما آنچه مهم است این است که اولویت‌ها را درست بسنجیم. وقتی امور الهی و امور دولتی با هم تناقض داشته باشند، وظیفه ما در قبال خدا همیشه بر وظیفه‌مان نسبت به دولت ارجح است. ۲۱:۲۰ این مأمورین مخفی که خود را حَقجو نشان می‌دادند، قبل از آنکه سؤال مکر آمیزشان را از عیسی بکنند، چاپلوسی کردند به امید اینکه او را غافلگیر سازند. اما عیسی دانست آنان دنبال چه هستند و در دام آنها گرفتار نشد. مواظب چاپلوسی باشید. با کمک خدا می‌توانید متوجه چاپلوسی شوید و در چنگال آن گرفتار نشوید.

۲۲:۲۰ این سؤال واقعاً یک سؤال انحرافی بود. یهودیان از اینکه مجبور بودند به دولت روم باج و خراج بپردازند،

۲۸ و چنین گفتند: «در تورات موسی آمده که اگر مردی بی‌اولاد بمیرد، برادرش باید بیوه او را به همسری اختیار کند و فرزندان ایشان، فرزندان آن برادر مرده بحساب خواهند آمد تا نسل او برقرار بماند. ۲۹ باری، در خانواده‌ای هفت برادر بودند. برادر بزرگتر همسری گرفت و بی‌اولاد مرد. ۳۰ برادر کوچکترش با آن بیوه ازدواج کرد و او هم بی‌اولاد مرد. ۳۱ به این ترتیب، تا برادر هفتم، همه یکی پس از دیگری، با آن زن ازدواج کردند و همه نیز بی‌اولاد مردند. ۳۲ در آخر، آن زن نیز مرد. ۳۳ حال، سؤال ما اینست که در روز قیامت، او زن کدامیک از آن هفت برادر خواهد بود؟ چون هر هفت برادر با او ازدواج کرده بودند؟»

۳۴ عیسی جواب داد: «ازدواج، برای مردم فانی این دنیاست؛ ۳۵ اما کسانی که شایسته شمرده شوند که پس از مرگ زنده گردند، وقتی به آن عالم بروند، نه ازدواج می‌کنند و نه می‌میرند؛ و از این لحاظ مانند فرشتگان و فرزندان خدا می‌شوند؛ زیرا از مرگ به یک زندگی تازه منتقل شده‌اند.

۳۷ «اما درباره سؤال اصلی شما، یعنی اینکه آیا قیامت مردگان وجود دارد یا نه، موسی به روشنی نشان داد که قیامت وجود خواهد داشت. زیرا وقتی موسی بازگو می‌کند که چگونه خدا در بوت‌ه سوزان بر او ظاهر شد، از خدا بعنوان خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب نام می‌برد. ۳۸ و هنگامی که خدا، خدای کسی نامیده می‌شود، منظور آنست که آن شخص زنده است و نه مرده! زیرا در نظر خدا، همه زنده هستند!»

۲۸:۲۰

پیدا ۸:۳۸

تث ۵:۲۵

۳۶:۲۰

روم ۲۳:۸

اقرن ۱۵:۴۲، ۴۹، ۵۲

ایو ۳:۱

۳۷:۲۰

خرو ۶:۳

یو ۲۵:۱۱

اعما ۳۲:۷

روم ۱۷:۴

اقرن ۱۵:۵

عبر ۳۵، ۱۰، ۱۱

۲۰:۳۷ و ۳۸ صدوقیان با سؤالی انحرافی نزد عیسی آمدند. آنها که به قیامت اعتقاد نداشتند، می‌خواستند عیسی چیزی بگوید که بتوانند آن را رد کنند. با این اوصاف، عیسی به سؤال آنان بی‌توجهی نکرد و آن را بی‌اهمیت جلوه نداد. او به سؤال ایشان پاسخ داد. سپس به مسأله اصلی پرداخت. وقتی مردم سؤالات مذهبی دشواری از شما می‌کنند، مانند عیسی عمل کنید. سؤالاتی که مطرح می‌شود از این قبیلند: «چطور خدای محبت می‌تواند اجازه بدهد مردم از گرسنگی بمیرند؟ اگر خدا از کارهایی که می‌خواهم بکنم آگاه است، آیا باز در انتخاب عمل آزادی دارم؟» در این قبیل موارد، اول بسته به توانایی خود، به بهترین نحو به سؤال ایشان پاسخ دهید؛ بعد به اصل مطلب بپردازید، برای مثال مصیبتی را در زندگی یک شخص یا مشکلی را در اخذ یک تصمیم مطرح کنید. سؤالاتی که از شما می‌شود، اغلب فقط برای آزمایش شماست که آیا می‌توانید پاسخ دهید یا نه. مردم از شما سؤال می‌کنند نه چون توانایی پاسخگویی به

تصمیم گرفتند دست به فریب عیسی بزنند، بنابراین سؤالی را مطرح کردند که همیشه فریسیان را گیر انداخته بود. بعد از عنوان کردن سؤالشان درباره ازدواج، عیسی به سؤال اصلی آنها یعنی مسأله قیامت پاسخ داد. پاسخ عیسی که بر مبنای نوشته‌های موسی، یعنی مأخذ مورد قبول صدوقی‌ها قرار داشت، اعتقاد به قیامت را تأکید می‌کرد.

۲۸:۲۰ معمای صدوقیان می‌توانسته بر ماجرای واقعی استوار بوده باشد. به حکم موسی در مورد بیوه‌زنان در تثیبه ۲۵:۶۵ مراجعه کنید.

۲۰:۳۴ و ۳۵ سخن عیسی به این معنی نیست که مردم در آسمان والدینشان را نخواهند شناخت، بلکه فقط بدان معناست که ما نباید فکر کنیم که زندگی ما در آسمان ادامه آن نوع زندگی است که الآن می‌شناسیم. زمان، مرگ، و گناه، روابط ما را در این دنیا محدود می‌کند. ما همه چیز را درباره زندگی بعد از قیامت نمی‌دانیم، اما عیسی تصریح می‌کند که زندگی پس از مرگ متفاوت از زندگی‌ای است که اینجا و حالا به آن خو گرفته‌ایم.

۳۹ چند نفر از علمای دین که آنجا ایستاده بودند، گفتند: «استاد، بسیار خوب جواب دادی!»<sup>۴۰</sup> و از آن پس دیگر کسی جرأت نکرد سؤالی از او بکند!

۴۰:۲۰  
متی ۴۱:۲۲-۴۶  
مر ۳۴:۱۲-۳۷

### عجز رهبران مذهبی از جواب دادن به عیسی

(۱۹۶/ متی ۴۱:۲۲-۴۶؛ مرقس ۱۲:۳۵-۳۷)

۴۱ اما اینبار عیسی خود سؤالی از ایشان کرد. او فرمود: «چرا می‌گویند که مسیح موعود باید از نسل داود پادشاه باشد؟<sup>۴۲</sup> و<sup>۴۳</sup> در حالیکه خود داود، در کتاب زبور نوشته است که خدا به خداوند من، مسیح، گفت:

۴۲:۲۰  
مز ۱:۱۱۰  
اعما ۲:۳۴  
اقرن ۱۵:۲۵

بدست راست من بنشین

تا دشمنانت را زیر پایهایت بیفکنم.

۴۴ چگونه ممکن است که مسیح، هم پسر داود باشد و هم خداوند او؟»

### هشدار عیسی به رهبران مذهبی

(۱۹۷/ متی ۱۲:۲۳-۱۲؛ مرقس ۱۲:۳۸-۴۰)

۴۵ سپس در حالیکه جمعیت به او گوش می‌دادند، رو به شاگردان خود کرد و گفت: «از این علمای متظاهر دوری کنید که دوست دارند با قباهای بلند، خودنمایی کنند و به هنگام عبور از کوچه و بازار، مردم به ایشان تعظیم کنند؛ و چقدر دوست دارند که در عبادتگاه‌ها و جشنهای مذهبی، بالای مجلس بنشینند. اما حتی وقتی دعاهای طولانی می‌کنند و تظاهر به دینداری می‌نمایند، تمام

۴۵:۲۰  
متی ۱۳:۷-۱۲  
مر ۳۸:۱۲-۴۰  
لو ۱۱:۴۳

۴۷:۲۰  
لو ۱۲:۴۷  
یعقو ۴:۱۷

قبول داشته باشیم که خودش گفت، سایر سؤالات روحانی نامربوط خواهند بود. فریسیان و صدوقیان نتوانستند این کار را بکنند و نسبت به هويت او گیج ماندند و در این مورد اتفاق نظر نداشتند.

۴۶ و ۴۵:۲۰ علمای مذهبی سودی را که از مقامشان عایدشان می‌شد، دوست داشتند، و گاه اموال فقرا را تصاحب می‌کردند تا نفع بیشتری عایدشان گردد. هرکاری پاداش مخصوص خودش را دارد، اما خود کار هرگز نباید مهم‌تر از انجام صادقانه آن باشد. خدا کسانی را که از مسؤولیت‌های شغلی خود در جهت کلاه گذاشتن بر سر دیگران استفاده می‌کنند، تنبیه خواهد کرد. از هر مسؤولیتی که به شما سپرده شده است، فقط به نفع خود سود نجویید بلکه از آن برای کمک به دیگران استفاده کنید.

۴۷:۲۰ تصور این حقیقت چقدر عجیب است که سخت‌ترین تنبیه‌ها متوجه رهبران مذهبی خواهد بود. آنها در پس ظاهر مقدس و محترم خود، متکبر، حقه‌باز،

سؤالات سخت را دارید، بلکه بخاطر اشتیاقی است که به شنیدن سؤالاتشان دارید و اهمیتی که به آنها می‌دهید. ۴۴-۴۱:۲۰ فریسیان و صدوقیان سؤالات خود را از عیسی کرده بودند. حالا برگ برنده دست عیسی بود؛ او از آنها سؤالی کرد که اصل موضوع را هدف قرار می‌داد. عیسی پرسید که نظر آنها درباره هويت مسیح موعود چیست؟ فریسیان می‌دانستند که مسیح موعود از نسل داود خواهد بود، اما درک نکرده بودند که کتاب مقدس همچنین بیان داشته که او ورای نسل بشری و خود خدا خواهد بود. عیسی از مزمو ۱:۱۱۰ نقل قول کرد تا نشان دهد که داود خودش می‌دانست که مسیح هم خدا و هم انسان خواهد بود. فریسیان فقط انتظار حاکمی انسانی را می‌کشیدند که عظمت و شکوه اسرائیل در زمان داود و سلیمان را دوباره احیا کند.

مسأله اصلی زندگی ما، نوع اعتقادی است که ما درباره عیسی داریم. اگر اول تصمیم نگیریم عیسی را همان کسی

هوش و حواسشان به اینست که چگونه اموال بیوه زنان را تصاحب کنند. از اینرو مجازات آنان بسیار شدید خواهد بود.»

### هدیه بیوه زن فقیر

(۲۰۰ / مرقس ۱۲: ۴۱-۴۴)

۲۱ وقتی عیسی در خانه خدا ایستاده بود و به اطراف نگاه می کرد، ثروتمندانی را دید که هدایای خود را در صندوق اعانات می ریختند. <sup>۲</sup> در همان حال بیوه زن فقیری نیز آمد و دو سکه کوچک در صندوق انداخت.

<sup>۳</sup> عیسی فرمود: «در واقع این بیوه زن فقیر بیشتر از تمام آن ثروتمندان هدیه داده است. <sup>۴</sup> چون آنها قسمت کوچکی از آنچه را که احتیاج نداشتند دادند، در حالیکه این زن فقیر هر چه داشت داد.»

### تعلیم درباره آینده

(۲۰۱ / متی ۲۴: ۱-۲۲ ؛ مرقس ۱۳: ۱-۲۰)

<sup>۵</sup> در این هنگام بعضی از شاگردان عیسی از سنگهای زیبایی که در بنای خانه خدا بکار رفته بود و از اشیاء گرانبهایی که مردم وقف کرده بودند، تعریف می کردند. اما عیسی به ایشان فرمود: <sup>۶</sup> «روزی فرا می رسد که تمام این

۱:۲۱  
امت ۱۰ و ۹:۳ و ۱۱: ۲۴ و ۲۵  
مر ۱۲: ۴۱-۴۴

۵:۲۱  
متی ۲۴: ۱-۲۲  
مر ۱۳: ۱-۲۳  
۶:۲۱  
۱ پاد ۸: ۹  
میگا ۱۲: ۳  
لو ۴۴: ۱۹

وقتی دادن درصد مشخصی از درآمد خود را کار بزرگی بینداریم، مانند «تمام آن ثروتمندان» می شویم که فقط جزئی از مازاد خود را می دادند. اینجا عیسی دادن ایثارگرانه را می ستاید. ما ایمانداران باید میزان دادن خود را چه پول باشد، چه وقت، چه استعدادهایمان، افزایش دهیم تا حدی که ماورای مرز امنیت باشد.

۵:۲۱ این خانه خدا که شاگردان از آن تعریف می کردند، آن خانه یا عبادتگاهی نبود که سلیمان بنا کرده بود و بدست بابلی ها در اوایل قرن ششم پیش از میلاد ویران شد. این عبادتگاه را عزرا بعد از بازگشت از تبعید در اواخر قرن ششم پیش از میلاد ساخت، که سلوکیدها در قرن دوم پیش از میلاد به آن بی حرمتی کردند، مدتی بعد مکابیان دوباره آن را تقدیس نمودند، و هیروودیس کبیر طی ۴۰ سال آن را بسط و توسعه بسیار داد. خانه خدا بنایی زیبا و با ابهت، با تاریخچه ای مهم بود، اما عیسی گفت که کاملاً ویران خواهد شد. ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی وقتی سپاه روم اورشلیم را به آتش کشید، اتفاق افتاد.

خودخواه، و بی مبالا بودند. عیسی پرده از دل های شریر آنها برداشت. او نشان داد که ایشان علیرغم سخنان مذهبی که سر زبانشان بود، به احکام خدا بی توجه اند و مطابق میل خود عمل می کنند. اعمال مذهبی، گناه را خنثی نمی کند. عیسی فرمود که سنگین ترین مجازات های خدا در انتظار این رهبران خواهد بود چون زندگی آنان می بایست نمونه رحمت و عدالت باشد، اما اینچنین نبود.

۲۱:۲۱ عیسی در قسمتی از خانه خدا بود که حیاط زنان نامیده می شد، و خزانه در آنجا یا در راهروی مجاور قرار داشت. در این قسمت هفت جعبه برای مردان وجود داشت که مالیات خانه خدا را در آن می ریختند و شش جعبه هم برای هدایای داوطلبانه بود، مانند همانی که این زن هدیه اش را در آن ریخت. او نه تنها فقیر بود بلکه چون بیوه هم بود به آن صورت منبع درآمدی نداشت. هدیه کوچک او یک قربانی بود اما او با میل و رغبت آن را داد.

۲۱:۲۱ این بیوه زن هر چه را که داشت داد، کاملاً برعکس شیوه ای که بیشتر ما پول خود را خرج می کنیم.

چیزهایی که می‌بینید، خراب و ویران خواهد شد و سنگی بر سنگی دیگر باقی نخواهد ماند.»

<sup>۷</sup>ایشان با تعجب گفتند: «استاد، این وقایع کی روی خواهند داد؟ آیا پیش از وقوع آنها، علائمی وجود خواهد داشت؟»

<sup>۸</sup>عیسی در جواب فرمود: «مواظب باشید کسی شما را گمراه نکند. زیرا بسیاری آمده، ادعا خواهند کرد که مسیح هستند و خواهند گفت که دنیا به آخر رسیده است. اما باور نکنید. و هنگامی که خبر جنگها و آشوبها را بشنوید، مضطرب نشوید. لازم است که چنین وقایعی رخ دهد، اما این به آن معنی نیست که آخر دنیا نزدیک شده است.»

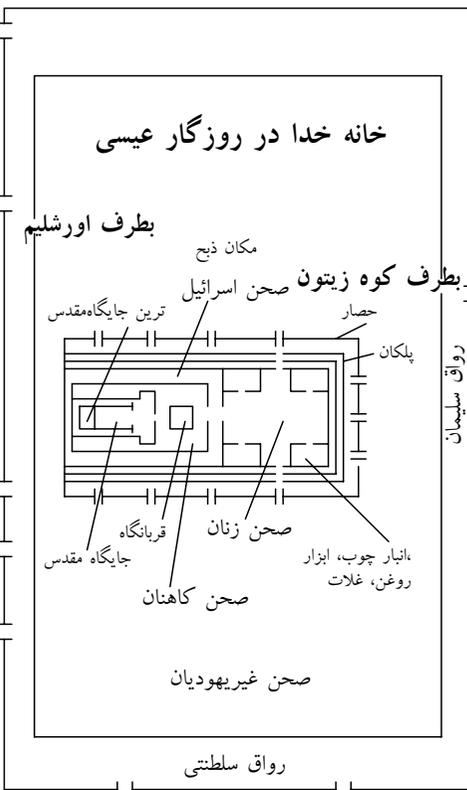
<sup>۹</sup>سپس ادامه داد: «قومها و ممالک علیه یکدیگر به جنگ برخوانند خاست. <sup>۱۱</sup>زلزله‌های عظیم، قحطی‌ها و بیماریهای مسری در بسیاری از نقاط روی خواهد داد و در آسمان نیز چیزهای عجیب و هولناک دیده خواهد شد.

<sup>۱۲</sup>«اما قبل از این وقایع، دوره آزار و جفا و شکنجه پیش خواهد آمد. شما را بخاطر نام من، به عبادتگاه‌ها، زندانها، و به حضور پادشاهان و فرمانروایان

۸:۲۱  
لوقا ۲۳:۱۷

۱۲:۲۱

متی ۱۸:۱۷ و ۱۸:۱۵ : ۴:۱۲  
۲۴:۱۶ : ۲۴:۲۵  
مکا ۱۰:۲



**۷:۲۱** عیسی شاگردانش را برای سالهای سختی که پیش رو داشتند، بدون آمادگی ترک نکرد. او درباره مسیح‌های دروغین، بلاهای طبیعی، و اذیت و آزارها به آنها هشدار داد؛ اما به ایشان اطمینان داد که با آنها خواهد بود تا از ایشان حمایت کند و ملکوتش را از طریق آنان آشکار نماید. در پایان، او وعده داد که در قوت و جلال برای نجات آنان باز خواهد گشت. هشدارها و وعده‌های عیسی به شاگردانش، هنوز به ما نیز مربوط می‌شود چون ما چشم به راه بازگشت او هستیم.

**۸:۲۱** عیسی روی کوه زیتون نشسته بود، یعنی همان جایی که زکریای نبی پیشگویی کرد که مسیح موعود وقتی برای برقراری ملکوتش بیاید، آنجا خواهد ایستاد (زکریا ۴:۱۴). از این جهت، آنجا جای مناسبی برای شاگردان بود تا از عیسی بپرسند چه وقت با قدرت خواهد آمد و آنان چه انتظاری می‌بایست از این ملکوت داشته باشند. پاسخ عیسی بر رویدادهایی تأکید داشت که قبل از پایان جهان اتفاق خواهد افتاد. او خاطرنشان ساخت که آنها باید بیشتر در این فکر باشند که خود را آماده کنند، نه اینکه تاریخ دقیق بازگشت او را بدانند. آنها باید دائماً در طریق خدا زندگی کنند بدون توجه به اینکه عیسی چه وقت خواهد آمد، چون وقتی عیسی باز گردد، آنان را از آن خود خواهد دانست.

**۱۲:۲۱ و ۱۳** این آزار و شکنجه‌ها خیلی زود شروع شد. لوقا بسیاری از آنها را در کتاب اعمال ثبت کرده است.

خواهند کشاند. <sup>۱۳</sup> اما این فرصتی خواهد بود تا بتوانید خبر خوش انجیل را به آنان اعلام دارید. <sup>۱۴</sup> پس در این فکر نباشید که چگونه از خود دفاع کنید، <sup>۱۵</sup> زیرا من خود، به شما خواهم آموخت که چه بگویید، بطوری که هیچیک از دشمنانتان، یارای پاسخگویی و ایستادگی در مقابل شما را نخواهند داشت! <sup>۱۶</sup> پدر و مادر و برادران و بستگان و دوستانتان به شما خیانت خواهند کرد و شما را تحویل دشمن خواهند داد؛ و برخی از شما کشته خواهید شد؛ <sup>۱۷</sup> و همه بسبب اینکه پیرو من هستید، از شما متنفر خواهند شد. <sup>۱۸</sup> اما مویبی از سر شما گم نخواهد شد! <sup>۱۹</sup> اگر تا به آخر تحمل کنید، جانهای خود را نجات خواهید داد. <sup>۲۰</sup> «اما هرگاه دیدید که اورشلیم به محاصره دشمن درآمده، بدانید که زمان نابودی آن فرا رسیده است. <sup>۲۱</sup> آنگاه مردم یهودیه به کوهستان بگریزند و ساکنان اورشلیم فرار کنند و آنانی که بیرون شهر هستند، به شهر باز نگردند. <sup>۲۲</sup> زیرا آن زمان، هنگام مجازات خواهد بود، روزهایی که تمام هشدارهای انبیاء تحقق خواهند یافت. <sup>۲۳</sup> وای بحال زنانی که در آن زمان آستن بوده، یا بچه شیرخوار داشته باشند! زیرا این قوم دچار مصیبت سختی شده، خشم و غضب خدا بر آنان عارض خواهد شد؛ <sup>۲۴</sup> به دم شمشیر خواهند افتاد و یا اسیر شده، به سرزمینهای بیگانه تبعید خواهند گشت. اورشلیم نیز بدست بیگانگان افتاده، پایمال خواهد شد تا زمانی که دوره تسلط بیگانگان به پایان رسد.

۱۳:۲۱

فیل ۱۳ و ۱۲:۱

۱۴:۲۱

متی ۱۰:۱۹ و ۲۰

لو ۱۲:۱۱ و ۱۲

اعما ۶:۷

۱۶:۲۱

میکا ۶:۷

متی ۱۰:۲۱ و ۲۲

اعما ۷:۶۰ ؛ ۱۲:۲

۱۷:۲۱

۲ تیمو ۱۲:۳

۱۹:۲۱

روم ۷:۲

۱ پطرس ۶:۱-۹

۲۲:۲۱

اش ۲:۶۱

دان ۲۶:۹ و ۲۷

هو ۷:۹

روم ۲۵:۱۱

مکا ۲:۱۱

۲۴:۲۱

دان ۱۳:۸

روم ۲۵:۱۱

مکا ۲:۱۱

گم نخواهد شد!» منظور او این نیست که در آزار و شکنجه‌ها صدمه‌ای به ایمانداران نخواهد رسید یا حتی کشته نخواهند شد. به خاطر داشته باشید که بیشتر شاگردان شهید شدند. منظور او اینست که هیچ یک از پیروانش از لحاظ روحی لطمه نخواهند دید یا زندگی جاودانی را از دست نخواهند داد. شما ممکن است در این دنیا بمیرید، اما برای زندگی جاودانی محفوظ خواهید ماند. **۲۴:۲۱** دوره تسلط بیگانگان با ویرانی اورشلیم در سال ۵۸۶ ق.م. بدست بابلی‌ها، و تبعید یهودیان شروع شد. از آن پس اسرائیل دیگر ملت مستقلی نبود و تحت سلطه حاکمان غیریهودی قرار داشت. حتی در زمان عیسی، امپراطوری روم بر اسرائیل حکمرانی می‌کرد، و در سال ۷۰ میلادی یک سردار رومی شهر اورشلیم را ویران نمود. در این آیه عیسی می‌خواست بگوید که سلطه غیریهودیان تا زمانی که خدا مقدر کرده باشد، ادامه خواهد داشت. سلطه غیریهودیان فقط به ویرانیهای مکرر اورشلیم اشاره ندارد، بلکه به آزار و اذیت‌های دائمی و روبه تزیاید مقدسین تا پایان جهان نیز اشاره دارد.

پولس از زندان نوشت که به استقبال رنج و زحمت می‌رود چون زحمت و سختی به او کمک می‌کند تا مسیح را بهتر بشناسد و همان کاری را بکند که مسیح برای کلیسا کرد (فیلیپیان ۱۰:۳ ؛ کولسیان ۱:۲۴). کلیسای اولیه علیرغم آزار و شکنجه‌های شدید، رشد کرد. در حقیقت، در اواخر قرن دوم تروتولیان، از پدران کلیسا، نوشت که «خون مسیحیان بذر است».

**۱۹-۱۴:۲۱** عیسی پیروان خود را مطلع ساخت که طی آزار و شکنجه‌ای که در آینده رخ خواهد داد، اعضای خانواده و دوستان ایشان به آنها خیانت خواهند نمود. مسیحیان هر دوره‌ای با این پیشامد روبرو بوده‌اند. حتی وقتی ما احساس می‌کنیم کاملاً تنهایییم، روح‌القدس با ماست، و دانستن این حقیقت اطمینانی دوباره به ما می‌دهد. او به ما تسلی می‌دهد، از ما حمایت می‌کند، سخنانی را که باید بگوییم، به ما می‌آموزد. این اطمینان خاطر به ما جرأت و امید می‌بخشد تا در تمام موقعیت‌های دشوار به مسیح وفادار بمانیم.

**۱۹ و ۱۸:۲۱** وقتی عیسی می‌گوید: «مویبی از سر شما

## تعلیم عیسی درباره بازگشت خود

(۲۰۲ / متی ۲۴:۲۳-۲۵ ؛ مرقس ۱۳:۲۱-۳۱)

۲۵ «آنگاه در آسمان اتفاقات عجیبی خواهد افتاد و در خورشید و ماه و ستارگان، علائم هولناکی دیده خواهد شد. بر روی زمین، قومها از غرش دریاها و خروش امواج آن، آشفته و پریشان خواهند شد.<sup>۲۶</sup> بسیاری از تصور سرنوشت هولناکی که در انتظار دنیاست، ضعف خواهند کرد؛ زیرا نظم و ثبات آسمان نیز درهم خواهد ریخت.<sup>۲۷</sup> آنگاه تمام مردم روی زمین مرا خواهند دید که سوار بر ابر، با قدرت و شکوهی عظیم می‌آیم.<sup>۲۸</sup> پس وقتی این رویدادها آغاز می‌شوند، بایستید و به بالا نگاه کنید، زیرا نجات شما نزدیک است!»

۲۹ سپس این مثل را برایشان زد: «درخت انجیر یا سایر درختان را بنگرید. وقتی شکوفه می‌کنند، بی‌آنکه کسی به شما بگوید، متوجه می‌شوید که تابستان نزدیک شده است.<sup>۳۱</sup> به همین صورت، وقتی می‌بینید که این رویدادها در حال وقوع هستند، بدانید که بزودی ملکوت خدا آغاز خواهد شد.<sup>۳۲</sup> «یقین بدانید که این نسل خواهد ماند و این وقایع را خواهد دید.<sup>۳۳</sup> آسمان و زمین از بین خواهد رفت، اما سخنان من همیشه باقی خواهد ماند.

## تعلیم عیسی درباره آمادگی برای بازگشت او

(۲۰۳ / متی ۲۴:۳۶-۵۱ ؛ مرقس ۱۳:۳۲-۳۷)

۳۴ و ۳۵ «پس مراقب باشید که بازگشت ناگهانی من، شما را غافلگیر نکند! نگذارید پرخوری، میگساری و غم و غصه‌های زندگی شما را مانند سایر مردم دنیا بخود مشغول سازند.<sup>۳۶</sup> بلکه هر لحظه چشم براه من باشید و همیشه دعا کنید تا در صورت امکان بدون برخورد با این رویدادهای وحشتناک، به حضور من برسید.»

۲۵:۲۱

متی ۲۹:۲۴-۳۱  
مر ۲۷:۱۳-۲۷  
۲ پط ۱۰:۳-۱۲

۲۷:۲۱

دان ۱۳:۷  
اعما ۱۱:۱  
مکا ۷:۱ ؛ ۱۴:۱۴

۲۹:۲۱

متی ۳۵-۳۲:۲۴  
مر ۳۱-۲۸:۱۳

۳۱:۲۱

مر ۱۵:۱

۳۳:۲۱

اش ۸-۶:۴۰  
متی ۱۸:۵  
لو ۱۷:۶  
۱ پط ۲۳:۱-۲۵

۳۴:۲۱

روم ۱۳:۱۳ و ۱۲  
اتسا ۵:۲

۳۶:۲۱

متی ۱۳:۲۵  
مر ۳۳:۱۳  
افس ۱۸:۱۳-۶  
اتسا ۱۷:۵  
ایو ۲۸:۲

آماده باشیم. این بدان معناست که ما باید به وظایفی که خدا به ما محول کرده است، وفادارانه عمل کنیم. انتظار شادمانه ما برای بازگشت مسیح باید در تمام کارها و رفتارمان منعکس باشد.

۳۶:۲۱ فقط چند روز بعد از آنکه عیسی به شاگردانش گفت که دعا کنند تا در صورت امکان از آزار و اذیت‌ها در امان بمانند، خودش از خدا خواست که در صورت امکان عذاب صلیب را از مقابل او بر دارد (لوقا ۲۲:۴۱ و ۴۲). غیرطبیعی است اگر کسی **بخواهد** که رنج بکشد، اما پیروان عیسی حاضرند عذاب بکشند اگر این کار به گسترش ملکوت خدا کمک کند. خدا برای کمک به ما به هنگام رنج و عذاب، دو وعده عالی به ما داده است: یکی اینکه خدا همیشه با ما خواهد بود (متی ۲۸:۲۰)، و دوم اینکه روزی او ما

۲۸:۲۱ تصویر آزارها و شکنجه‌ها و بلاهای طبیعی آتی غم‌انگیز است، اما نهایتاً این چیزها نباید موجب ناراحتی و نگرانی گردد، بلکه باید شادی عظیمی پدید آورد. وقتی ایمانداران ببینند این وقایع اتفاق می‌افتد، خواهند دانست که بازگشت مسیح نزدیک است، و می‌توانند چشم انتظار سلطنت او باشند که در آن عدالت و صلح برقرار خواهد بود. بجای آنکه از وقایعی که در دنیای ما اتفاق می‌افتد، وحشت کنیم، باید با اطمینان خاطر بازگشت مسیح را انتظار بکشیم.

۳۵ و ۳۴:۲۱ عیسی به شاگردانش فرمود که همیشه گوش به‌زنگ بازگشت او باشند. اگرچه نزدیک به دو هزار سال از این سخن عیسی می‌گذرد، اما از صحت آنها کاسته نشده است؛ او باز خواهد گشت، و ما باید هشیار و

۳۸:۳۷ و ۲۱  
لو ۳۹:۲۲  
یو ۸:۱ و ۲

به این ترتیب، او هر روز در خانه خدا به تعلیم مردم می پرداخت. مردم نیز از صبح زود گرد می آمدند تا سخنان او را بشنوند. هنگام عصر نیز از شهر خارج شده، شب را در کوه زیتون به صبح می آورد.

### ج- مرگ و قیام عیسی نجات دهنده (۱:۲۲ - ۵۳:۲۴)

در فرهنگ یونانی، انسان کامل بودن، ایده آل و هدف والای زندگی بود. لوقا که فرهنگ یونانی را در فکر خود دارد، نشان می دهد که عیسی انسان کاملی بود و مقرر شد تا قربانی کاملی برای گناه تمام بشر باشد. مسیح آن انسان ایده آل است و الگوی کاملی برای ما می باشد. ما باید نسبت به شخصیت او، حالت ترس آمیخته به احترام داشته باشیم و مطابق عالی ترین ایده آل های انسانی و مطابق انتظار خدا از یک انسان نجات یافته زندگی کنیم. او هم الگوی ماست و هم نجات دهنده ما.

### توطئه رهبران مذهبی برای قتل عیسی

(۲۰۷ / متی ۱-۲۶؛ مرقس ۱۴:۱۴ و ۲۱)

۱:۲۲

متی ۱۶:۵-۱۴-۱۶  
مر ۱۰:۲، ۱:۱۴

۲:۲۲

مز ۲:۲

اعما ۲۷:۴

۲۲ عید پسح نزدیک می شد، عیدی که در آن فقط نان فطیر می خوردند. در طی روزهای عید، کاهنان اعظم و سایر علمای دین در پی فرصت بودند تا عیسی را بی سر و صدا بگیرند و بقتل برسانند، اما از شورش مردم وحشت داشتند.

### تصمیم یهودا به خیانت به عیسی

(۲۰۸ / متی ۱۶:۲۶-۱۶؛ مرقس ۱۴:۱۴ و ۱۱)

۳:۲۲  
یو ۲۷:۱۳

۳ در همین زمان، شیطان وارد وجود یهودا اسخریوطی یکی از دوازده شاگرد عیسی شد. آپس او نزد کاهنان اعظم و فرماندهان محافظین خانه خدا رفت تا با

در باره برقراری فرمانروایی سخن گوید، درباره مرگش سخن گفته بود. این امر یهودا را دلسرد کرده بود. او شاید سعی داشته عیسی را وادار کند از قدرتش برای اثبات مسیح بودنش استفاده بکند. یا شاید، او که رسالت عیسی را نفهمیده بود، دیگر ایمان نداشت عیسی برگزیده خدا است (برای کسب اطلاعات بیشتر درباره یهودا، به تاریخچه زندگی او در مرقس فصل ۱۴ مراجعه کنید). فکر یهودا هرچه که بوده باشد، شیطان تصور کرد که مرگ عیسی به رسالتش خاتمه خواهد داد و مانعی در نقشه خدا ایجاد خواهد کرد. شیطان هم مانند یهودا نمی دانست که مرگ عیسی از ابتدا مهم ترین قسمت نقشه خدا بوده است.

را رهایی خواهد داد و زندگی جاودانی به ما خواهد بخشید (مکاشفه ۱-۲۱:۴).

۱:۲۲ همه مردان اسرائیلی بالاتر از ۱۲ سال باید برای عید پسح و عید فطیر که هفت روز طول می کشید، به اورشلیم می رفتند. همه یهودیان از تمام نقاط امپراطوری روم در اورشلیم جمع می شدند تا این دو عید را که یادآور مهم ترین وقایع تاریخ ملتشان بود، جشن بگیرند. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره عید پسح و عید نان فطیر به توضیحات مربوط به مرقس ۱:۱۴ مراجعه کنید.

۳:۲۲ نقش شیطان در تسلیم کردن عیسی، سهم و مسؤولیت یهودا را در این کار بی اهمیت نمی سازد. عیسی بجای آنکه

ایشان گفتگو کند که چگونه عیسی را بدستشان تسلیم نماید.<sup>۵</sup> ایشان نیز از این امر بسیار شاد شدند و قول دادند که پاداش خوبی به او دهند.<sup>۶</sup> بنابراین یهویدا بدنبال فرصتی می گشت تا به دور از چشم مردم، عیسی را به آنان تسلیم کند.

### شاگردان پسخ را آماده می کنند

(۲۰۹ / متی ۱۷:۲۶-۱۹؛ مرقس ۱۴:۱۴-۱۶)

<sup>۷</sup> روز عید پسخ فرا رسید. در این روز، می بایست بره قربانی را ذبح کرده، با نان فطیر بخورند.<sup>۸</sup> پس عیسی، دو نفر از شاگردان یعنی پطرس و یوحنا را به شهر فرستاد تا جایی پیدا کنند و شام عید را در آنجا حاضر نمایند.

<sup>۹</sup> ایشان از عیسی پرسیدند: «میل داری شام را کجا آماده کنیم؟»

<sup>۱۰</sup> فرمود: «به محض اینکه وارد اورشلیم شدید، به مردی بروید که کوزه آبی حمل می کند. وارد هر خانه ای شد، بدنبالش بروید،<sup>۱۱</sup> و به صاحب خانه بگویید: استاد ما گفته است که اطاقی را که باید شام عید را در آنجا صرف کنیم، به ما نشان دهی.<sup>۱۲</sup> او نیز شما را به اطاق بزرگی در طبقه دوم که قبلاً برای ما حاضر شده، خواهد برد. همانجا شام را حاضر کنید.»

<sup>۱۳</sup> آن دو شاگرد به شهر رفتند. هر چه عیسی گفته بود، رخ داد. پس شام را حاضر کردند.

### شام آخر

(۲۱۱ / متی ۲۶:۲۰-۲۹؛ مرقس ۱۴:۱۴-۲۵؛ یوحنا ۱۳:۲۱-۳۰)

<sup>۱۴</sup> هنگامی که وقت شام فرا رسید، عیسی با دوازده رسول بر سر سفره نشست.<sup>۱۵</sup> آنگاه به ایشان فرمود: «با اشتیاق زیاد، در انتظار چنین لحظه ای بودم، تا پیش از آغاز رنجها و زحما تم، این شام پسخ را با شما بخورم.<sup>۱۶</sup> زیرا به شما می گویم که دیگر از این شام نخواهم خورد تا آن زمان که در ملکوت خدا، مفهوم واقعی آن جامه تحقق پیوشد.»

۵:۲۲

زکر ۱۲:۱۱

اتیمو ۱۰:۶

۷:۲۲

خرو ۱۷:۴، ۳:۱۲

تث ۱:۱۶

متی ۱۹-۱۷:۲۶

مر ۱۶-۱۲:۱۴

۸:۲۲

اعما ۱۳:۴؛ ۱:۳

غلا ۹:۲

۱۰:۲۲

اسمو ۳:۱۰

۱۴:۲۲

متی ۲۹-۲۶، ۲۰:۲۶

مر ۲۵-۲۲، ۱۷:۱۴

۱۶:۲۲

لو ۱۵:۱۴

مکا ۹:۱۹

**۱۶:۲۲** عید پسخ به یاد رهایی اسرائیل از مصر برگزار می شد. یهودیان در این عید به یاد می آوردند که چطور پدرانشان با مالیدن خون بره ای بر سر در خانه هایشان از فرشته مرگ که نخست زاده همه خانواده های مصری را می کشت، در امان ماندند. این واقعه بازتابی از کار عیسی روی صلیب بود. از آنجا که او بره بی عیب خداست، خون او ریخته خواهد شد تا قومش را از مرگ که نتیجه گناه و داوری است، رهایی بخشد.

**۱۷:۲۲** شام عید پسخ شامل گوشت بره می شد چون وقتی یهودیان آماده ترک مصر می شدند، خدا به آنها فرمود که بره ای ذبح کنند و خونس را بر سر در خانه هایشان بمالند و گوشتش را بخورند. پطرس و یوحنا می بایست بره را می خریدند و آماده می کردند و نان فطیر، چاشنی غذا، شراب، و سایر غذاهای مخصوص عید را تهیه می دیدند. **۱۰:۲۲** بطور معمول زنان سر چاه می رفتند و آب به خانه می آوردند. به این ترتیب، این مرد در میان جمعیت کاملاً مشخص بوده است.

۱۷ آنگاه پیاله‌ای بدست گرفت و شکر کرد و آن را به شاگردان داد و فرمود: «بگیرید و میان خود تقسیم کنید،<sup>۱۸</sup> زیرا تا زمان برقراری ملکوت خدا، دیگر از این محصول انگور نخواهم نوشید.»

۱۹ سپس نان را برداشت و خدا را شکر نمود و آن را پاره کرد و به ایشان داد و گفت: «این بدن من است که در راه شما فدا می‌شود. این را به یاد من بجا آرید.»<sup>۲۰</sup> به همین ترتیب، پس از شام، پیاله‌ای دیگر به ایشان داد و گفت: «این پیاله، نشاندهنده پیمان تازه خداست که با خون من مهر می‌شود، خونی که برای نجات شما ریخته می‌شود.<sup>۲۱</sup> اما اینجا، سر همین سفره، کسی نشسته است که خود را دوست ما می‌داند، ولی او همان کسی است که به من خیانت می‌کند.<sup>۲۲</sup> درست است که من باید مطابق نقشه خدا کشته شوم، اما وای بحال کسی که مرا به مرگ تسلیم کند!»

۲۳ شاگردان حیران ماندند و از یکدیگر می‌پرسیدند که کدامیک از ایشان دست به چنین کاری خواهد زد!

۲۴ در ضمن بین شاگردان این بحث در گرفت که کدامیک از ایشان بزرگتر است.<sup>۲۵</sup> عیسی به ایشان گفت: «در این دنیا، پادشاهان و بزرگان به زیر دستانشان دستور

۱۹:۲۲  
اقرن ۱۶:۱۰؛ ۲۳:۱۱-۲۶

۲۰:۲۲  
ار ۳۱:۳۱  
عبر ۱۵:۹-۱۸

۲۱:۲۲  
مز ۹:۴۱  
متی ۲۵:۲۰-۲۵  
مر ۲۱:۱۴-۲۱  
یو ۳۰:۱۳-۲۱

۲۲:۲۲  
اعما ۲۳:۲؛ ۲۸:۴

۲۴:۲۲  
مر ۳۴:۹  
لو ۴۶:۹

۲۵:۲۲  
متی ۲۵:۲۰-۲۸  
مر ۴۵:۱۰-۴۴

هر سال تکرار شود. عیسی پیمان جدیدی را که عهدجدید نامیده می‌شود، بین انسان و خدا وضع کرد. بموجب این پیمان جدید، عیسی بجای گناهکاران خواهد مرد. برخلاف خون حیوانات، خون او حقیقتاً گناهان همه کسانی را که به او ایمان می‌آورند، رفع خواهد نمود. قربانی او هرگز لازم نخواهد بود تکرار شود چون تا جاودانگی معتبر است. مردم چشم انتظار این پیمان جدید بودند تا پیمان قدیم قربانی را به کمال برساند (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴). یحییای تعمیددهنده عیسی را بره‌ای معرفی کرد «که خدا فرستاد تا برای آموزش گناهان همه مردم دنیا قربانی شود» (یوحنا ۱:۲۹) نامید.

۲۱:۲۲ از گزارش انجیل مرقس و یوحنا می‌دانیم که این دوست، یهودای اسخریوطی است. اگرچه سایر شاگردان از سخنان عیسی گیج شدند، یهودا منظور او را فهمید. ۲۴:۲۲ مهم‌ترین واقعه تاریخ بشر در شرف وقوع بود، و شاگردان هنوز درباره مقام خود در ملکوت بحث می‌کردند! ما با نگاه به گذشته می‌گوییم: «وقت آن نبود که ایشان به فکر مقام باشند.» اما شاگردان که غرق افکار خود بودند، درک نکردند که عیسی سعی داشت چه چیزی درباره مرگ و قیام قریب‌الوقوعش بگوید. امروز نگرانی و مسأله اصلی شما چیست؟ بیست سال بعد، وقتی به این روز فکر کنید، آیا این نگرانی‌ها کم‌اهمیت و بیجا

۱۷:۲۲ لوقا به دو پیاله اشاره می‌کند (۲۰:۱۷، ۲۰)، درحالی که متی و مرقس به یک پیاله اشاره می‌کنند. در واقع، در شام عید پسخ در زمانهای کهن، شراب در چهار نوبت نوشیده می‌شد. مسیح وقتی چهارمین و آخرین پیاله را به آنها می‌داد، درباره بدن و خونش سخن گفت. ۱۷:۲۲-۲۰ مسیحیان درخصوص معنای یادبود شام خداوند با هم اختلاف نظر دارند. سه نظر اصلی وجود دارد: (۱) نان و شراب واقعاً بدن و خون مسیح می‌شود؛ (۲) نان و شراب تغییر نمی‌کند، اما با ایمان، مسیح روحاً در آنها حضور دارد؛ (۳) نان و شراب که تغییری نمی‌کنند، آخرین یادبود از قربانی مسیح می‌باشند. با هر یک از این نظرها هم که موافق باشید، همه مسیحیان براین موضوع توافق دارند که شام خداوند خاطره مرگ مسیح روی صلیب برای گناهان ما را زنده نگه می‌دارد و به آمدن ملکوت پر جلال او اشاره می‌کند. وقتی ما در شام خداوند شرکت می‌کنیم، نشان می‌دهیم که کار او را می‌پذیریم و ایمان ما تقویت می‌شود.

۲۰:۲۲ در زمان عهدعتیق، خدا قبول کرده بود که اگر مردم حیوانات را برای گذراندن قربانی نزد کاهنان ببرند، گناهان ایشان را ببخشد. وقتی این نظام قربانی شروع شد، قرارداد بین خدا و انسان با خون حیوانات مهر گردید (خروج ۸:۲۴). اما خون حیوان بخودی خود نمی‌توانست رفع گناه کند، لذا قربانی حیوانات می‌بایست هر روز و

می دهند و آنها هم چاره‌ای جز اطاعت ندارند.<sup>۲۶</sup> اما در میان شما کسی از همه بزرگتر است که بیشتر از همه به دیگران خدمت کند.<sup>۲۷</sup> در این دنیا، ارباب بر سر سفره می نشینند و نوکرانش به او خدمت می کنند. اما اینجا بین ما اینطور نیست، چون من خدمتگزار شما هستم.<sup>۲۸</sup> و شما کسانی هستید که در سختی‌های من، نسبت به من وفادار بوده‌اید؛<sup>۲۹</sup> و از اینرو، همانگونه که پدرم به من اجازه داده است تا فرمانروایی کنم، من نیز به شما اجازه می‌دهم که در سلطنت من، بر سر سفره من بنشینید و بخورید و بنوشید، و بر تختها نشسته، بر دوازده قبیله اسرائیل فرمانروایی کنید.

### پیشگویی انکار پطرس

(۲۱۲ / یوحنا ۱۳:۳۱-۳۸)

<sup>۳۱</sup> «ای شمعون، ای شمعون، شیطان می‌خواست همگی شما را بیازماید و همانند گندم، غربال کند؛<sup>۳۲</sup> اما من برای تو دعا کردم تا ایمانت از بین نرود. پس وقتی توبه کردی و بسوی من بازگشتی، ایمان برادرانت را تقویت و استوار کن!»<sup>۳۳</sup> شمعون گفت: «خداوندا، من حاضرم با تو به زندان بروم، حتی با تو بمیرم!»<sup>۳۴</sup> عیسی فرمود: «پطرس، بدان که تا فردا صبح، پیش از بانگ خروس، سه بار مرا انکار نموده، خواهی گفت که مرا نمی‌شناسی!»

<sup>۳۵</sup> سپس از شاگردان پرسید: «هنگامی که شما را فرستادم تا پیام انجیل را به مردم اعلام کنید، و پول و کوله‌بار و لباس اضافی با خود برداشته بودید، آیا به چیزی محتاج شدید؟»  
جواب دادند: «خیر».

<sup>۳۶</sup> فرمود: «اما اکنون اگر کوله‌بار و پول دارید، بردارید؛ و اگر شمشیر ندارید،

۲۶:۲۲  
متی ۱۱:۲۳  
مر ۳۵:۹  
لو ۴۸:۹  
۱ پط ۵:۵  
۲۷:۲۲  
یو ۱۴:۱۳  
قیل ۷:۲  
۳۰:۲۲  
متی ۱۱:۵ ؛ ۲۸:۱۹  
لو ۱۵:۱۴  
اقرن ۲:۶  
۲ تیمو ۱۲:۲  
مکا ۲۱:۳ ؛ ۹:۱۹

۳۱:۲۲  
عا ۹:۹  
متی ۳۵-۳۱:۲۶  
مر ۳۱-۲۷:۱۴  
۱ پط ۸:۵  
۳۲:۲۲  
مز ۱۳:۵۱  
یو ۱۵:۲۱ ؛ ۱۱:۹ ؛ ۱۷:۱۷  
اقرن ۳:۱ ؛ ۴  
۳۳:۲۲  
یو ۳۷:۱۳ ؛ ۳۸  
۳۵:۲۲  
متی ۱۰:۱۰ ؛ ۱۰  
لو ۳:۹

آن را می‌برد. اما عیسی به پطرس اطمینان داد که ایمان او گرچه تضعیف خواهد شد، اما از بین نخواهد رفت. عیسی ایمان او را تازه خواهد کرد، و او به رهبر قدرتمندی تبدیل خواهد شد.

۲۲:۲۲ و ۳۴ عیسی پیشگویی کرد که یهودا به او خیانت خواهد کرد و در ضمن گفت که چه سرنوشت بدی در انتظار او خواهد بود (۲۲:۲۲). سپس پیشگویی کرد که پطرس او را انکار خواهد کرد اما بعد توبه خواهد نمود و برادرانش را رهبری خواهد کرد. خیانت و انکار هر دو بد است. اما یهودا و پطرس سرنوشت کاملاً متفاوتی داشتند، چون پطرس بازگشت کرد و توبه نمود. ۲۲:۲۲-۳۸ در اینجا عیسی توصیه‌هایی درباره سفر به شاگردان کرد که با توصیه‌های قبلی او تفاوت داشت (۳:۹). شاگردان می‌بایست کوله‌بار، پول، و شمشیر با خود بردارند. آنها با نفرت و آزار و اذیت روبرو خواهند شد و از اینرو لازم

بنظر نخواهند آمد؟ چشم از مسائل خود بردارید و منتظر نشانه‌های ملکوت خدا باشید که برای دومین مرتبه در شرف ظهور در تاریخ بشر است.

۲۴:۲۲-۲۶ نظام رهبری دنیا خیلی متفاوت از نظام رهبری در ملکوت است. رهبران دنیوی اغلب خودخواه و متکبرند چون می‌خواهند به هر زحمتی که شده، خود را به بالاترین مقام برسانند. اما در میان مسیحیان، رهبر کسی است که بیشتر از همه به دیگران خدمت کند. شیوه‌های خدمت متفاوتند؛ بعضی از طریق سخنگویی در جمع، بعضی از طریق مدیریت، و بعضی از طریق روابط به دیگران خدمت می‌کنند. همه رهبران باید روح خدمت داشته باشند. از کسانی که آنها را رهبری می‌کنید بپرسید چطور می‌توانید بهتر خدمتشان کنید.

۳۱:۲۲ و ۳۲ شیطان خواست پطرس را مانند گندم خرد کند. او امیدوار بود پطرس، تبدیل به گاهی شود که باد

۳۷:۲۲  
اش ۱۲:۵۳  
مر ۲۸:۱۵

بهتر است لباس خود را بفروشید و شمشیری بخرید!<sup>۳۷</sup> چون زمان انجام این پیشگویی درباره من رسیده است که می‌گوید: همچون یک گناهکار، محکوم خواهد شد. بلی، هر چه درباره من پیشگویی شده است، عملی خواهد شد.<sup>۳۸</sup> گفتند: «استاد، دو شمشیر داریم.» اما عیسی فرمود: «بس است!»

### حزن عیسی در باغ جتسیمانی

(۲۲۳/متی ۲۶:۳۶-۴۶؛ مرقس ۱۴:۳۲-۴۲)

۳۹:۲۲  
متی ۲۶:۳۶-۴۶  
مر ۱۴:۳۲-۴۲  
یو ۱:۱۸  
۴۰:۲۲  
متی ۱۳:۶  
۴۱:۲۲

<sup>۳۹</sup> آنگاه عیسی همراه شاگردان خود، از آن بالاخانه بیرون آمد و طبق عادت به کوه زیتون رفت.<sup>۴۰</sup> در آنجا به ایشان گفت: «دعا کنید و از خدا بخواهید که مغلوب و سوسه‌ها نشوید!»

<sup>۴۱</sup> سپس به اندازه پرتاب یک سنگ دورتر رفت و زانو زد و چنین دعا کرد: «ای پدر، اگر خواست توست، این جام رنج و زحمت را از مقابل من بردار، اما در این مورد نیز می‌خواهم اراده تو انجام شود، نه خواست من.»<sup>۴۳</sup> آنگاه از آسمان فرشته‌ای ظاهر شد و او را تقویت کرد.<sup>۴۴</sup> پس او با شدت بیشتری به دعا پرداخت و از کشمکش روحی آنچنان در رنج و عذاب بود که عرق او همچون قطره‌های درشت خون بر زمین می‌چکید.<sup>۴۵</sup> سرانجام، برخاست و نزد شاگردان بازگشت و دید که در اثر غم و اندوه، به خواب رفته‌اند.<sup>۴۶</sup> پس به ایشان گفت: «چرا خوابیده‌اید؟ برخیزید و دعا کنید تا مغلوب و سوسه‌ها نشوید!»

مر ۳۸:۱۰  
یو ۳۰:۵؛ ۳۸:۶؛ ۱۱:۱۸

فرار کند؟ بیان احساسات واقعی‌مان به خدا به هیچ‌وجه اشتباه نیست. عیسی وحشتش را از محاکمه‌هایی که در پیش داشت نشان داد؛ اما از طرفی، بار دیگر وفاداری‌اش را به انجام تمامی خواست خدا ثابت کرد. جامی که او از آن سخن می‌گفت، عذاب و وحشتناکی بود که می‌دانست باید تحمل کند؛ وحشت او نه فقط از مصلوب شدن بود، بلکه بدتر از آن، جدایی کامل از خدا بود، جدایی که باید بخاطر حمل گناه جهان تجربه کند.

**۴۴ و ۴۳:۲۲** فقط انجیل لوقا می‌گوید که قطره‌های عرق عیسی مثل خون از پیشانی‌اش می‌چکید. عیسی در عذاب بسیار شدیدی قرار داشت، اما مایوس یا تسلیم نشد. او رسالتش را که بخاطر آن به این جهان آمده بود، ادامه داد. نویسنده رساله به عبرانیان می‌گوید: «پس اگر می‌خواهید در این مسابقه خسته و دل‌سرد نشوید، به صبر و پایداری مسیح ببندید، به او که از سوی گناهکاران مصیبت‌ها کشید. از این گذشته، شما تاکنون علیه گناه و سوسه‌های شیطان تا پای جان مقاومت نکرده‌اید» (عبرانیان ۱۲:۳ و ۴).

بود خود را آماده کنند. وقتی عیسی گفت: «بس است»، یا منظورش این بود که دو عدد شمشیر کافی است یا اینکه به اندازه کافی حرف زده‌اند. در هر دو صورت، نیاز آنها به شمشیر آشکارا بیانگر سختی‌هایی است که می‌بایست بزودی با آن روبرو می‌شدند.

**۳۹:۲۲** کوه زیتون درست در شرق اورشلیم واقع بود. عیسی دامنه جنوب غربی کوه را بالا رفت تا به باغ زیتون به نام جتسیمانی رسید که به معنای «فشار روغن» است.

**۴۰:۲۲** عیسی از شاگردان خواست تا دعا کنند که مغلوب و سوسه‌ها نشوند چون او می‌دانست که بزودی آنها را ترک خواهد کرد. او همچنین می‌دانست که آنها برای رویارویی با سوسه‌هایی که در پیش بود، یعنی سوسه فرار، یا انکار روابطشان با او، به قوت بیشتری احتیاج خواهند داشت. از این گذشته، آنها که قرار بود بزودی مرگ او را ببینند، آیا باز او را مسیح موعود خواهند دانست؟ بزرگترین سوسه این فکر خواهد بود که فریب خورده‌اند.

**۴۲ و ۴۱:۲۲** آیا عیسی سعی داشت از زیر بار رسالتش

## دستگیری عیسی

(۲۲۴ / متی ۴۷:۲۶-۵۶؛ مرقس ۱۴:۴۳-۵۲؛ یوحنا ۱۸:۱-۱۱)

<sup>۴۷</sup> این کلمات هنوز بر زبان او بود که ناگاه گروهی با هدایت یهوذا سر رسیدند. (یهودا یکی از دوازده شاگرد عیسی بود.) او جلو آمد و به رسم دوستی، صورت عیسی را بوسید. <sup>۴۸</sup> عیسی به او گفت: «یهودا، چگونه راضی شدی با بوسه‌ای به مسیح خیانت کنی؟»

<sup>۴۹</sup> اما شاگردان، وقتی متوجه جریان شدند، فریاد زدند: «استاد، آیا اجازه

۴۷:۲۲

متی ۴۷:۲۶-۵۶

مر ۴۳:۱۴-۵۰

یو ۱۸:۱-۱۱

محل آیات	دلایل احتمالی	رویداد	محاكمه عیسی
یوحنا ۱۸:۱۳-۲۳	گرچه دیگر کاهن اعظم نبود، اما هنوز خیلی اعمال قدرت می‌کرد.	محاكمه در حضور حنا (کاهن اعظم و قدرتمند سابق)	محاكمه عیسی در اصل یک رشته دادرسی بود که دقیقاً برای رسیدن به رأی اعدام عیسی تنظیم شده بود. حکم از قبل مشخص شده بود، اما اجرای بعضی مراحل «قانونی» لازم بود. تلاش‌های زیادی برای محکوم و مصلوب کردن مرد بی‌گناهی صورت گرفت. عیسی بجای ما محاكمه ناعادلانه‌ای را بر خود هموار کرد تا ما در برابر محکمه‌ای عادلانه که در آنجا تنها بخاطر گناهان خودمان می‌بایست محکوم شویم، نایستیم.
متی ۵۷:۲۶-۶۸ مرقس ۱۴:۵۳-۶۵ لوقا ۲۲:۶۳-۵۴-۶۵ یوحنا ۱۸:۲۴	جمع‌آوری مدرک تا دادرسی شورای عالی به نتیجه برسد.	محاكمه در حضور قیافا (کاهن اعظم وقت)	
متی ۱:۲۷ مرقس ۱:۱۵ لوقا ۲۲:۶۶-۷۱	تا محاكمه رسمی مذهبی انجام شود و حکم اعدام صادر گردد.	محاكمه در حضور شورای عالی	
متی ۲:۲۷، ۱۱-۱۴ مرقس ۱:۱۵-۵ لوقا ۱:۲۳-۶ یوحنا ۱۸:۲۸-۳۸	هر حکم اعدامی باید به تأیید مقامات رومی می‌رسید.	محاكمه در حضور پیلاطوس (بالاترین مقام رومی)	
لوقا ۷:۱۲-۱۲	این عمل از جانب پیلاطوس از روی احترام به هیروودیس و بخاطر اینکه او را نیز شریک جرم خود سازد صورت گرفت، چون عیسی اهل ایالت جلیل، یعنی حوزه فرمانروایی هیروودیس بود.	محاكمه در حضور هیروودیس (حاکم جلیل)	
متی ۱۵:۲۶-۲۶ مرقس ۶:۱۵-۱۵ لوقا ۱۳:۲۳-۲۵ یوحنا ۱۸:۳۹-۱۹	آخرین تلاش پیلاطوس برای ممانعت از اعدام مردی که کاملاً مشخص بود بی‌گناه است.	محاكمه در حضور پیلاطوس	

۴۷:۲۲ هنوز هم در بعضی از قسمتهای دنیا بوسه در بین مردان به هنگام سلام کردن به یکدیگر مرسوم است. در اینجا علاوه بر مرسوم بودن این کار، از قبل توافق شده بود که یهوذا برای مشخص کردن عیسی از بقیه، او را بوسد (متی ۴۸:۲۶).

می‌دهید بچنگیم؟ شمشیرهایمان حاضر است!»<sup>۵۰</sup> همان لحظه یکی از ایشان به روی خادم کاهن اعظم شمشیر کشید و گوش راست او را برید. <sup>۵۱</sup> عیسی بلافاصله گفت: «دیگر بس است!» سپس گوش او را لمس کرد و شفا داد. <sup>۵۲</sup> آنگاه عیسی به کاهنان اعظم، فرماندهان محافظین خانه خدا و سران مذهبی که آن گروه را رهبری می‌کردند، گفت: «مگر من یک دزد فراری هستم که برای گرفتنم، با چماق و شمشیر آمده‌اید؟»<sup>۵۳</sup> من هر روز در خانه خدا بودم؛ چرا در آنجا مرا نگرفتید؟ آن موقع نمی‌توانستید کاری بکنید، اما اکنون زمان شماس، زمانی که قدرت شیطان حکمفرماست!»

۵۳:۲۲

پیدا ۱۵:۳

لو ۴۷:۱۹

یو ۳۰:۷

### انکار پطرس

(۲۲۷/متی ۶۹:۲۶-۷۵؛ مرقس ۱۴:۶۶-۷۲؛ یوحنا ۱۸:۲۵-۲۷)

<sup>۵۴</sup> به این ترتیب او را گرفته، به خانه کاهن اعظم بردند. پطرس نیز از دور ایشان را دنبال کرد. <sup>۵۵</sup> سربازان در حیاط آتشی روشن کردند و دور آن نشستند. پطرس هم در آنجا به ایشان پیوست.

۵۴:۲۲

متی ۵۸و۵۷:۲۶

مر ۵۴و۵۳:۱۴

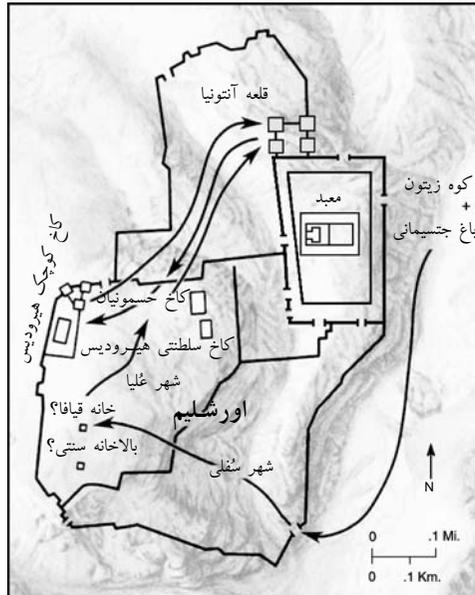
یو ۲۷-۲۵:۱۸

**۵۰:۲۲** از انجیل یوحنا در می‌یابیم که مردی که شمشیر کشید، پطرس بود (یوحنا ۱۸:۱۰).

**۵۳:۲۲** رهبران مذهبی، عیسی را در خانه خدا دستگیر نکرده بودند، از ترس اینکه مبدا آشوبی برپا شود. در عوض مخفیانه و در شب، تحت نفوذ قدرت تاریکی یعنی خود شیطان سراغ او رفتند. اگرچه بنظر می‌رسد که گویا شیطان بر عیسی تفوق پیدا کرده، اما همه چیز مطابق نقشه خدا پیش می‌رفت. حالا زمان آن رسیده بود که عیسی بمیرد.

**۵۴:۲۲** گرچه نیمه شب بود، عیسی را فوراً به خانه کاهن اعظم بردند. علمای یهودی عجله داشتند. آنها می‌خواستند حکم اعدام قبل از روز شنبه عملی شود تا بتوانند به مراسم عید پسخ برسند.

**۵۵:۲۲** تجربه پطرس طی ساعات بعدی، قرار بود زندگی او را تغییر دهد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره پطرس، تاریخچه زندگی او در متی فصل ۲۷ را نیز نگاه کنید.



#### محاكمه عیسی

عیسی بعد از دستگیری در باغ جتسمانی، اول در مقابل شورای عالی یهود که در خانه قیافا و در سینه‌دهم تشکیل شد، حضور یافت. از آنجا اول او را نزد پیلاتوس، فرماندار رومی بردند. بعد نزد هیروودیس، تترارخ جلیل که به اورشلیم سفر کرده بود، و دوباره او را به نزد پیلاتوس باز فرستادند. او از روی ناچاری عیسی را محکوم به مرگ کرد.

۵۶ در این هنگام، کنیزی، چهره پطرس را در نور آتش دید و او را شناخت و گفت: «این مرد هم با عیسی بود!»

۵۷ اما پطرس انکار کرد و گفت: «دختر، من اصلاً او را نمی‌شناسم!»

۵۸ کمی بعد، یک نفر دیگر متوجه او شد و گفت: «تو هم باید یکی از آنان باشی.» جواب داد: «نه آقا، نیستم!»

۵۹ در حدود یک ساعت بعد، یک نفر دیگر با تأکید گفت: «من مطمئن هستم

که این مرد یکی از شاگردان عیسی است، چون هر دو اهل جلیل هستند.»

۶۰ پطرس گفت: «ای مرد، از گفته‌هایت سر در نمی‌آورم!» و همینکه این را

گفت، خروس بانگ زد. همان لحظه عیسی سرش را برگرداند و به پطرس

نگاه کرد. آنگاه سخن عیسی به یادش آمد که به او گفته بود: «تا فردا صبح،

پیش از آنکه خروس بانگ زند، سه بار مرا انکار خواهی کرد!»<sup>۶۲</sup> پس پطرس

از حیاط بیرون رفت و زارزار گریست.

۶۳ اما نگهبانانی که عیسی را تحت‌نظر داشتند، او را مسخره می‌کردند.

ایشان چشمانش را می‌بستند، به او سیلی می‌زدند و می‌گفتند: «ای پیغمبر، از

غیب بگو ببینیم، چه کسی تو را زد؟»<sup>۶۵</sup> و بسیار سخنان ناشایست دیگر به او

می‌گفتند.

### محکوم شدن عیسی از سوی شورای رهبران یهود

(۲۲۸/ متی ۲۷: ۲۷؛ مرقس ۱۵: ۱)

۶۶ به محض روشن شدن هوا، شورای عالی یهود، مرکب از کاهنان اعظم و

علمای دین، تشکیل جلسه داد. ایشان عیسی را احضار کرده،<sup>۶۷</sup> از او

پرسیدند: «به ما بگو، آیا تو مسیح موعود هستی یا نه؟»

عیسی فرمود: «اگر هم بگویم، باور نخواهید کرد و اجازه نخواهید داد تا از خود

دفاع کنم.»<sup>۶۹</sup> اما بزودی زمانی خواهد رسید که من در کنار خدای قادر مطلق، بر

تخت سلطنت خواهم نشست!»

۶۱:۲۲

یو ۳۸:۱۳

۶۲:۲۲

اقرن ۱۰:۷

۶۳:۲۲

اش ۱۴:۵۲

متی ۶۸:۶۷:۲۶

مر ۶۵:۱۴

یو ۲۲:۱۸

۶۶:۲۲

متی ۶۶-۶۳:۲۶؛ ۱:۲۷

مر ۶۱:۱۴-۶۴؛ ۱:۱۵

۶۹:۲۲

دان ۱۴:۱۳:۷

اعما ۲۱:۳

عبر ۱:۸؛ ۳:۱

مقام شاگرد و حتی دوست نیز او را تنها گذاشته بود. ما باید از نقاط ضعفمان آگاه باشیم و اعتماد یا اطمینان بی‌جهت به خود نداشته باشیم یا خود را بی‌نیاز از دیگران ندانیم. وقتی شکست می‌خوریم، باید به خاطر داشته باشیم که مسیح می‌تواند کسانی را که شکست خود را تشخیص می‌دهند، بکار ببرد. پطرس از این تجربه خفت‌آور چیزهای زیادی آموخت که او را در مسؤولیت‌های رهبری که بعداً به‌عهده گرفت، کمک کرد.

۶۲:۲۲ پطرس زارزار گریست نه فقط به این دلیل که خداوندش، مسیح را انکار کرده بود، بلکه چون از دوستی عزیز، از کسی که او را دوست داشت و سه سال او را تعلیم داده بود، روبرگردانده بود. پطرس علیرغم پیشگویی عیسی، گفته بود که هرگز او را انکار نخواهد کرد (۲۲:۳۳ و ۳۴)، اما وقتی او را ترساندند، برخلاف چیزهایی که با بی‌باکی قول داده بود، عمل نمود. او که نتوانست حتی ۱۲ ساعت نسبت به خداوندش وفادار بماند؛ او در

۷۰ همه فریاد زده، گفتند: «پس تو ادعا می کنی که فرزند خدا هستی؟»  
 فرمود: «بلی، چنین است که می گوید!»  
 ۷۱ فریاد زدند: «دیگر چه نیازی به شاهد داریم؟ خودمان کفر را از زبانش شنیدیم!»

### محاكمه عیسی در حضور پیلاتوس

(۲۳۰) / متی ۲۷: ۱۱-۱۴؛ مرقس ۱۵: ۲-۵؛ یوحنا ۱۸: ۲۸-۳۸

۲۳ آنگاه اعضای شورا همگی برخاسته، عیسی را به حضور «پیلاتوس»، فرماندار رومی یهودیه بردند،<sup>۱</sup> و شکایات خود را علیه او عنوان کرده، گفتند: «این شخص مردم را تحریک می کند که به دولت روم مالیات ندهند، و ادعا می کند که مسیح، یعنی پادشاه ماست.»  
 ۳ پیلاتوس از عیسی پرسید: «آیا تو مسیح، پادشاه یهود هستی؟»  
 عیسی جواب داد: «بلی، چنین است که می گویی.»  
 ۴ پیلاتوس رو به کاهنان اعظم و جماعت کرد و گفت: «خوب، اینکه جرم نیست!»  
 ۵ ایشان پافشاری نموده، گفتند: «اما او در سراسر یهودیه، از جلیل تا اورشلیم، هر جا می رود، به ضد دولت روم آشوب پیا می کند.»

### محاكمه عیسی در حضور هیرودیس

(۲۳۱)

۶ پیلاتوس پرسید: «مگر او اهل جلیل است؟»

خدا پول بر داشت و برای ساختن آبراه از آن استفاده کرد. او با آوردن تمثالهای امپراطور به شهر، به مذهب یهود اهانت می کرد. با این حال، همانطور که پیلاتوس هم بخوبی آگاه بود، چنین اعمالی می توانست نتیجه عکس داشته باشد. اگر مردم شکایتی رسمی علیه نحوه زمامداری او اقامه می کردند، حکومت روم ممکن بود او را از سمتش عزل کند. احساس ناامنی کم کم بر پیلاتوس حاکم می شد. در این شرایط بود که علمای یهود عیسی را برای محاکمه نزد او آوردند. آیا او می بایست باز به اذیت کردن یهودیان ادامه دهد و آینده سیاسی اش را به خطر بیندازد، یا می بایست تسلیم خواسته آنها شود و مردی را که یقین داشت بی گناه است، محکوم کند؟ این سؤالی بود که پیلاتوس تقریباً دو هزار سال پیش در صبح بهاری روز جمعه از خود کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره پیلاتوس به تاریخچه زندگی او در مرقس فصل ۱۵ مراجعه کنید.

۷۰:۲۲ در متن یونانی، عیسی در جواب سؤال رهبران مذهبی گفت: «شما می گوید که من هستم!» عیسی عملاً نگفت که خدا است، بلکه در جواب فقط گفت: «من هستم». اما عیسی با بکار بردن عنوانی آشنا از عهدعتیق، یعنی «من هستم» (خروج ۱۴:۳)، خود را با خدا یکسان ساخت. کاهن اعظم ادعای عیسی را تشخیص داد و او را محکوم به کفرگویی کرد. اگرچه ادعای خدایی کردن کفر است، اما کفر علاوه بر ادعای برخوردارگی از خصایص خدا، شامل هرگونه مخالفت با خدا هم می شود. اگر هرکس دیگری این ادعا را می کرد کفر بود، اما در مورد عیسی این ادعا حقیقت داشت. مجازات کفر، یعنی گناه ادعای خدایی کردن، مرگ بود. به این ترتیب، علمای یهود مدرکی را که می خواستند بدست آوردند. ۱:۲۳ پیلاتوس حاکم رومی یهودیه بود و اورشلیم در این ایالت قرار داشت. به نظر می رسد که او از اذیت و آزار یهودیان لذت خاصی می برد. مثلاً او از خزانه خانه

۱:۲۳  
 متی ۱۴: ۱۱، ۲: ۲۷  
 مر ۵-۱: ۱۵  
 یو ۳۸-۳۳، ۲۸: ۱۸  
 ۲: ۲۳  
 متی ۲۷: ۱۷-۲۴، ۲۷: ۲۲  
 مر ۱۷: ۱۲  
 یو ۱۲: ۱۹  
 اعما ۷: ۱۷، ۵: ۲۴  
 ۳: ۲۳  
 اتیمو ۱۳: ۶  
 ۴: ۲۳  
 یو ۴: ۱۹  
 اپطر ۲: ۲۲

وقتی از این امر اطمینان حاصل کرد، دستور داد او را نزد هیروдіس ببرند، زیرا ایالت جلیل جزو قلمرو حکومت هیروдіس بود. اتفاقاً هیروдіس در آن روزها، بمناسبت عید، در اورشلیم بسر می‌برد.<sup>۸</sup> هیروдіس از دیدن عیسی بسیار شاد شد، چون درباره او خیلی چیزها شنیده بود و امیدوار بود که با چشم خود یکی از معجزات او را ببیند.<sup>۹</sup> او سؤالات گوناگونی از عیسی کرد، اما هیچ جوابی نشنید.<sup>۱۰</sup> در این میان، کاهنان اعظم و دیگر علمای دین حاضر شدند و عیسی را به باد تهمت گرفتند.<sup>۱۱</sup> هیروдіس و سربازانش نیز او را مسخره کرده، مورد اهانت قرار دادند، و لباسی شاهانه به او پوشاندند و نزد پیلاطوس باز فرستادند.<sup>۱۲</sup> همان روز پیلاطوس و هیروдіس، دشمنی خود را کنار گذاشته، با یکدیگر صلح کردند.

۷:۲۳  
لو ۱:۳

۸:۲۳  
متی ۱:۱۴  
مر ۱۴:۶  
لو ۹:۹  
۹:۲۳  
یو ۹:۱۹

۱۲:۲۳  
اعما ۲۷:۴

### صدور حکم اعدام از سوی پیلاطوس

(۲۳۲ / متی ۲۷:۱۵-۲۶؛ مرقس ۱۵:۶-۱۵؛ یوحنا ۱۸:۳۹ - ۱۹:۱۶)

آنگاه پیلاطوس، کاهنان اعظم و سران یهود و مردم را فراخواند<sup>۱۴</sup> و به ایشان گفت: «شما این مرد را به اتهام شورش به ضد حکومت روم نزد من آوردید. من در حضور خودتان از او بازجویی کردم و متوجه شدم که اتهامات شما علیه او بی‌اساس است.

جانشینان رومی که پیلاطوس پنجمین آنها بود، بر ایالتی که در قلمرو حکومت او قرار داشتند، فرمانروایی کردند. هیروдіس آنتیپاس دو امتیاز بر پیلاطوس داشت: یکی اینکه پسر پادشاهی نیمه‌یهودی بود، و دوم اینکه او خیلی بیشتر از پیلاطوس در مقام حکمرانی قرار داشت. اما پیلاطوس نیز دو امتیاز بر هیروдіس داشت: یکی اینکه او شهروند روم و کاردار امپراتور بود، و دوم اینکه او به جانشینی برادر ناتنی و نالایق هیروдіس منصوب شده بود. به این ترتیب تعجبی ندارد که این دو مرد از حضور یکدیگر معذب بودند. با وجود این، محاکمه عیسی آنها را به یکدیگر نزدیک کرد. از آنجا که پیلاطوس حاکمیت هیروдіس را بر ایالت جلیل تصدیق کرد، هیروдіس این فکر را که این دولتمرد رومی تهدیدی برای اوست، از ذهن خود پاک نمود. و چون هیچ یک نمی‌دانستند چطور از پس این گرفتاری برآیند، مشکل مشترکشان آنها را با یکدیگر متحد ساخت.

۲۳:۱۳-۲۵ پیلاطوس مایل بود عیسی را آزاد کند، اما مردم با صدای بلند خواستار مرگ او شدند. بنابراین پیلاطوس حکم اعدام او را صادر کرد. بی‌شک پیلاطوس نمی‌خواست مقامش را به خطر بیندازد. اگر اجازه می‌داد

۷:۲۳ هیروдіس که هیروдіس آنتیپاس نیز خوانده می‌شد، آن روزها بخاطر جشن عید پسخ در اورشلیم بود (این همان هیروдіس است که یحییای تعمیددهنده را کشت). پیلاطوس امیدوار بود کار محاکمه عیسی را به هیروдіس واگذار کند، چون او می‌دانست که عیسی اهل جلیل است. اما هیروдіس کمک زیادی به او نکرد. او درباره عیسی کنجکاو بود و از مسخره کردن او لذت برد. اما وقتی او را به نزد پیلاطوس باز گرداند، عملاً با این کار حکم بی‌گناهی او را صادر کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره هیروдіس آنتیپاس، به تاریخچه زندگی او در مرقس فصل ۶ مراجعه کنید.

۱۲:۲۳ هیروдіس حاکم نیمه‌یهودی ایالات جلیل و پیریه بود و پیلاطوس فرماندار رومی ایالات یهودیه و سامره. هیروдіس کبیر این چهار ایالت بعلاوه چند منطقه دیگر را با هم یکی کرده بود، اما وقتی او در سال ۴ ق.م. مرد، این قلمرو بین چهار پسرش تقسیم شد. چهار پسر او هیچ یک پادشاه نامیده نشدند بلکه آنان را تترارخ (به معنای «پیشوای یک چهارم») می‌نامیدند. ارکلائوس، پسر یکی از ایالات یهودیه و سامره به او تعلق گرفت، در ظرف ده سال از مقام خود برکنار شد، و بعد از آن

۱۵:۲۳

لو ۹:۹

۱۶:۲۳

یو ۱:۱۹

اعما ۳۷:۱۶

۱۷:۲۳

متی ۲۶-۱۵:۲۷

مر ۱۵-۶:۱۵

یو ۳۹:۱۸ و ۴۰

۱۸:۲۳

اعما ۱۴:۳

۱۵ هیرودیس نیز به همین نتیجه رسید و به همین علت او را نزد ما پس فرستاد. این مرد کاری نکرده است که مجازاتش اعدام باشد. <sup>۱۶</sup> بنابراین، فقط دستور می‌دهم شلاقش بزنند، و بعد آزادش می‌کنم.» <sup>۱۷</sup> طبق رسم، در هر عید پَسَح یک زندانی آزاد می‌شد.

<sup>۱۸</sup> اما مردم یکصد فریاد برآورده، گفتند: «اعدامش کن و «باراباس» را برای ما آزاد کن!» <sup>۱۹</sup> (باراباس به جرم شورش و خونریزی در اورشلیم، زندانی شده بود.) <sup>۲۰</sup> پیلاطوس بار دیگر با مردم سخن گفت، چون می‌خواست عیسی را آزاد کند. <sup>۲۱</sup> اما ایشان بلندتر فریاد زدند: «مصلوبش کن! مصلوبش کن!»

<sup>۲۲</sup> باز برای بار سوم پیلاطوس گفت: «چرا؟ مگر او مرتکب چه جنایتی شده است؟ من دلیلی ندارم که به مرگ محکومش کنم. دستور می‌دهم شلاقش بزنند

شورشی در قلمرو حکومتش بر پا شود، ممکن بود سمتمش را از دست بدهد. او که دولتمرد کارآمدی بود، به اهمیت سازش واقف بود. او عیسی را بیشتر تهدیدی سیاسی می‌دانست تا انسانی برخوردار از حقوق و شخصیت.

هر چه سود بیشتر باشد، حمایت از راستی سخت‌تر می‌گردد و خیلی راحت می‌توان مخالفان خود را مشکلاتی پنداشت که باید از سر راه برداشت، و نه انسانهایی که باید محترم شمرد. اگر پیلاطوس واقعاً مرد با دل و جرأتی بود، بدون توجه به عواقب کار، عیسی را آزاد می‌کرد. اما مردم فریاد برآوردند، و پیلاطوس به زانو در آمد. وقتی باید برای موضوع دشواری تصمیم‌گیری کنید، اهمیتی به تأثیر فشارهای اطرافیان خود ندهید. از قبل بدانید که تصمیم درست می‌تواند عواقب ناخوشایندی بدنال داشته باشد، مثل طرد شدن از اجتماع، خارج شدن از حرفه و شغل اصلی، مورد تمسخر عموم قرار گرفتن. بعد به پیلاطوس فکر کنید و تصمیم به جانبداری از راستی بگیرید و توجهی نکنید که سایر مردم شما را وادار به انجام چه کاری می‌کنند.

۱۵:۲۳ عیسی شش بار محاکمه شد، هم بوسیله مقامات یهودی و هم مقامات رومی، اما هرگز محکوم به جرمی نشد که مستحق مرگ باشد. حتی وقتی او را برای اعدام تحویل یهودیان دادند، محکوم به هیچ جنایتی نشد. امروز نیز کسی نمی‌تواند گناهی در او بیابد. اما بسیاری، درست مانند پیلاطوس، هیرودیس، و علمای مذهبی، هنوز از قبول خداوندی او امتناع می‌ورزند.

۱۷:۲۳-۱۹ باراباس در شورشی علیه حکومت روم شرکت کرده بود (مرقس ۷:۱۵). او بعنوان یک شورشی سیاسی، بی‌شک در بین برخی از یهودیان قهرمان بود. جالب اینجاست که باراباس درست همان جرمی را

مرتکب شده بود که عیسی را به آن متهم کرده بودند. اما باراباس آزاد شد و عیسی محکوم (۱۴:۲۳).

۱۷:۲۳-۱۹ باراباس که بود؟ مردان یهودی مانند اعراب، نامهایی داشتند که اسامی پدرشان را مشخص می‌کرد. مثلاً، شمعون پطرس، شمعون بار یونا نامیده می‌شود (همچنین در متی ۱۷:۱۶ «شمعون، پسر یونا» ترجمه شده است). پدر باراباس یا به تلفظ آرامی، «بار-آبا»، را هیچ وقت نمی‌توان از روی این اسم شناخت چون *بارآبا* یعنی «پسر پدر». او می‌توانسته پسر هر کسی بوده باشد و نکته همین جاست. باراباس، پسر پدری بی‌نام، مرتکب جنایتی شد. چون عیسی بجای او مرد، این مرد آزاد شد. ما نیز در مقابل شریعت مقدس خدا گناهکار و جنایتکاریم. ما، مانند باراباس مستحق مردنیم. اما عیسی بجای ما، بخاطر گناهان ما مرده است و ما آزاد شده‌ایم. لازم نیست برای اینکه آزادی خود را در مسیح بپذیریم، شخص مهمی باشیم. در حقیقت، بواسطه عیسی، خدا همه ما را بعنوان پسران و دختران خود می‌پذیرد و این حق را به ما می‌دهد که او را «آبا» یعنی «پدر» صدا کنیم (همچنین به غلاطیان ۴:۴-۶ مراجعه کنید).

۲۲:۲۳ شلاق بخودی خود می‌توانست باعث مرگ عیسی شود. روش معمول این بود که قبل از آنکه شخص را با شلاقی سه لایه بزنند، بالاتنه او را برهنه می‌کردند و دستهایش را به ستونی می‌بستند. تعداد ضربات شلاق بسته به میزان جرم تعیین می‌شد. مطابق احکام یهود تا ۴۰ ضربه شلاق مجاز بود. همان طور که در متی و مرقس ثبت شده، عیسی بعد از شلاق خوردن، رنج و عذابهای دیگری را نیز متحمل شد. به او سیلی و مشت زدند، و مسخره‌اش کردند. تاجی از خار بر سرش گذاشتند و او را با چماق زدند و قبل از آویزان کردن روی صلیب، برهنه‌اش کردند.

و آزادش می‌کنم.»<sup>۲۳</sup> اما مردم با صدای بلند فریاد می‌زدند و با اصرار می‌خواستند که او مصلوب شود؛ و سرانجام فریادهای ایشان غالب آمد،<sup>۲۴</sup> و پیلاطوس به درخواست ایشان، حکم اعدام عیسی را صادر کرد.<sup>۲۵</sup> سپس، باراباس را که بعلت شورش و خونریزی در حبس بود، آزاد کرد و عیسی را تحویل داد تا طبق تقاضای ایشان، اعدام شود.

۲۳:۲۳  
خرو ۲:۲۳ و ۳  
۲۴:۲۳  
یو ۱۶:۱۹  
۲۵:۲۳  
امت ۱۵:۱۷

### در راه جل‌جتا

(۲۳۴ / متی ۲۷:۳۲-۳۴؛ مرقس ۱۵:۲۱-۲۴؛ یوحنا ۱۹:۱۷)

<sup>۲۶</sup> سربازان رومی عیسی را بردند. هنگامی که می‌رفتند، مردی بنام «شمعون قیروانی» را که از مزرعه به شهر باز می‌گشت، مجبور کردند که صلیب عیسی را بردارد و بدنبال او ببرد.<sup>۲۷</sup> جمعیتی انبوه در پی او براه افتادند و زنان بسیاری نیز در میان آنان برای او گریه و ماتم می‌کردند و به سینه خود می‌زدند.

۲۶:۲۳  
متی ۳۲:۲۷  
مر ۲۱:۱۵  
یو ۱۷:۱۹

<sup>۲۸</sup> عیسی رو به این زنان کرد و گفت: «ای دختران اورشلیم، برای من گریه نکنید؛ بحال خود و فرزندانانان گریه کنید!<sup>۲۹</sup> چون روزهایی می‌آید که مردم خواهند گفت: خوشبحال زنان بی‌اولاد؛<sup>۳۰</sup> و آرزو خواهند کرد که کوه‌ها و تپه‌ها برایشان افتاده، پنهانشان کنند.<sup>۳۱</sup> زیرا اگر شخص بی‌گناهی مانند من، اینگونه مجازات شود، مجازات افراد خطاکار و گناهکار، همچون نسل شما، چه خواهد بود؟!»

۲۹:۲۳  
لو ۲۳:۲۱  
۳۰:۲۳  
اش ۱۹:۲  
هو ۸:۱۰  
مکا ۱۶:۶

### مصلوب شدن عیسی

(۲۳۵ / متی ۲۷:۳۵-۴۴؛ مرقس ۱۵:۲۵-۳۲؛ یوحنا ۱۹:۱۸-۲۷)

<sup>۳۲</sup> و <sup>۳۳</sup> دو جنایتکار را بردند تا با او اعدام کنند. نام محل اعدام، «کاسه سر» بود.

۳۲:۲۳  
اش ۱۲:۵۳  
متی ۴۴-۳۳:۲۷  
مر ۳۲-۲۲:۱۵  
یو ۲۴-۱۸:۱۹  
عبر ۱۲:۱۳

گریه می‌کردند. او به آنها گفت که برای خودشان گریه کنند نه برای او. او می‌دانست که ظرف کمتر از ۴۰ سال، رومی‌ها اورشلیم و خانه خدا را نابود خواهند کرد.  
**۲۳:۲۳ و ۳۳** کاسه سر که جل‌جتا نیز نامیده می‌شد، احتمالاً تپه‌ای در بیرون اورشلیم بود که در کنار جاده‌ای اصلی قرار داشت. رومی‌ها مراسم اعدام را در معرض دید عموم اجرا می‌کردند تا درس عبرتی برای مردم باشد.  
**۲۳:۲۳ و ۳۳** وقتی یعقوب و یوحنا از عیسی خواستند تا مکانهای افتخار در سمت چپ و راستش را در ملکوت به ایشان بدهد، او به آنها گفت که نمی‌دانند چه می‌خواهند (مرقس ۱۰:۳۵-۳۹). حالا که عیسی داشت ملکوتش را با مرگ خود آغاز می‌کرد، سمت راست و چپ او را دو جنایتکار در حال مرگ اشغال کرده بودند. این نشان می‌دهد که مرگ عیسی برای همه مردم است. همان‌طور

**۲۳:۲۳ و ۲۴** پیلاطوس نمی‌خواست عیسی را به مرگ محکوم کند. او فکر می‌کرد که علمای مذهبی صرفاً به عیسی حسادت می‌کنند و می‌خواهند از دست رقیب خود خلاصی پیدا کنند. اما وقتی آنها او را تهدید کردند که موضوع رابه امپراطور گزارش خواهند کرد (یوحنا ۱۹:۱۲)، پیلاطوس به وحشت افتاد. مطابق اسناد تاریخی، پیش از مطرح شدن موضوع محاکمه عیسی، مقامات رومی درباره کشمکش در این منطقه به پیلاطوس هشدار داده بودند. کافی بود در اورشلیم در روزهای عید پسخ که شهر پر بود از یهودیانی که از سرتاسر امپراطوری گرد آمده بودند، شورش به پا شود تا پیلاطوس از مقامش عزل گردد. از اینرو او عیسی را تحویل جمعیت داد تا مطابق میل خود با او رفتار کنند.

**۲۸:۲۳-۳۱** فقط لوقا اشاره می‌کند که زنان یهودی وقتی عیسی را از خیابانهای شهر تا محل اعدام می‌بردند،



یکی از آن دو جنایتکار که در کنار عیسی مصلوب شده بود، به طعنه به او گفت: «اگر تو مسیح هستی، چرا خودت و ما را نجات نمی دهی؟»<sup>۳۹</sup>  
<sup>۴۰</sup>اما آن دیگری، او را سرزنش کرد و گفت: «حتی در حال مرگ هم از خدا نمی ترسی؟ ما حقمان است که بمیریم، چون گناهکاریم. اما از این شخص، یک خطا هم سر نزده است.»<sup>۴۱</sup> سپس رو به عیسی کرد و گفت: «ای عیسی، وقتی ملکوت خود را آغاز کردی، مرا هم بیاد آور!»<sup>۴۲</sup>  
<sup>۴۳</sup>عیسی جواب داد: «خاطر جمع باش که تو همین امروز با من در بهشت خواهی بود!»

۴۲:۲۳

عبر ۱:۸

۴۳:۲۳

قرن ۱۲: ۱۲ و ۳

مکا ۷:۲

### جان سپردن عیسی

(۲۳۶ / متی ۲۷:۴۵-۵۶ ؛ مرقس ۱۵:۳۳-۴۱ ؛ یوحنا ۱۹:۲۸-۳۷)

<sup>۴۴</sup>به هنگام ظهر، برای مدت سه ساعت، تاریکی همه جا را فرا گرفت،<sup>۴۵</sup> و نور خورشید از تابیدن باز ایستاد. آنگاه پرده ضخیمی که در جایگاه مقدس خانه خدا آویزان بود، دو تکه شد.  
<sup>۴۶</sup>سپس عیسی با صدایی بلند گفت: «ای پدر، روح خود را به دستهای تو می سپارم.» این را گفت و جان سپرد.

۴۴:۲۳

متی ۲۷:۴۵-۵۱

مر ۱۵:۳۳-۳۸

یو ۱۹:۱۴-۲۸، ۳۰

۴۵:۲۳

خرو ۳۳:۲۶

عبر ۸:۹ ؛ ۱۰:۱۹

۴۶:۲۳

مز ۵:۳۱

کردی، مرا هم به یاد آور.»<sup>۴۷</sup> ظواهر امر دال بر این بود که ملکوت به پایان رسیده است. چقدر ایمان این مرد الهام بخش است، چون تنها او جلال آتی را از ورای رسوایی زمان حال دید.

<sup>۴۸:۲۳</sup> در وسط روز، تاریکی تمام آن سرزمین را به مدت سه ساعت فرا گرفت. به نظر می رسد که تمامی طبیعت برای فاجعه مصیبت بار مرگ پسر خدا سوگواری می کند.

<sup>۴۹:۲۳</sup> این واقعه مهم مظهر کار مسیح بر روی صلیب بود. خانه خدا شامل سه قسمت بود: حیاطهایی برای تمام مردم، جایگاه مقدس که فقط کاهنان می توانستند وارد آنجا شوند، و مقدس ترین جایگاه که کاهن اعظم سالی یک بار و به تنهایی وارد آنجا می شد تا گناهان مردم را کفاره کند. در مقدس ترین جایگاه بود که صندوقچه عهد که حضور خدا بر آن ساکن بود، قرار داشت. پرده ای که دو پاره شد، همان پرده ای بود که مقدس ترین جایگاه را از نظرها مخفی می داشت. در مرگ مسیح، مانع بین خدا و انسان فرو ریخت. حالا همه مردم می توانند مستقیماً بواسطه مسیح به خدا نزدیک شوند (عبرانیان ۹:۱-۱۴ ؛ ۱۰:۱۹-۲۲).

<sup>۳۹:۲۳-۴۳</sup> این مرد پیش از مرگ، از مسیح تقاضای بخشش کرد، و مسیح او را پذیرفت. این نشان می دهد که اعمالمان ما را نجات نمی دهد، بلکه ایمان ما به مسیح نجات را نصیب ما می سازد. هیچ وقت برای بازگشت بسوی خدا دیر نیست. عیسی حتی در رنج و درد نیز به این جنایتکار که تصمیم داشت به او ایمان بیاورد، ترحم نشان داد. اگر ما زود بسوی خدا باز گردیم، زندگی مان مفیدتر و رضایت بخش تر خواهد شد، اما حتی کسانی هم که در آخرین لحظه توبه می کنند، با خدا در ملکوتش خواهند بود.

<sup>۴۲:۲۳ و ۴۳</sup> ایمان این جنایتکار که در آستانه مرگ قرار داشت، بیش از همه پیروان عیسی بود. با آنکه شاگردان همچنان عیسی را دوست داشتند، ولی امیدشان برای برقراری ملکوت از بین رفته بود. بیشتر آنها خود را مخفی کرده بودند. دو روز بعد، یکی از پیروانش با تأسف گفت: «ما با امیدی فراوان، تصور می کردیم که او همان مسیح موعود است که ظهور کرده تا قوم اسرائیل را نجات دهد» (۲۱:۲۴). برعکس شاگردان، یکی از آن جنایتکاران به این مرد که در کنار او در حال مرگ بود نگاه کرد و گفت: «وقتی ملکوت خود را آغاز

۴۷:۲۳

متی ۵۴:۵۶-۵۶

مر ۳۹:۴۱-۳۹

یو ۱۹:۲۵

۴۷ افسر رومی که مأمور اجرای حکم بود، وقتی این صحنه را دید خدا را ستایش کرد و گفت: «این مرد حقیقتاً بی گناه بود!»  
 ۴۸ کسانی که برای تماشا گرد آمده بودند، وقتی این اتفاقات را دیدند، اندوهگین و سینه‌زنان، به خانه‌های خود بازگشتند. ۴۹ در این میان، دوستان عیسی و زنانی که از جلیل بدنبال او آمده بودند، دورتر ایستاده، این وقایع را می‌نگریستند.

## تدفین عیسی

(۲۳۷/ متی ۲۷:۵۷-۶۱؛ مرقس ۱۵:۴۲-۴۷؛ یوحنا ۱۹:۳۸-۴۲)

۵۰:۲۳

متی ۲۷:۵۷-۶۱

مر ۱۵:۴۲-۴۷

لو ۲:۳۸-۲

یو ۱۹:۳۸-۴۲

۵۳:۲۳

اش ۵۳:۹

۵۰ و ۵۱ و ۵۲ آنگاه شخصی به نام یوسف، اهل رامه یهودیه، نزد پیلاتوس رفت و اجازه خواست که جسد عیسی را دفن کند. یوسف مردی خدانشناس بود و انتظار آمدن مسیح را می‌کشید. در ضمن، او یکی از اعضای شورای عالی یهود بود، اما با تصمیمات و اقدام سایر اعضای شورا موافق نبود. ۵۳ او پس از کسب اجازه، جسد عیسی را از بالای صلیب پایین آورد، آن را در کفن پیچید و در قبر تازه‌ای گذاشت که قبلاً کسی در آن گذاشته نشده بود. این قبر که شبیه یک غار کوچک بود، در دامنه تپه‌ای در داخل یک صخره، تراشیده شده بود. ۵۴ تمام کار کفن و دفن، همان عصر جمعه انجام شد. یهودیها کارهای روز تعطیل شنبه را عصر روز جمعه تدارک می‌دیدند.

۵۵:۲۳

لو ۸:۲۸

۵۶:۲۳

خرو ۲۰:۱۰؛ ۳:۳۵

لاو ۲۳:۳

تث ۵:۱۴

۵۵ زنانی که از جلیل بدنبال عیسی آمده بودند، همراه یوسف رفتند و محل قبر را دیدند و مشاهده کردند که جسد عیسی چگونه در آن گذاشته شد. ۵۶ سپس به خانه بازگشتند و دارو و عطریات تهیه کردند که به رسم آن زمان، به جسد بمالند تا زود فاسد نشود. اما وقتی دارو آماده شد، دیگر روز شنبه فرا رسیده بود. پس مطابق قانون مذهبی یهود، در آن روز به استراحت پرداختند.

۵۵:۲۳ زنان جلیلی یوسف را تا قبر همراهی کردند، و از اینرو وقتی بعد از روز شنبه با دارو و عطریات بازگشتند، دقیقاً می‌دانستند جسد عیسی کجا قرار دارد. این زنان نتوانستند کار زیادی برای عیسی بکنند؛ آنها اجازه نداشتند در مقابل شورای عالی یهود یا حاکم رومی حضور بیابند و به نفع او شهادت بدهند. با تمام این اوصاف، آنها هر کاری که می‌توانستند، برای او کردند. وقتی بیشتر شاگردان فرار کرده بودند، آنها پای صلیب ماندند و خود را آماده کردند تا بدن خدانشان را تدهین کنند. بخاطر وقف و وفاداری‌شان به عیسی، آنها اولین کسانی بودند که از قیام مسیح مطلع شدند.

۵۲:۵۰-۵۲:۲۳ یوسف رامه‌ای شخصی ثروتمند و عضو نیک‌نام شورای عالی یهود بود. او همچنین شاگرد مخفی عیسی بود (یوحنا ۱۹:۳۸). آن عده از شاگردان عیسی که علناً او را پیروی می‌کردند، پا به فرار گذاشتند، اما یوسف شجاعانه اعتقادش را علنی کرد، کاری که می‌توانست برایش گران تمام شود. او آنقدر به فکر عیسی بود که اجازه خواست که پیکرش را به او تحویل دهند تا بتواند مراسم کفن و دفن شایسته‌ای برای او ترتیب دهد.  
 ۵۳:۲۳ این قبر احتمالاً غاری مصنوعی بود که در دل یکی از تپه‌هایی از جنس سنگ آهک، در منطقه‌ای در اطراف اورشلیم، کنده شده بود. بعد از تدفین، باید سنگ بزرگی را جلو مدخل قبر می‌غلطاندند (یوحنا ۱:۲۰).

## زنده شدن عیسی

(۲۳۹) / متی ۱:۲۸-۷؛ مرقس ۱:۱۶-۸؛ یوحنا ۱:۲۰-۹

۲۴ روز یکشنبه، صبح خیلی زود، زنها دارو و عطریاتی را که تهیه کرده بودند، با خود برداشته، به سر قبر رفتند. وقتی به آنجا رسیدند، دیدند سنگ بزرگی که جلو دهانه قبر بود، به کناری غلطانیده شده است. ۳ پس وارد قبر شدند. اما جسد عیسی خداوند آنجا نبود!

۴ ایشان مات و مبهوت ایستاده، در این فکر بودند که بر سر جسد چه آمده است. ناگاه دو مرد با لباسهایی درخشان و خیره کننده، در مقابل ایشان ظاهر شدند. ۵ زنان بسیار ترسیدند و آنان را تعظیم کردند.

آن دو مرد پرسیدند: «چرا در بین مردگان به دنبال شخص زنده می گردید؟»<sup>۶</sup> عیسی اینجا نیست! او زنده شده است! بیاد آورید سخنانی را که در جلیل به شما گفت که می بایست به دست مردم گناهکار تسلیم شده، کشته شود و روز سوم برخیزد!

۱:۲۴

متی ۱:۲۸-۸

مر ۱:۱۶-۱۱

یو ۱:۲۰ و ۱۰، ۱۳-۱۳

۴:۲۴

اعما ۱:۱۰

۵:۲۴

مکا ۱۷:۱ و ۱۸

۶:۲۴

متی ۲۱:۱۶

مر ۳۱:۸

لو ۲۲:۹

۱:۲۴ همانطور که ما گل بر سر قبر می بریم که نشانه محبت و احترام مانسبت به شخص مرده است، زنان نیز دارو و عطریات به سر قبر بردند. بطور معمول، در همان موقع دفن، عطر و دارو به جسد می مالیدند نه بعد از گذشت یک روز و نیم، اما عیسی فقط چند ساعت قبل از غروب روز جمعه، یعنی زمانی که روز شنبه شرعاً شروع می شد، جان سپرد. بعد از آنکه یوسف اجازه تحویل پیکر را گرفته و آن را دفن کرده بود، دیگر فرصتی برای مالیدن دارو و عطریات باقی نمانده بود. زنان به خانه رفتند و پیش از آماده کردن دارو و عطریات و بازگشت به سر قبر، روز شنبه را که از غروب جمعه تا غروب شنبه ادامه داشت، طبق احکام مذهبی نگه داشتند.

۹-۱:۲۴ آن دو مرد از زنان پرسیدند که چرا در بین مردگان دنبال شخص زنده می گردند. اغلب ما به کسانی بر می خوریم که خدا را در بین مردگان جستجو می کنند. این قبیل افراد کتاب مقدس را صرفاً بعنوان سندی تاریخی مطالعه می کنند و به کلیسا می روند چنانکه گویی در مراسم یادبود شرکت می کنند. اما عیسی در بین مردگان نیست؛ او زنده است! او در قلب مسیحیان سلطنت می کند، و سر کلیساست. آیا شما او را در بین زندگان جستجو می کنید؟ آیا فکر می کنید که او در دنیا و در کلیسا در حال فعالیت باشد؟ نشانه های قدرت او را که همه در پیرامون شما می باشند، جستجو کنید.

۴:۲۴ از انجیل دیگر می فهمیم که این دو مرد فرشته بودند. وقتی فرشته ها بر انسانها ظاهر می شدند، به شکل انسان درمی آمدند.

۷:۲۴ فرشته ها به زنان یادآوری کردند که عیسی دقیقاً همه چیزهایی را که برایش اتفاق افتاده بود، پیشگویی کرده بود (۹:۲۲، ۳۱:۱۸؛ ۳۳-۳۱).

۷:۲۴ رستاخیز عیسی از میان مردگان حقیقت مرکزی تاریخ مسیحیت است. کلیسا روی آن بنا شد و بدون آن امروز هیچ شخص مسیحی وجود نمی داشت. رستاخیز عیسی منحصر بفرد است. سایر مذاهب نظام اخلاقی محکم، مطالبی درباره بهشت، و کتب مقدسه متعددی دارند. اما فقط مسیحیت خدایی دارد که انسان شد، حقیقتاً برای پیروانش مرد، و در قدرت و جلال دوباره زنده گردید تا برای همیشه بر کلیسایش سلطنت کند. چرا رستاخیز مسیح تا این حد مهم است؟ (۱) ما می دانیم که ملکوت آسمان وارد تاریخ بشری شده است چون مسیح از میان مردگان برخیزانیده شد. حالا دنیای ما بسوی رهایی می رود، نه بدیختی. قدرت عظیم خدا برای نابودی گناه، خلق زندگی های تازه، و آماده کردن ما برای بازگشت عیسی، در کار است. (۲) در نتیجه رستاخیز مسیح، می دانیم که مرگ مغلوب شده است، و ما هم بعد از مرگ زنده خواهیم شد تا برای همیشه با مسیح زندگی کنیم. (۳) رستاخیز مسیح به شهادت کلیسا در دنیا قدرت و اقتدار می دهد. به موعظه های بشارتی اولیه در کتاب اعمال توجه کنید: مهم ترین پیغام رسولان اعلام این حقیقت بود که عیسی مسیح از میان مردگان رستاخیز کرده است! (۴) قیام مسیح به ضیافت دائمی کلیسا، یعنی شام خداوند، معنا و مفهوم می بخشد. ما مانند شاگردان در

۸ آنگاه زنان گفته‌های عیسی را بیاد آوردند. ۹ پس با عجله به اورشلیم باز گشتند تا آن یازده شاگرد و سایرین را از این وقایع آگاه سازند.

۱۰ زنانی که به سر قبر رفته بودند، عبارت بودند از مریم مجدلیه، یونا، مریم مادر یعقوب و چند زن دیگر. ۱۱ ولی شاگردان گفته‌های زنان را افسانه پنداشتند و نمی‌توانستند باور کنند.

۱۲ اما پطرس بسوی قبر دوید تا ببیند چه اتفاقی افتاده است. وقتی به آنجا رسید، خم شد و با دقت به داخل قبر نگاه کرد. فقط کفن خالی آنجا بود! او حیران و متعجب به خانه باز گشت.

### ظهور عیسی به دو ایماندار

(مرقس ۱۶: ۱۲ و ۱۳)

۱۳ در همان روز یکشنبه، دو نفر از پیروان عیسی به دهکده «عموآس» می‌رفتند که با اورشلیم حدود ده کیلومتر فاصله داشت. ۱۴ و ۱۵ در راه درباره وقایع چند روز گذشته گفتگو می‌کردند، که ناگهان خود عیسی از راه رسید و با آنان همراه شد. ۱۶ اما خدا نگذاشت که در آن لحظه او را بشناسند.

۸:۲۴  
یو ۲۲:۲

۱۰:۲۴  
متی ۵۶:۲۷  
لو ۳:۸

۱۱:۲۴  
مر ۱۱:۱۶

۱۲:۲۴  
لو ۳۴:۲۴  
یو ۱۰-۲:۲۰

۱۵:۲۴  
متی ۲۰:۱۸

۱۶:۲۴  
یو ۱۴:۲۰ ؛ ۴:۲۱

مانند پطرس حقایق را مورد بررسی قرار دهند و از صحت آنها مطمئن شوند، اما باز از آنچه روی داده است، در حیرت باشند. (۳) فقط وقتی شخصاً با عیسی روبرو می‌شوند، می‌توانند حقیقت قیام را بپذیرند. (۴) بعد، وقتی خود را تسلیم می‌کنند و زندگی‌شان را وقف خدمت به عیسی می‌نمایند، کم‌کم بطور کامل واقعیت حضور عیسی با ایشان را درک می‌کنند.

۱۲:۲۴ از یوحنا ۳:۲۰ و ۴ درمی‌یابیم که یوحنا نیز با پطرس بسوی قبر دوید.

۱۳:۲۴ این دو شاگرد که به عموآس باز می‌گشتند، اهمیت بزرگترین واقعه تاریخ را نمی‌دیدند، چون توجه‌شان شدیداً معطوف به ناگامی‌ها و مشکلاتشان بودند. آنها بقدری غرق این افکار بودند که نفهمیدند کسی که در کنارشان با ایشان راه می‌رود، خود عیسی است. آنها برای اینکه بتوانند به نحوی با مشکل سازش کنند، در مسیر غلطی راه می‌پیموندند، در جهتی دور از جمعیت ایمانداران در اورشلیم. ما هم اگر مشغول امیدهای بربادرفته و نقشه‌های عقیم مانده‌مان بشویم، محتمل است که عیسی را از دست بدهیم و خود را از قوتی که در سایر ایمانداران وجود دارد، کنار بکشیم. فقط زمانی قدرتی را که او به ما می‌دهد و کمکی را که به ما می‌کند تجربه خواهیم کرد که عیسی را در چنین مواقعی جستجو کنیم.

راه عموآس، با خداوند قیام کرده‌مان که در قدرت خواهد آمد تا ما را نجات دهد، نان می‌خوریم. (۵) قیام مسیح به ما کمک می‌کند که حتی در مصیبت‌های بزرگ هم هدف را گم نکنیم. وقتی با خداوند راه می‌رویم مهم نیست چه اتفاقی برای ما می‌افتد چون قیام او امید به آینده را به ما می‌دهد. (۶) قیام مسیح ما را مطمئن می‌سازد که او زنده است و سلطنت می‌کند. او اسطوره نیست. او زنده و واقعی است. (۷) قدرت خدا که عیسی را زنده کرد، در اختیار ما هم گذاشته می‌شود تا بتوانیم در دنیایی شریر برای او زندگی کنیم.

مسیحیان ممکن است بسیار متفاوت از یکدیگر بنظر برسند؛ آنها می‌توانند عقاید کاملاً متفاوتی درباره سیاست، شیوه زندگی، و حتی الهیات داشته باشند. اما یک عقیده اساسی همه مسیحیان واقعی را با هم متحد می‌سازد و آن این است که عیسی مسیح از مردگان برخاست! (برای اینکه بیشتر پی به اهمیت قیام مسیح ببرید، به اقرنیتیان ۱۵: ۱۲-۵۸ مراجعه کنید).

۱۲:۱۱ و ۱۲ کسانی که واقعه قیام مسیح را می‌شنوند، احتیاج به وقت دارند تا بتوانند این داستان عجیب را درک کنند. این قبیل اشخاص، مانند شاگردان ممکن است چهار مرحله فکری را پشت سر بگذارند: (۱) اول، ممکن است آن را افسانه‌ای غیر قابل باور ببینند. (۲) ممکن است

۱۷ عیسی پرسید: «گویا سخت مشغول بحث هستید! موضوع گفتگویتان چیست؟»

آن دو، ایستادند. آثار غم و اندوه از چهره‌شان نمایان بود. ۱۸ یکی از آن دو که «کلثوپاس» نام داشت، جواب داد: «تو در این شهر باید تنها کسی باشی که از وقایع چند روز اخیر بی‌خبر مانده‌ای!»

۱۹ عیسی پرسید: «کدام وقایع؟»

گفتند: «وقایعی که برای عیسی ناصری اتفاق افتاد! او نبی و معلم توانایی بود؛ اعمال و معجزه‌های خارق‌العاده‌ای انجام می‌داد و مورد توجه خدا و انسان بود. ۲۰ اما کاهنان اعظم و سران مذهبی ما او را گرفتند و تحویل دادند تا او را به مرگ محکوم ساخته، مصلوب کنند. ۲۱ ولی ما با امیدی فراوان، تصور می‌کردیم که او همان مسیح موعود است که ظهور کرده تا قوم اسرائیل را نجات دهد. علاوه بر اینها، حالا که دو روز از این ماجراها می‌گذرد، ۲۲ و ۲۳ چند زن از جمع ما، با سخنان خود ما را به حیرت انداختند؛ زیرا آنان امروز صبح زود به سر قبر رفتند و وقتی باز گشتند، گفتند که جسد او را پیدا نکرده‌اند، اما فرشتگانی را دیده‌اند که گفته‌اند عیسی زنده شده است! ۲۴ پس چند نفر از مردان ما به سر قبر رفتند و دیدند که هر چه زنان گفته بودند، عین واقعیت بوده است، اما عیسی را ندیدند.»

۱۸:۲۴

یو ۲۵:۱۹

۱۹:۲۴

اعما ۲۲:۲

۲۰:۲۴

لو ۱۳:۲۳

اعما ۲۷:۱۳

۲۱:۲۴

لو ۲۸:۱

اعما ۶:۱

و شاهد، مردم بسیاری هنوز از ایمان آوردن امتناع می‌ورزند. چه چیز دیگری لازم است تا آنها ایمان بیاورند؟ برای این دست از شاگردان، حضور عیسی زنده لازم بود تا ایمان بیاورند، عیسی که دم حیات در اوست. امروز برای مردم بسیاری حضور مسیحیان زنده لازم است تا ایمان بیاورند، مسیحیانی که دم حیات در آنهاست.

۱۸:۲۴ خبر مصلوب شدن عیسی در سرتاسر اورشلیم پخش شده بود. بخاطر هفته عید پسخ، زائران یهودی که از تمامی قسمتهای امپراطوری روم به اورشلیم آمده بودند، از خبر مرگ عیسی اطلاع داشتند. این، واقعه‌ای کوچک و کم‌اهمیت نبود که فقط شاگردان را تحت تأثیر گذاشته باشد، بلکه توجه همه به آن جلب شده بود.

۱۸:۲۴ شاگردانی که اهل عموآس بودند، روی عیسی برای نجات اسرائیل حساب می‌کردند. بیشتر یهودیان معتقد بودند که پیشگویی‌های عهدعتیق به مسیحی نظامی و سیاسی اشاره دارند؛ آنها تشخیص نمی‌دادند که مسیح برای نجات روح مردم آمده است. بنابراین، وقتی عیسی مرد، آنها همه امیدشان را از دست دادند. آنها نفهمیدند که مرگ عیسی بزرگترین امید ممکن را در اختیار آنها گذاشته است.

۲۴:۲۴ این مردان می‌دانستند که قبر خالی است، اما باز نفهمیده بودند که عیسی قیام کرده است، و شدیداً غمگین بودند. علیرغم مدرک عینی و شهادت زنان، و پیشگویی‌های کتاب مقدس درباره این واقعه، آنها ایمان نیاورده بودند. امروز هنوز هم واقعه قیام مردم را متعجب می‌سازد. علیرغم دو هزار سال مدرک



#### در راه عموآس

بعد از مرگ عیسی، دو تن از پیروانش به عموآس باز می‌گشتند که غریبه‌ای با آنها همراه شد. بعد از صرف شام در عموآس، عیسی خود را به این دو آشکار کرد و بعد ناپدید شد. آنها فوراً به اورشلیم باز گشتند تا این خبر خوش را به شاگردان بدهند که عیسی زنده است!

۲۵:۲۴

اقرن ۴:۱۵ و ۱۵

۲۶:۲۴

متی ۲۴:۲۶؛ لو ۲۴:۷-۲۴

یو ۲۳:۱۲ و ۲۴

اعما ۱۷:۳؛ عبر ۲:۱۰

۲۷:۲۴

پیدا ۱۵:۳؛ خو ۶:۳

اعد ۲۱:۸؛ تث ۱۵:۱۸

۲ سمو ۷:۱۲-۱۴؛ یو ۱۹:۲۵

مر ۲:۲-۶؛ ۹-۱۶؛ ۸-۱۱

۲۲-۱:۲۲؛ ۱۱:۱۰ و ۴:۲

امت ۲۲:۸-۳۱

اش ۲:۴؛ ۱۵:۶؛ ۱۴:۷

۱:۹ و ۲:۱۰-۱۱؛ ۱۱:۱۰

۱۳:۱۰؛ ۵:۲؛ ۱۱-۳:۴۰

۲:۱۰-۱۵:۳؛ ۱۲:۶

ار ۲۳:۵ و ۶:۳۰

جز ۲۳:۳۴ و ۲۴:۳۷ و ۲۵

دان ۳۴:۲ و ۳۵:۱۳

۲۶ و ۲۵:۹

هو ۱:۱۱؛ میکا ۲:۵

ز کر ۹:۸؛ ۱۳:۲۶ و ۱۳

۹:۹؛ ۱۱:۱۱ و ۱۳

۷:۱۰؛ ۱۳:۱۰

ملا ۱:۳؛ ۵:۲؛ ۴

۳۴:۲۴

اقرن ۵:۱۱

۲۵ آنگاه عیسی به ایشان فرمود: «چقدر شما نادان هستید! چرا اینقدر برایتان

دشوار است که به سخنان انبیاء ایمان بیاورید؟<sup>۲۶</sup> آیا ایشان بروشنی پیشگویی نکرده‌اند که مسیح پیش از آنکه به عزت و جلال خود برسد، می‌بایست تمام این زحمات را ببیند؟»<sup>۲۷</sup> سپس تمام پیشگویی‌هایی را که درباره خودش در تورات موسی و کتابهای سایر انبیاء آمده بود، برای آنان شرح داد.

۲۸ در این هنگام به دهکده عموآس و پایان سفرشان رسیدند و عیسی خواست که به راه خود ادامه دهد.<sup>۲۹</sup> اما چون هوا کم‌کم تاریک می‌شد، آن دو مرد با اصرار خواهش کردند که شب را نزد ایشان بماند. پس عیسی به خانه ایشان رفت.<sup>۳۰</sup> وقتی بر سر سفره نشستند، عیسی نان را برداشت و شکرگزاری نموده، به هر یک تکه‌ای داد.<sup>۳۱</sup> ناگهان چشمانشان باز شد و او را شناختند! همان لحظه عیسی ناپدید شد.

۳۲ آن دو به یکدیگر گفتند: «دیدی وقتی در راه، مطالب کتاب آسمانی را برای ما شرح می‌داد، چگونه دلمان به تپش افتاده بود و به هیجان آمده بودیم؟»<sup>۳۳</sup> پس بی‌درنگ به اورشلیم بازگشتند و نزد یازده شاگرد عیسی رفتند که با سایر پیروان او گرد آمده بودند،<sup>۳۴</sup> و می‌گفتند: «خداوند حقیقتاً زنده شده

دست یابیم. اگر ما هم مانند این دو شاگرد نمی‌فهمیم کتاب‌مقدس چه می‌گوید، می‌توانیم از ایماندارانی که کتاب‌مقدس را خوب می‌دانند و این دانش را دارند که آن را به موقعیت ما مربوط سازند، کمک بگیریم.

۲۷:۲۴ عیسی این شاگردان را بار دیگر با عهدعتیق آشنا کرد. او از نسل وعده داده شده در پیدایش، خادم رنج‌دیده در اشعیا و کسی که در زکریا درباره سوراخ شدن دستها و پاهایش سخن می‌گوید، تا شخص وعده داده‌شده در ملاکی، برای آنها عهدعتیق را تشریح کرد. مسیح رشته اصلی و موضوع مرکزی همه کتب مقدسه است و آنها را به هم می‌پیوندد. از تدارکات سنجیده خدا و جزئیات همه کوششهای او برای مهیا کردن نجات برای ما، می‌توانیم بفهمیم که او ما را دوست دارد. بعضی از قسمت‌های مهم کتاب‌مقدس که احتمالاً عیسی در راه عموآس به آنها اشاره کرده است، اینها هستند: پیدایش ۳، ۱۲؛ مزمور ۲۲، ۶۹، ۱۱۰؛ اشعیا ۵۳؛ ارمیا ۳۱؛ زکریا ۹، ۱۳؛ ملاکی ۳. برای دستیابی به آیات بیشتر، به آیاتی که در حاشیه متن آمده است، مراجعه کنید.

۲۴:۲۴ و ۳۴ پولس اشاره می‌کند که عیسی به پطرس به تنهایی نیز ظاهر شد (اقرنتیان ۵:۱۵). شرح این واقعه در انجیل نیامده است. عیسی توجه خاصی به پطرس نشان داد

۲۵:۲۴ چرا عیسی این مردان را نادان خطاب کرد؟ چون با آنکه آنها از پیشگویی‌های کتاب‌مقدس مطلع بودند، نفهمیدند که رنج و عذاب مسیح راهی است که به جلال منتهی می‌شود. آنها نمی‌توانستند بفهمند که چرا خدا برای نجات عیسی از صلیب مداخله نکرد. آنها بقدری مجذوب بدست گرفتن قدرت سیاسی و نظامی بودند که برای معیارهای ملکوت خدا که با معیارهای ایشان متفاوت بود، آمادگی نداشتند، معیارهایی که می‌گفت آخرین اولین خواهد شد، و زندگی از راه مرگ بوجود می‌آید. ارزشها و معیارهای دنیا تغییر نکرده است. امروز مفهوم خادم رنج‌دیده پرطرفدارتر از دوهزار سال پیش نیست. اما ما نه تنها شهادت پیشگویی‌های عهدعتیق را داریم، بلکه شهادت رسولان عهدجدید، و تاریخ کلیسای مسیح را نیز که تماماً به پیروزی عیسی بر مرگ اشاره دارد، در اختیار داریم. آیا ما از مرز معیارهای فرهنگی مان خواهیم گذشت و ایمانمان را روی عیسی بنا خواهیم کرد؟ یا باز هم از روی حماقت با انجیل او مخالفت خواهیم کرد؟

۲۴:۲۵-۲۷ وقتی آن دو مرد حیرت و تعجب خود را برای عیسی ابراز کردند، او با رجوع به کتب‌مقدسه و مربوط ساختن آن به خدمت خود، به آنها پاسخ داد. ما هم وقتی با سؤالات یا مشکلات دچار سردرگمی می‌شویم، می‌توانیم به کتب‌مقدسه رجوع کنیم و به کمک موقتی

است! پطرس نیز او را دیده است!»<sup>۳۵</sup> آنگاه آن دو نفر نیز ماجرای خود را تعریف کردند و گفتند که چگونه عیسی در بین راه به ایشان ظاهر شد و به چه ترتیب سر سفره، هنگام پاره کردن نان، او را شناختند.

### ظهور عیسی بر شاگردان از میان درهای بسته

(یوحنا ۲۰:۱۹-۲۳)

<sup>۳۶</sup> در همانحال که گرم گفتگو بودند، ناگهان عیسی در میانشان ایستاد و سلام کرد. <sup>۳۷</sup> اما همه وحشت کردند، چون تصور کردند که روح می‌بینند!

<sup>۳۸</sup> عیسی فرمود: «چرا وحشت کرده‌اید؟ چرا شک دارید و نمی‌خواهید باور کنید که خودم هستم!»<sup>۳۹</sup> به جای میخها در دستها و پایهای نگاه کنید! می‌بینید که واقعاً خودم هستم. به من دست بزنید تا خاطر جمع شوید که من روح نیستم. چون روح بدن ندارد، اما همینطور که می‌بینید، من دارم.»<sup>۴۰</sup> در همانحال که سخن می‌گفت، دستها و پایهای خود را به ایشان نشان داد.<sup>۴۱</sup> آنان شاد و حیرت‌زده بودند و نمی‌توانستند آنچه را که می‌دیدند، باور کنند.

عیسی از ایشان پرسید: «آیا در اینجا چیزی برای خوردن دارید؟»<sup>۴۲</sup> آنها مقداری ماهی پخته به او دادند.<sup>۴۳</sup> او نیز در برابر چشمان شگفت‌زده ایشان، آن را خورد.

۳۶:۲۴  
مر ۱۴:۱۶  
یو ۲۰:۱۹، ۲۰

### ظهور عیسی به شاگردان در اورشلیم

(۲۴۹)

<sup>۴۴</sup> آنگاه به ایشان فرمود: «آیا به یاد دارید که پیش از مرگم، وقتی با شما بودم، می‌گفتم که هر چه در تورات موسی و کتابهای انبیاء و زبور داود، درباره من

۴۴:۲۴  
لو ۲۷:۲۴

۴۴:۲۴ قطعاً بین آیه ۴۳ و ۴۴ چندین روز فاصله بوده است، چون عیسی و پیروانش به جلیل رفتند و قبل از صعود عیسی به آسمان، دوباره به اورشلیم باز گشتند (متی ۱۶:۲۸؛ یوحنا ۲۱). لوقا در کتاب دومش یعنی کتاب اعمال روشن می‌سازد که عیسی در فاصله بین قیام و صعودش ۴۰ روز را با شاگردانش گذراند.

۴۶:۴۴:۲۴ وقتی می‌خواستند به کل کتب مقدسه اشاره کنند می‌گفتند: «تورات موسی و کتابهای انبیا و زبور داود.» به عبارت دیگر، کل عهدعتیق به مسیح موعود اشاره می‌کند. مثلاً در مزمور ۲۲ و اشعیا ۵۳ درباره رنج‌های او، و در مزمور ۹:۱۶-۱۱ و اشعیا ۵۳:۱۰ و ۱۱ درباره قیام مسیح پیشگویی شده است.

چون پطرس بعد از انکار خداوندش، احساس می‌کرد کاملاً نالایق است. اما پطرس توبه کرد، و عیسی او را ملاقات نمود و او را بخشید. مدتی بعد، خدا پطرس را در بنای کلیسای مسیح بکار برد (به نیمه اول کتاب اعمال مراجعه کنید).

۳۶:۲۴ بدن عیسی خیال یا روح نبود؛ شاگردان او را لمس کردند و با او غذا خوردند. از طرف دیگر، بدن او، بدن انسانی مانند بدن ایلعازر که دوباره زنده شد، نبود (یوحنا فصل ۱۱)؛ او می‌توانست ناپدید شده، دوباره ظاهر شود. بدن قیام کرده عیسی حتی واقعی‌تر از قبل بود. بدن او حالا جاودانی شده بود. این بدن از همان نوع بدنی است که ما بعد از رستاخیز مردگان خواهیم داشت (به اقرنتیان ۴۲:۱۵-۵۰ مراجعه کنید).

نوشته شده است، همه باید عملی شود؟ حال، با آنچه که برای من اتفاق افتاد، همه آنها عملی شد!»<sup>۴۵</sup> آنگاه ذهنشان را باز کرد تا همه پیشگویی‌های کتاب آسمانی را درک کنند.

<sup>۴۶</sup> سپس فرمود: «بلی، از زمانهای دور، در کتابهای انبیاء نوشته شده بود که مسیح موعود باید رنج و زحمت ببیند، جانش را فدا کند و روز سوم زنده شود؛<sup>۴۷</sup> و این است پیغام نجات‌بخشی که باید از اورشلیم به همه قومها برسد: "همه کسانی که از گناهانشان توبه کنند و بسوی من باز گردند، آمرزیده خواهند شد."<sup>۴۸</sup> شما دیده‌اید و شاهد هستید که همه این پیشگویی‌ها واقع شده است.

<sup>۴۹</sup> «اینک من روح‌القدس را که پدرم به شما وعده داده است، بر شما خواهم فرستاد. از اینرو پیش از آنکه این پیغام نجاتبخش را به دیگران اعلام کنید، در اورشلیم بمانید تا روح‌القدس بیاید و شما را با قدرت الهی از عالم بالا، مجهز کند.»

### صعود عیسی به آسمان

(مرقس ۱۶: ۱۹ و ۲۰)

<sup>۵۰</sup> آنگاه عیسی ایشان را با خود تا نزدیکی «بیت‌عنیا» برد. در آنجا دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرد و ایشان را برکت داد،<sup>۵۱</sup> و در همان حال از روی زمین جدا شد و بسوی آسمان بالا رفت.<sup>۵۲</sup> شاگردان او را پرستش کردند و با

۴۷:۲۴

اعما ۲: ۳۸، ۵: ۳۱، ۱۰: ۴۳؛  
یول ۱۳: ۳۸؛ ۲۶: ۱۸

۴۸:۲۴

یو ۱۵: ۲۷

۴۹:۲۴

اش ۳: ۴۴  
یول ۲: ۲۸  
اعما ۲: ۴-۱

۵۱:۲۴

مر ۱۶: ۱۹ و ۲۰  
افس ۱: ۲۰؛ ۴: ۸

عیسی را نگاه می‌کردند، او کم‌کم بسوی آسمان بالا رفت، و کمی بعد از نظر ناپدید شد. دیدن این منظره که عیسی داشت آنها را ترک می‌کرد می‌بایست ترسناک بوده باشد، اما آنها می‌دانستند که او به وعده‌اش عمل خواهد کرد و در روح با آنها خواهد بود. همین عیسایی که با شاگردان زندگی کرد و مرد و زنده شد، ما را دوست دارد و به ما وعده می‌دهد که همیشه با ما باشد. با مطالعه کتاب‌مقدس، دعا، و شبیه او شدن به کمک روح‌القدس، می‌توانیم به شناخت بیشتر او دست یابیم.

<sup>۵۱:۲۴</sup> با بازگشتن عیسی به آسمان، وجود فیزیکی او از بین شاگردان رفت (اعمال ۱: ۹)، اما مدتی بعد روح‌القدس آمد تا آنها را تسلی دهد و به ایشان قدرت بخشد تا خبر خوش نجات را به همه برسانند (اعمال ۲: ۴-۱۴). امروز کار نجات عیسی تمام شده است؛ او حالا دیگر در دست راست خدا نشسته و از آنجا بر آسمان و زمین قدرت و اختیار دارد.

<sup>۴۵:۲۴</sup> عیسی ذهن آنها را باز کرد تا پیشگویی‌های کتاب‌مقدس را درک کنند. امروز وقتی کتاب‌مقدس را مطالعه می‌کنیم، روح‌القدس این کار را در زندگی ما انجام می‌دهد. آیا تا بحال شده که ندانید چطور قسمت مشکلی از کتاب‌مقدس را درک کنید؟ در این مواقع، علاوه بر خواندن بخشهای قبل و بعد از آن قسمت، سؤال کردن از دیگران و استفاده از نظریات کتابهای مرجع، دعا کنید که روح‌القدس ذهن شما را باز کند تا آن قسمت را درک کنید، و فهم لازم را برای اجرای کلام خدا به شما بدهد.

<sup>۴۷:۲۴</sup> لوقا انجیلش را به دنیای یونانی زبان نوشت. او می‌خواست آنها بدانند که پیغام محبت و بخشش مسیح باید به تمام دنیا برسد. ما نباید هرگز حوزه جهانی انجیل مسیح را نادیده بگیریم. خدا می‌خواهد که همه مردم دنیا خیر خوش نجات را بشنوند.

<sup>۵۳-۵۰:۲۴</sup> همان طور که شاگردان ایستاده بودند و

شادی بسیار به اورشلیم بازگشتند،<sup>۵۳</sup> و به خانه خدا رفتند. آنان همواره در آنجا مانده، خدا را شکر و ستایش می کردند.

۵۳:۲۴  
اعما ۲: ۴۶؛ ۵: ۴۲

لوقا می خواست به آنها کمک کند تا درک کنند که عیسی هم خدا و هم انسان بود و دنیای غیرمادی و دنیای مادی را با هم یکی کرد. برای همین، او با تأکید اظهار می دارد که عیسی روح نبود بلکه انسانی واقعی بود. برای او سلامت جسم به اندازه سلامت روح انسان مهم بود. به همین دلیل، او مردم را شفا می داد و به دردهایشان می رسید.

ما ایمانداران نیز که مطابق نقشه خدا زندگی می کنیم، باید خدا را در همه جزئیات اطاعت کنیم و انسانها را بسوی سلامت جسم و روح و نجات الهی راهنمایی کنیم. اگر می خواهیم بدانیم چطور کامل و بی عیب زندگی کنیم، می توانیم به عیسی بنگریم؛ او بهترین نمونه ماست.

۵۳:۲۴ انجیل لوقا عیسی را بعنوان نمونه کاملی از کسی تصویر می کند که زندگی اش مطابق نقشه خدا بود؛ او در کودکی در خانه خدا با علمای دین بود، در جوانی بدون گناه زندگی کرد، در بزرگسالی خدا و دیگران را خدمت نمود، و در مرگش رنج کشید بدون آنکه شکایتی بکند. تأکید بر این جنبه، برای مخاطبین یونانی لوقا بسیار مناسب بود، چون آنها ارزش زیادی قائل بودند برای کسانی که زندگی شان سرمشق دیگران است و خود را به درجات کمال رسانده اند. یونانیها اغلب در مورد معنای کمال به بحث و گفتگو می پرداختند. اما ایشان در درک اهمیت روحانی دنیای مادی مشکل داشتند. از نظر آنها دنیای غیرمادی همیشه بسیار مهم تر از دنیای مادی بود. اما